

نام کتاب: دانش

تنیهای کریمه اهل بیت (ع)/

نویسنده: مرکز تحقیقات قائمیه
اصفهان.

زندگینامه

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در روز اول ذیقعه سال 173 هجری، در شهر مدینه چشم به جهان گشود. این بانوی بزرگوار، از همان آغاز، در محیطی پرورش یافت که پدر و مادر و فرزندان، همه به فضایل اخلاقی آراسته بودند. عبادت و زهد، پارسایی و تقوا، راستگویی و بردباری، استقامت در برابر ناملایمات، بخشندگی و پاکدامنی و نیز یاد خدا، از صفات برجسته این خاندان پاک سیرت و نیکو سرشت به شمار می رفت. پدران این خاندان، همه برگزیدگان و پیشوایان هدایت، گوهرهای تابناک امامت و سکان داران کشتی انسانیت بودند.

سرچشمه دانش

حضرت معصومه سلام الله علیها در خاندانی که سرچشمه علم و تقوا و فضایل اخلاقی بود، پرورش یافت. پس از آنکه پدر بزرگوار آن بانوی گرامی به شهادت رسید، فرزند ارجمند آن امام، یعنی حضرت رضا علیه السلام عهده دار امر تعلیم و تربیت خواهران و برادران خود شد و مخارج آنان را نیز بر عهده گرفت. در اثر توجهات زیاد آن حضرت، هر یک از فرزندان امام کاظم علیه السلام به مقامی والا دست یافتند و زبانزد همگان گشتند. ابن صباغ ملکی در این باره میگوید: «هر یک از فرزندان ابی الحسن موسی معروف به کاظم، فضیلتی مشهور دارد». بدون تردید بعد از حضرت رضا علیه السلام در میان فرزندان

امام کاظم (ع)، حضرت معصومه سلام الله علیها از نظر علمی و اخلاقی، والامقام ترین آنان است. این حقیقت از اسامی، لقب ها، تعریف ها و توصیفات که ائمه اطهار علیه السلام از ایشان نموده اند، آشکار است و این حقیقت روشن می سازد که ایشان نیز چون حضرت زینب سلام الله علیها «عالمه غیر معلمه» بوده است. مظهر فضایل

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها مظهر فضایل و مقامات است. روایات معصومان علیه السلام فضیلت ها و مقامات بلندی را به آن حضرت نسبت می دهد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «آگاه باشید که برای خدا حرمی است و آن مکه است؛ و برای پیامبر خدا حرمی است و آن مدینه است. و برای امیرمؤمنان حرمی است و آن کوفه است. بدانید که حرم من و فرزندانم بعد از من، قم است. آگاه باشید که قم، کوفه کوچک ماست، بدانید بهشت هشت دروازه دارد که سه تای آن ها به سوی قم است. بانویی از فرزندان من به نام فاطمه، دختر موسی، در آن جا رحلت می کند که با شفاعت او، همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند.»

مقام علمی حضرت معصومه (س)

حضرت معصومه سلام الله علیها از جمله بانوان گرانقدر و والا مقام جهان تشیع است و مقام علمی بلندی دارد. نقل شده که روزی جمعی از شیعیان، به قصد دیدار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و پرسیدن پرسش هایی از ایشان، به مدینه منوره مشرف شدند. چون امام کاظم علیه السلام در مسافرت بود، پرسش های خود را به حضرت معصومه سلام الله علیها که در آن هنگام کودکی خردسال بیش نبود، تحویل دادند. فردای آن روز برای بار دیگر به منزل امام رفتند، ولی هنوز ایشان از سفر برنگشته بود. پس به ناچار، پرسش های خود را باز خواستند تا در مسافرت بعدی به خدمت امام برسند، غافل از این که حضرت معصومه سلام الله علیها جواب پرسش ها را نگاشته است. وقتی پاسخ ها را ملاحظه کردند، بسیار خوشحال شدند و پس از سپاسگزاری فراوان، شهر مدینه را ترک گفتند. از قضای روزگار در بین راه با امام موسی بن جعفر علیه السلام مواجه شده، ماجرای خویش را باز گفتند. وقتی امام پاسخ پرسش ها را مطالعه کردند، سه بار فرمود: پدرش فدایش.

فضیلت زیارت

دعا و زیارت، پر و بال گشودن از گوشه تنهایی، تا اوج با خدا بودن است. دعا و زیارت، جامی است زلال از معنویت ناب درکام عطشناک زندگی؛ و زیارت حرم معصومه (س)، بارقه امیدی در فضای غبارآلود زمانه، فریاد روح مهجور در هنگامه غفلت

و بی خبری، و نسیمی فرحناک و برخاسته از باغستان های بهشت است. زیارت مرقد فاطمه معصومه (س)، به انسان اعتماد به نفس می دهد، و او را از غرق شدن در گرداب نومیدی باز می دارد و به تلاش بیشتر دعوت می کند. زیارت مزار با صفای کریمه اهل بیت (س)، سبب می شود که زائر حرم، خود را نیازمند پروردگار ببیند، در برابر او خضوع کند، از مرکب غرور و تکبر - که سرچشمه تمامی بدبختی ها و سیه روزی هاست - فرو آید و حضرت معصومه سلام الله علیها را واسطه درگاه پروردگار عالمیان قرار دهد. بر همین اساس است که برای زیارت آن حضرت، پاداش بسیار بزرگی وعده داده شده و آن، ورود به بهشت است. در این باره از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر کس عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست».

برگزیدن شهر قم

پس از آنکه حضرت معصومه علیه السلام به شهر ساوه رسید، بیمار شد. چون توان رفتن به خراسان را در خود ندید، تصمیم گرفت به قم برود. یکی از نویسندگان در این باره که چرا حضرت معصومه سلام الله علیها شهر قم را برگزید، می نویسد: بی تردید می توان گفت که آن بانوی بزرگ، روی ملهم و آینده نگر داشت و با توجه به آینده قم و محوریته که بعدها برای این سرزمین پیش می آید - محوریته که آرامگاه ایشان مرکز آن خواهد بود - بدین دیار روی آورد. این جریان به خوبی روشن می کند که آن بانوی الهی، به آینده اسلام و موقعیت این سرزمین توجه داشته و خود را با شتاب بدین سر زمین رسانده و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه ریزی کرده است.

زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از منظر روایات

درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها روایات فراوانی از پیشوایان معصوم رسیده است. از جمله، هنگامی که یکی از محدثان برجسته قم، به نام «سعد بن سعد» به محضر مقدس امام رضا سلام الله علیها شرفیاب می شود، امام هشتم خطاب به ایشان می فرماید: «ای سعد! از ما در نزد شما قبری است». سعد می گوید: فدایت شوم! آیا قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر سلام الله علیها را می فرمایید؟ می فرماید: «آری، هر کس او را زیارت کند، در حالی که به حق او آگاه باشد، بهشت از آن اوست.»

پیشوای جهان تشیع امام جعفر صادق سلام الله علیها نیز در این باره می فرماید: «هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب گردد». و در حدیث دیگری آمده است: «زیارت او، هم سنگ بهشت است.»

زیارت ماثور درباره حضرت معصومه (ع)

یکی از ویژگیهای حضرت معصومه (س)، ورود زیارتنامه ای از سوی معصومان سلام الله علیها درباره ایشان است که پس از حضرت فاطمه زهرا (س)، او تنها بانوی بزرگواری است که زیارت ماثور دارد. بانوان برجسته ای چون: آمنه بنت وهب، فاطمه بنت اسد، خدیجه بنت خویلد، فاطمه ام البنین، زینب کبری، حکیمه خاتون و نرجس خاتون که هیچ شک و تردیدی در مقام بلند و جایگاه رفیع آن ها نیست. هیچ کدام زیارت ماثور از سوی معصومان سلام الله علیها ندارند و این نشان دهنده مقام والای این بانوی گرانقدر اسلام است. باشد که شیعیان و پیروان اهل

بیت عصمت و طهارت سلام الله عليها به ویژه بانوان، این مقام بزرگ و عالی را پاس بدارند و همواره الگو و مظهر عفاف و تقوا و حیا باشند. تنها در این صورت است که روح با عظمت این بانوی بزرگ از همه ما خشنود خواهد شد.

امام رضا علیه السلام و لقب «معصومه»

حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها بانویی بهشتی، غرق در عبادت و نیایش، پیراسته از زشتی ها و شب‌نم معطر آفرینش است. شاید یکی از دلایل «معصومه» نامیدن این بانو، آن باشد که عصمت مادرش حضرت زهرا سلام الله عليها در او تجلی یافته است. بر اساس پاره ای از روایات، این لقب از سوی امام رضا علیه السلام به این بانوی والامقام اسلام وارد شده است؛ چنان که فقیه بلند اندیش و سپید سیرت شیعه، علامه مجلسی علیه السلام در اینباره میگوید: امام رضا علیه السلام در جایی فرمود: «هرکس معصومه را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مرا زیارت کرده است».

کریمه اهل بیت

حضرت معصومه سلام الله عليها در زبان دانشمندان و فقیهان گران قدر شیعه، به لقب «کریمه اهل بیت» یاد می شود. از میان بانوان اهل بیت، این نام زیبا تنها به آن حضرت اختصاص یافته است. بر اساس رویای صادق و صحیح نسب شناس گرانقدر، مرحوم آیت الله مرعشی نجفی، این لقب از طرف امام صادق علیه السلام بر حضرت معصومه سلام الله عليها اطلاق شده است. در این رؤیا، امام صادق علیه السلام به آیت الله نجفی که با دعا و راز و نیاز، تلاش پیگیری را

برای یافتن قبر مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها آغاز کرده خطاب فرمود: برتو باد به کریمه اهل بیت.

القاب حضرت معصومه (س)

به طور کلی، سه زیارت نامه برای حضرت معصومه سلام الله علیها ذکر شده که یکی از آن ها مشهور و دو تای دیگر غیر مشهور است. اسامی و لقب هایی که برای حضرت معصومه سلام الله علیها در دو زیارت نامه غیر مشهور ذکر شده؛ به قرار ذیل است: طاهره (پاکیزه)، حمیده (ستوده)؛ پیرّه (نیکوکار)؛ رشیده (حد یافته)؛ تقیه (پرهیزگار)؛ رضیه (خشنود از خدا)؛ مرضیه (مورد رضایت خدا)؛ سیده صدیقه (بانوی بسیار راستگو)؛ سیده رضیه مرضیه (بانوی خشنود خدا و مورد رضای او)؛ سیده نساء العالمین (سرور زنان عالم). هم چنین محدثه و عابده از صفات و القابی است که برای حضرت معصومه سلام الله علیها عنوان شده است.

شفاعت حضرت معصومه (س)

بالاترین جایگاه شفاعت، از آن رسول گرامی اسلام است که در قرآن کریم، از آن به «مقام محمود» تعبیر شده است. همین طور دو تن از بانوان خاندان رسول مکرم اسلام، شفاعت گسترده ای دارند که بسیار وسیع و جهان شمول است و می تواند همه اهالی محشر را فرا گیرد. این دو بانوی عالی قدر، صدیقه اطهر، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و شفیعه روز جزا، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها هستند. در مورد شفاعت گسترده حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس که شفاعت، مهریه آن حضرت

است و به هنگام ازدواج، پیک وحی طاقه ابریشمی از سوی پروردگار آورد که در آن، جمله «خداوند مهریه فاطمه زهرا را، شفاعت گنهکاران از امت محمد (صلی الله علیه و اله) قرار داد»، این حدیث از طریق اهل سنت نیز نقل شده است. پس از فاطمه زهرا سلام الله علیها از جهت گستردگی شفاعت، هیچ بانویی به شفیعه محشر، حضرت معصومه سلام الله علیها نمی رسد. بر همین اساس است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «با شفاعت او، همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند».

سرّ قداست قم

در احادیث فراوانی به قداست قم اشاره شده است. از جمله امام صادق علیه السلام قم را حرم اهل بیت علیه السلام معرفی و خاک آن را، پاک و پاکیزه تعبیر کرده است. همچنین ایشان در ضمن حدیث مشهوری که درباره قداست قم به گروهی از اهالی ری بیان کردند، فرمودند: «بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دختر موسی، در آن جا رحلت می کند که با شفاعت، او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند». او می گوید: من این حدیث را هنگامی از امام صادق علیه السلام شنیدم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هنوز دیده به جهان نگشوده بود. این حدیث والا، از رمز شرافت و قداست قم پرده برمی دارد و روشن می سازد که این همه فضیلت و شرافت این شهر که در روایات آمده، از ریحانه پیامبر، کریمه اهل بیت (س)، مهین بانوی اسلام، حضرت معصومه سلام الله علیها سرچشمه می گیرد که در این سرزمین دیده از جهان فرو می بندد و گرد و خاک این سرزمین را، توتیای دیدگان حور و ملائک می کند.

محبت و مباحات حضرت معصومه سلام الله علیها به امام هشتم

مدت 25 سال تمام، حضرت رضا علیه السلام تنها فرزند نجمه خاتون بود. پس از یک ربع قرن انتظار، سرانجام ستاره ای تابان از دامن نجمه درخشید که هم سنگ امام هشتم علیه السلام بود و امام علیه السلام توانست والاترین عواطف انباشته شده و در سودای دلش را بر او نثار کند. بین حضرت معصومه و برادرش امام رضا علیه السلام عواطف سرشار و محبت شگفت انگیزی بود که قلم از ترسیم آن عاجز است. در یکی از معجزات امام کاظم علیه السلام که حضرت معصومه علیه السلام نیز نقشی دارد، هنگامی که نصرانی می پرسد: شما که هستید؟ می فرماید: «من معصومه، خواهر امام رضا علیه السلام هستم». این تعبیر، از محبت سرشار آن حضرت به برادر بزرگوارش امام رضا علیه السلام و نیز از مباحات ایشان به این خواهر- برادری سرچشمه می گیرد.

سرآمد بانوان

فاطمه معصومه سلام الله علیها از جهت شخصیت فردی و کمالات روحی، در بین فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام بعد از برادرش، علی بن موسی الرضا علیه السلام در والاترین رتبه جای دارد. این درحالی است که بنا بر مستندات رجالی، فرزندان دختر امام کاظم علیه السلام دست کم هجده تن بوده اند و فاطمه در بین این همه بانوی گران قدر، سرآمد بوده است. حاج شیخ عباس قمی آنگاه که از دختران موسی بن جعفر علیه السلام سخن می گوید، درباره

فاطمه معصومه سلام الله عليها می نویسد: «بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آن ها، سیده جلیله معظمه، فاطمه بنت امام موسی علیه السلام معروف به حضرت معصومه است.

فضیلت بی نظیر

شیخ محمد تقی ثستری، در قاموس الرجال، حضرت معصومه سلام الله عليها را به عنوان بانوی اسوه معرفی کرد و فضیلت وی را در میان دختران و پسران حضرت موسی بن جعفر (ع)، غیر از امام رضا علیه السلام بی نظیر دانسته است. ایشان در این زمینه چنین می نویسند: «در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام با آن همه کثرتشان، بعد از امام رضا علیه السلام کسی هم شأن حضرت معصومه سلام الله عليها نیست». بی گمان این گونه اظهار نظرها و نگرش به شخصیت فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام بر برداشت هایی استوار است که از متن و روایات وارده از ائمه اطهار علیه السلام به دست آمده است. این روایت ها، مقام هایی را برای فاطمه معصومه سلام الله عليها برشمرده اند؛ مقامی که نظیر آن، برای دیگر برادران و خواهران وی ذکر نکرده اند و به این ترتیب، نام فاطمه معصومه سلام الله عليها در شمار زنان برتر جهان قرار گرفته است.

بوی وصال

بی شک اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و اله) چهره های پر فروغی به جهانیان عرضه کرده اند و نامشان مانند ستارگان درخشان در آسمان فضایل می درخشد. درخشان ترین ستاره در میان بانوان هفتمین منظومه ولایت، فاطمه فرزند پاکیزه موسی بن جعفر علیه السلام است؛ بانویی که سالهاست تشنگان معرفت از حریمش، زلال ایمان می نوشند و عارفان با گذر بر زندگی فرزانه اش و درک لحظه های آسمانی شدنش، درهای عروج را به روی خود می گشایند و بوی وصال را در گستره زمین منتشر می سازند.

شعر

به جان پاک تو ای دختر امام، سلام
به هر زمان و مکان و به هر مقام، سلام /
تویی که شاه خراسان بود برادر تو
بر آن مقام رفیع و بر این مقام، سلام /
به هر عدد که تکلم شود به لیل و نهار
هزار بار فزون تر ز هر کلام، سلام /
صبح تا شب و از شام، تا طلعه صبح
بر آستانه قدست علی الدوام، سلام /
در آسمان ولایت، مه تمامی تو
ز پای تا به سرت ای مه تمام، سلام /
به پیشگاه تو ای خواهر شه کونین
ز فرد فرد خلیق، به صبح و شام سلام /
منم که هر سر مویم به هر زمان گوید
به جان پاک تو ای دختر امام، سلام /

غروب غمگین

حضرت فاطمه سلام الله علیها پس از ورود به شهر قم، تنها هفده روز در قید حیات بود و سپس دعوت حق را لبیک گفت و به سوی بهشت برین پرواز کرد. این حادثه در سال 201 هجری رخ داد. سلام بر این بانوی بزرگوار اسلام از روز طلوع تا لحظه غروب. درود بر روح تابناک معصومه سلام الله علیها که اینک آفتاب حرم با صفایش، زمین قم را نورانی کرده است. سلام بر سالار زنان جهان و فرزند پیام آوران مهر و مهتران جوانان بهشتی. ای فاطمه! در روز قیامت، شفیع ما باش که تو در نزد خدا، جایگاهی ویژه برای شفاعت داری.

زیارت آداب زیارت

آشنایی با آداب زیارت، یکی از ضروری ترین مسائلی است که یک زائر مسلمان باید به آن توجه کامل داشته باشد؛ تا با رعایت آن آداب از زیارت اولیای دین بهره کافی ببرد؛ از این رو، در این جا گزیده ای از آداب زیارت را می آوریم

- 1 پیش از سفر غسل کند.
- 2 با روح و جانی پاک و آماده توبه به زیارت برود تا زیارت او مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد.
- 3 با وضو باشد و با لباس های پاکیزه، و خوشبو به حرم مطهر، مشرف شود.
- 4 با اخلاص تمام و خضوع و خشوع و در حالی که قدم ها را کوتاه بر می دارد و زیارتش مشغول ذکر خداست؛ به زیارت برود.

6 موقع ورود، با پای راست وارد و موقع خروج، با پای چپ خارج شود و اذن دخول را به نیت ثواب بخواند.

7 موقع مشاهده قبر و ضریح منور صلوات بفرستد و ذکر بگوید.

8 هنگام خواندن زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها نزد سر حضرت، رو به قبله بایستد و بعد از گفتن 34 مرتبه «الله اکبر» و 33 مرتبه «سبحان الله» و 33 مرتبه «الحمد لله» همین زیارت معروف که از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است را بخواند.

9 طرف راست و چپ صورت را بر ضریح مطهر نهاده و با تضرع از خداوند متعال حاجات شرعی خود را طلب کند.

10 خواندن دو رکعت نماز وهدیه نمودن ثواب آن به حضرت (س).

11 مقدم داشتن نماز جماعت بر زیارت، «در اول وقت»

12 استفاده هر چه بیشتر از فضای پرنور این مکان مقدس با استغفار و طلب آمرزش و دعا برای خود و برادران دینی و قرائت قرآن کریم و خواندن دعاها و زیارت های وارد از ائمه علیه السلام مانند زیارت جامع و زیارت امین الله و دعای عالیه المضامین و دعای مکارم الاخلاق و مناجات خمسہ عشر «امام سجاد (ع)».

در پایان ذکر دو نکته اساسی بسیار ضروری است:

1 هنگام تشریف به آستان رفیع ائمه علیه السلام و فرزندانشان از انجام کارهایی که باعث سوء استفاده دشمنان دین می شود، خودداری نماییم، مثل سجده کردن هنگام مشاهده ضریح و قبر منور، چرا که این قبیل اعمال نه مورد رضای خداست و نه صاحب این بارگاه نورانی آن را می پسندد؛ بلکه موجب تهمت افترای دشمنان شیعه به

2 بانوان و خواهران مسلمان، هنگام شرفیابی به محضر اولیای دین رعایت حجاب کامل را نموده و از پوشیدن لباس های بدن نما و زیارت با چهره ای نامناسب و یا خلاف شئون اسلامی خودداری نمایند، و حرمت آن حریم مقدس الهی را حفظ نمایند، که در غیر این صورت زیارت آن ها خودنمایی و سیاحتی بیش نخواهد بود، و نه تنها از فضیلت و پاداش برخوردار نخواهند شد، بلکه برای خود عذابی دردناک تدارک خواهند دید.

15

يَقِينِ مَا أَتَى مُحَمَّدٌ وَ بِهِ رَاضٍ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي، اَللّهُمَّ وَ رِضَاكَ
وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ. يَا فَاطِمَةُ اِشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنْ
الشَّأْنِ اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تُسَلِّبْ مِنِّي. مَا اَنَا فِيهِ ۚ وَ
لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ۝. اَللّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، وَ تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ
عِزَّتِكَ، وَ بَرَحْمَتِكَ وَ عَافِيَّتِكَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ، وَ سَلَّمَ
تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ترجمه

سلام بر حضرت آدم برگزیده خدا سلام بر
حضرت نوح پیامبر خدا سلام بر حضرت موسی
هم صحبت خدا سلام بر حضرت ابراهیم دوست
خدا سلام بر حضرت عیسی روح الله سلام بر تو
ای رسول خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا
سلام بر تو ای محمد بن سلام بر تو ای
فاطمه سلام بر تو امیر مؤمنان علی بن ابی
طالب وصی رسول خدا عبدالله خاتم پیامبران
سلام بر شما ای دو سبط پیامبر رحمت، ای
بزرگ بانوی بانوان اسلام، ای دو سرور
جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن
حسین ای سرور عبادت پیشگان ای فروغ دیده
بینندگان سلام بر تو ای محمد بن علی، ای
شکافنده علم بعد از پیامبر سلام بر تو ای
جعفر بن ای خویشتن دار، سلام بر تو ای
علی بن محمد سلام بر تو ای موسی بن جعفر،
ای پاک و پاکیزه سلام بر تو ای علی بن
موسی ای پسندیده سلام بر تو ای محمد بن
علی، محمد، ای راستگوی نیکوکار امین ای
پاک سرشت و خیرخواه و امین، سلام بر تو
ای حسن بن علی، سلام بر وصی بعد از او و
ولی بار خدایا صلوات فرست بر نور و چراغ
روشنگرت، بر ولی، بر وصی وصیت، بر حجت
خود بر بندگان. سلام بر تو ای دختر رسول
خدا سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه
سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان سلام بر
تو، خداوند آشنایی برقرار کند میان ما و
شما سلام بر تو ای دختر ولی خدا سلام بر
تو ای عمه ولی خدا سلام بر تو ای خواهر

ولیّ خدا سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر
 رحمت و برکات خدا بر تو باد.
 سلام بر تو ای دختر امام حسن و امام
 حسین در بهشت، و ما را در زمره شما
 محشور کند، و ما را علی بن ابی طالب
 سیراب کند صلوات خدا بر شما باد بر حوض
 پیامبر شما وارد کند، و ما را با کاسه
 جدّ شما از دست از خداوند می خواهم که
 سرور و فرج شما رابه ما بنمایاند، ما و
 شما را در زمره جدّ بزرگوارتان حضرت محمّد
 که نه به انکار و نه استکبار، و با
 یقین به آنچه از ما نگیرد، که او صاحب
 اختیار و مقتدر است. به سوی خداوند تقرّب
 می جویم با محبت شما و بیزاری از دشمنان
 شما، و با تسلیم شدن به فرمان خدا، از
 روی رضایت، درود خدا بر او و آلش باد
 گرد آورد، و معرفت شما را حضرت محمّد
 (صلی الله علیه و اله) آورده و به آن راضی
 هستم، با این عقیده عنایت ای سرور من،
 خدایا رضایت ترا و سرای آخرت را
 خواستارم. تو را می طلبم ای
 فاطمه (معصومه) در مورد بهشت از من شفاعت
 کن، که ترا نزد خدا مقام رفیعی است.
 خداوندا من از تو می خواهم که عاقبت امر
 مرا به سعادت ختم کنی، ای بخشنده ترین
 بخشنندگان. جز خداوند بزرگ و والا نیست،
 خداوندا دعایم را مستجاب کن، و آنرا به
 کرم و عزت و رحمت و عافیت خود از من
 قبول فرما، بر محمّد و همه اهل بیت او
 صلوات فراوان و درود بی پایان بفرست پس
 عقایدی که دارم از من نگیر، که هیچ نیرو
 و قدرتی
 کتب

نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

1- تولد و دوران کودکی

غلامرضا حیدری ابهری
شهر مدینه چشم به راه تولد کودکی از
خاندان پاک پیامبر (صلی الله علیه و
اله) بود. خانه امام کاظم علیه السلام حال
و هوای دیگری یرای داشت. نجمه همسر آن
بزرگوار به امید تولد فرزند روز را به
شب و شب را به روز می رساند.
شور و شادی در خانه امام موج می زد.
سرانجام انتظارها به سر آمد و در اول
ذیقعه سال 173 هجری قمری، خداوند دختری
به امام هفتم حضرت امام موسای کاظم علیه
السلام بخشید و نوزادی نورانی و خوش سیما
در خانه با صفای امام چشم جهان گشود.
دل همه اهل خانه از تولد فرزند جدید
غرق شادی شد. پس از امام، شاید کسی به
اندازه نجمه همسر حضرت، خوشحال نبود.
زیرا پس از گذشت 25 سال این دومین
فرزندی بود که دست لطف پروردگار به نجمه
عنایت می فرمود. 25 سال پیش در همین ماه
ذیقعه نجمه پسری به دنیا آورد تا پس از
پدر بار امامت و هدایت شیعیان را به دوش
کشد. آری، درست در سال 148 هجری قمری
بود که با تولد علی علیه السلام که بعدها
به رضا شهرت یافت، نجمه تولد اولین
فرزندش را جشن گرفت و اینک پس از گذشت
سالها خداوند دختری به او و همسرش امام
کاظم علیه السلام و خواهری به امام رضا
علیه السلام عنایت فرمود که مایه چشم
روشنی خانواده بود.

امام کاظم علیه السلام به خاطر عشق و علاقه خاصی که به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها داشت نام دختر تازه به دنیا آمده خود را فاطمه، نهاد.

پاک سرشتی و پرهیزکاری او به اندازه ای بود که پس از مدتی "معصومه" خوانده شد، چون مانند پدر گرامی اش از گناه و بدی دوری می جست.

"فاطمه" نامی بود که در میان اهل بیت صدها خاطره تلخ و شیرین از دوران زندگانی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را به یاد می آورد.

آنها اگر برای یکی از فرزندان نام "فاطمه" را بر می گزیدند به احترام همنامی با دختر عزیز پیامبر (صلی الله علیه و اله) از احترام و گرامیداشت او کوتاهی نمی کردند و از بی مهری به او پرهیز نمی نمودند. دختر نو رسیده امام کاظم علیه السلام هم از این سنت نیکو بهره داشت. امام کاظم علیه السلام او را بسیار دوست می داشت و از هیچگونه اظهار لطف و محبت به او دریغ نمی کرد.

فاطمه معصومه زیر سایه پرمهر پدر و مادر عزیزش روز به روز بزرگتر می شد و چیزهای تازه ای از آن دو بزرگوار می آموخت. اگر پدر فاطمه معصومه امام شیعیان بود و در پرهیزکاری و پاکی نظیر نداشت، مادرش هم زنی پارسا و با ایمان بود که اصول و کمالات اسلامی را در مکتب همسر امام صادق علیه السلام فرا گرفته و از برجسته ترین زنان آن روزگار به شمار می آمد. از اینرو "حمیده" مادر امام کاظم علیه السلام به او پیشنهاد کرده بود تا با وی ازدواج نماید.

فاطمه معصومه با استفاده از محضر پدر و برادر معصوم و مادر پارسا و عالمش به چنان مقام علمی دست یافت که در ایام

نوجوانی با بسیاری از معارف اسلامی آشنا بود. روزی جمعی از شیعیان به مدینه آمدند تا سئوالات دینی خویش را به امام کاظم علیه السلام عرضه نموده و با جوابهای درست به شهر خود باز گردند. متأسفانه امام هفتم علیه السلام در سفر بود و امام رضا علیه السلام هم در مدینه حضور نداشت. شیعیان از اینکه سؤالهایشان بی پاسخ مانده بود بسیار اندوهگین شده و به ناچار راه بازگشت در پیش گرفتند.

فاطمه معصومه که به اندوه مسافران آگاهی یافت، سؤالهایشان را که به صورت نامه ای تهیه شده بود، گرفته و به آنها پاسخ داد.

شیعیان با شادی وصف ناپذیری مدینه را به قصد دیار خویش ترک کردند. در بیرون مدینه با امام کاظم علیه السلام مواجه شده و آنچه که در منزل ایشان گذشته بود به اطلاع حضرت رساندند. امام پاسخ دخت گرامیش را خواند و با جمله ای کوتاه، شاگرد مکتبش را اینگونه ستود "پدرش به فدایش"

2- آغاز رنجها و شهادت پدر

حاکمان و پادشاهان آن دوران فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و اله) را بسیار آزار می دادند. به خصوص امام کاظم علیه السلام از دست خلفای هم عصر خود ستمهای فراوانی می کشید. ناراحتی و رنجهای پدر، دل بی آرایش فاطمه معصومه را به درد می آورد و او را سخت غمگین می نمود. تنها وجود برادر دلسوز و فداکارش حضرت رضا علیه السلام به وی و دیگر افراد خانواده آرامش می داد.

دوران زندگانی امام هفتم علیه السلام با ایام زمامداری پنج خلیفه ستمگر به

نامهای ابوالعباس سفاح، منصور دوانیقی، هادی، مهدی و هارون همزمان بود هر یک از آنها حضرت را به گونه ای آزدند و ایشان و دیگران علویان پارسا را به انواع مصیبتها و سختی های طاقت فرسا گرفتار ساختند.

هنگامی که فاطمه معصومه به دنیا آمد سه سال از خلافت " هارون " می گذشت. هارون هارون در قلدری و ستمگری و چپاول بیت المل گوی سبقت را از حاکمان پیش از خود ربوده بود. او حاکمی شهوتران و دنیا پرست بود. امام کاظم علیه السلام نمی توانست در برابر ظلم و ستم هارون و خیانت او به اسلام و امت اسلامی سکوت کند، از این رو با شیوه های گوناگون حکومت ضد دین او را نکوهش کرده و با دولت ستم پیشه اش مبارزه می نمود.

هارون نیز با آگاهی از سرسختی آل علی علیه السلام بویژه امام کاظم علیه السلام در راه مبارزه با طاغوت، بیشترین تلاش را برای سرکوب آنان به کار می بست. پولهای گزاف به شاعران می داد تا به فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و اله) ناسزا گویند. علویان را زندانی و تبعید می کرد و گروهی از آنها را نیز پس از مدتها حبس و شکنجه به شهادت می رساند. تا اینکه پس از گذشت چند سال از تحکیم حکومت و پایه های قدرت خویش امام کاظم علیه السلام را دستگیر و روانه زندان نمود.

بدینسان فاطمه معصومه در سالهای آخر حیات پدر از دیدار وی و کسب فیض از محضر قدسی اش محروم شد و با در بند شدن امام و مقتدایش به اندوهی سخت مبتلا گشت. او که در آن هنگام کمتر از ده سال از عمرش می گذشت در فراق پدر چون شمعی می سوخت و از این غم جانکاه مانند ابر بهاری اشک می ریخت.

برای امام کاظم علیه السلام هم دوری از فرزندان پاک و تقوا پیشه اش مثل امام رضا علیه السلام و فاطمه معصومه بسیار دشوار بود. هر چند امام هفتم علیه السلام فضای تاریک زندان را با یاد خدا نورافشان می کرد و عطرآگین می ساخت و آن روزهای سخت را با سجده های عارفانه به روزهای شیرین زندگی تبدیل می نمود اما وقتی به یاد فاطمه معصومه و سیمای معصوم و بی گناهش می افتاد دلش برای او می طپید. در سالهای آخر زندگی امام کاظم علیه السلام حضرت از زندانی به زندانی دیگر منتقل می شد. یکسال در زندان عیسی بن جعفر والی بصره بسر برد. صفات برجسته پیشوای شیعیان چنان در عیسی بن جعفر تأثیر گذارد که او به ناچار از زندانیانی کناره گیری کرد.

پس از آن، حضرت را به دستور هارون به بغداد بردند و به ترتیب نزد فضل بن ربیع و فضل بن عیسی زندانی شد و سرانجام به زندان سندی بن شاهک منتقل گردید. علت این نقل و انتقالات پی در پی آن بود که هارون هر بار که از زندانبانهای حضرت می خواست تا ایشان را شهید کنند، هیچ یک از آنها تن به چنین کار خیانت باری نیم دادند. تا اینکه سندی بن شاهک به دستور هارون امام را مسموم کرد.

البته هارون به خوبی می دانست که اگر مردم از کشته شدن امام به دست او آگاه شوند عواقب خطرناکی در انتظارش هست. برای همین پیش از شهادت حضرت، گروهی از شخصیت های معروف را فرا خواند تا گواهی دهند که آن عزیز مریض شده و ممکن است از دنیا برود و کسی قصد کشتن ایشان را نداشته است.

اما هوشیاری امام، هارون را رسوا کرد. حضرت با وجود مسمومیت شدید، به افرادی

که در کنارش گرد آمده بودند فرمود: مرا به وسیله 9 عدد خرما مسموم ساخته اند. بدنم در اثر زهر فردا سبز شده و و پس فردا از دنیا خواهم رفت.

و سرانجام دو روز بعد از این سخن امام، در 25 رجب 183 هجری قمری به شهادت رسید و یکی دیگر از پیشوایان معصوم شیعه به اجداد پاکش پیوست. شیعیان با شنیدن خبر شهادت امام، پیراهن عزا بر تن کرده و با چشمی اشک بار به سوگ نشستند. آنها رهبر بزرگوار خود را که به او عشق می ورزیدند، از دست داده بودند و هیچ چیز نمی توانست دل غمدیده شان را تسلی بخشد. در میان عزاداران، دختر ده ساله امام علیه السلام یعنی فاطمه معصومه به غمی جانکاه مبتلا شد. او سالها به انتظار نشسته بود تا مگر روزی پدر عزیزش در خانه را باز کرده و او را در آغوش کشد. اما اینک باید دنیایی از اندوه را در دل کوچک خود جای دهد و در این مصیبت صبر پیشه کند.

3- سفر برادر به مرو

پس از شهادت امام هفتم علیه السلام، حضرت رضا علیه السلام به امامت رسید. امام رضا علیه السلام 35 سال داشت. ایشان علاوه بر رهبری امت اسلامی و هدایت شیعیان، تنها وصی امام کاظم علیه السلام بود که به دستور پدر مسئولیت سرپرستی فرزندان حضرت را هم به دوش می کشید.

فشار و خفقان حکومت هارون همچنان ادامه داشت. اما امام رضا علیه السلام بدون هیچ ترس و واهمه ای به انجام وظائف

الهی خود مشغول بود و در راه گسترش حق و حقیقت لحظه ای آرام نمی گرفت. با اینهمه، شرایط به گونه ای بود که هارون هرگز جرأت نمی کرد آسیبی به امام برساند و آشکارا با ایشان به دشمنی پردازد.

سرانجام هارون در سال 193 هجری قمری بیمار شده و به هلاکت رسید و مسلمانان با مرگ او از شریکی دیگر از ستمکاران رهایی یافتند.

پس از هارون پسرش امین به خلافت رسید. مدت حکومت او بیش از چهارسال دوام نیاورد. بر سر خلافت میان امین و برادرش مأمون درگیریهای خونینی رخ داد و بالأخره امین در سال 198 هجری قمری کشته شده و مأمون بر مسند خلافت نشست.

امام رضا علیه السلام در طول درگیری های دربار سلطنتی، و سرگرمی آنان به جنگ با آسودگی به راهنمایی و تربیت پیروان خود پرداخت و از فرصت به دست آمده نهایت استفاده را برد.

در این مدت، دولت عباسی فرصت نیافت تا خانواده امام و اطرافیان ایشان را بیازارد.

مأمون پس از رسیدن به خلافت، با حيله گری و نیرنگ بازی به تقویت پایه های حکومت خود پرداخت. او برای فریفتن مردم، دانشمندان را به دور جمع نموده و مجالس علمی تشکیل داد و سعی کرد خود را حاکمی دانشمند و دانش دوست بنمایاند.

از طرف دیگر او برای جلب حمایت شیعیان با صراحت به امیر مؤمنان علی علیه السلام اظهار علاقه می نمود و معاویه را با لعن و نفرین یاد می کرد.

با توجه به گسترده گی کشور اسلامی و وجود مخالفان سرسخت در اطراف آن، مأمون برای

حفظ تاج و تختش باید شیعیان را با خود همراه می کرد. والا اگر شیعیان هم به صف دشمنان مأمون می پیوستند کار برای او بسیار دشوار می شد. برای همین، تصمیم گرفت برای فریب علویان و شیعیان، امام رضا علیه السلام را به جانشینی و ولایت عهدی خود انتخاب کند. اگر امام هشتم پیشنهاد خلیفه را می پذیرفت شیعیان به یقین از مخالفت با حکومتی که امامشان ولی عهد آن بود اجتناب می ورزیدند.

میان مأمون و امام رضا علیه السلام نامه های فراوانی رد و بدل شد. حضرت از قبول ولایت عهدی امتناع می کرد و خلیفه همچنان بر آن اصرار می نمود.

نامه های در پی مأمون سودی نبخشید و امام علیه السلام با موضعگیری آگاهانه، توطئه شیطنت آمیز خلیفه را خنثی کرده و نقشه های او را نقش بر آب نمود و در نامه های خود، با صراحت پیشنهاد مأمون را رد کرد.

اما حاکم ستمگر دوران، مأمون دست بردار نبود. او برای رسیدن به هدف خود در سال 200 هجری قمری شخصی به نام رجاء بن ابی ضحاک را راهی مدینه نمود تا امام علیه السلام را از آنجا به "مرو" که مرکز حکومتش بود، بیاورد مأمون امیدوار بود که بتواند در "مرو" حضرت را به ولایت عهدی خود راضی کند.

امام رضا علیه السلام پس از زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و اله) و سایر امامان علیه السلام و خداحافظی با فرزندان و برادران و خواهرازش از جمله فاطمه معصومه "مدینه" را به قصد "مرو" ترک کرد.

اقوام و خویشان حضرت با ناراحتی و غم فراوان ایشان را بدرقه کردند و در

حالیکه بهترین پناهگاه خود را از دست داده بودند پریشان و غمگین به خانه های شان بازگشتند.

با رفتن امام رضا علیه السلام لحظه های شیرین زندگی "فاطمه معصومه" هم پایان پذیرفت برای او که پس از شهادت پدر، به سایه پر مهر برادرش دلخوش کرده بود سفر تحمیلی اما، و دوری از آن عزیز بسیار دشوار بود.

مأمون به گونه ای برنامه ریزی کرده بود که مسیر امام علیه السلام از شهرهای شیعه نشین بویژه کوفه و قم نگذرد. او می ترسید که مبادا با حضور امام علیه السلام در آن شهرها قیام و شورش صورت پذیرد و دستگاه حکومت را دچار حادثه ای بنماید. سوابق درخشان کوفه و قم در عشق به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و اله) مثل روز برای خلیفه روشن بود. به همین خاطر هم از رفتن امام علیه السلام به شهرهای شیعه نشین جلوگیری می کرد.

با اینهمه مسلمانان دیگر شهرهای کشور اسلامی که در مسیر حرکت حضرت رضا علیه السلام قرار داشتند با استقبال های پر شور از ایشان مقدم فرزند پیامبر را گرامی داشتند. مردم به محض اطلاع از ورود امام به شهر به محضر مبارکش رسیده و از وجود گرامی اش بهره مند می شدند.

در بعضی از شهرهای ایران استقبال بی سابقه ای از آن بزرگوار شد. اهالی شهر عاشقانه به دور مرکب امام علیه السلام حلقه زده و از ایشان بهره ها بردند. نیشابور یکی از این شهرهاست. وقتی مردم از آمدن امام رضا علیه السلام به شهر خود اطلاع یافتند در مسیر کاروان قرار گرفته و در کنار محمل امام علیه السلام اجتماع کردند تا حضرت به آنها چیزی بیاموزد.

امام رضا علیه السلام خواهش آنان را پذیرفت و حدیث ارزشمندی از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) برای مردم نقل کرد که: " خداوند فرمود: " لا اله الا الله قلعه استوار من است، هرکس داخل آن قلعه شود از عذاب من در امان خواهد بود." مرکب امام علیه السلام چند گامی به جلو رفت. پس از اندکی امام علیه السلام دوباره به سخن ادامه داد و فرمود: " با شرایطی که من یکی از آن شرایط هستم." منظور امام علیه السلام آن بود که تنها گفتن " لا اله الا الله" برای رفتن به بهشت کفایت نمی کند و گوینده باید امامت امامان بر حق از جمله امام رضا علیه السلام را نیز پذیرفته باشد. پس از روزها مسافرت حضرت رضا علیه السلام به شهر مرو رسید.

مأمون پیشنهاد ولایت عهدی خود را دوباره عنوان نمود. اما امام علیه السلام همچنان بر رأی خود اصرار نموده ولایت عهدی را نمی پذیرفت.

کشمکش میان آن بزرگوار و خلیفه بر سر مسأله ولایت عهدی دو ماه به طول انجامید. سر انجام بر اثر تهدیدهای مأمون، امام علیه السلام مجبور به قبول پیشنهاد او شده و با دیده ای اشکبار و دلی غمگین در هفتم رمضان 201 هجری قمری ولایت عهدی خلیفه را پذیرفت. ایشان شرط نمود که در هیچیک از تصمیمات حکومت دخالت نکند، مأمون نیز شرط امام را قبول کرد.

4- هجرت خواهر امام علیه السلام از مدینه به سوی مرو

یکسال از سفر امام هشتم علیه السلام به مرو گذشت. خاندان پیامبر (صلی الله علیه و اله) در مدینه روزها بود که از دیدار آن عزیز محروم شده بودند. یکسال می گذشت و آنها حتی جرعه از مهربانی ها و عنایت های امام خود ننوشیده بودند. دیگر چیزی جز زیارت سیمای نورانی حضرت، دل غمدیده آنها را آرام نمی کرد.

فاطمه معصومه نیز کاسه صبرش لبریز شده بود و بسان خواهران و برادران خود در فراق برادر بزرگوارش امام رضا علیه السلام بی تابی می کرد.

می گویند در همان روزها امام رضا علیه السلام نامه ای خطاب به فاطمه معصومه مرقوم فرمود و آن را توسط یکی از خدمتگزارانش به مدینه منوره فرستاد. امام به آن نامه رسان دستور داد که در هیچ منزلی توقف نکند تا در زمان کوتاهی نامه را به مدینه برساند. آن بزرگوار همچنین نشانی خانه پدرش را که خواهر گرامی اش هم در آنجا زندگی می کرد به خدمتگزارش داد تا او از کس دیگری سراغ خانه امام کاظم علیه السلام را نگیرد.

پیک حضرت به سرعت خود را به شهر پیامبر (صلی الله علیه و اله)، مدینه منوره رساند و براساس دستور ایشان نامه را به فاطمه معصومه تسلیم نمود.

گرچه از محتوای آن نامه با ارزش اطلاعی در دست نیست اما هرچه بود شوق دیدار امام رضا علیه السلام را در دل نزدیکان ایشان بیشتر کرد. فاطمه معصومه و گروهی از برادران و برادرزادگان امام تصمیم

گرفتند تا به مرو رفته و به محضر امام رضا علیه السلام شرفیاب شوند.

آنها به سرعت بار سفر بستند و کاروانی تشکیل دادند. آب و آذوقه ای فراهم آوردند و با دنیایی از امید شهر پیامبر خدا را ب قصد مرو ترک کردند.

در میان قافله فاطمه معصومه چون نگینی می درخشید. آن بانوی عزیز را پنج تن از برادرانش به نامها فضل، جعفر، هادی، قاسم و زید و تعدادی از برادر زادگان و گروهی از غلامان و کنیزان همراهی می کردند.

کاروان عاشقان امام رضا علیه السلام به پیش می رفت و جز توقف های ضروری برای نماز و غذا و استراحت، لحظه ای از حرکت باز نمی ایستاد. تپه ها و کویرها و ریگزارهای حجاز را یکی پس از دیگری پشت سر می گذاشت و از مدینه روز به روز دورتر می شد.

سفر کردن در بیابانهای حجاز آنقدر دشوار بود که گاه حتی شتران پرتوان را هم به زانو در می آورد تا چه رسد به مسافرانی که باید تا مرو می رفتند اما نور امیدی که در دل اهل کاروان می تابید آنها را به ادامه سفر دلگرم می کرد و آنان همراه باد و طوفانی که در بیابان می وزید به پیش می تاختند.

در آن روزگار، خطر حمله دزدان هر مسافری را تهدید می کرد و او را با مشکلات فراوانی روبرو می ساخت. اگر آنها به قافله ای حمله می بردند دیگر امیدی به ادامه سفر نبود. کمترین آسیبی که به مسافران می رساندند غارت اموال و جواهرات و حیوانات آنان بود. وگرنه گاه کاروانیان را هم از دم تیغ خود می گذراندند. این خطر "فاطمه معصومه" و همراهانش را نیز تهدید می کرد. ولی آنها

با توکل بر خدای بزرگ به راه خود ادامه می دادند و گام به گام به مقصد نزدیک تر می شدند.

روزها و شبها یکی پس از دیگری می گذشت و کاروان زائران امام رضا علیه السلام کویر بی آب و علف حجاز را پشت سر می نهاد. چیزی تا رسیدن به خاک ایران نمانده بود. رنج سفر "فاطمه معصومه" را بسیار آزار می داد. برای بانوی جوانی مانند او پیمودن این مسیر ناهموار بسیار ناهموار بسیار سخت و طاقت فرسا بود. با اینهمه دیدار برادر آنقدر نزد او ارزش داشت که حاضر بود حتی صدها برابر این رنج و سختی را هم به خاطر آن تحمل کند. او پیوسته در راه، چهره زیبای امام رضا علیه السلام و حوادث تلخ و شیرین روزهای حضور ایشان در مدینه را به یاد می آورد و از اینکه می دید بزودی چشمش به جمال برادر روشن خواهد شد بسیار خوشحال بود.

مرحله دشواری از سفر پایان پذیرفت و سرانجام کاروانیان به سرزمین ایران رسیدند. آنها روزهایی را نیز در خاک ایران به سفر پرداختند و شهرها و روستاهای آن را یک یک پشت سر نهادند.

5- کاروان زائران امام هشتم علیه السلام در ساوه

سرانجام کاروان به شهر "ساوه" رسید. آنجا بود که فاطمه معصومه سلام الله علیها دچار بیمار سختی شد؛ آنچنان که او را از ادامه سفر بازداشت.

سفر طولانی "مدینه" تا "ساوه" گرچه حضرت معصومه سلام الله علیها را ضعیف و ناتوان کرده بود؛ اما رنج بیماری رنگ از رخسارش برد و جسم شریفش را به مشتی گوشت و استخوان بدل کرد.

آیا خواهر امام رضا علیه السلام می توانست با چنین حالی، بقیه راه را ادامه دهد و برادر عزیزش رادر "مرو" زیارت کند؟ آیا می توانست باز بر مرکب بنشیند و سفر نیمه تمام خود را با دیدار امام هشتم علیه السلام تمام کند؟ اینها سؤالاتی بود که دختر امام کاظم علیه السلام را به خود مشغول نموده و سخت نگران ساخته بود. به هر حال وقتی آن بانو حال و روز خود را چنین دید، تصمیم گرفت به شهر "قم" برود. برای همین از همراهان خود پرسید: "تا قم چقدر راه است؟"

آنان گفتند: "ده فرسخ". آنگاه فرمان داد تا به طرف "قم" حرکت کنند.

شهر "قم" از آن روزگار پناهگاه ارادتمندان خاندان پیامبر (صلی الله علیه و اله) بود. با آنکه هنوز مذهب شیعه در ایران رواج نداشت، اما به دلیل مهاجرت اعراب اشعری از کوفه به "قم"، این شهر، شهری شیعه نشین بود و گروهی از عاشقان و دوستان اهل بیت علیه السلام در آن زندگی می کردند.

اشعری ها، سالها پیش بر اثر ظلم و ستم کارگزاران بنی امیه - که در دشمنی با خاندان پیامبر (صلی الله علیه و اله) و ارادتمندان امیر مؤمنان علیه السلام حد و مرزی نمی شناختند - از کوفه به قم آمده بودند و مدتها بود که در آنجا اقامت داشتند. خبر آمدن حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به ساوه و بیماری آن بانو، به شهر قم رسید. اهالی شهر یک دل یک رأی تصمیم گرفتند تا نزد آن بزرگوار رفته و از محضرش تقاضا کنند که مدتی " قم " اقامت نماید.

" موسی بن خزرج " به نمایندگی از مردم " قم " نزد دخت گرامی امام کاظم علیه السلام رفت و درخواست اهالی شهر را با آن حضرت در میان گذاشت⁽¹⁾.

حضرت معصومه سلام الله علیها درخواست اهل قم را پذیرفت و کاروان به طرف قم حرکت کرد.

موسی بن خزرج خوی زمام شتر حضرت معصومه سلام الله علیها را به دست گرفت و با افتخار آن را به سوی شهری که برای پذیرایی از خواهر امام رضا علیه السلام لحظه شماری می کرد، راند تا کاروان به دروازه های ورودی شهر قم رسید.

6- بیماری و وفات دختر امام کاظم (ع)

سرانجام حضرت معصومه سلام الله علیها و همراهان آن بزرگوار، در 23 ربیع الاول سال 201 هجری قمری وارد شهر قم شدند و مورد استقبال گرم اهالی شهر قرار گرفتند. مردم از ورود دختر امام هفتم علیه السلام به دیار خود بسیار خوشحال شدند.

" موسی بن خزرج " مأمور پذیرایی از حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و

همراهانش شد. او وضع مالی خوبی داشت و خانه بزرگی نیز در اختیارش بود. برای همین با کمال میل مسئولیت پذیرایی از میهمانان را عهده دار شد.

او همچنان که افسار شتر " حضرت معصومه سلام الله علیها را در دست داشت، آن را به سوی خانه خود راهنمایی کرد. موسی بن خزرج با خوشحالی تمام به خدمتگزاری مسافران خسته مدینه مشغول شد و به سرعت وسایل مورد نیاز آنان را برایشان فراهم ساخت.

حضرت معصومه سلام الله علیها در خانه " موسی بن خزرج " عبادتگاهی برای خود مهیا کرد تا در آنجا به راز و نیاز با خدای بزرگ پردازد و دردهای جانسوز خود را با معبود خویش در میان بگذارد و از او برای تحمل رنجها یاری بجوید. این عبادتگاه هنوز باقی مانده و "بیت النور" نام گرفته است.

بیماری دخت گرامی امام کاظم علیه السلام همراهان بانو و اهالی قم که افتخار میزبانی از او را داشتند سخت ناراحت کرده بود. گرچه آنها از هیچ کوششی برای مداوای میهمان عزیز خویش کوتاهی نمی کردند، اما حال او روز به روز بدتر می شد چرا که بیماری در تمام جسم شریفش ریشه کرده بود.

و سرانجام زائر امام رضا علیه السلام در دهم ربیع الثانی 201 هجری قمری چشم از جهان فرو بست و درحالی که اشک در دیده و غم دوری برادر به دل داشت دار فانی را وداع گفت.

مردم " قم " در این مصیبت عزادار شده و در نهایت ناباوری از درگذشت مظلومانه بانو، به سوگ نشستند.

7- مراسم خاکسپاری

شیعیان و ارادتمندان اهل بیت، پیکر مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها را با احترام بسیار غسل داده و کفن کردند چون زمان دفن فرا رسید، بزرگان اشعری شایسته دیدند که پیکر بانو را در جای مناسبی غیر از گورستان عمومی شهر به خاک بسپارند.

این تصمیم به خاطر احترام فوق العاده ای بود که برای دختر امام کاظم علیه السلام قائل بودند و نمی خواستند این پیکر مطهر در کنار دیگران به خاک سپرده شود.

"موسی بن خزرج" در این کار خیر پیشقدم شد. او باغ بزرگ خود را در منطقه بابلان (محدودی فعلی حرم مطهر) به دفن آن پیکر پاک اختصاص داد. دیگر همه چیز آماده شده بود. اما چه کسی باید پیکر حضرت معصومه سلام الله علیها را به خاک می سپرد؟ در این مورد گفتگویی میان جمعیت درگرفت. بالأخره توافق کردند تا پیرمرد نیکوکاری به نام "قادر" عهده دار این کار شود.

کسی را به دنبال "قادر" فرستادند. اما هنوز او نیامده بود که ناگهان دو سوار نقابدار به شکل خارق العاده ای از طرف رودخانه شهر به محل خاک سپاری نزدیک شدند. چون به پیکر مطهر بانو رسیدند از مرکب فرود آمده و بر جنازه او نماز خواندند و سپس جسم پاکش را با احترام در دل خاک قرار دادند. آنگاه در میان ناباوری حاضران بر مرکب خود نشستند و به سرعت از آنجا دور شدند.

مراسم دفن حضرت معصومه سلام الله علیها با شکوه بسیار و در میان اشک و اندوه

شیعیان پایان پذیرفت و شهر قم که به حق آشیانه آل محمد (صلی الله علیه و اله) نامیده شده است، مزار پاره تن امام کاظم علیه السلام گردید.

"موسی بن خزرج" نیز باغ خود را به احترام مزار پاک بانو، وقف مسلمانان کرد تا از آن پس شیعیان علی علیه السلام را گرداگرد آن مرقد منور دفن کنند.

8- مزار شریف حضرت معصومه سلام الله علیها از گذشته تا کنون

مردم قم بر فراز آرامگاه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها سایه بانی از حصیر ساختند تا آنکه پس از حدود پنجاه سال به همت زینب دختر امام جواد علیه السلام اولین قبه و بارگاه بر روی تربت پاک آن بانو بر پا شد.

سپس ساختمان حرم مطهر توسط ارادتمندان و شیعیان اهل بیت بازسازی شده و توسعه یافت تا به شکل امروزی خود در آمد.

چند سال پس از رحلت حضرت معصومه سلام الله علیها تعداد دیگری از امامزادگان نیز در کنار مزار شریفش به خاک سپرده شدند که بیش از پیش بر اهمیت این خاک پاک افزود. در طول تاریخ همواره بارگاه نورانی "حضرت معصومه" سلام الله علیها مایه خیر و برکت برای مردم قم و پناهگاهی برای شیعیان بوده است.

چه بسیار حاجتمندانی که از این خانه حاجت روا بازگشتند و چه بیمارانی که با دست عنایت این بانوی گرامی شفا یافتند. در روز رستاخیز نیز حضرت از ارادتمندان خود دستگیری خواهد کرد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: "با شفاعت او (حضرت معصومه) همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند."

به برکت این مزار مطهر روز به روز بر اهمیت و رونق شهر قم افزوده شده و بیش از پیش مورد توجه شیعیان جهان قرار گرفت.

عالمان و مجاهدان فراوانی در این دیار پرورش یافتند که هر کدام منشأ آثار ماندگار و ارزشمندی در جهان اسلام شدند. از جمله باید از عالم مجاهد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) یاد کرد که در جوار همین حرم پاک تربیت شد و قیام الهی و مبارزی حق طلبانه خود را از این سرزمین مقدس آغاز نمود.

هم اکنون نیز بارگاه ملکوتی خواهر گرانقدر امام رضا علیه السلام چون نگینی در میان شهر می درخشد. همه روزه زائران گروه گروه از نقاط مختلف ایران و جهان به زیارتش می شتابند و بدینوسیله عشق و علاقه عمیق خود را به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) و فرزندان ایشان ابراز می کنند.

9- پاداش زیارت حضرت فاطمه معصومه (س)

پیشوایان ما زیارت این بانوی بزرگوار را به شیعیان خود سفارش کرده اند و برای آن پاداش و اجر بسیاری بیان نموده اند. در این زمینه توجه شما را به سه حدیث از سه امام معصوم جلب می کنیم:

1- امام صادق علیه السلام : بزودی بانویی به نام " فاطمه " از تبار من در قم دفن می شود. هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد ⁽²⁾.

2- امام رضا علیه السلام : هرکس او را زیارت کند بهشت از آن اوست ⁽³⁾.

3- امام جواد علیه السلام : هر کس عمه مرا در قم زیارت کند بهشت از آن اوست⁽⁴⁾.

پاورقی ها

- (1) جا دارد در اینجا به روایاتی چند که در فضیلت شهر قم و مردم آن وارد شده، اشاره کنیم:
- * امام صادق علیه السلام : خاک قم مقدس است و اهل آن از ما هستند و ما هم از آنها هستیم.
- بحار الانوار، جلد 60، صفحه 318.
- * امام صادق علیه السلام : "اهل قم یاوران ما هستند." بحار الانوار، ج 60، صفحه 214.
- (2) بحار، جلد 102 صفحه 267.
- (3) بحار، جلد 102 صفحه 265.
- (4) بحار، جلد 102 صفحه 265.

بانوی ملکوت پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلواته على محمد وآله الطاهرين

سالیان سال است که وارد بر بانوی بانوان بهشتی و پاره تن امامان معصوم، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شده و از سفره انعام و لطف بی دریغ آن ولیة الله بهره مندیم.

ده ها سال است که در مرکز امن و امان و در زیر سایه رحمت و احسان دختر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام جا گرفته و به آن ملجأ مطمئن و ملاذ نوازشگر، ملتجی و پناهنده شده ایم.

و با وجود آنکه پناه خواهنده ای درستکار و شایسته نبوده، شرایط و تعددات پناهندگان را رعایت نکرده، درست بدان پایبند نبوده و انجام نداده ایم ولی آن مظهر لطف و رحمت خدا مرا طرد نکرده، از در خانه خود نرانده و به دست دیگران

نداده و قرین غم دوری و اندوده جدایی و محرومیت نساخته، خلافکاری ها و نادرستیها را نادیده گرفته و از کجی ها و کاستیها، که حقیقتاً کم نیز بوده، چشمپوشی کرده، مرا از باب رحمت خود پرت ننموده و دورم نساخته است، بلکه هر روزی که فرا رسیده لطف تازه‌تری کرده و به جای قهر و خشم بر انعام و احسان خود افزوده است.

در این تفکر و اندیشه، وجدان شرمسارم الهام می‌کرد که این همه بزرگواری و کرامت نفس را از ولی نعمت خود و کریمه اهل‌بیت، از یاد نبرم و گامی - هر چند ناچیز - در مسیر سپاسگزاری از آن مظهر لطف و رحمت بی‌کران خدا، یعنی فاطمه بنت موسی، علیهما السلام بردارم.

از این رو بر آن شدم که یادداشت‌هایی را که از سالیان سال راجع به آن مکرمه بی بدیل داشتم، تنظیم نموده تقدیم آستان مبارکش سازم، باشد که در جهان ابدی نیز همچون این جهان جزء پناه یافتگان حضرتش باشم.

نتیجه آن کار کتاب حاضر است که به نظر شریف دلدادگان و موالیان آل محمد صلوات الله علیهم و علاقمندان حضرت فاطمه معصومه ارواحنا فداه می‌رسد.

ضمناً یادآور می‌شویم که بحث‌های محوری کتاب، چهار موضوع است:

- 1- اخبار و روایات مربوطه.
- 2- قم، حرم اهل‌بیت صلوات الله علیهم اجمعین.
- 3- چراغ حرم اهل‌بیت، فاطمه معصومه، سلام الله علیها.
- 4- بحثی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم.

و در این مقام اعتراف می‌کنم که این نوشته در برابر کتابهای مفصل و سودمندی

که راجع به قم و حضرت معصومه سلام الله علیها نوشته شده، اثر ناچیزی است، ولی ممکن است این نوشته مختصر نیز مقبول دربار بانوی با جلالت، حضرت معصومه واقع شود و در آن صورت، ارزشمند خواهد بود. علاوه بر این که ممکن است در جایی این مختصر نیز مطالب تازه ای داشته باشد که مورد توجه و عنایت اهل مطالعه قرار گیرد و در نتیجه بها و ارزش پیدا کند و اگر هر دو جهت تحقق بیابد، که آن هم لطفی فوق همه الطاف حضر معصومه دربار اهل جانب است، زاد و توشه راه خطیری که در پیش دارم خواهد بود.

الا فصلوات الله علیها و علی ابیها و اخیه و ابن اخیه و من ولده ابن اخیه
الی القائم الحجة عجل الله تعالی فرجه. قم
/ حوزه علمیه / علی کریمی جهرمی. ذی
الحجة 1421 / فروردین 1379

اخبار و روایات

در آغاز چند روایت پیرامون قم و اهل قم و خزینة الهیه مدفون در قم را ذکر می‌کنیم که محور اصلی در استفاده بسیاری از مطالب کتاب به شمار می‌رود:

1- کَشَى رجالی بزرگ نقل کرده که حمّاد ناب گفته است: ما با گروهی در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که ناگهان عمران بن عبدالله قمی وارد شد. حضرت از او احوالپرسی کرده و به او محبت نمودند و اظهار سرور و شادمانی فرمودند. وقتی برخاست، به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: این که بود که اینگونه به او محبت فرمودید؟

امام در پاسخ گفتند: **مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّجَبَاءِ - یعنی اهل قم - ما ارادهم جبار من الجبابة الا قصمه الله؛** ⁽¹⁾ او از اهل

بیت و خاندان نجبا می‌باشد، یعنی از اهل قم، که هیچ ستمگری از ستمگران، آهنگ هلاک آنان نکرد مگر اینکه خداوند او را در هم شکست و خرد گردانید.

2- روایت دیگری را نیز کشی به همین مضمون با اندک اختلاف لفظی راجع به عمران بن عبدالله نقل کرده است.

3- علی بن میمون الصایغ نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ احْتَجَّ بِلَدَةِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ لَمْ يَدَعْ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ مَسْتَضَعًّا بَلْ وَفَّقَهُمْ وَ أَيْدَهُمْ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الَّذِينَ وَ أَهْلَهُ بِقُمْ دَلِيلٌ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَخَرِبَ قُمْ وَ بَطَلَ أَهْلُهُ فَلَمْ يَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ لَمْ يُنْظَرُوا طَرْفَةً عَيْنٍ وَ إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهَا وَ سَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بِلَدَةُ قُمْ وَ أَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ قَائِمِنَا، عَلَيْهِ السَّلَام، إِلَى ظُهُورِهِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَأَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهَا وَ مَا قَصَدَهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ شَعَلَهُ عَنْهُمْ بِدَاهِيَةٌ أَوْ مُصِيبَةٌ أَوْ عَذُوبٌ وَ يُنْسَى اللَّهُ الْجَبَّارِينَ فِي دَوْلَتِهِمْ ذَكَرَ قُمْ وَ أَهْلِهِ كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ. (2)

راستی خداوند به کوفه بر سایر بلاد و به مؤمنین از اهل آن بر دیگر مردمان بلاد احتجاج می‌کند و به شهر قم بر سایر بلاد و به اهل آن بر تمام مردم مشرق و مغرب از جن و انس، احتجاج خواهد فرمود و قم و اهل آن را بی بهره و دور از معارف رها نکرده، بلکه آنان را موفق داشته و تأیید فرموده است.

سپس فرمود: راستی که دین و اهل دین در قم بی مقدارند و اگر این جهت نبود مردم از هر سو به سوی آن شتابان می‌آمدند و در نتیجه قم ویران و اهل آن نابود می‌شدند و دیگر حجتی بر سایر بلاد نبود و هنگامی که چنین می‌شد، آسمان و زمین استقرار نمی‌یافت و یک چشم به هم زدن مهلت داده نمی‌شدند و به راستی که بلا از قم و اهل آن دفع می‌گردد و به زودی زمانی فرا برسد که قم و اهل آن حجت بر سایر خلائق باشند

و این زمان غیبت قائم تا هنگام ظهور اوست و اگر این نبود، زمین اهل خود را فرو می‌برد و به راستی که ملائکه بلاها را از قم و اهل آن دفع می‌کنند و هیچ جباری قصد سوء درباره آن نمی‌کند جز اینکه شکننده پشت جبارین او را در هم خواهد شکست و او را از آسیب رساندن به آن مردم به وسیله رویداد مشکلی یا مصیبت، یا دشمنی، مشغول خواهد گردانید و خداوند، یاد قم و اهل آن را از خاطر جباران و در دولت آنان خواهد برد، چنانکه آنان یاد خدا را فراموش کردند.

با سندهایی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، که آن حضرت ذکر کوفه کرده و فرمودند:

سَتَخْلُوا كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْرَزُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرَزُ الْحَيَّةُ فِي جَحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلَدَةِ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغِ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَصِيرُ سَبَبًا لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ انْكَارِهِمْ حُجَّةً. (3)

به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌گردد و علم از آن قبض و گرفته خواهد شد، بدانگونه که مار در لانه‌اش گرفته می‌شود. سپس علم در شهری ظاهر می‌گردد که قم نامیده می‌شود و آنجا معدن علم و فضل می‌گردد؛ به گونه‌ای که در زمین مستضعفی در دین باقی نماند، حتی زنان پرده نشین. و این نزدیکی ظهور قائم ما خواهد بود، پس خداوند قم و اهل آن را در مقام حجت قرار می‌دهد و اگر این نبود، زمین اهل خود را فرو می‌برد و حجتی در زمین باقی نمی‌ماند، پس علم از قم به سایر بلاد در مشرق و مغرب سرازیر خواهد شد و حجت خدا بر مردم تمام می‌گردد، آنچنان که احدی بر

صفحه زمین باقی نخواهد ماند که دین به او نرسیده باشد. آنگاه قائم ظهور می‌کند و موجب نقامت و خشم خدا بر بندگان - منحرف - خواهد شد زیرا خداوند از بندگان خود انتقام نمی‌گیرد، مگر بعد از آنکه آنان حجت را انکار کنند.

5- ابومقاتل دیلمی می‌گوید: از حضرت علی بن محمد، امام هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: **إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ بِهِ لِأَنَّهُ لَمَّا كَكَ وَصَلَتْ السَّفِينَةُ إِلَيْهِ فِي طُوفَانٍ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَامَتْ وَهُوَ قَطْعَةً مِنْ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ؛** (4)

همانا قم به این اسم نامیده شد زیرا چون کشتی نوح علیه السلام در جریان طوفان بدانجا رسید، ایستاد - و حرکت نکرد - و آن قطعه‌ای از بیت المقدس است.

6- از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: **إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَذْفُوعٌ عَنْهَا** (5)

هنگامی که فتنه‌ها و آشوب‌ها شهرها را فراگرفت، بر شما باد که به قم و حوالی و نواحی آن رو بیاورید زیرا که بلا از قم و اطراف و جوانب آن دفع شده است.

7- جماعتی نقل کرده‌اند که امام صادق علیه السلام فرمود: **إِذَا عَمَّتِ الْبَلَايَا فَالْأَمْنُ فِي كُوفَةٍ وَ نَوَاحِيهَا مِنَ السَّوَادِ وَ قُمْ مِنَ الْجَبَلِ وَ نِعَمَ الْمَوْضِعِ قُمْ لِلْخَائِفِ الطَّائِفِ** (6)

هنگامی که بلاها فراگیر شد، پس امن در کوفه و نواحی آن از روستاها و در قم از بلاد کوهستانی است و برای ترسناک فرار کننده به هر سو، قم چه جای خوبی است.

8- از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ وَلَكِنْ سَيَهْلِكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَ الْإِسْتِخْفَافِ وَ السَّخَرِيَّةِ بِكِبَرَانِهِمْ وَ مَسَايُخِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَ كُلَّ سُوءٍ. (7)

قم آشیانه آل محمد و پناهگاه شیعیان آنهاست و لکن به زودی جماعتی از

جوانانشان، آنان بر اثر نافرمانی پدران و استهزای به بزرگان و پیشکشوتانشان هلاک خواهند شد و در عین حال، خداوند شر دشمنان و هر بدی را از آنان دفع خواهد فرمود.

9- و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَ عَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ وَ مُسْتَرَاخُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا أَرَادَ أَحَدٌ بِقُمْ وَ أَهْلِهِ سُوءًا إِلَّا أَذَلَّهُ اللَّهُ وَ أَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ. (8)

هنگامی که مصیبت و رنجی به شما رسید، بر شما باد به قم، زیرا آنجا مأواى فاطمیین و استراحتگاه مؤمنین است و هیچکس تصمیم سویی درباره قم و اهل آن نگرفت مگر اینکه خداوند او را خوار کرده، از رحمت خود دور ساخت.

10- و از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام روایت است که فرمود:

إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ لِأَهْلِ قُمْ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ (9)

برای بهشت، هشت در است و برای اهل قم یکی از آن درهاست؛ پس خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان.

11- سلیمان بن صالح میگوید: در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که ذکر فتنه‌های بنی‌عباس و آنچه که از ناحیه آنان به مردم می‌رسد به میان آمد. ما عرض کردیم: جان ما فدای شما باد، مفرع و مفرّ در آن زمان کجا خواهد بود؟ فرمود: به سوی کوفه و حوالی آن و قم و نواحی آن. سپس فرمود: فِي قُمْ شِيعَتُنَا وَ مَوَالِينَا وَ تَكْثُرُ فِيهَا الْعِمَارَةُ وَ يَقْصُدُهَا النَّاسُ وَ يَجْتَمِعُونَ فِيهِ حَتَّى يَكُونَ الْجَمْرُ بَيْنَ بِلَدَتِهِمْ. (10)

شیعیان و دوستداران ما در قم اند و عمارت و آبادی در قم زیاد خواهد شد و مردم آهنگ قم می‌کنند و در آن گرد می‌آیند به طوری که نهر مخصوص در میان شهرستان قرار خواهد گرفت.

علامه مجلسی در اینجا می‌فرماید: و در بعضی از روایات شیعه وارد شده که قم از عمارت و آبادی به جایی برسد که جایگاه یک اسب به هزار درهم به فروش خواهد رسید. و در بیان روایت فوق می‌فرماید: جمر، نام نهری از انهار است که قبل از بنای شهر قم جاری بوده است.

12- از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود: **رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تَزُلُّهُمْ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُونُ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.** (11)

مردی از اهل قم مردم را به سوی حق فرامی‌خواند. گروهی همانند قطعات آهن به همراه او گرد می‌آیند که تندبادها آنان را نمی‌لغزانند، از جنگ خسته نمی‌گردند، نمی‌ترسند و بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت از برای اهل تقوا است.

13- عفان بصری می‌گوید: حضرت صادق علیه السلام به من فرمودند: آیا می‌دانی برای چه قم بدین نام نامیده شد؟ عرض کردم: خدا و رسول او و شما داناترید. فرمود: **إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ.** (12)

قم بدین اسم نامیده شد، زیرا که اهل آن با قائم آل محمد صلوات الله علیه اجتماع نموده و با او قیام می‌کنند و بر این کار استوار بوده، او را نصرت و یاری می‌نمایند.

14- صفوان بن یحیی می‌گوید: روزی در خدمت حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام بودیم که نام قم و اهل آن و میل و توجهی که آنان به مهدی علیه السلام دارند به میان آمد. حضرت بر آنها رحمت فرستاد و فرمود: خدا از آنان راضی و خشنود باشد. سپس اضافه کردند: **إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ وَاحِدٌ**

مِنْهَا لِأَهْلِ قُمْ وَ هُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ حَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَا يَتَنَا فِي طَيِّبَتِهِمْ. (13)

از برای بهشت هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم می‌باشد و آنان از بهترین شیعیان ما از میان همه بلادند. خداوند ولایت ما را در طینت آنان عین کرده است.

15- از گروهی از اهل ری روایت شده که بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدند و عرض کردند: ما از اهل ری می‌باشیم، حضرت فرمودند: مَرْحَباً بِإِخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمْ؛ آفرین بر برادران ما از اهل قم! عرض کردند ما از اهل ری هستیم. حضرت همان سخن را تکرار کردند. آنان بار دیگر حرف خود را تکرار کردند و امام صادق علیه السلام همان پاسخ را دادند و بعد فرمودند: إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ مَدِينَةُ وَ إِنَّ لَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلْدَةُ قُمْ وَ سَنَدْفُنُ فِيهَا امْرَأَةً مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةً فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (14)

راستی که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است و برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است و به زودی زنی از اولاد من به نام فاطمه در آن سرزمین دفن می‌شود، پس هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد.

در ذیل این روایت آمده که راوی این روایت می‌گوید: این سخن را امام صادق علیه السلام در زمانی فرمودند که هنوز حضرت کاظم علیه السلام - پدر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها - تولّد نیافته بود.

16- از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده که: لَوْلَا الْفُقِيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ؛ (15) اگر قمی‌ها نبودند، دین ضایع و تباه می‌شد.

17- از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است: **إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا؛** (16)

هنگامی که فتنه ها شهرها را فراگرفت بر شما باد به قم و حوالی آن و نواحی آن، زیرا بلا از آن برداشته شده است.

18- از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: **إِنَّ لَعَلَى قُمْ مَلَكًا رَفَرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحَيْهِ لَا يُرِيدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا إِذَا بِهِ اللَّهُ كَذُوبِ الْمَلْحِ فِي الْمَاءِ ثُمَّ أَشَارَ إِلَى عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ: سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ فَمَنْ يَسْقِي اللَّهَ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ وَيُنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَيُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ وَ هُمْ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمْ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَ الرِّوَايَةِ وَ حُسْنِ الْعِبَادَةِ.** (17)

راستی که فرشته ای بالهای خود را بر شهر قم افکنده و حرکت می دهد، هیچ ستمگری درباره آن قصد سوء نمی کند مگر اینکه خداوند او را ذوب می کند همچون نمکی که در آب ذوب می شود. آنگاه اشاره به عیسی بن عبدالله کرد و فرمود: سلام خدا بر اهل قم، خداوند با باران رحمتش بلاد آنان را سیراب گرداند و برکات خود را بر آنان نازل فرماید و سیئاتشان را به حسنات تبدیل گرداند. آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند، آنان اهل درایت و روایت و عبادت نیکو می باشند.

19- روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: **ثُرْبَةُ قُمْ مُقَدَّسَةٌ وَ أَهْلُهَا مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سُوءٍ أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارَ قَائِمِنَا وَ دُعَاةَ (رَعَاةَ) حَقَّقْنَا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: اَللَّهُمَّ اعْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ.** (18)

ترت قم مقدس است و اهل قم از مايند و ما از آنانيم. هیچ ستمگری به آنان قصد سوء نمی کند مگر اینکه به سرعت به عقوبت و کیفر خود خواهد رسید و این تا هنگامی است که آنان به برادران خود خیانت نکرده اند. پس اگر خیانت کردند خداوند جباران بد عمل را بر آنان مسلط خواهد

کرد. آگاه باشید که آنان - اهل قم - یاران قائم ما و دعوت کنندگان یا رعایت کنندگان حق مایند. آنگاه سر خود را به آسمان بلند کرده و گفت: خداوندا! آنان را از هر فتنه‌ای نگهداشته و از هرگونه هلاکتی رهایی بخش.

20- ابوالصلت هروی می‌گوید: من در خدمت امام رضا علیه السلام بودم که گروهی از اهل قم وارد شدند و بر آن بزرگوار سلام کردند. حضرت جواب سلامشان را داده و آنها را نزدیک خود جا داد. آنگاه به آنان فرمود: **مَرْحَباً بِكُمْ وَ أَهْلًا فَإِنَّكُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا فَسَيَأْتِي عَلَيْكُمْ يَوْمٌ تَزُورُونَ فِيهِ ثُرَيْتِي بِطُوسٍ أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَ هُوَ عَلَى غُسْلِ خَرَجٍ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.** (19)

خوش آمدید، آفرین بر شما، شما حقاً شیعیان مایید و به زودی روزی فرا رسد که تربت مرا در توس زیارت کنید. آگاه باشید که هرکس با غسل مرا زیارت کند از گناهان خود خارج می‌شود مانند روزی که مادر او را متولد ساخته است.

21- حضرت عبدالعظیم حسنی می‌فرماید: شنیدم که حضرت علی بن محمد - امام هادی علیه السلام - می‌فرمود: **أَهْلُ قُمْ وَ أَهْلُ آبَةِ مَغْفُورٍ لَهُمْ لَزِيَارَتِهِمْ لِجَدِّي عَلَى بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسٍ...** (20)

اهل قم و اهل آبه - قریه‌ای از قرای ساوه - مورد غفران الهی‌اند، به خاطر اینکه جد من علی بن موسی الرضا علیه السلام را در توس زیارت می‌کنند.

22- از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که: قم بلدنا و بلد شیعتنا مطهرة مقدسة قبلت ولایتنا اهل البيت لا یریدهم احد بسوء إلا عجلت عقوبته ما لم یخونوا إخوانهم فإذا فعلوا ذلك سلط الله علیهم جابرة سوء أما إنهم أنصار قائمینا و رعاة حقنا ثم رفع رأسه إلى السماء و قال: **اللَّهُمَّ اعصمهم من كل فتنَةٍ وَ نَجهم من كل هلكة.** (21)

قم شهر ما و شهر شیعیان ماست. پاکیزه و مقدس است. (اهل آن) ولایت ما اهل بیت را پذیرفتند. هیچ کس تصمیم بدی درباره آنان

نمی‌گیرد مگر اینکه در عقوبت او سرعت خواهد شد و این مادامی است که به برادران خود خیانت نکنند. پس اگر خیانت کردند خداوند جباران بد عمل را بر آنان مسلط خواهد کرد. آگاه باشید که آنان - اهل قم - یاران قائم ما و مراعات کنندگان حق مایند. آگاه سر خود را به آسمان بلند کرده و گفت: خداوندا! آنان را از هر فتنه‌ای نگهداشته و از هرگونه هلاکتی نجات داده و برهان.

شایان ذکر است که هرچند در بسیاری از این روایات قم را مصون از بلا و محفوظ از شرّ جباران دانسته‌اند ولیکن در روایت نوزده و بیست و دوم قید کرده‌اند که تا هنگامی که به برادران خود خیانت نکنند؛ و گرنه شرایط دیگری است و در روایت هشتم تصریح فرموده‌اند که گروهی از جوانان قم به سبب نافرمانی بزرگان هلاک می‌شوند.

قم حرم اهل بیت

شاید هرکس کلمه حرم را در مورد قم بشنود و یا در نوشته‌ای بنگرد فوراً متوجه حرم و بقعه مبارکه فاطمیه؛ یعنی مقدار معینی از زمین که زیر قبه سامیه و گنبد مطهر قرار گرفته است بیفتد و همانگونه که معمول و متعارف است، همان موضع مبارکی که محصور است و علاقمندان با احترام مخصوص وارد شده و در آنجا زیارت می‌خوانند به ذهن بیاید.

ولی مقصود ما از حرم در این بحث یک معنای وسیع و مفهوم گسترده‌ای است و خلاصه منظور سراسر شهر قم و کلّ این سرزمین مقدّس و شریف است و این بر اساس روایت یا روایاتی است که از اهل بیت علیهم السّلام وارد شده و بر اساس آن روایات امام معصوم این سرزمین را متعلق به خود و

خاندان خود دانسته و حرم خویش خوانده اند و از این رو قم، سراسر، حرم اهل بیت است. در لغت آمده حرم آن چیزی است که انسان از آن حمایت و دفاع می‌کند، چیزی که انتهاک و حرمت‌شکنی آن روا نیست. لذا بیت‌المقدس را حرم اقصی گویند و چون لفظ حَرَمَان گفته شود، مقصود، مَکّه و مدینه باشد.

با لحاظ این معنا می‌توان حرم را در اینجا بیت و خانه معنا کرد و گفت: قم، این سرزمین مبارک، خانه اهل بیت و جایگاه آنان و مورد حمایت و دفاع آل محمد علیهم السلام است.

و ما در این مقام به ذکر عناوین توقیرآمیز و مزایای محترمانه این سرزمین پاک می‌پردازیم و پیش از آن، چون همه سخنها در این فصل راجع به قم است، مختصر سخنی راجع به قم و نام آن می‌گوییم.

شهر قم و نام افتخار آفرین آن

قاضی نورالله شوشتری نقل می‌کند که: حموی و دیگران گفته‌اند: قم از مداین مستحدثه اسلامی است و اهالی آن همیشه امامیه بوده‌اند و ابتدای بنای آن در سال 83 هجری قمری و در زمان عبدالملک مروان بوده است.

قاضی خود می‌گوید: بلده قم شهری عظیم و بلده‌ای کریم است و از جمله بلادی است که همیشه دار المومنین بوده و بسیاری از اکابر و افاضل و مجتهدان شیعه امامیه از آنجا برخاسته‌اند و انتساب به چنین بلدی اقوی ادله صحت عقیده منسوب‌الیه است. ⁽²²⁾

ظاهراً اسم "قم" نامی است که عرب بر آن شهر اطلاق کرده‌اند و از روایات استفاده می‌شود که این نام منشأ دینی دارد و با

مناسبات ایمانی و عقیدتی بدین نام موسوم شده است. اینک به این چند روایت توجه فرمایید:

علامه مجلسی می‌فرماید: در روایات شیعه آمده که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به معراج برده شد، ابلیس را دید که در این بقعه و سرزمین جایگزین شده است. رسول خدا به او فرمود: قُمْ يَا مَلْعُونُ؛ ای ملعون! برخیز. پس آن سرزمین به قم موسوم گردید. (23)

2- و در روایت پنجم از روایاتی که قبلاً ذکر کردیم، از حضرت هادی علیه السلام نقل شد که فرمودند: قم را قم نامیدند چون کشتی نوح در داستان طوفان تا به آنجا رسید، ایستاد و متوقف شد.

3- در روایت سیزدهم از روایات سابقه خواندیم که حضرت صادق علیه السلام به عِفَّان بصری فرمودند: می‌دانی چرا قم، بدین نام موسوم شده است؟ او عرض کرد: خدا و رسول او و شما داناترید. حضرت فرموده اند: زیرا اهل قم با قائم آل محمد صلوات الله علیه اجتماع کرده و با او قیام می‌نمایند و بر این امر استقامت ورزیده او را یاری می‌کنند.

اکنون بنابر روایت اول، اسم قم از خطاب رسول خدا به شیطان، که فرمودند: "قم"، گرفته شده و بنابر روایت دوم از قیام گرفته شده و چون کشتی نوح در این سرزمین قائم شد و ایستاد، لذا آن را قم گفتند و طبق روایت سوم به تناسب حضور مردم قم با قائم آل محمد و قیام اهل قم با آن حضرت و استقامت آنان، این سرزمین را قم نامیده اند.

البته این وجوه و مناسبات، قابل جمع نیز می‌باشد؛ یعنی می‌تواند تمام این وجوه، وجه مناسب نام‌گذاری این شهر به قم

باشد کما اینکه روایت سوم خود متضمن سه وجه مناسبت است که هریک برای نام‌گذاری کافی بود. یکی حضور مردم قم با حضرت قائم علیه السّلام، دیگری قیام آنان با آن حضرت و سوم استقامت آنان در این راه.

مزایا و خصوصیات و عناوین شهر قم

و اکنون به ذکر مزایا و خصوصیات شهر قم در چارچوب آنچه که از روایات استفاده می‌شود می‌پردازیم.

1- قم از سوی خداوند متعال حجت بر بلاد دیگر، شهرها و شهرستانهای مختلف عالم قرار داده شده است.

2- خداوند قم را در حال استضعاف و بیچارگی وانمی‌گذارد.

3- قم در زمان غیبت قائم علیه السّلام حجت است.

4- ملائکه بلا را از شهر قم دفع می‌کنند.
5- هر کس قصد سوء درباره قم کند، خداوند او را به داهیه و امر عظیمی یا مصیبتی مبتلا می‌کند و یا دشمنی را در برابر او قرار می‌دهد که در نتیجه مشغول به اینها شود و از اعمال اراده خود باز بماند.

همه این مطالب پنج‌گانه را از روایت سوم استفاده می‌کنیم.

6- علم در قم ظهور و بروز پیدا می‌کند.
7- قم معدن علم و فضل خواهد شد.
8- علم و دانش از قم به مشرق و مغرب و تمام نقاط عالم سرازیر خواهد گردید و همه جا از قم بهره‌مند می‌شوند.
این چند مزیت را از روایت چهارم استفاده می‌کنیم.

9- قم، قطعه‌ای از بیت المقدّس می‌باشد و این مطلب در روایت پنجم آمده است.

- 10- بلا از قم مدفوع است؛ یعنی از آن دفع خواهد شد و این نکته در روایت ششم آمده است.
- 11- قم مأمن است؛ یعنی مرکز ایمنی و امن و امان خواهد بود.
- 12- قم، جایگاه خوبی برای انسان خائف و ترسانی است که به هر سو در طوف و حرکت است. و این دو خصوصیت در روایت هفتم ذکر شده است.
- 13- قم، عُشّ و آشیانه آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین است.
- 14- قم مأوا و پناهگاه شیعیان و پیروان آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلم است و این دو امتیاز از روایت هشتم گرفته شده است.
- 15- قم مأوای فاطمیّین؛ یعنی اولاد و ذراری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد. امکان دارد قبور فراوانی که از سادات و بنی فاطمه در این شهر است، به خاطر همین جهت باشد که آنان از هر سو رو به قم آورده و آنجا را مأوای خود قرار داده اند.
- و نیز احتمال می رود که مقصود از فاطمیّین، دلدادگان و پیروان حضرت فاطمه زهرا باشند و گویا فرموده اند: قم مأوا و مرکز پیروان و دوستان فاطمه سلام الله علیها است.
- 16- قم محل استراحت و آسایش مؤمنان است.
- 17- هرکس درباره قم تصمیم سوء بگیرد، خداوند او را ذلیل و خوار گردانیده و از رحمت خود دور می سازد.
- 18- قم مرکز شیعیان و موالیان اهل بیت عصمت و طهارت و خاندان پیغمبر است. این دو خصوصیت مستفاد از روایت یازدهم می باشد.

- 19- قم مرکز توجّه نفوس و علاقه و اجتماع مردم است. و این دو خصوصیت مستفاد از روایت یازدهم می‌باشد.
- 20- قم حرم خاندان پیغمبر و منزل و بیت آل محمد علیهم السّلام بوده و مرکز و جایگاه و محل توجّه خاص امامان معصوم علیهم السّلام خصوصاً از امام صادق علیه السّلام به بعد است. چنانکه حرم خدا، مگّه و حرم رسول الله، مدینه و حرم امیرالمؤمنین علیه السّلام، کوفه است.
- 21- قم مدفن پیکر پاک و مطهر فرزندان امام صادق علیه السّلام حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها می‌باشد.
- و این دو وجه شرافت بزرگ در روایت پانزدهم با کمال صراحت و روشنی ذکر شده است.
- 22- به هنگامی که بلا و گرفتاری عمومیت پیدا کرده و همه جا را فراگیرد به امر حضرت رضا علیه السّلام باید رو به قم و حوالی و نواحی آن آورد.
- 23- بلا از قم - نوعاً مرفوع و برداشته شده است.
- و این دو جهت مورد تصریح در روایت هفدهم است.
- 24 - قم زیر بال ملائکه است و فرشته آسمانی بال خود را چتر مانند بر سر اهل قم افکنده و باز و بسته می‌کند.
- 25- کسی که تصمیم بدی درباره قم داشته باشد، خداوند او را ذوب می‌کند چونانکه نمک در آب ذوب می‌گردد. و این دو امتیاز در روایت هیجدهم آمده است.
- 26- تربت قم دارای قداست است.
- و این نکته افتخارآمیز در روایت نوزدهم مورد تصریح قرار گرفته است.
- 27- قم، بلد آل محمد و امامان علیهم السّلام است.

28- قم، بلد و شهر شیعیان علی و آل علی علیه السلام است.

29- قم، مطهر است.

30- قم، مقدس است.

31- قم، سرزمینی است که خود ولایت آل علی را پذیرفته است. البته احتمال می‌رود که مقصود اهل قم باشند. و این چهار یا پنج خصوصیت را از روایت 22 استفاده می‌کنیم.

اینها یک سلسله افتخارات و امتیازاتی است که برای شهر قم از لسان خاندان وحی صلوات الله علیهم اجمعین صادر گردیده و ما را متوجه موقعیت عظیم و بزرگ معنوی این سرزمین شریف می‌گرداند.

و چه بگویم راجع به شهری که معصومین پاک اینگونه آن را ستوده‌اند و چه افتخار آفرین است شهری که حجت خدا بر همه بلاد عالم می‌باشد.

شهری که مورد عنایت خداوند بوده و حق تعالی آن را مستضعف رها نخواهد کرد.

شهری که در عصر پر از مشکلات غیبت حضرت ولی عصر، حجت می‌باشد.

شهری که فرشتگان الهی بلا را از آن دفع می‌کنند.

شهری که تصمیم سوء گیرنده آن را خداوند به داهیه و مشکل بزرگ و مصیبت و دشمن خطرناک دچار می‌سازد تا از تصمیمش باز بماند.

شهری که مهد علم و دانش و محل بروز حرکتهای علمی است.

شهری که معدن علم و کانون فضیلت و فرهنگ اسلامی خواهد گردید.

شهری که علم و دانش، سیل مانند از آنجا به اطراف و اکناف دنیا سرازیر خواهد گردید و بالاخره اقطار جهان را تغذیه علمی می‌کند.

شهری که قطعه‌ای از بیت المقدس - شهر پیامبران و مدفن انبیا است. شهری که بلا از آن دفع شده و خواهد شد. شهری که مأمّن و بهترین موضع برای انسان ترسان و بهر هر سو در حرکت و فرار خواهد بود. شهری که آشیانه آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و مأوای شیعیان و هواخواهان آنان است. شهری که مأوای فاطمیّین و جایگاه آسایش مؤمنان می‌باشد. شهری که مرکز موالیان و دلدادگان خاندان پیغمبر و نقطه توجه نفوس و اجتماع مردم است. شهری که حرم اهل بیت و مدفن بانوی گرانقدر آل محمد، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است. شهری که به هنگام فرا گیر شدن بلاها باید به آنجا روی آورد و بلا از آنجا برداشته شده است. شهری که زیر چتر بال ملک است و کسی که تصمیم ناروایی درباره آن داشته باشد به کلی نابود خواهد گردید. شهری که تربت و خاک پاک آن از قداست خاصی برخوردار است. راستی شهری عجیب و سرزمینی شگفتانگیز است! کسانی که روی زمین آن راه می‌روند، در سرزمین مقدس راه می‌روند و آنانکه در این شهر ساکن و مقیمند، در عُشّ آل محمد و در حرم اهل بیت پیغمبر اقامت گزیده‌اند. و در آخر قم، شهری است که متجاوز از چهارصد امامزاده واجب التعظیم در آن آرمیده و مدفونند و این خاک مقدس، پیکر پاک این عده کثیر از آل علی علیهم السلام را در خود جای داده است و علما و فقها

و محدثین بزرگ شیعه و اصحاب ائمه علیهم السلام به قدری در سرزمین قم، به ویژه در حول و حوش حرم شریف و صحن مطهر حضرت معصومه مدفونند که به شمار نمی آیند.

و روی این قداست خاص است که فقیه نامدار و اصولی جلیل القدر مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی - کرباسی - اعلی الله مقامه مرجع معاصر مرحوم میرزای قمی بنا بر آنچه که منقول و معروف است هنگامی که از اصفهان به قم می آمد، از پل علیخانی - دروازه معصومه سابق - یا از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام کفش های خود را بیرون آورده و به دست می گرفت و تا حرم مطهر پیاده می رفت و می فرمود: در اینجا علمای ابرار و اصحاب ائمه و محدثان بسیار آرمیده اند و سراسر این قسمت، قبور آن بزرگواران است.

مزایای مردم قم

به مقتضای روایات سابقه مردم قم دارای مزایا و افتخارات فراوانند:

- 1- آنان جزء اهل بیت هستند.
- 2- آنان مردمی نجیب و بزرگوارند، نجبای مردم به شمار می روند.
- 3- کسی که تصمیم بد درباره آنان بگیرد خداوند او را در هم می شکند.
و این سه مطلب از روایت اول استفاده می شود.
- 4- خداوند با مردم قم بر سایر مردم احتجاج خواهد کرد.
- 5- خداوند آنان را مستضعف نخواهد گذاشت.
- 6- خداوند متعال آنان را موفق و مؤید می دارد.

- 7- بلا از مردم قم دفع خواهد گردید.
- 8- اهل قم حجت بر خلائق در زمان غیبتند.
- 9- هرکس اراده بدی نسبت به آنان کرد، خداوند او را ذلیل و خوار و از رحمت خود دور ساخت.
- و این مطلب در روایت نهم مورد تصریح واقع شده است.
- 10- برای مردم قم دری مخصوص از درهای بهشت است.
- 11- امام علیه السلام سه بار درباره آنان "طوبی لهم؛ یعنی خوشا به حالشان" فرموده است. و این دو مطلب در روایت دهم آمده است، چنانکه مطلب اوّل در روایت چهاردهم نیز آمده است.
- 12- مردی از اهل قم دعوت به حق می‌کند.
- 13- اهل قم با قائم آل محمد صلوات الله علیه اجتماع کرده و او را یاری می‌نمایند.
- و این سخن در روایت سیزدهم آمده است.
- 14- طلب رحمت و رضا و خشنودی خداوند برای مردم قم از ناحیه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شده است.
- 15- آنان بهترین شیعیانند.
- 16- خداوند ولایت اهل بیت را با ذات آنان عین کرده است.
- و این سه نکته در روایت چهاردهم ذکر شده است.
- 17- اهل قم برادر خواندگان اهل بیت‌اند.
- و این مطلب در روایت پانزدهم آمده است.
- 18- اگر قمی‌ها نبودند دین ضایع می‌شد.
- این نکته افتخارآمیز در روایت شانزدهم آمده است.
- 19- مورد سلام و درود امام علیه السلام هستند.

- 20- مشمول دعای امام علیه السّلام هستند که خداوند بلادشان را با نزول باران سیراب گرداند.
- 21- مشمول دعای امامند که خدا برکاتش را بر آنان نازل گرداند.
- 22- و دعای امام علیه السّلام که خدا سیئاتشان را به حسنات مبدّل گرداند.
- 23- آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند.
- 24- آنان فقهایند.
- 25- و نیز علمای فهم و دانا می‌باشند.
- 26- اهل درایت، فهم و دانایی و روایتند.
- 27- اهل عبادت نیکو و شایسته می‌باشند. این نه مطلب پرافتخار در روایت هیجدهم ذکر شده است.
- 28- امام علیه السّلام مردم قم را از خاندان خود و خاندان خود را از آنان برشمرده است.
- 29- آنان انصار قائم آل محمد علیه و علیهم السّلام هستند.
- 30- آنان دعوت کننده یا رعایت کننده حقوق اهلبیتند.
- 31- مورد دعای امام صادقند که خداوند آنان را از هر فتنه‌ای نگه داشته و از هرگونه هلاکتی نجات بخشد. و این مطالب چهارگانه در روایت نوزدهم آمده است. چنانکه سه مطلب اخیر در روایت 22 نیز آمده است.
- 32- تصدیق و امضای تشیع اهل قم با ذکر کلمه "حقاً" و برای تأکید صورت گرفته است.
- 33- آنان از دیر زمان زائران حضرت رضا علیه السّلام بوده اند.

و این دو نکته در روایت 20 ذکر شده است.

34- اهل قم و نیز اهل آبه - از قرای ساوه - به برکت زیارت حضرت رضا علیه السلام مورد غفران الهی‌اند.

35- هرکس تصمیم سویی درباره آنان گرفت، تعجیل در کیفر او خواهد شد. و این مطلب در روایت بیست و یکم و بیست و دوم ذکر گردیده است.

راستی این همه شرف و افتخار و نقطه‌های روشن برای چه مردمی جز اهل قم وارد شده است؟!

مردمی که خداوند با آنان بر دیگران احتجاج می‌کند، مردمی که خداوند آنان را مستضعف و عقبافتاده رها نخواهد کرد، مردمی که مورد توفیق و تأیید الهی بوده و بلا از آنان دفع می‌شود و در زمان غیبت، حجت بر مردمان دیگرند.

مردمی که هرکس سوءنیت درباره آنان داشته باشد، خداوند او را خوار و زبون می‌دارد و از رحمت خود دور می‌سازد.

مردمی که یک در بهشت ویژه آنان بوده و امام علیه السلام در مقام تقدیر و تکریم آنان سه بار جمله "خوشا به حالشان" را ذکر کرده‌اند.

مردمی که یک شخصیت ممتاز از میان آنان برمی‌خیزد و ملت را به سوی خدا دعوت می‌کند.

مردمی که با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه همراه بوده و او را یاری می‌کنند. مردمی که شیعیان برتر بوده و ولایت آل محمد علیهم السلام در سرشت ذات آنان عجین شده است.

مردمی که امام آنان را برادران خود خوانده و اگر آنها نبودند دین الهی ضایع می‌گردید.

مردمی که مورد سلام امام علیه السلام قرار گرفته و با جمله افتخار آفرین: سلامُ اللهَ علی اهلِ قُم، سلام الهی نثار آنان شده است.

مردمی که امام معصوم از خدا خواسته که بلادشان را سیراب کرده، برکاتش را بر آنان نازل گردانیده و گناهانشان را به خوبی و ثواب مبدل فرماید.

مردمی که اهل رکوع، سجود، قیام و قعود بوده، فقها و علمای فهیم و دانا قلمداد شده اند و اهل درایت، روایت و عبادت نیکو می‌باشند.

مردمی که امام علیه السلام آنان را از خود و خود را از آنان قلمداد کرده و انصار مهدی موعود و دعوت کنندگان یا مراعات کنندگان حقوق خاندان پیامبرند.

مردمی که مشمول دعای خیر امام علیه السلام می‌باشند که از هر فتنه‌ای مصون و از انواع هلاکت‌ها محفوظ بمانند.

مردمی که امام علیه السلام مؤکدانه آنان را شیعه خوانده و تشیّعشان مورد گواهی حجت خدا واقع شده و بالاخره مردمی که همواره اهل زیارت حضرت رضا علیه السلام بوده و به برکت زیارت آن بزرگوار، مورد مغفرت الهی‌اند.

بدون تردید هیچ سرزمین و جایگاهی نیست که اینقدر فضیلت و منقبت داشته باشد. و اکنون که اهل قم اینقدر مناقب دارند بجاست که موضع سراسر توقیر و تکریم خود را حفظ نموده، شایستگی خود را برای این همه افتخارات با خوبی، ایثار، تقوا و کرامت نفس به اثبات برسانند.

در اینجا ناگزیر این نکته را تذکر می‌دهیم که بعید است این همه تعظیم و احترام برای هرکسی باشد که در این شهر اقامت کرده و در آن فرو آمده یا از آنجا نشأت گرفته باشد، بلکه در کلمه اهل بیت،

اهلیّت افتاده و اگر لغت در این موضوع همراهی نکند لسان دین آن را تأیید و امضا کرده است.

چنانکه خداوند در داستان حضرت نوح علیه السّلام و فرزندش می‌فرماید: نوح گفت: **إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ؛** (24)

خداوند! پسر من از اهل من است و وعده تو - راجع به نجات اهل من - حق است. خطاب شد: **إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛** (25) نه، این پسر از اهل تو نیست، او عملی ناصالح است (فردی منحرف و گناهکار است).

راستی این آیه وحشت‌زا است! نکند ما در قم باشیم ولی اهل قم نباشیم و بالاخره باید مرد و زن و دختر و پسر و اهل قم ممتاز باشند؛ به طوری که الگوی پاکی و پرهیزگاری و اخلاق حسنه و ساده‌زیستی و حیا و عفت و راستی و درستی، برای مردمان بلاد دیگر به شمار آیند و نیاید روزی که آنان دنباله‌رو شهرهای دیگر و یا دنباله‌رو غربیهای منحرف و دور از حیا باشند که: **أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ.**

و چنین به یاد می‌آید که مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی انصاری واعظ شهیر قمی رضوان الله علیه در یکی از منابر خود خطاب به مأمورین دولتی زمان طاغوت یا خطاب به خصوص رئیس شهربانی می‌کرد و می‌گفت: شما هر روز اول صبح یک دور تسبیح بگو: اینجا قم است. اینجا قم است.

راستی این خود نکته جالبی است و بجاست که مردم قم و پسران و دختران قمی فراموش نکنند که اهل قم می‌باشند و هر کاری و هرگونه لباسی شایسته شأن آنان نیست و نیز بجاست که هرکس که در قم زندگی می‌کند و در آن اقامت دارد، هر روز به یاد خود

بیاورد که اینجا قم است و شهر اهل‌بیت و حرم آنان و مأوای او آشیانه آل محمد است و در نتیجه حفظ حرمت حرم و حریم اهل‌بیت و ملاحظه و مراعات احترامات صاحب‌البيت و صاحب‌البلد: یعنی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را بنماید.

چراغ حرم اهل‌بیت، فاطمه معصومه سلام الله علیها

فـواطـم آل هاشـم و فاطـمه معصـومه علیهم السّلام در خاندان اهل‌بیت، علیهم السّلام بانوانی به نام فاطمه بوده‌اند که دارای شخصیت ممتاز و مقامات عالیّه می‌باشند و ممتازترین این بانوان گرانقدر، پنج نفرند که به صورت گذرا از آنان سخن می‌گوئیم.

1. فاطمه بنت اسد، مادر پرافتخار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السّلام. او بانویی سرافراز است که از مزایای گوناگون برخوردار بوده و در میان همه زنان جهان، از اولین و آخرین، تنها زنی است که از جهان غیب برای مراسم وضع حمل به داخل کعبه فراخوانده شد و هدایت گردید و در آن مکان فوق‌العاده مقدّس، فرزند بی‌نظیر خود علی علیه السّلام را متولد ساخت. این جریان را علاوه بر علما و مورخان شیعه، عده‌ای از علما و مورخان اهل سنت نیز نقل کرده‌اند.

او از جمله مهاجرین از مکه به سوی مدینه طیبه به شمار می‌رود و قبل از مهاجرت، از روی علاقه و صفا اسلام را پذیرفته بود. وی اول هاشمیه‌ای است که فرزند سرافراز او به خلافت اسلامی رسید.

این بانوی باایمان و مهاجر، در مدینه طیبه دار فانی را وداع گفت و از دنیا رفت.

ابن اثیر می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم او را در جامه و پیراهن خود کفن کرد و در قبر او خوابید و برای او از خداوند درخواست جزای خیر فرمود. به آن بزرگوار عرض شد: در مورد جنازه فاطمه کاری کردید که نسبت به هیچکس دیگر چنین ننمودید؟

رسول خدا فرمود: **إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ بَعْدَ أَبِي طَالِبٍ أَبَرَّ بِي مِنْهَا إِنَّمَا أَلْبَسْتُهَا قَمِيصِي لِتُكْسَى مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ وَ اضْطَجَعْتُ فِي قَبْرِهَا لِيَهْوَنَ عَلَيْهَا عَذَابُ الْقَبْرِ؛** (26) بعد از ابوطالب هیچکس درباره من نیکوکارتر از او نبود و من پیراهن خود را به وی پوشاندم تا از حله‌های بهشتی بر او پوشانده شود و در قبر او خوابیدم تا عذاب قبر بر او آسان گردد.

2. حضرت فاطمه زهرا دخت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم.

او سیده نسای جهانیان و سرور بانوان بهشتی و بزرگترین مظهر قداست در طبقه بانوان است. فاطمه مادر گرامی دو سبط رسول الله، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین است. یازده امام معصوم از بطن پاک او ولادت یافته‌اند؛ چنانکه همسر گرامی امام امیرالمؤمنین علیه السلام بود. وی در نظر پیامبر گرامی اسلام و حضرت علی علیه السلام احترام ویژه‌ای داشت و مورد تکریم و اجلال همه امامان معصوم علیهم السلام بود؛ بلکه بعضی از آنها مانند حضرت امام محمدباقر علیه السلام در حالت تب و کسالت، توسل به حضرت فاطمه پیدا کرده و به یاد او بودند و نام مقدس وی را بر زبان می‌راندند.

3. فاطمه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام.

او از یکی از همسرانی که حضرت علی علیه السلام بعد از حضرت زهرا سلام الله علیها اختیار کردند، تولد یافت. چنانکه عالم بزرگ شیعه، شیخ مفید به این موضوع تصریح کرده است. ⁽²⁷⁾ این بانوی معظمه مورد احترام خاندان پیامبر و صحابه آن بزرگوار بود و همچون حضرت زینب کبری مواظبت بر حال بقایای دودمان آل علی علیه السلام را بر عهده داشت.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کنند که: چون فاطمه بنت علی بن ابیطالب، نظر به کارهای عبادی و شدت کوشش فرزند برادرش علی بن الحسین (زین العابدین) در عبادت انداخت و دید که او خود را به رنج انداخته است به نزد جابر آمد و فرمود: ای همنشین رسول الله برای ما بر شما حقوقی است و از حق ما بر شما این است که چون دیدید یکی از ما خویشتن را برای تلاش در عبادت به هلاکت انداخته است، مصرّاً او را سوگند دهید و از او بخواهید که خود را از بین نبرد و برنامه عبادت و ریاضت خود را کم کند و این علی بن الحسین باقی مانده و یادگار پدرش حسین است که بینی او زخم شده و جبهه و زانوها و کف دستهایش پینه آورده و برای عبادت، خویشتن را بدین حال انداخته است.

جابر به خانه علی بن الحسین آمد. حضرت باقر علیه السلام با چند نفر از کودکان بنی‌هاشم جلوی در خانه ایستاده بودند. جابر از او پرسید تو کیستی؟ فرمود: محمد بن علی بن الحسین. او گریه کرد و گفت: و الله تو باقری که علم را می‌شکافی. و سلام پیامبر را به او رسانید و بعد از او

خواست که از پدر بزرگوارش برای وی اذن ملاقات بگیرد. امام باقر علیه السلام رفت و برگشت و اذن داد. او وارد شد و از حضرت علی بن الحسین که عبادت در همه بدنش اثر گذاشته بود درخواست کرد که برنامه عبادی خود را کم کند ولی حضرت فرمود: **لَا أزالُ عَلَى مِنْهَاجِ أَبِي مُؤَسَّيًّا بِهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا حَتَّى الْقَاهُمَا...؛** من پیوسته راه دو پدر بزرگوارم، پیامبر و علی صلوات الله علیهما را ادامه می‌دهم تا به ملاقات آنان برسم و از دنیا بروم. (28)

4. فاطمه بنت الحسین. او دختر سیدالشهدا علیه السلام و مورد محبت شدید آن حضرت بود و مجمع کمالات به شمار می‌رفت. حضرت امام حسین علیه السلام برای شدت علاقه به مادرش حضرت فاطمه، دختر خود را به نام آن حضرت نام‌گذاری کرده بود. خطبه‌ای بس غزا و جالب و کوبنده از آن بزرگ بانوی آل عصمت نقل شده که در کوفه خوانده‌اند و در آن خطابه آتشین مظلومیّت جدّ بزرگوارش حضرت علی علیه السلام و پدر مظلومش امام حسین علیه السلام را به صورتی بسیار جالب و با عباراتی دل‌گداز بیان کرده و این خطبه به تنهایی بیانگر شخصیت والا و درخشان بیان جذّاب، شجاعت و قهرمانی آن بانوی بزرگ اسلام است.

5. فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام.

شیخ مفید اعلی الله مقامه می‌نویسد: برای حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام سی و هفت فرزند پسر و دختر بود و ضمن برشمردن آنان می‌فرماید: و فاطمة الكبرى و فاطمة الصغرى... (29)

و ظاهر این است که حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها همان فاطمه کبری باشد.

هرچند شیخ مفید قدس سره راجع به این موضوع سخنی نفرموده است.

بالاخره این بانوی گرانقدر دارای مقامی بس شامخ و رفیع می‌باشد و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجعین از این بانوی با جلالت و با تمام جلیل و تکریم یاد کرده اند و حتی پیش از ولادت آن حضرت، بلکه پیش از ولادت پدر بزرگوارش نام او بر لسان بعضی از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین آمده و از مقام شامخ سخن گفته اند.

و بر اثر همین تجلیات خاصه ای که امامان معصوم از او کرده و به اقتضای فضایل ذاتی و منقبت‌های فراوانی که در وجود پاک او متبلور است، شهر قم از عظمت و جلال خاصی برخوردار گردیده، مرکزیت برای جهان تشیع پیدا کرده و امروز قم شهرت جهانی دارد و اولین چیزی که از لفظ و واژه "قم" به اذهان مردمان جهان تداعی می‌شود، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و قبر منور آن حضرت است که به عنوان یک زیارتگاه بسیار مهم در همه جا تلقی می‌شود و شهرستان قم از دیر زمان به عنوان یک شهر زیارتی قلمداد می‌شده است که صرفاً برای زیارت قبر منور حضرت معصومه سلام الله علیها از راه‌های دور و نزدیک به آنجا آمده، این ضریح مطهر و بقعه و بارگاه باشکوه را زیارت می‌کرده اند.

چنانچه قبلاً ذکر شد نام نامی آن بانوی معظمه، فاطمه است که گاهی هم به عنوان فاطمه کبری از او نام برده شده است، زیرا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دختر دیگری نیز به نام فاطمه داشته اند که برای تمایز آن دو از یکدیگر فاطمه مدفون در قم را فاطمه کبری نامیده اند و در فقره ای از فقرات زیارت آن معظمه به همین

نام از آن حضرت یاد شده است؛ آنجا که می‌خوانیم "یا فاطمَةُ اشْفَعی لی فی الْجَنَّةِ". و در عین حال شهرت کامل و گسترده‌ای به "معصومه" پیدا کرده‌اند به گونه‌ای که گاهی اسم مبارکشان برای بسیاری ناآشناست، ولیکن واژه معصومه برای همگان آشنا بوده و یادآور همین بانوی با عظمت و وقار و یادگار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد و معرّف و امتیاز روشن قم به شمار می‌رود. بلکه در قسمتی از بلاد جنوبی و احياناً مناطق دیگر، قم را همراه با نام مقدّس معصومه یاد می‌کنند و به عنوان معصومه قم نام می‌برند.

و این خود مسأله‌ای قابل توجّه و تعمّق است که این لقب از کجا نشأت یافته است. آیا لقبی است که از ناحیه قدس پدر بزرگوار یا برادر عالیقدرش حضرت رضا علیه السلام، یا از امامان بعد صلوات الله علیهم اجمعین سرچشمه گرفته؟ یا اینکه این لقب، لقبی مردمی و خودجوش است که بر اثر شدت پاکی و طهارت نفسی که از آن حضرت سراغ داشتند به وجود آمده و تحقق یافته است و مردم مسلمان و دلدادگان اهل بیت عصمت و خاندان پیغمبر اکرم صلوات الله علیهم اجمعین، او را بدین لقب مقدّس و افتخارآمیز خوانده و یاد کرده‌اند؟

احتمال اوّل: ضعیف است، زیرا اگر این لقب امری قراردادی از ناحیه معصومی از امامان بود به طور طبیعی نقل می‌شد و در کلمات مورّخین و محدّثین می‌آمد؛ در حالی که تاکنون بدین موضوع برخورد نکردیم. چنانکه شیخ مفید که همه فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پسر و دختر را نام می‌برد و حتی اینکه هر کدام از کدام مادر بوده‌اند را نیز یادآوری می‌نماید، از ذکر معصومه در کلامشان اثری

نیست، با آنکه نام مقدّسش را که فاطمه است، ذکر کرده اند.

بنابراین احتمال مردمی بودن این لقب پرافتخار برای آن بانوی مکرمه بسیار قریب به نظر می‌رسد. چنانکه می‌دانیم بعضی از شخصیت‌های بزرگ، بر اثر عظمت و جلالت، قدر و پایگاه رفیع و موقعیت عظیمی که در جامعه دارند به لقب افتخار آمیزی در میان مردم اشتهار پیدا می‌کنند.

در مورد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به لحاظ اینکه به روایت صحیح مستندی در جوامع شیعی برخوردار نکردیم، بلکه حتی روایت مرسل را هم در این باب نیافتیم که امام علیه السلام آن حضرت را به این عنوان خوانده و یا این لقب را برای او قرار داده باشند؛ بنابراین بعید نیست که مردم و علاقمندان خاندان پیغمبر آنقدر عظمت و جلالت و رفعت شأن آن بانوی مکرمه را دریافت کرده و احساس نموده و یا از لسان ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین شنیده بودند که آن معظمه را تالی و ثانی امامان و معصومین پاک دانسته و این لقب برای وی به زبان‌شان جاری شده است و به مرور زمان بدان، اشتهار پیدا کرده باشند.

باری، این لقب مبارک از از همان دست القاب خودجوش و الهام مانند است که بدون تشریفات و تبانی اشخاص به ذهن خود مردم آمده و به فکرشان القا شده است و این نوع پیدایش لقب برای انسان از ارزش و اعتبار فوق العاده برخوردار می‌باشد که نشأت گرفته از الهام درون و ضمیر بیدار جامعه است و بالاخره مستند به ملکات فاضله و مقامات عالی و جایگاه رفیع آن شخص می‌شود که موجب شده مردم، آن لقب را برای او قرار داده اند.

درخشش حضرت معصومه سلام الله علیها

در میان امامزادگان بزرگوار و واجب التعظیم، چند امامزاده بسیار ممتازند، آنان امامزادگان عالیقدر و والامقامی‌اند که گوی سبقت را در فضایل و مناقب و کرامت نفس و بزرگواری از سایر امامزادگان ربوده‌اند و مقامات عالی‌ه آنان به شرح و بیان نمی‌آید و قلم از نگارش رتبه والایشان عاجز و ناتوان است. از جمله این چند نفر امامزاده ممتاز و والامقام، حضرت سیده علیا، فاطمه مدفون در قم معروف به حضرت معصومه سلام الله علیها است.

در جلالت قدر و رفعت مقام و مرتبه والای آن بانوی آسمانی همین بس که مورد احترام و تقدیس حضرات امامان معصوم و پیشوایان آسمانی سلام الله علیهم اجمعین بوده و چنانکه قبلاً اشاره کردیم، پیش از آنکه پا به دنیا نهد، از فضایل و مکرمتهایش سخنها گفته‌اند و سفارش زیارت قبر شریفش را به دوستان و محبان کرده‌اند. مدح و ثنایی که از لسان عصمت، تراوش کند و صادر شود، بزرگترین شرف و افتخار است.

از جمله مناقب و شرافتهای افتخارآمیز آن بزرگوار، ورود یک صورت زیارت یا به تعبیر معروف، یک زیارتنامه مخصوص برای حضرت معصومه علیها السلام از ناحیه امامان صلوات الله علیهم اجمعین می‌باشد. آری، ورود دستور خاص در کیفیت زیارت آن بانوی بهشتی، حکایت از شأن عظیم و مقام رفیع و رتبه والای او می‌کند. از جمله فضایل و مناقب حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها علاوه بر انتساب

بسیار نزدیک به خانه وحی و تنزیل و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و نیز ابوالائمۃ الطاهرین، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، انتساب بی واسطه به سه نفر از امامان معصوم و حجج بالغه الهیه است که نشانگر عالیتین شرف خانوادگی آن مجلله گرانقدر، به شمار می رود.

آری آن سیده والا مقام، دخت بلند اختر حجة الله الاعظم، حضرت ابا ابراهیم موسی بن جعفر ارواحنا له الفداه، امام هفتم شیعیان جهان است و نیز خواهر عزیز و گرامی ولی اعظم پروردگار، حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء، امام هشتم شیعیان عالم است و همینطور عمه محترمه و گرانقدر حجة الله علی العباد، حضرت امام محمدتقی، جواد، علیه السلام نهمین امام مفترض الطاعة شیعیان در اقطار جهان است.

و این فضیلت بزرگ، راهگشا به سوی فضیلت و جلالت دیگری است و آن مشابَهت به حضرت علیا معظّمه، زینب کبری سلام الله علیها است، زیرا او بانویی است که این سه جهت و این سه امتیاز در وی جمع شده است.

آری، حضرت زینب کبری دختر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است چنانکه خواهر حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام است و نیز عمه حضرت امام زین العابدین علیه السلام می باشد.

باری، مطلب فوق یعنی انتساب بسیار نزدیک و بلا واسطه حضرت معصومه سلام الله علیها نکته ای جالب و روحبخش را در پی دارد و آن این است که این انتساب به مثلث شریف و مقدّس و ارتباط به سه امام معصوم علیهما السلام، مقتضی آنست که بزرگداشت و تکریم مقام والای آن خانم با جلالت صبغه دیگری پیدا کند و روشن تر آنکه بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

بزرگداشت مقام این سه امام بزرگوار است و طبیعی است که تکریم و احترام از شخصی، تکریم افراد بسیار نزدیک آن خانواده مانند پدر و برادر و دیگر نزدیکان اوست و به تعبیر دیگر، بزرگداشت آن مکرمه، بزرگداشت آن حضرت در مرحله نخستین و بزرگداشت مقام رفیع آن سه بزرگوار در مرحله دوم و بزرگداشت کلّ خاندان پیامبر و بیت جلیل و رفیع رسالت و امامت است؛ چه آنکه حضرت معصومه دسته گل زیبای بی‌مثالی از باغ رسالت و بوستان ولایت صلوات الله علیهم اجمعین است.

مطلبی که در نشان دادن مقام والا و با عظمت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نقش مهمی دارد، فقره‌ای از زیارت آن حضرت است که می‌فرماید: **إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ؛** (30) حقاً که برای تو در نزد خداوند شأنی از شأن معهود و مخصوص است.

این جمله درخور دقت و توجه فراوان است و می‌سزد که اهل معرفت پیرامون آن بیندیشند و ما در این مقام به ذکر مختصری که فراخور بحث کوتاه ماست اکتفا می‌کنیم.

چنانکه مشهود است در این جمله دو مرتبه کلمه شأن به کار رفته است که نخستین رابه صورت نکره آورده و دومی را به صورت معرفه یعنی بالفظ "الف و لام". اکنون نکره آوردن شأن اول برای تفخیم و تعظیم است و گویا فرموده است: برای تو در نزد خدا شأنی بس بزرگ و بلندپایه می‌باشد و از حدّ وصف و بیان خارج است و به شرح نمی‌آید.

به نظر می‌آید که مقصود از شأن دوم که با الف و لام تعریف آمده است، شأن ولایت و امامت و عصمت باشد؛ یعنی از برای تو شأنی عظیم و موقعیتی رفیع از نوع شیون امامت و ولایت و عصمت و یا سهمی مهم از

آن مقام والاست (هرچند بالقوه باشد و بر اثر حکمت‌هایی به مرحله بروز و ظهور نرسیده باشد).

فاطمه معصومه مولود بیت وحی و تنزیل و نشأت گرفته از سلسله امامت و عصمت است. بنابراین ریشه‌های عمیق ولایت و امامت در جان آن حضرت هست و از این رو نفوذ و تأثیر معنوی و روحانی حضرت معصومه در اعماق جان پیروان خاندان عصمت از نوع تأثیر و نفوذ امامان پاک و معصوم می‌باشد و آن بزرگوار به اذن الله تصرف در جهان و در جان مردم دارند و می‌توانند در قضای حوایج و رفع گرفتاریها و اصلاح امور با عنایت حضرت حق سبحانه و تعالی اثر مستقیم داشته باشند.

با این بیان می‌توان گفت: خداوند بر حسب حکمت بالغه خود کلاً امامت و رسالت را در طبقه زنان قرار نداده است و اگر حکمت الهی ایجاب و اقتضا می‌کرد و این منصب مقدس را برای زنان نیز مقرر می‌فرمود، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، زمینه‌ای بسیار مساعد داشت و نور ولایت و عصمت در درون پاک آن سیده جلیله به ودیعت نهاده شده و گوهر ذات مقدس و وجود مطهر بانوی عظیم الشأن دودمان وحی و رسالت فوق‌العاده نورانی و باصفا بوده و تألؤ ویژه‌ای داشته است.

عالم بزرگوار جناب آقای میانجی نقل کردند: که مرحوم آیه الله آقای میرزا رضی تبریزی رضوان الله علیه از مجتهدین بزرگ، برای فاتحه جناب زکریا بن آدم که در قبرستان شیخان قم مدفون است به آنجا رفته بودند. در حال قرائت فاتحه به این فکر می‌روند که آیا زکریا بن آدم با آن جلالت قدر و رفعت مقام و روایاتی که در شأن او از ائمه طاهرین علیهم السلام وارد

شده، بالاتر است یا حضرت معصومه سلام الله علیها؟

@ناگهان یک نفر که کلاه نمدی بر سر داشته پیش می‌آید و به ایشان می‌گوید: آن بالا را بخوان. ایشان اعتنا نمی‌کند. بعد که آن مرد می‌رود ایشان نگاه می‌کند می‌بیند در آنجا نوشته شده است:

السَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ السَّلَامُ عَلَى أَجْسَادِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ؛ یعنی سلام بر ارواح محمد و آل محمد در میان ارواح و سلام بر اجساد محمد و آل محمد در میان اجساد. در این هنگام متوجه شدم که آن شخص به ظاهر معمولی درون مرا خوانده و از فکر من راجع به افضلیت زکریا بن آدم یا حضرت معصومه آگاهی داشته و با امر کردن به قرائت از موضع مخصوص خواسته است تا مشکل مرا رفع کند و مسأله مرا پاسخ دهد که حضرت معصومه از آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است و حساب او جداست و هیچ‌کس را نمی‌توان با آل محمد علیهما السلام مقایسه کرد. (31)

بر اساس این بیانی که راجع به جمله فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنْ الشَّأْنِ تقدیم شد می‌توان به این نتیجه رسید که دلدادگی به حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها شرط در پذیرش و قبولی ولایت معصومین پاک و امامان معصوم شیعه است و بدون علاقه به آن بزرگوار، ولایت آن بزرگواران به ثمر نمی‌رسد و مقبول دربار الهی واقع نخواهد گردید.

احتمال دیگری در جمله مورد بحث است، بدین بیان که مقصود از شأن دوم، مقام والای شفاعت باشد که حضرت معصومه علیها السلام را از آن سهمی مهم و شایسته و وافی است. و ما به خواست خداوند در

بحثهای آتی راجع به این موضوع سخن خواهیم گفت.

شباهت حضرت معصومه به حضرت زینب علیهما السلام

در میان خواتین با جلالت و بانوان بیت رسالت و امامت، دو بانوی آسمانی‌اند که از جهات گوناگون شبیه به یکدیگرند و وجه شباهت و قدر مشترک بین آن دو فراوان است. آن دو بزرگوار، یکی حضرت زینب کبری، عقیله بنی‌هاشم علیها السلام است و دیگری حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها. و اما وجه تشابه و جهت مشابَهت و مشارکت آن دو بانوی گرانقدر الهی و آسمانی:

1- هردو سرافرازند که دختر امام معصوم و آسمانی‌اند. زینب کبری دخت بلند اختر حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و حضرت معصومه دخت والا گهر حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیها وعلیهم اجمعین.

2- هردو بزرگوار مفتخرند که خواهر امام معصوم‌اند. یکی خواهر دو حجت خدا، حسن و حسین صلوات الله علیهما و دیگری خواهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه الصلاة والسلام است.

3- هر دو بانوی خاندان وحی، افتخار دارند که عمه امام معصوم می‌باشند؛ یکی عمه امام زین‌العابدین علیه السلام و دیگری عمه حضرت جواد الائمه علیه السلام.

4- هر دو مورد تقدیس و تکریم امام معصوم قرار گرفته و حجت بالغه الهی زبان به مدح و ثناء ستایش آن دو گوهر گرانبها گشوده است.

5- هر یک از این دو بانوی بزرگ اسلام، مورد تعظیم و احترام سه امام مفترض

الطاعة قرار گرفته اند؛ حضرت زینب علیها السلام از ناحیه پدر بزرگوارشان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و از سوی برادرشان حضرت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام و از ناحیه برادر زاده شان حضرت امام زین العابدین علیه السلام مورد ستایش قرار گرفتند.

حضرت معصومه سلام الله علیها نیز از ناحیه جد بزرگوارشان حضرت امام صادق علیه السلام و از جانب برادر گرانقدرشان حضرت رضا علیه السلام، و از سوی فرزند برادرشان حضرت جواد الائمه علیه السلام مورد مدح و ثنا واقع شده اند.

6- هرکدام از این دو بانوی با جلالت، شدت علاقه نسبت به برادر عزیز و والامقام خود داشتند؛ حضرت زینب علیها السلام نسبت به امام حسین علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام نسبت به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام.

7- هر دو معظمه به خاطر علاقه به برادرشان، خانه و زندگی خویشان را رها کرده، وطن را ترک گفتند و رنج سفر را بر خود هموار نمودند؛ حضرت زینب سلام الله علیها از مدینه به عراق و بالاخره به شام رفتند و حضرت معصومه سلام الله علیها از مدینه به ایران و بالاخره در سرزمین قم رحل اقامت افکندند.

8- هر دو بانوی بزرگوار، زادگاهشان مدینه، ولی مدفنشان نقطه ای دور از زادگاهشان است؛ حضرت زینب سلام الله علیها در شام یا مصر، علی المشهور، و حضرت معصومه سلام الله علیها در ایران و شهر مقدس قم.

9- مدفن و مضجع هر یک از این دو بانوی بهشتی، زیارتگاه عاشقان و علاقمندان خاندان پیغمبر است و مرقد مطهر و منور هر یک از آنان، دلدادگان بی‌شمار دارد و مردم مسلمان حتی از شهرهای دور برای زیارت آنها با تمام اشتیاق سفر نموده، به تشرّف به اعتبار مقدّسه آنان فخر و مباهات می‌کنند.

10- هر کدام از این دو مکرمه، دو محلّ زیارت دارند. حضرت زینب سلام الله علیها در مصر و در شام و حضرت معصومه سلام الله علیها در بیت النور، محلّ اقامت و عبادتشان - مدرسه سئیه - و دیگر مدفن مقدّس و حرم مطهر آن بانوی با جلال.

وفات کریمه اهل بیت علیهم السلام

در تواریخ آمده است که مأمون عباسی در سال دویست هجری قمری، حضرت رضا علیه السلام را از مدینه به مرو طلبید و آن حضرت را اجباراً و به دنبال این جریان از مدینه به سوی مرو آوردند. خواهر آن حضرت، فاطمه معصومه سلام الله علیها در سال دویست و یک به خاطر اشتیاق ملاقات برادرش از مدینه به جانب مرو حرکت کرد و چون به ساوه رسید بیمار شد. در این هنگام پرسش کرد که از اینجا تا قم چه مقدار مسافت است؟ گفتند: ده فرسخ. حضرت خادم خود را فرمودند که مرا به جانب قم ببر و بدین ترتیب خادم، حضرت معصومه سلام الله علیها را به قم آورده و در منزل موسی بن خزر بن سعد فرود آورد.

مطلبی که از این نقل استفاده می‌شود این است که قم از آن زمان شهری بوده که به علاقه و ولایت اهل بیت رسول الله صلوات الله

عليهم اجمعين شناخته شده بود و این اسم، برای حضرت معصومه سلام الله علیها که تمام گذشته خود را در مدینه سپری کرده بود، یک مرکز آشنا به شمار می‌آمده است، ولی در اینکه چطور موسی بن خزرج را شناخته و بر او وارد شده‌اند اجمالی است و ممکن است که در ساوه راجع به افراد سرشناس و بسیار محترم قم تحقیق شده باشد و او را معرفی کرده باشند یا آنکه بعد از ورود به قم پرسش کرده باشند و با معرفی مردم قم و ساکنان آن و شناختی که از موسی بن خزرج برای بانوی اسلام، حاصل گردیده، بر او وارد شده باشند.

البته نقل دیگری در این مورد است که زمینه این سؤال را به کلی منتفی می‌سازد و بعضی از بزرگان آن را صحیح‌تر از نقل اول می‌دانند و آن این است که چون خبر نزول اجلال حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به ساوه، به گوش آل‌سعید رسید، همگی متفق شدند که به قصد تشرّف به حضور آن بانوی یگانه، بیرون روند و از وی درخواست نمایند که به قم تشریف بیاورد.

موسی بن خزرج بر این امر، تقدیم جست. همینکه به خدمت حضرت معصومه سلام الله علیها رسید، مهار ناقه آن حضرت را گرفت و کشید تا وارد قم ساخت و آن سیده جلیله را در خانه خود فرود آورد و جا داد و مدت شانزده یا هفده روز همچنان باقی بودند و آنگاه از دنیا رفتند. پس او را غسل داده، کفن نمودند و نماز بر بردن مقدّسش خواندند و در زمین بابلان که ملک خود موسی بن خزرج بود و اکنون روضه منوره آن حضرت است، به خاک سپرده و دفن کردند و سقفی از بوریا بر قبر شریفش بنا نمودند و همچنان بود تا حضرت زینب، دختر امام جواد علیه السلام، قبّه‌ای بر آن قبر شریف بنا کرد. (32)

و نقل شده است که محمد بن حسن بن ولید گفته: چون فاطمه سلام الله علیها وفات یافت، او را غسل داده و کفن کردند و جنازه او را به سوی بابلان حرکت دادند، آنگاه آن حضرت را کنار سردابی که برای وی حفر کرده بودند گذاشتند و آل سعد با هم به گفتگو پرداختند که چه کسی داخل سرداب سود و جنازه آن حضرت را دفن نماید؟. بعد از گفتگوها رأی آنان بر این قرار گرفت که پیرمرد کهنسال "قادر" نام، که خادم خود آنان بود و مرد صالحی به شمار می‌رفت، متصدی دفن شود.

از این رو از پی او فرستادند که ناگهان دیدند دو نفر سوار، که دهان خود را با لگام بسته بودند، با شتاب بسیار از جانب ریگزار پیدا شدند و چون نزدیک جنازه رسیدند پیاده شده، بر آن مخدّره نماز خواندند، داخل سرداب شده و آن بدن مطهر را دفن کردند و آنگاه بیرون آمده، سوار شدند و رفتند و هیچ‌کس نفهمید که آنان چه کسانی بودند. (33)

شایان ذکر است که این جریان اصلاً قابل استبعاد نیست، زیرا شواهد بسیاری در کتب اخبار و تاریخ و سیره و معجزات دارد که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

1- سلمان فارسی در مداین از دنیا رفت و در آن هنگام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مدینه بودند ولی برای دفن سلمان از مدینه با تصرف الهی خود و به اذن الله سبحانه به مداین آمدند و پس از انجام مراسم دفن او به مدینه بازگشتند. (34)

2- شطیطه، زن با ایمان نیشابوری در نیشابور از دنیا رفت و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از مدینه طیبّه بر حسب وعده‌ای که از پیش داده بودند، برای نماز بر جنازه او به نیشابور آمدند در حالی

که بر شتر سوار بودند و چون از امر او فارغ شدند، سوار بر شتر خود شده به طرف بیابان برگشتند و به ابو علی بن راشد فرمودند: سلام مرا به یاران خود برسان و به آنان بگو: من و سایر امامان ناچاریم که بر جنازه شما حاضر شویم در هر شهری که باشید. پس در کار خودتان از خدا بترسید. (35)

3- در جریان دفن حضرت سیدالشهدا علیه السلام از مسلمات است که حضرت امام زین العابدین از زندان کوفه به صحنه کربلا آمد و تجهیزات بدن مبارک پدر بزرگوار خود را انجام داد.

باری، بر حسب ظاهر و به مقتضای این اخبار و روایات خصوصاً جمله اخیر از جریان شطیطه، می‌توان حدس زد که آن دو بزرگوار دو امام معصوم از خاندان حضرت معصومه سلام الله علیها مثلاً حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام بوده‌اند که برای دفن بدن مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها، آمده اقدام به دفن آن پیکره تقوا فرموده‌اند. و چه کسی به تجهیزات فاطمه معصومه سلام الله علیها سزاوارتر از آن دو بزرگوار می‌باشد؟!

قابل ذکر است که گاهی شنیده می‌شد که حضرت معصومه سلام الله علیها به عزم دیدار برادرشان از مدینه به سمت توس حرکت کرد و در قم خبر شهادت حضرت رضا علیه السلام را شنید و در آنجا بیمار شد و بالاخره از دنیا رفت.

ولی این مطلب خلاف تحقیق است؛ چنانکه روایت سعد بن سعد از حضرت رضا علیه السلام بر این مطلب دلالت ظاهر دارد که حضرت معصومه سلام الله علیها پیش از حضرت رضا علیه السلام از دنیا رفته‌اند، زیرا در آن روایت، سعد می‌گوید: من از امام رضا

حدود دوسال قبل از شهادت حضرت رضا علیه السلام واقع شده است. و نمی‌دانیم که چگونه این جریان به عکس اشتهار پیدا کرده است. اینجا این نکته را یادآور می‌شویم که خوب است خطبا و وعاظ محترم در نقل مطالب، مذاقه نموده و مطالب را هر چه بیشتر مستند ذکر کنند و نکند که یک مطلب خلاف، در طی قرون و اعصاری به وسیله منبر و اهل آن ترویج شود.

زیارت حضرت معصومه علیها السلام

از جمله زیارات مسلم و مأثور از خاندان وحی، زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است. روایات متعددی از امامان معصوم در ترغیب و تشویق مردم به زیارت آن حضرت و راجع به اجر و ثواب عظیمی که بر زیارت وی مترتب است وارد شده است.

علامه مجلسی اعلی الله مقامه از کتاب تاریخ قم نقل کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ مَدِينَةُ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدَةُ قُمْ وَنَسْتَدْفِنُ فِيهَا امْرَأَةً مِنْ أَوْلَادِي نُسَمَّى فَاطِمَةً فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ وَ لَمْ تَحْمِلْ بِمُوسَى أُمُّهُ؛ (38) راستی که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است و برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است و به زودی زنی از اولاد من به نام فاطمه در آن سرزمین دفن می‌شود، پس هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد.

امام صادق علیه السلام این را فرمود در حالی که هنوز مادر موسی بن جعفر

علیه السلام به آن حضرت حمل بر نداشته بود.

اهمیت مقام این بانوی مکرمه و عنایت خاصی که روی زیارت آن حضرت است از این روایت به خوبی ظاهر می‌شود، زیرا:

اولاً زمانی امام صادق علیه السلام از این مکرمه و زیارت او سخن می‌گوید که هنوز انعقاد نطفه پدر بزرگوار او نشده، چه رسد به خود او.

و ثانیاً از دفن فاطمه معصومه علیها السلام در قم اطلاع می‌دهند و ظاهراً به همین لحاظ قم را حرم امامان قلمداد می‌کند در حالی که شهرهای متعدد داریم که مدفن امامزادگان والامقام و بلکه مدفن امامان است، ولی این وجهه و عنوان را پیدا نکرده‌اند که حرم امامان باشند.

و ثالثاً وعده صریح و قطعی بهشت به زائران قبر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها داده است.

و این روایت به سند دیگری نیز آمده و در آنجا عبارت چنین است که: حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ زِيَارَتَهَا تَعْدِلُ الْجَنَّةَ؛ (39) زیارت فاطمه معصومه سلام الله علیها معادل و هم‌طراز بهشت است.

ابن قولویه متوفای سال 367 هـ ق که خود استاد شیخ مفید علی الله مقامه بوده نقل کرده است که سعد بن سعد گفته: من از حضرت ابوالحسن، امام رضا علیه السلام راجع به زیارت فاطمه سلام الله علیها، دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسش کردم. حضرت فرمودند: مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ (40) هرکس او را زیارت کند، بهشت از برای اوست.

و نیز از ابن الرضا، حضرت جواد علیه السلام نقل کرده که فرمودند: مَنْ زَارَ عَمَّتِي يَقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ (41) کسی که قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت از برای اوست.

از تعبیر عَمَّتِي که در روایت حضرت جواد الائمه علیه السلام آمده به ذهن تداعی می‌شود که امام جواد علیه السلام به داشتن چنین عمّه محترمه‌ای افتخار می‌کند و از این رو به جای ذکر نام آن مکرمه، عنوان عاطفی و زیبای عمّه من را به کار می‌برد. علامه مجلسی رضوان الله علیه می‌گویند: در بعضی از کتب و روایات دیدم که علی بن ابراهیم از پدرش از سعد نقل کرده که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: يَا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ؛ برای ما در نزد شما قبری است. عرض کردم: جانم فدایت، منظورتان قبر فاطمه بنت موسی علیهما السلام است؟ فرمودند: نَعَمْ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ. (42)

آری، منظورم همان است، کسی که او را با شناخت حق و مقامش زیارت کند، بهشت از برای اوست.

در عبارت این روایت لطایفی است:

1- طبق این روایت، حضرت امام رضا علیه السلام ابتداءً به سعد که قمی بوده فرموده‌اند: برای ما در نزد شما قبری است. عبارت چنان است که گویی این قبر مال همه امامان و برای خاندان عصمت و طهارت است و همگی بدان توجه و عنایت دارند.

2- در این روایت نیز وعده بهشت در مقابل زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها داده شده است.

3- در خصوص این روایت برای فاطمه معصومه سلام الله علیها قید شده است که: عَارِفًا بِحَقِّهَا؛ اگر با معرفت مقام والا و شناخت عالی نسبت به آن بانوی مکرمه وی را زیارت کند، بهشت از برای اوست.

و طبق این تعبیر، هنگامی بهشت جزا و پاداش زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله

علیها است که زائر، عارف به مقام شامخ و مرتبه رفیع و منیع آن بزرگوار باشد. بنابراین باید کوشش کرد که قبل از زیارت آن حضرت، شناختی نسبت به او پیدا نمود و باید زائر، آشنای به جلالت قدر و منزلت رفیع وی در نزد خدای متعال شود تا به چنین فوز عظیم و مرتبه والایی نایل گردد.

مطلب بسیار مهم و چشمگیری که در این روایات آمده است و قدر مشترک و جامع بین همه آنهاست، وعده بهشت به زائران قبر شریف حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است. وعده صریح و آشکار به بهشت در مقابل زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها در لسان مبارک سه امام معصوم و مفترض الطاعة علیهم السلام آمده است:

حضرت امام صادق علیه السلام این وعده را دادند، حضرت امام رضا علیه السلام نیز تصریح به این وعده فرمودند و بالاخره حضرت جواد علیه السلام نیز زائران قبر عمه‌شان را نوید به بهشت دادند.

بر اساس این روایات شریفه و اخبار عدیده، استحباب زیارت مرقد منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام جای اندک تردیدی ندارد و خود مطلبی روشن و واضح است.

زعیم شیعیه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی اعلی الله مقامه نیز در جواب یکی از استفتائاتی که از ایشان شده، بدین موضوع تصریح کرده‌اند و متن سؤال و جواب این است:

سؤال: آیا می‌توان گفت زیارت حضرت معصومه علیها السلام در قم با ادله اجتهادی ثابت است، بدین ترتیب آیه و مَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ... و حدیث: مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ و اجماع:

اتفاق همگی علمای شیعه از گذشته تا کنون
 وسیره تمامی مردم شیعه از قدیم تا حال؟
 جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. استحباب
 زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها، از نظر
 روایات مسلم است و حاجتی به استدلال به
 ادله مذکور نیست. والله العالم. 24/ج 2/ 1408. (43)

مطلبی را در اینجا برای اكمال بحث
 اضافه می‌کنیم و آن این است که مرحوم شیخ
 صدوق علیه الرحمة در کتاب ثواب الاعمال و
 نیز ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات و
 علامه مجلسی در بحار الانوار اولاً زیارت
 حضرت معصومه سلام الله علیها را ذکر کرده‌اند
 و سپس به نقل روایت زیارت حضرت
 عبدالعظیم حسنی علیه السلام پرداخته‌اند.
 و این مراعات تقدیم و تأخیر آن هم در
 کتاب‌های علمای کم‌نظیر در عالم تشیع
 اسراری را کشف می‌کند و خلاصه این ترتیب
 در ذکر حاکی از آنست که حضرت معصومه سلام
 الله علیها بر حضرت عبدالعظیم - با تمام
 جلالت قدرش - تقدّم و ترجیح دارد، با آنکه
 حضرت عبدالعظیم علاوه بر شرافت امامزاده
 بودن، محدث نیز بوده است و از جمله
 راویان معروف اخبار امامان معصوم صلوات
 الله علیهم اجمعین به شمار می‌رود.

آری، حضرت معصومه سلام الله علیها علاوه بر
 مقامات معنوی، فرزند بلا واسطه حضرت موسی
 بن جعفر، امام کاظم علیه السلام است ولیکن
 حضرت عبدالعظیم علیه السلام با چهار واسطه
 به امام مجتبی علیه السلام می‌پیوندد. (44)
 ضمناً حضرت معصومه سلام الله علیها نیز از
 محدثین و راویان اخبار به شمار می‌رود،
 چنانکه در فصل مربوط به این موضوع
 خواهید دید که روایاتی از روایات مهمّه
 را این بانوی با عظمت نقل کرده‌اند.

حضرت ولی عصر و زیارت حضرت معصومه علیهما السلام

به مقتضای روایات عدیده ای که از امامان بزرگوار راجع به فضایل و مناقب حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و ثواب زیارت آن مخدّره معظّمه رسیده است، طبعاً ولی عصر، امام زمان ارواحنا فداه نیز برای آن بانوی بهشتی احترام و تعظیم فراوان قائلند و از روی همین قرائن و شواهد می توان گفت که آن ولی اعظم خدا نیز به زیارت عمّه بزرگوار خود، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها اهتمام دارند و مرقد مطهر وی مورد توجّه، عنایت و الطاف امام زمان علیه السلام می باشد.

و به همین مناسبت زائران بقعه منوره از زن و مرد نیز مورد لطف خاصّ امام زمان علیه السلام می باشند، زیرا آن حضرت می بینند که دلدادگان آل محمّد و شیعیان اهل بیت علیهم السلام سر بر آستان عمّه گرانقدرشان ساییده و عتبه مبارکه و ضریح مقدّس او را می بوسند.

اینها مطالبی بود که با ملاحظه اخبار و روایات مربوط به زیارت بی بی دو عالم ذکر کردیم. علاوه که بعضی از مکاشفات و رؤیاهای صادقانه نیز که برای اهل دل و صاحبان نفوس زکیّه واقع شده، حکایت از همین معنا می کند.

مرحوم آیت الله حاج آقا مرتضی حایری رضوان الله علیه، فرزند برومند مؤسس حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سرّه الشریف در یادداشت های خود نوشته اند: من این جریان را که اهل علم و تحقیق و دقّت در امور، زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها را در

قسمت بالاسر حرم حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها انجام می‌دادند، نمی‌پسندیدم برای اینکه:

اولاً سلام به حسب اعتبار عرفی باید به طرف آن موجود محترم باشد نه بالای سر او و رو به قبله، که جسم مطهر در طرف چپ واقع می‌شود. و تا آنجا که می‌دانم در هیچیک از سلام‌ها به این شکل نرسیده است. و ثانیاً در خصوص ضریح آن حضرت که قبر مطهر انحراف دارد، صورت مطهر نوعاً در پشت سر واقع می‌شود.

شب‌ی خواب دیدم که سه نفر مردمان بیابانی و بیابان گشته که یکی از آن سه بزرگوار - در عالم خواب معلوم بود که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، در پشت سر حضرت، رو به قبله در طرف سر مبارک ایستاده‌اند و به حسب ظاهر زیارت می‌کنند، یعنی معلوم بود که برای زیارت ایستاده‌اند، ولی من کلمات آنها را نمی‌شنیدم.

بعداً من به روایت سعد، که دلیل بر زیارت آن وجود مبارک است مراجعه کردم. دیدم "عند الرأس مستقبل القبلة" دارد؛ یعنی نزد سر و جانب سر، رو به قبله و "فوق الرأس" ندارد که معنی آن "بالای سر" باشد. و نزد سر، روبه قبله، باتوجه به عرفیت سلام که باید رو به جانب جسد مطهر باشد منطبق بر همان موضع می‌باشد که در عالم خواب امام علیه السلام و دو نفر از یاران آن بزرگوار ایستاده بودند. (45)

بیت الثور یا محراب عبادت حضرت معصومه سلام الله عليها

یکی از مدارس علمیّه شهرستان قم، مدرسه مبارکه ستیه است که در محله میدان میر و جنب آن میدان واقع شده و مشهور است که حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها در دوران

اقامتشان در قم - یعنی در فاصله ورود تا وفات - در این مکان به سر می‌برده و دوران هفده روز نقاهت و بیماری خود را در آنجا گذرانیده‌اند و برای آن مجلله معظمه در آن مکان محرابی بوده است که در آن عبادت می‌کرده‌اند و به گفته بعضی از اهل تحقیق آن بقعه مبارکه را بیت النور خوانده‌اند و آن بقعه جزء خانه موسی بن خزرج بوده و او از آن حضرت در آنجا پذیرائی می‌کرده است.

در ذیل روایتی که مرحوم مجلسی اعلی‌الله مقامه در شرح حال حضرت معصومه سلام‌الله علیها نقل کرده آمده است که: محراب نماز فاطمه سلام‌الله علیها تا هم‌اکنون در خانه موسی بن خزرج موجود است. (46)

مرحوم محدث قمی رضوان‌الله علیه بعد از نقل این مطلب می‌گویند: فقیر گوید: در زمان ما نیز آن محراب موجود است و آن واقع است در محله میدان میر و معروف است به سئیه و سئی، به معنی خانم و بی‌بی است. (47)

و ما نیز مکرر به زیارت آن مکان مقدس رفته‌ایم. حجره مزبور که محراب مبارک حضرت معصومه سلام‌الله علیها در آن قرار دارد، در قسمت جنوبی مدرسه واقع شده است.

این مدرسه شریف به امر و همت مرحوم آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره بازسازی شده است.

در پیشانی درگاه شمالی بقعه عبارت: یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة و در ذیل آن این بیت ثبت شده است:

این جایگاه کیست که آنقدر منور است***
این سجده‌گاه دختر موسی بن جعفر است. (48)
البته مصراع اول این شعر موزون نیست و احتیاج به تصحیح و تغیر دارد و می‌توان گفت:

این جایگاه کیست که این‌سان منور است
این سجده‌گاه دختر موسی بن جعفر است
در پایان این بحث دو نکته را یادآوری
می‌کنیم که هرکدام به نوبه خود، مهم،
سازنده و قابل توجه است:

1- دخت بلند مقام حضرت موسی بن جعفر
علیه السلام در مدت هفده روز که در قم و
در خانه موسی بن خزرج اقامت داشته،
محراب مخصوصی برای عبادت و نیایش، ترتیب
داده بودند و این درسی بزرگ، برای عموم
پیروان مکتب آل محمد علیهم السلام به ویژه
زنان و دختران مسلمان است که به نماز و
نیایش و بندگی خدای تعالی اهتمام بورزند
و آن را امری سهل و آسان قلمداد
نمایند.

2- الطاف الهی را درباره شیعه بنگرید
که این بانوی عظمی از دو نقطه شهرستان
قم، فیض بخشی می‌کند: یکی اقامتگاه چند
روزه او و دیگری خوابگاه همیشگی و مدفن
پیکر پاکش. و هر دو مکان از قداست خاصی
برخوردار است و متوسلان به ذیل عنایت
خاندان عصمت و طهارت، گاهی از آن بقعه
مبارکه و دیگر گاه از این قبه سامیه و
مطهره، توسل پیدا کرده، دست حاجت و نیاز
به دربار الهی بلند می‌نمایند و مشمول
افاضات غیبی پروردگار بزرگ واقع می‌شوند.
از رهگذر خاک سر کوی شما بود *** هر
نافه که در دست نسیم سحر افتاد

موقعیت و محبوبیت حضرت معصومه سلام الله علیها

معظمه اهلبیت، حضرت معصومه سلام الله علیها از محبوبیت ویژه ای در میان طبقات مختلف مردم مسلمان بهره مند و برخوردار بوده و هست. نوع محبوبیت آن مکرمه، نوع محبوبیت امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین است.

علاقه و دلدادگی دینداران به آن بزرگوار، علاقه ای است که هم ریشه اعتقادی و مذهبی دارد و هم جنبه عاطفی که آن بزرگ بانوی با جلالت، جزء طبقه زنانی است که غالباً مورد احترام اند و هم او بانویی جوان بود که در فصل جوانی از این جهان درگذشت. علاوه که در راه سفر و دور از وطن مؤلوف و اقربا و نزدیکان خود از دنیا رفت.

حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها ملجأ خاص و عام و پناهگاه حاجتمندان است و مردم برای گرفتن حوایج خود از خدا و نیل به خواسته هایشان رو به آستانه آن مکرمه دوران می آورند.

هنگام تحویل سال، شور فوق العاده ای برای تشرّف به آستانه مبارکه است و آنقدر جمعیت از محلات مختلف قم، اطراف و شهرهای مجاور و احیاناً بلاد دور دست به این مکان مقدّس روی می آورند که علاوه بر حرم مطهر، رواقها و صحنهای متعدد نیز مملوّ از جمعیت است و همچون دریایی بی کران موج می زند.

آری، آنان همه می خواهند لحظه آغازین سال نو خود را در پناه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها باشند و آن لحظه که به نظرشان سرنوشت ساز و مؤثر در تمام ایام یکسال جدیدشان است در زیر سایه

کرامت وی بگذرانند و خود و بستگانشان را در پرتو آن بزرگ بانوی اسلام، بیمه کنند. البته آن اجتماع و مراسم هم مثل سایر اجتماعات و بقیّه مراسم دینی و مذهبی، خالی از نقایص و کژیها نبوده و آنچنان که باید و شاید مطلوب و ایده آل نیست. اما روی هم رفته منظره ای باشکوه و تماشایی است که از عمق عقیده، ایمان پاک و اخلاص مردم مسلمان نسبت به دختر بلندآختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام حکایت می‌کند.

و از مظاهر عمق نفوذ حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در جان علاقمندان به بیت وحی این است که جوانان آنان زندگی نوین عایلی و همسررداری خود را از کنار روضه مطهر و مرقّد منوّر آن حضرت قرار می‌دهند، عقد و ازدواج عروس و داماد را گاهی با حضور خود آنان و گاهی بدون حضور آنان در داخل حرم شریف یا در رواق‌های مجاور و یا در مسجد بالاسر آن حضرت، اجرا می‌کنند که خود این جانب مکرّر در جریان مراسم عقد ازدواج اشخاص بوده و عقد همسری آنان را انشاء نموده‌ام. و اگر این مراسم در آنجا انجام نشود، بعد از انجام عقد، عروس و داماد برای تبرّک و میمنت آغاز زندگی جدید خود به عنوان زیارت به حرم شریف مشرّف می‌گردند.

آری، آغاز زندگی عایلی از کنار حرم دختر جوان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و از کنار قبر مطهر کریمه اهل بیت، موجب یمن و برکت و بقا و استمرار رشته صمیمیت و کامیابی هر یک از زن و شوهر از دیگری خواهد بود و خود ضامن سعادت‌مندی آنان است. زوجین به برکت آن اختر فروزان آسمان ولایت، به خیرات بی‌شمار دنیا و آخرت دست خواهند یافت و بالاخره ازدواج

آنان ان شاء الله تعالى موفقیت آمیز خواهد بود.

و از اموری که در میان مردم قم و کلاً علاقمندان به خاندان رسالت، مرسوم و رایج است، بردن جنایز و اموات به سوی حرم مطهر برای تجدید عهد آنان با حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است.

آنان سخت به این موضوع پای بندند که جنازه مردگان خود را پس از انجام غسل و مراسم تکفین، به سوی حرم مطهر ببرند و دور قبر مطهر آن معظمه طوف داده و بگردانند و خلاصه آخرین زیارت و دیدار او را از حرم شریف، بدین صورت انجام دهند.

آری، وداع و خداحافظی با حضرت معصومه سلام الله علیها از یکسو و انجام آخرین زیارت از سوی دیگر نیز استشفاع از آن بانوی بزرگ و رفتن به پناه آن مکرّمه و زاد و توشه معنوی برداشتن از کنار قبر شریف آن بانوی یگانه همه عواملی است که مردم را به پایبندی به آن برنامه مقدّس وادار می کند.

البته جنازه ای که از کنار قبر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، مطاف دایمی فرشتگان، راهی سفر آخرت شود، مورد لطف و رحمت الهی و تجلیل و تکریم فرشتگان مقرب آسمانی است و بُعدی ندارد که ملائکه رحمت الهی به استقبال او بیایند و روح وی را به سوی بهشت، که وعده گاه زائران فاطمه معصومه سلام الله علیها و علاقمندان اوست، ببرند.

مرحوم آیت الله شیخ غلامرضا خراسانی یزدی، در سال 1322 با فرزند خود و عده ای به مکه مشرف شدند. در بازگشت از کویت به آبادان و از آنجا به کربلا مشرف گردیدند و در بازگشت از کربلا به قم مشرف شدند. مدّتی را در قم توقّف داشتند. در همین ایام

فرزند او حاج شیخ محمد دچار سرماخوردگی و تب شدید شد، او را به بیمارستان منتقل کردند ولی مفید واقع نشد و از دنیا رفت. در موقع خاکسپاری او، مرحوم حاج شیخ غلامرضا به نزدیکان گفته بود: حاج شیخ محمد سعادت داشت که در جوار دختر موسی بن جعفر علیه السلام فوت نمود.

و بعد به دستور پدر بزرگوار متوفی، این عبارت را روی سنگ قبر او حک کردند: پسر غلامرضا یزدی خراسانی، پس از مراجعت از بیت الله الحرام و عتبات عالیات، میهمان حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها شد. (49)

بالاخره چشم علاقمندان یکسره متوجه به عنایات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است و در حیات، ممات و همه اطوار زندگی امیدشان به اوست که عندالله تعالی مقامی بس بلند و والا دارد.

علی رضا خان کاشانی، معروف به دکتر شفاء الدولة مطبی را در خیابان ارم روبروی در صحن مطهر، در طبقه دوم عمارت شخصی خود بازکرده و بر نماز دیوار بیرونی اشعاری را با کاشیکاری عالی نوشته است. (طبقه دوم که مطب او بوده، درست روبروی حرم مطهر است و کسی که آنجا باشد، مشرف بر رواق آئینه و قسمتی از سحن شریف می‌باشد.) و آن اشعار که حاکی از عمق دلدادگی به بانوی اسلام می‌باشد و بعد از گذشت ده‌ها سال هنوز باقی مانده است، این است: رواق حکمت اینجا، کاخ سبط مصطفی آنجا بشارت دردمندان را، دوا اینجا، شفا آنجا

در اینجا طب یونانی و تشریح اروپایی فرامین و الهیات و آیات خدا آنجا سبب اینجاست یعنی حکمت و تدبیر و دانایی توانایی است یعنی حکم و تقدیر قضا آنجا.

تواضع بزرگان در آستانه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

به موجب اینکه جلالت قدر و عظمت مقام بانوی اسلام، سیّده جلیله طاهره حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها از مسلمات است و مورد هیچ گونه ابهام و اجمال و یا سخن و اشکالی نیست، رؤسای مذهب و زعمای دین در همه اعصار برای آن بانوی آسمانی احترام فوق العاده قائل بوده و هستند و همگی در برابر آستان باعظمت و جلالش سرتسلیم فرود می آورند. تشرّف به حرم مطهر و ولیّۀ الله را افتخار دانسته و به بوسیدن اعتاب آن حضرت سرافرازند و زیارت وی را مایه سعادت و خوشبختی دو جهان و نجات و رهایی خویشتن از عذاب الیم الهی می دانند.

از جمله این اعظام و بزرگان، سید الطائفه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه است که شخصیت بزرگ جهانی بود و زعیمی بلامنازع و تقریباً متّفق علیه به شمار می رفت.

او نسبت به مقام والای بانوی عصمت و امامت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها تعظیم و تفخیم خاصی می کرد. یکی از اعلام از حواریین آن زعیم بزرگ نقل می کردند که: صحبت این بود که ابن سعود در سفر به تهران برای ملاقات با ایشان به قم بیاید. آقا نپذیرفتند و موافقت نکرده، فرمودند: چون اگر به قم بیاید به زیارت حرم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نمی رود و این توهین به آن حضرت است که با من ملاقات کند ولی به زیارت حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها نرود!

شدّت تعظیم و احترام فوق العاده آن پیشوای بزرگ اسلامی، نسبت به مقام رفیع

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را بنگرید که از چنین موقعیت عظیم ظاهری و اجتماعی چشمپوشی می‌کند و از اینکه پادشاه کشور سعودی به زیارتش بیاید، می‌گذرد که نکند اندک غیاری بر شخصیت والای کریمه آل محمد سلام الله علیها وعلیهم اجمعین بنشیند، در حالی که در آن روز و آن شرایط آمدن پادشاه سعودی به قم برای دیدارشان بستر بسیار مساعدی برای ارایه شخصیت جهانی آن مرد خدا بود.

و این درس بزرگی برای همگان است که درست متوجه باشند که نقطه مرکزی و محور همه عظمتها در قم، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و حرم مطهر اوست و هر شخصی در پرتو آن بزرگوار مورد تعظیم و اجلال است و هرگونه احترام و تکریم از یک شخصیت دینی و روحانی بدون مراعات مقام والای آن حضرت بی‌ارزش است و قابل قبول و تحمل برای انسان‌های بزرگ و وارسته نیست.

اهتمام شیعه به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در نزد شیعیان بسیار با اهمیت است و آنان از دیر زمان به آن اهمیت داده، حتی اگر ساکن قم نباشند، رنج سفر را بر خود هموار کرده و برای عرض ادب به پیشگاه مبارک آن حبیبه دربار خدا به قم مشرف می‌شوند.

بسیاری از شیعیان کشورهای خارج که برای زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران می‌آیند، تقیّد و اهتمام کامل دارند که از مشهد به قم بیایند و قبر منور حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را هم زیارت کنند و همانگونه که ایرانیانی که به مکه مشرف می‌شوند، اگر قبل از اعمال حجّ به

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه می‌شتابند و یا اگر به عراق برای زیارت حضرت امیرالمؤمنین و حضرت سیدالشهدا بروند، مقیدند علاوه بر زیارت آن دو بزرگوار و زیارت کواظمین علیهما السلام اگر چه یک روز هم که شده به سامرا بروند و قبر مبارک حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام را زیارت کنند، زائران خارجی حضرت رضا علیه السلام نیز سفر زیارتی خود را با زیارت مرقد منور حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها تکمیل می‌کنند و بالاخره هر سال جماعت بسیاری از شیعیان و موالیان اهل بیت علیهم السلام از اطراف و اکناف ایران از اقصی نقاط جهان و از بلاد بعیده و دوردست، برای درک فیوضات بی‌شمار در پرتو زیارت آن معظمه آل عصمت به قم آمده، در کنار قبر شریف و مرقد دلربای وی عرض ادب و اخلاص می‌کنند.

عشق و علاقه قلبی و عمیق دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت به زیارت کریمه خاندان وحی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها چنان است که گاهی خیل عاشقان و علاقمندان آن حضرت وارد شهر قم می‌شوند و چون در این شهر آشنایی نداشته و وضع مالی و مادی آنان ایجاب نمی‌کند که در هتلها و حتی مسافرخانه‌های معمولی سکونت کنند، در کنار رواقها و صحن‌های شریف و گاهی در میادین و خیابان‌های مجاور حرم شریف بار می‌اندازند و گاهی کنار خیابان و پیاده روها، مختصر چیزی را انداخته، فرش می‌کنند و با کمبود وسایل و نبود امکانات لازم همانجا مختصر غذایی طبخ و یا تهیه می‌نمایند و مصرف می‌کنند و همانجا در گرما و سرما استراحت می‌نمایند.

آری، همه این شداید و سختیها را تحمل کرده و بر خود هموار می‌سازند و دلخوشی

آنان به این است که توانسته اند قبر مطهر دختر موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کنند. اینها مظاهر عشق و علاقمندی مردم مسلمان و دیندار به زیارت بانوی اسلام و کریمه اهل بیت است.

خانم محترمه و با دیانتی (50) با گروهی به زیارت قبر حضرت رضا علیه السلام مشرف شده بودند. در بازگشت هنگام شب وارد قم می‌شوند و درب حرم و صحن منور حضرت معصومه سلام الله علیها بسته بوده است. زائران می‌خواسته‌اند که راننده اتوبوس تا اذان صبح توقف کند تا بتوانند حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها را زیارت کنند، ولی او نمی‌پذیرد و به درخواست آنان اعتنا نکرده، به سوی شیراز ادامه حرکت می‌دهد.

آن خانم محترمه برای همیشه دلسوخته و افسرده خاطر بود که موفق به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نشده است. علمای بزرگ و طراز اول شیعه همواره اهتمامی شدید به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها داشتند، از جمله آنان استاد بزرگ ما مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی اعلی الله مقامه مقید به این موضوع بودند. ایشان سالیان سال نماز صبح را در مسجد بالاسر می‌خواندند و در همین فرصت مدتی را در نزدیکی قبر مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها می‌نشستند و به زیارت و راز دل‌گویی با آن حضرت می‌پرداختند. در سالهای اواخر اشتغالشان به تدریس، روز چهارشنبه بعد از فراغت از درس مشرف می‌شدند و مدتی بالای سر حضرت معصومه سلام الله علیها درست متصل به قبر مبارک به زیارت و عبادت می‌پرداختند. خدام محترم حرم در ساعت زیارت ایشان قسمت بالای سر مبارک را خلوت می‌کردند و تا پایان برنامه، مراقبشان بودند تا هجوم جمعیت

به سوی ایشان مانع زیارت و دیگر برنامه‌های ایشان نشود، البته به طور متفرق و به مناسبات هم به حرم مشرف می‌شدند و این برنامه همواره انجام می‌شد. یکی از سالها که برای تغییر آب و هوا به جاسب - محلی در اطراف قم - می‌رفتند و شاید آخرین مسافرت تابستانی ایشان به آنجا بود، کسالت و ضعف و خستگی‌شان شدت داشت، با این حال فرمودند: اول به حرم مشرف می‌شوم و از آنجا به جاسب می‌رویم. بعضی از نزدیکان ایشان عرض کردند: حالتان مساعد نیست، بنابر این همچنان که اتومبیل از کنار حرم عبور می‌کند شما از داخل سلام کنید و زیارت نمایید، ولی ایشان نپذیرفتند و بالاخره با همان حالت به حرم رفتند، در حالی که بعد از پایان زیارت نتوانستند مسافت کوتاه ما بین داخل حرم تا درب کنار خیابان موزه را راه بیایند. لذا برای ایشان در نزدیکی درب خروجی مسجد طباطبائی - مسجد موزه - صندلی گذاشتند و بعد از مختصر استراحتی ایشان را به نزدیک ماشین آورده و سوار کردند.

مرحوم آقای حاج آقا حسین فاطمی رحمه الله علیه راجع به استادش مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌نویسد: برای رفتن به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بسیار جدیت داشتند و با داشتن مرض قلب همه روزه به حرم مشرف می‌شدند. ⁽⁵¹⁾ بلکه از بعضی از آثار گذشتگان مانند نوشته شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی استفاده می‌شود که زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها اختصاصی به شیعه نداشته، بلکه اهل سنت و علما و دانشمندان آنان نیز به زیارت بانوی بهشتیان می‌رفته‌اند و عبارت او در این مورد چنین است: و اهل قم به زیارت حضرت

فاطمه سلام الله علیها، بنت مطهره موسی بن جعفر علیه السلام بروند که ملوک و امرا و علمای حنفی و شافعی به زیارت آن تربت، تقرّب نمایند. (52)

بلکه این عبارت حاکی از آنست که علمای مذاهب مختلف اهل سنت به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بنت موسی بن جعفر علیه السلام میآمده اند و چون در مقدمه مصنف آن کتاب، از تاریخ ماه ربیع الاول سال پانصد و پنجاه و شش از هجرت صاحب شریعت، ذکری کرده، باید گفت: علمای اهل سنت از شهرهای سنی‌نشین ایران در قرن ششم برای زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها به قم میآمده اند و وقتی علمای سنی مذهب چنین باشند، به طور طبیعی عوام و پیروان آنان نیز اینگونه بوده و به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها اهمّیت می داده اند.

کرامات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

حضرت فاطمه بنت کاظم علیه السلام نیز مانند دیگر اولیای پاک خداوند، دارای کرامتهای باهره بوده و می‌باشند و در اعصار و قرون مختلف، عموم طبقات از عالم و عامی، شاهد و ناظر بعضی از آن کرامات بوده و گواهی داده اند. البته روشن است که در پرتو مقامات عالیه معنوی و تقرّب خاصی که آن مکرمه در نزد خدای تعالی دارند، از موهبت عظیم عنایات الهی و الطاف ویژه پروردگار برخوردار گردیده، دارای چنین کراماتی شده اند.

مرحوم قائم مقام فراهانی می‌گوید: جناب آمیرزا آقای سرکشیک حضرت معصومه قم می‌فرمود: در سنه 1300 ضعیفه مفلوجیه ای را از کاشان به قصد استشفای به قم آوردند

دخیل حضرت معصومه سلام الله علیها شد، شب کشیک من بود. ضعیفه دور حرم مانده و درب حرم را بستند، چون نصف شب شد آن ضعیفه آواز داد: حضرت مرا شفا داد. در را گشودم. دیدم همانطور است که می‌گوید. واقعه را پرسیدم. گفت:

عطش بر من غلبه کرد، خجالت کشیدم آب بخواهم، با آن حالت خوابم ربود، در واقع جام آبی به من دادند و گفتند: این آب را بخور، شفا می‌یابی. آب را خوردم و از خواب بیدار شدم. دیدم نه از عطش خبری است و نه از فلج اثری.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند / و می‌فرمود: سالی نیست که دو سه نفر کور و شل از برکت توسل به آن معصومه سلام الله علیها شفا نیابند. (53)

و هم او در جای دیگر می‌نویسد: کراماتی که در عصر خود این حقیر، از حضرت معصومه سلام الله علیها ملاحظه نموده زیاد است، خود کتابی لازم دارد. چند فقره آن را در این رساله درج نموده که از جمله آنها:

خاقان مغفور، فتحعلی شاه قاجار البسه الله حلل النور در مطلبی یکصد هزار تومان نذر نمودند. بعد از رسیدن به مطلب، به علاوه آن وجه را خرج طلای گنبد مبارک و ساختن صحن و مدرسه دار الشفا و غیرها نمودند.

حسین خان نظام‌الدوله شاه‌سون که نذری نمودند آن گلدسته‌ها را ساختند.

نواب والامستطاب اشرف ارفع والانائب السلطنه کامران میرزا خود می‌فرمودند: من بعد از زیارت، از قم بیرون آمدم و بر دو فرسنگی برای صرف نهار پیاده شدم. دیدم چند تیهو برخاستند. تفنگ را از تفنگدار خواستم و به جانب آنها انداختم و تفنگ دولوله از میان لولها ترکید. ریزه ریزه

شد و آسیبی به من و حاضرین - محض آنکه زوار آن حضرت بودیم - وارد نیامد. از همانجا شخصی را فرستادم که گلدسته‌های حضرت را صلا نماید.

صحن نو را مرحوم مغفور ابراهیم خان امین السلطان ساختند. (54)

مرحوم حاجی نوری رضوان الله علیه داستانی را نقل می‌کنند که چون در زمان خودشان و در نزدیکی محل اقامت ایشان واقع شده و گویا صاحب جریان را می‌شناخته‌اند، داستانی ارزشمند است. ایشان می‌گویند:

در ایّامی که ما در کاظمین اقامت داشتیم و مجاور بودیم، در بغداد یک مرد نصرانی بود به نام یعقوب که دچار بیماری استسقا شد و هرچه مراجعه به اطبا کرد نفعی نداد و بیماری او شدت یافت، چنان رنجور و لاغر گردید که از راه رفتن عاجز شد. او خود می‌گوید: پیوسته می‌گفتم خدایا، یا شفایم ده یا مرگم را برسان.

تا اینکه شبی همچنان که روی تخت‌خواب، خوابیده بودم، خواب دیدم سید جلیل، نورانی و بلند قامتی نزد من آمده و تخت مرا حرکت داد و گفت: اگر شفا می‌خواهی باید به شهر کاظمین بروی و زیارت کنی که از این بیماری رها شوی. از خواب بیدار شدم و جریان خواب را برای مادرم نقل کردم. او که نصرانی بود گفت: این خواب شیطانی است و رفت صلیب و زنار آورد و به گردنم آویخت.

من دوباره خواب رفتم و در عالم رؤیا بانویی با جلالت و پوشیده را دیدم که آمد و تخت مرا حرکت داد و فرمود: برخیز، چه آنکه صبح طالع شد. مگر پدرم به تو نفرمود به زیارتش بروی تا تو را شفا دهد؟!

عرض کردم: پدر شما کیست؟

فرمود: امام موسی بن جعفر علیه السلام

گفتم: تو کیستی؟
فرمود: أَنَا الْمَعْصُومَةُ أُخْتُ الرِّضَا
علیه السَّلام؛ منم معصومه، خواهر رضا
علیه السَّلام

من بیدار شدم و متحیر بودم که چه کار
کنم و کجا بروم. پس در قلبم افتاد که به
خانه سید محترم، سید راضی بغدادی که
ساکن در محله رواق بغداد است، بروم. به
راه افتادم تا به خانه او رسیدم. در را
کوبیدم. او گفت: کیستی؟ گفتم: در را باز
کن، چون صدای مرا شنید، دخترش را صدا زد
که در را باز کن که یک نصرانی است و
میخواهد مسلمان شود.

من وارد شدم و گفتم از کجا دانستید که
نصرانی میخواهد مسلمان شود؟ گفت: جدم
حضرت کاظم علیه السَّلام در خواب به من خبر
دادند.

بعد مرا به کاظمین و به خانه عالم
جلیل شیخ عبدالحسین تهرانی برد و داستان
را به ایشان عرض کردم. به دستور او مرا
به حرم مطهر بردند و دور ضریح طواف
دادند، ولی اثری از برای من ظاهر نشد.
چون بیرون آمدم و مختصر زمانی گذشت دچار
تشنگی شدم. آب آشامیدم. در آن وقت حال
دگرگون شد و به زمین افتادم و آن وقت
بود که احساس کردم که بار گرانی چون کوه
بر پشتم بود و برداشته شد و ورم بدنم از
بین رفت و به کلی کسالت و دردم مرتفع
گردید.

به بغداد برگشتم. بستگانم که از جریان
اطلاع پیدا کردند ناراحت شدند. مادرم
گفت: خدا رویت را سیاه کند. کافر شدی؟
گفتم: از بیماری چیزی میبینی؟ او گفت:
این از سحر است و بالاخره مرا زدند، اذیت
کردند و خون آلود نمودند و گفتند: تو از
دین ما خارج شده ای.

من به کاظمین برگشتم و خدمت شیخ عبدالحسین تهرانی رفتم و او اسلام و شهادتین را به من تلقین کرد و مسلمان شدم و چون خطر، مرا تهدید می‌کرد، او مخفیانه مرا به کربلا فرستاد و چون زیارت کردم و برگشتم مرا با مرد صالحی از اهل اصطهبانات به بلاد عجم فرستاد و یکسال در آن قریه - اصطهبانات - از توابع شیراز ماندم و بعد به عتبات برگشتم...

مرحوم محدث نوری می‌گوید: و باز به محل هجرت خود برگشت و در آنجا همسر گرفت و مشغول به قرائت مصائب حضرت امام حسین علیه السلام شد و الآن در آنجاست و اهل و اولادی دارد... (55)

استاد ما در شیراز در قسمتی از سطوح، مرحوم آیت الله آقای حاج سیّد محمد باقر آیت اللهی معروف به حاج عالم رضوان الله علیه کرامتی را از حضرت معصومه سلام الله علیها نقل کرده اند که خود در جریان آن بوده و مشاهده کرده اند و آن این است که می‌فرماید:

در سال 1349 هجری قمری به قصد تشرّف به قم از شیراز مسافرت نمودم. در اصفهان برای پیدا کردن وسیله برای قم به گاراژ رفتم. یک ماشین سواری آماده بود. من و یک نفر دیگر که اصفهانی و مرد باوقاری بود سوار شدیم. جوان دیگری هم آمد که سوار شود، مادرش که به بدرقه او آمده بود با چشم گریان روی به حقیر نموده و گفت: آقا! دعا کن فرزندم به سلامت برسد.

ما سه نفر عقب ماشین جا گرفتیم و راننده، جلوی ماشین را برای دیگری در نظر داشت. راه افتادیم. چندین کوچه و خیابان گردش کردیم تا درب خانه‌ای نگه داشت و شخصی را سوار نموده و به سمت قم به راه افتادیم.

ضمناً معلوم شد آن جوان از ارامنه و کارمند بانک تهران است و آن شخص آخر اهل کردستان و رئیس دخیانیات اصفهان است. رفتیم تا به مورچه خورت که حدود چند فرسنگی اصفهان می‌باشد، رسیدیم.

در اینجا مأمور تفتیش اثاثیه مسافرین آمد و چون شب تاریک بود چراغ دستی را گرفت و نگاه به داخل ماشین کرد. از من پرسید آقا اسباب شما کجاست؟ گفتم جلوی ماشین روی کاپوت بسته‌اند، برو نگاه کن.

از آن جوان پرسید: این صندوقچه که روی رکاب ماشین است چیست؟ گفت: مشروب است.

از آقای رئیس پرسید: صندوقچه بسته شده چیست؟ آن هم گفت: مشروب است و ما هم می‌شنیدیم و می‌فهمیدیم، ولی مجبور بودیم خود را به نفهمی بزنیم. بعد مأمور تفتیش آمد و از اینکه سؤال از اثاثیه اینجانب کرده بود، معذرت خواست.

به هرحال بدون تفتیش از آنجا گذشتیم. هوا بسیار سرد بود. آقای رئیس - شاید برای رفاع از سرما - بطری را سر می‌کشید. بوی آن بلند می‌شد و به مشام آن جوان ارمنی که عقب سوار بود، می‌رسید و او برای طعنه به اینجانب صدا می‌زد: جناب رئیس! بوی خوشی می‌آید و قاه قاه می‌خندید و چند مرتبه‌ای این جریان تکرار شد و هرچه که تملق جناب رئیس را گفت، او جرعه‌ای هم به او نداد و حتی تعارفی هم به او نکرد. به همین ترتیب رفتیم تا از حدود دلیجان گذشتیم.

در این هنگام ماشین پنچر شد. برای پنچرگیری بیرون آمدیم و در سرما نشستیم. جوان ارمنی دم به دم می‌گفت: البته ماشین که در آن خلاف شرع بشود، پنچر می‌گردد و ما را به باد مسخره می‌گرفت و صدای قاه قاه او و نیز آقای رئیس بلند می‌شد.

عاقبت این حقیر نزدیک رئیس شدم و خود را به دوستی با آقای صدیقی وزیری از اهل کردستان که در دارایی شیراز بود، برای او معرفی کردم و دم و دود رئیس را با این بهانه بستم و از تکرار سرکشیدن بطری باز داشتم و فیما بین او و جوان ارمنی جدایی افکندم.

پس از اتمام پنچرگیری سوار شده و به طرف قم حرکت کردیم. این حقیر به توجّه قلبی متوسّل به ساحت محترم حضرت معصومه سلام الله علیها شدم و از جریان جوان و رئیس شکایت نمودم تا به قم رسیدیم. ماشین درب گاراژ سوت زد که درب بسته باز شود و وارد گردد.

درب باز شد و ماشین خواست وارد شود، ناگهان صندوق‌های آن جوان و رئیس که در یک ردیف روی رکاب ماشین بسته بود، اصطکاک با آستانه درب گاراژ پیدا کرد و حساب هر دو صاف شد و از درب گاراژ تا وسط حیاط یک جدول مشروف به راه افتاد و صدای مسخره حمالهای گاراژ برخاست.

این حقیر هم فوراً اثاثیه خود را به شخصی دادم که بیاورد و حسابم را با راننده تصفیه کردم و بیرون آمدم و آنها را به حرمان از مقصد واگذار کردم و از عنایت حضرت معصومه سلام الله علیها سپاسگزاری نمودم. (56)

آیت الله شبزنده دار راجع به عموی محترمشان، عبدالصالح مرحوم آقای حاج قنبر رحمة الله علیه نقل کردند که: همسرشان حمل پیدا کرده بود و بعد از مدتی متوجّه می‌شوند که جنین حرکت ندارد. مراجعه به دکتر می‌شود و او می‌گوید: بچه در شکم مادر مرده و باید عمل جراحی انجام شود و بچه مرده را بیرون بیاورند. آن زمان - شصت سال قبل - هم که هنوز عمل جراحی شایع نبود و امکانات و وسایل امروز را

نداشته‌اند و از این‌رو عمل برای آن خانم و بستگانش گران تمام می‌شود و بالاخره تصمیم می‌گیرند که برای استشفای به مشهد مقدّس مشرّف شوند. لذا حرکت می‌کنند تا به قم می‌رسند، خود آن محترمه گفته است: برای زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها رو به سوی حرم رفتیم و به مجرد اینکه پا را داخل حرم گذاشتیم بچه شروع به حرکت کرد و به جنبش آمد. این جریان موجب شادی آنان می‌شود و مرحوم حاج قنبر از قم نامه‌ای به جهرم می‌فرستد و جریان را اطلاع می‌دهد و می‌گوید: ما پیش از آنکه به مشهد برسیم، خداوند لطف کرده و شفا داد.

آثار توسّل به حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

توسّل به خاندان عصمت و طهارت راهگشای انسان‌ها در مواضع تحیّر و حلال مشکلات آنان ر دشواریها و سختیهای زندگی است و این مطلب کاملاً تجربه شده و قابل تردید نیست و از جمله توسّل به ذیل عنایت علیا معظّمه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بنت موسی علیه السّلام از ابواب نجات و از وسایل قضای حاجات، نیل به مقاصد، خواسته‌ها و رفع بلیّات است. حتّی بعضی از افراد بر اثر شدّت اتصال روحی و معنوی با آن بانوی یگانه عالم رسماً با او حرف می‌زنند و به برکت عنایات و افاضات آن حضرت به سرعت به مطالب و خواسته‌های خویش دست می‌یابند که در این مجال مواردی را نمونه می‌دهیم و چه‌بسا که این خود یادآور موارد متعدّدی باشد که خوانندگان محترم دیده و تجربه کرده باشند.

1- مرحوم مغفور حجة الاسلام آقای سید محمّدباقر موسوی گوگدی، والد ماجد مرحوم

آیت الله العظمی گلپایگانی رضوان الله علیه، گاهی از گلپایگان به عزم زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به قم می آمده اند و فرزند گرانقدرشان رضوان الله علیه فرمودند: به یاد دارم که یک بار مرا هم با خود به قم آوردند و من با ایشان بودم.

در یکی از سفرهایی که آن سیّد جلیل و با اخلاص به قم می کنند، منزلی را به مبلغی اجاره می کنند که مال الاجاره آن نسبتاً زیاد و گران بوده است. آن مرد با اخلاص و صاحب مقام یقین فرموده بود: ای عجب من از عمّه ام - حضرت معصومه سلام الله علیها خواستم که منزل خوبی برایم فراهم کنند و ایشان اجابت کردند، ولی از یادم رفت که از ایشان بخواهم که ارزان هم باشد.

2- مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا مهدی بروجرودی رحمه الله علیه، اب الزوجه آیت الله العظمی گلپایگانی که در ماه جمادی الاخری سال 1388 ه' ق درگذشت، راجع به دفن ایشان در حول و حوش حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها از ناحیه عوامل طاغوت سختگیری و اشکال تراشی می شد و با آنکه خود ایشان قبری را برای خود پیش بینی کرده و یا آن را از قبل خریداری کرده بودند، بعد از فوتشان مورد مخالفت مسئولان دولتی قرار گرفت. آقا فرمودند: من به حضرت معصومه سلام الله علیها عرض کردم: ایشان یک عمر پناهنده به شما بود و به این مکان مقدّس رفت و آمد داشت. اکنون او را از جوار خودتان محروم نسازید. و بحمد الله خداوند اصلاح کرد و رفع مانع شد و آن عالم محترم را در آن مرکز مقدّس دفن کردند.

3- برای خود اینجانب هم شرایطی پیش آمد که از نظر اقتصادی در تنگنا قرار گرفتم

و مخارج تمام شد و مرا که در دوران تجرّد به سر می‌بردم، مضطرب و ناراحت کرد. وقت عصری بود که از فرط ناراحتی و دلتنگی از مدرسه مبارکه رضویه که محلّ سکونتّم بود، بیرون آمدم و به حسب ظاهر به سوی حرم رفتم. دیگر یاد ندارم که چه گفتم و چه کردم، ولی به خوبی در ذهنم مانده است که در بیرون حرم، در خیابان موزه که دو در از درهای صحن و حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها از آنجا باز می‌شود و نیز در اصلی مسجد اعظم در آن قسمت است. در نزدیکی درب مسجد، میان رفت و آمد مردم کسی رسید و مراسم تعارفات مختصری انجام شد و او دست داد و وجهی در دستم گذاشت و رفت و من او را نشناختم و آن وجه هرچند زیاد نبود، ولی برای دو سه روز یا یکی دو روز در آن شرایط کارگشا بود. اینجانب مدّعی نیستم که آن شخص از رجال غیبی و اولیاء الله بوده و با شناخت از بنده این لطف را کرده ولی این مقدار برایم تقریباً روشن است که عنایت معظمه دوران، دخت موسی کاظم علیه السلام موجب شده به دل آن مرد بیفتد که در میان آن رفت و آمد این وجه را خیلی محترمانه در دست من بگذارد و زود هم برود که البته احتمال اوّل هم بعدی ندارد، ولی بنده شاهد و مؤیدی برای آن ندارم که موجب اطمینان باشد.

جوان محترم تحصیل کرده‌ای از دوستان می‌گفت: من هر وقت برای حاجتی به ویژه تشرّف به مشهد، متوسّل به حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها شدم موفق گردیده و مشرّف شدم و راستی که حضرت معصومه سلام الله علیها اخت الرضاست.

بالاخره توسّل به آن مکرمه یگانه، یکی از مایه‌های سعادت و رفع مشکلات و نیل به مقاصد است و مقام رفیع و شأن منیع او هم

ایجاب می‌کند که اگر مضطرب گرفتاری رو به آن بزرگوار بیاورد، به اذن الله به خواسته خود برسد و به حاجتش دست یابد.

بله ممکن است در موردی آنچه را که انسان درخواست می‌کند به صلاح او نباشد یا کلاً مصلحت نظامات مقرر الهی نباشد، در این مورد البته توسل بی اثر می‌ماند و یا به کلی حال دعا و توسل از آدمی گرفته خواهد شد.

چنانکه مرحوم آقای گلپایگانی نقل فرمود که: در زمان مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، شخصی از اهل علم از من درخواست کرد که از آقای حاج شیخ وجهی برای مخارج او بگیرم. من این را به ایشان عرض کردم ولی مؤثر واقع نشد و چیزی ندادند. من با خود گفتم: اکنون که چنین شد من به حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها بروم و برای آن شخص دعا کنم، شاید کار او بدینوسیله حل شود. به این عزم به حرم مشرف شدم و بسیار دعا کردم ولی همین مطلب که به خاطر آن رفته بودم بکلی از یادم رفت و راجع به آن اصلاً دعا نکردم!

حل مشکلات علمی

آنچه که راجع به تأثیر فراوان به ذیل عنایت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها ذکر شد، منحصر به جنبه مادی و اقتصادی و ظواهر زندگی نیست و در این محدوده خلاصه نمی‌شود بلکه آنانی که تشنه کام مقامات معنوی و یا زلال علم‌اند و به دنبال حل مشکلات علمی، گام برمی‌دارند نیز از رهگذر توسل و روی آوردن به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها می‌توانند، مشکلات خود را رفع کرده و حجابها را از روی چهره مطالب علمی بردارند و به مقصد

عالی و هدف والای خود نایل گردند، بلکه از نقطه نظر اینکه سازمان وجودی آن مکرمه و کلاً خاندان پیغمبر با علم و معرفت صورت گرفته و خاندان علم و فضیلت‌اند، طلب نیل به علم و کمال از آنان زمینه مساعدتری برای پذیرش و اجابت دارد.

تاریخ نشان می‌دهد که افرادی با استمداد از انفس قدسیه حضرت معصومه سلام الله علیها و در پرتو توسل به ذیل عنایت آن مکرمه، حجابهای علمی را کنار زده، حقایق و نکاتی برای آنان از این رهگذر روشن شده است و بالاخره حوایج و درخواستهای علمی حاجتمندان نیز در این جایگاه با عظمت روا شده و درخواست کنندگان به حاجت خود رسیده‌اند.

مرحوم محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف در شرح حال صدرالمتألهین شیرازی نوشته‌اند: از بعضی از مشایخ خود شنیدم که مرحوم ملاصدرا به واسطه بعضی از ابتلائات از اقامتگاه خود به دارالایمان قم که عَشَّ آن محمد و حرم اهل بیت صلی الله علیه و آله وسلم است، مهاجرت کرد و به حکم **إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَذْفُوعٌ عَنْهَا؛** (57) هنگامی که فتنه‌ها و ابتلائات شهرها را فراگرفت بر شما باد به قم و حوالی آن، زیرا فتنه‌ها از آنجا رفع گردیده است. به قریه‌ای از قرای قم که در چهار فرسخی آن شهر واقع و موسوم به "کهک" است، پناه برد و گاهگاهی که بعضی مطالب علمیّه بر او مشکل می‌گردید، از کهک به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها تشرّف می‌یافت و از آن حرم فیض آثار بر او افاضه می‌شد. سپس محدث بزرگوار در تأیید این جریان می‌گویند:

فاضل اشکوری لاهیجی، در کتاب محبوب القلوب، در احوال خاتم الحكماء

الیونانیین، ارسطاطالیس فرموده است: چون ارسطو در بلده اسطاغیرا از دنیا رحلت کرد، اهل آنجا استخوانهای او را پس از آنکه پوسیده شده بود در ظرفی از مسّ گزاردند و آن را در موضعی دفن کردند و آن مکان را مجمع خود قرار داده، از برای مشورت در کارهای بزرگ و امور جلیله در آنجا جمع می‌شدند و هر وقت مطلبی از فنون علم و حکمت برایشان مشکل می‌شد، قصد آنجا را نموده، بر سر قبر او نشسته، مشغول به مناظره و مباحثه می‌گردیدند، تا آنکه مشکل ایشان حلّ و مطلبشان واضح و روشن می‌شد و چنان اعتقاد داشتند، که آمدن بر سر قبر ارسطوطالیس بر عقل و ذكاء آنان می‌افزاید و اذهانشان را پاک و تلطیف می‌نماید.

محدث بزرگ در اینجا اضافه می‌کند: پس هرگاه حکمای یونان، این نحو اعتقاد به استخوانهای پوسیده ارسطاطالیس داشته باشند، عجبی نیست که حکیم الهی و فیلسوف امامی، صدرالمتألهین، هرگاه مسأله‌ای علمی بر او مشکل شود، از چهار فرسخی قم به قصد تشرّف به آستان ملک پاسبان حضرت سیّدنا فاطمه سلام الله علیها که مهبط فیوضات ربانیه و تجلیّات سبحانیّه است حرکت کند، برای آنکه علوم بر او افاضه شده و مطالب عویصه برایش کشف و حلّ گردد.

(58)

کسان دیگری نیز در همین موضوع حلّ مشکلات علمی توسّل به آن بانوی زمانه پیدا کرده، خداوند قادر متعال به برکت آن وجود پاک و آن گوهر تابناک و بی‌همتای هستی افاضه مطالب کرده و حلّ قضیه و مشکل علمی و جواب مسأله غامض را به ذهن توسّل جویان القا و الهام فرموده است. یکی از علمای برجسته و پرهیزکار در حاشیه کتاب مکاسبی که از روی آن تدریس می‌کرده‌اند در

صفحه 143 (بحث ترتب عقود متعدده بر مال مجیز) نوشته اند:

بسم الله الرحمن الرحيم. دیروز هرچه روی این قسمت، مطالعه و فکر نمودم برایم روشن نشد و موقع مباحثه شد، با بناء بر اینکه با تصریح به ابهام مطلب در این قسمت درس را بگویم، آماده حرکت شدم و هنگام خروج از منزل با توسل به حضرت معصومه سلام الله علیها، خزینه غیر منقوصه الهی سلام الله علیها، دعا نمودم و بیرون رفتم. دیگر حتی فکر مطلب هم نبودم. اما همینکه نزدیک صحن مطهر رسیدم، ناگهان خصوصیات مطلب از اول: "وللعقود اللاحقة..." تا "على المعوض ابتداء" به ذهنم، به اذن الله تعالی و برکت سیّدنا فاطمه معصومه سلام الله علیها القا شد و روشن گردید.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى آلائِهِ وَنِعَمِهِ، إِلَهِي بِفَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ أَهْمُنَا كُلَّ خَيْرٍ وَوَقَفْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

21 شوال المکرم 1411

این بحث و نکات و مطالبی که پیرامون آن گفته شد، توجه و آگاهی می‌دهد که علمای اعلام و طلاب و فضلا می‌توانند علاوه بر مطالعات مستمر و دقت و باریک شدن در مطالب از مسیر توسلات نیز قسمتی از مسایل علمی خود را حل کنند، به ویژه برای روحانیّت قم که میهمانان مستمر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بوده، همواره بر سر سفره احسان و لطف آن بانوی بهشتی نشسته و به انواع نعم مادی و معنوی متنعم و برخوردارند، در این نوع مشکلات و مسائل، دست توسل به ذیل عنایت این کانون خیر و احسان زده، او را در خانه خداوند متعال، واسطه کنند تا به برکت آن بزرگوار شفافیّت ذهن و قوّت حافظه پیدا کرده، قوّه درّاکه در آنان نیرومند گردد و به زودی به عمق مسائل و مطالب رسیده و

یا اگر مشکلی در راه رسیدن به مطلب است، خداوند مرتفع سازد و راه نیل به مطالب را هموار فرماید.

برکات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

نزول اجلال حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و ورود او به قم، منشأ خیرات و برکات گوناگون و چشمگیر و ماندنی برای قم و اهل و اردین آن، بلکه برای عموم مسلمانان جهان، حتی در اقصی نقاط عالم گردید.

شهر، شهر زیارتی شد و از مشرق و مغرب جهان مردم علاقمند به بیت وحی برای زیارت آن معظمه یگانه روبه این شهر شریف می‌آوردند و در آمدن این جمعیت‌های فراوان چه منافع بزرگی برای شهر و مردم آن تأمین می‌شود، ارتباط بین قم و بلاد و ممالک اسلامی حاصل می‌گردد، فرهنگ اسلامی از این پایگاه علمی به نقاط مختلف انتقال می‌یابد، جنبه‌های اقتصادی مردم قم رشد می‌کند و ده‌ها منافع دیگر که در پرتو زیارتی شدن این شهر، خداوند بزرگ متوجه مردم این شهر و واردين و دیگر ملت اسلامی گردانیده است.

و از برکات بی‌نظیر، آنکه این شهر قداست پیدا کرده، مورد توجه و اقبال علما و دانشمندان قرارگرفت و بالاخره بزرگترین پایگاه دینی و عالیت‌ترین حوزه علمیه در جهان گردید. ورود دو شخصیت بزرگ علمی، مرحوم حایری و مرحوم بروجردي به قم بدون تردید از برکات حضرت معصومه سلام الله علیها است و به نظر ما اندک ابهام و اجمالی ندارد و زمینه هیچ‌گونه شک و تردیدی در آن نیست.

اینک ما جریان ورود هریک از آن دو بزرگوار را به صورت گذرا و اجمالی، ذکر می‌کنیم تا صدق مدّعیان ظاهر گردد.

1- آمدن مرحوم آیت‌الله العظمی، مؤسس حوزه، آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری اعلی‌الله مقامه به قم و عزم بر اقامت در آن شهر بر اثر یک استخاره‌ای بوده است که در کنار حرم حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها و با توسّل به آن حضرت انجام شده و در نتیجه آن توسّل آیه‌ای آمده که ایشان را موظّف به ماندن و جمع کردن علما و فضلا فرموده است و خلاصه هدایت بی‌دغدغه‌ای در آن جریان در پرتو حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها شامل حال ایشان شده است.

فرزند برومندشان مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ مرتضی حایری اعلی‌الله مقامه در این رابطه می‌گویند:

مرحوم والد رَحِمَهُ الْعَالِی رَحْمَةً وَاسِعَةً تا آن‌جا که من یاد دارم با قرآن استخاره نمی‌کردند و می‌فرمودند: من درست نمی‌فهمم مثلاً **يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ** نسبت به موضوع استخاره خوب است یا بد، مربوط به موضوع دیگری است.

ولی معروف و مسلّم است که برای ماندن در قم، پس از اصرار عده‌ای از علما و اهالی قم و اهالی تهران، بالای سر حضرت معصومه سلام‌الله علیها برای ماندن در قم استخاره کرده بودند و این آیه آمده بوده است: **وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ؛** (59)

این آیه خطاب حضرت یوسف به برادران است، که به آنان فرمود: همه اهل و بستگان خود را نزد من بیاورید.

این استخاره در کنار قبر حضرت معصومه سلام‌الله علیها بدون هیچگونه اجمال و ابهامی مرحوم آیت‌الله حایری را به اقامت و آوردن اهل و بستگان خود بدان سرزمین

مقدّس فرامی‌خواند. و از این رو آن زعیم بزرگوار، بستگان و حواریّون خود را به آمدن به قم از اراک که قبلاً آنجا بر گرد شمع وجودش اجتماع کرده بودند، فرامی‌خواند، در نتیجه عزم بر ماندن و پیدا کرده و بالاخره چنین حوزه علمیّه با عظمتی را تشکیل می‌دهند.

آری، تشکیل حوزه در شهرستان اراک قبلاً به وسیله همین شخصیت بزرگ علمی، یعنی مرحوم آیت‌الله العظمی حایری اعلی‌الله مقامه صورت گرفت و دلدادگان علم و فضیلت نیز در آن حوزه جمع شده، گرد آمدند و حوزه اراک تحرّک و رونقی پیدا کرد.

نیز تشکیل حوزه علمیّه در قم با دست توانای همان عالم ربّانی و فقیه با اخلاص صورت گرفت و حوزه‌ای قوی و نیرومند و با برکت شد و رجال بزرگ و کم‌نظیری را تربیت کرده، تحویل جهانیان داد و برکات و آثار آن چشمگیر و مستمر گردید و اکنون متجاوز از چهار ربع قرن است که در جهان اسلام تالّوئی خاص دارد، به طوری که نه تنها ممالک اسلامی بدان توجّه دارند، بلکه ممالک بیگانه و دور از اسلام چه کشورهای شرقی و چه غربی برای این حوزه اهمیّت ویژه قایل بوده مرکزیت و محوریت دینی برای آن قائلند و خائنان و ابرقدرتهای خودسر، از آن بیمناک می‌باشند.

بالاخره هر دو حوزه به دست یک نفر احداث و تأسیس شده است، ولی یکی از آن‌دو، دچار رکود و رقفه شده و یا به قهقرا برمی‌گردد و دیگری روز به روز تالّوئی بیشتر پیدا کرد، نور داد و روشنی آفرید و آثار و ثمرات خود را به نقطه نقطه جهان صادر کرد و ندای شیعه را به اقطار عالم رسانید. این چه سرّی است و چه رمز نهانی دارد؟!

جز اینکه قم چیزی دارد که اراک و اصفهان و سایر بلاد ندارند و آن بضعه موسی، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها می باشد.

مضجع و مرقد مطهر این بانوی بزرگ و با عظمت، روحانیّتی خاص و قداست و معنویّتی مخصوص و خللناپذیر به این شهر داده است که با وجود آنکه از نظر جغرافیایی، محیطی مساعد نبوده و از آب و هوای مطلوب و مطبوعی برخوردار نیست، اینچنین مورد توجه نفوس واقع شده، دلها مجذوب آن گردیده است و جمع کثیری از هیأت علمیه، علماء، فضلا و طلاب با محرومیت‌های گوناگون مادی روی به اینجا آورده و اقامت در این کویر برای اشتغال و فراگیری علوم و معارف آل محمد علیهم السلام را بر انواع رفاه‌ها و راحتی‌ها در سایر بلاد ترجیح می‌دهند.

و جان کلام اینکه آمدن مرحوم آیت الله العظمی حائری و تأسیس حوزه و اقبال نفوس، مخصوصاً فضلا و علماء، همه از برکات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است.

2- جریان اقامت سیّد الطائفه، مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه نیز مستند به عنایات حضرت معصومه سلام الله علیها است، بدین ترتیب که ایشان در اواخر سال 1361 ه' ق مبتلا به بیماری فتق می‌شوند و قرار می‌شود که در تهران عمل کنند، هنگامی که به مقصد معالجه از بروجرد خارج می‌شوند، وضع مزاجشان رضایتبخش نبوده و تقریباً در بیهوشی بوده‌اند و این حال ادامه داشته تا یک مرتبه در دلشب، چشم گشوده و چراغ‌های قم را مشاهده می‌کنند. از همراهان استفسار می‌فرمایند، اینجا کجاست؟ عرض می‌کنند: قم است.

جذبه‌ای روحانی و کششی معنوی ایشان را به خود مشغول می‌کند و در آن حالت تصمیم می‌گیرند که پس از بهبودی، بقیّه عمر را در این آستان مقدّس بگذرانند.

در عبارت دیگری آمده که: هنگام حرکت از بروجرد، وضع مزاجی ایشان سخت بوده و در حالت بیهوشی می‌گذرانیدند ولی ناگهان در وقت شب از خواب بیدار و از داخل اتومبیل نظرشان به چراغ‌های شهر قم می‌افتد، می‌پرسند اینجا کجاست؟ همراهان به عرض می‌رسانند: اینجا قم است. منظره چراغ‌های شهر قم در آن دل‌شب اثر عمیقی در دل ایشان می‌گذارد و قصد می‌کنند که اگر از این بیماری شفا یافتند، بقیّه عمر را در کنار مرقد منور حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به سر ببرند.

بالاخره خداوند به برکت حضرت معصومه سلام الله علیها آن بزرگوار را شفا می‌دهد و از این‌رو بعد از علاج بیماری به قم می‌آیند و آن تحوّل عظیم علمی و فرهنگی را در حوزه به وجود می‌آورند. و علما و مجتهدین بسیاری را پرورش داده، صدای روحبخش اسلام و تشیّع را به گوش جهانیان رسانیدند.

قابل توجّه است که نکته‌ای را که در مورد آمدن مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری اعلی الله مقامه ذکر کردیم، در مورد مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه نیز صادق است. آن بزرگوار پس از بازگشت از نجف اشرف، حوزه بروجرد را پس از انطماس و رکود احیا کرد و رونقی داد و جماعتی دور وجود مبارکش جمع شدند و آن مرد بزرگ، حدود چهل سال در آنجا اقامت فرمود - بعد از آنکه بروجرد زادگاهشان هم بود - و فیض بخشی فراوانی کرد، سپس به قم آمد، حوزه مبارکه قم دستاورد مرحوم حایری بزرگ را توسعه داد و آبیاری

کرد. از ابعاد مختلف آن را گسترش داد و نام قم را عالمگیر کرد. از اکثر شهرها و بلاد ایران، بلکه از قسمتی از روستاهای آن جوانانی با شور و شوق را به سوی این مرکز علمی جذب نمود تا بالاخره حوزه یگانه و بی‌نظیر جهان تشیع گردید، در حالی که حوزه بروجرد رو به توقف و رکود گذارد و تحرک و پویایی خود را از دست داد.

شگفتا شخصیتی بزرگ و کم‌نظیر مانند آیت الله العظمی بروجردی در رأس دو حوزه قرار می‌گیرد و یکی را در خلال مدت چهل سال رشد نسبی و زودگذر می‌دهد و دیگری را خلال مدت حدود پانزده سال رشد مطلق می‌بخشد و آن را جهانی کرده و به اوج عظمت و سربلندی می‌رساند.

این چه سرّ نهفته و رازِ نهانی است، جز اینکه قم گوهری دارد که بروجرد با همه سوابق درخشانش ندارد، چنانکه در جریان مرحوم حایری اراک نداشت و آن مرقد منور دختر بلندآختر حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیها می‌باشد. آری، قم، حضرت معصومه سلام الله علیها دارد و اراک و بروجرد ندارند.

این بانوی بزرگ و سرافراز، پشتوانه عظیمی است که شخصیت‌های وزین را بدین سو و سمت می‌کشد و متفکران و اندیشمندان را از هر نقطه‌ای جذب می‌نماید و دل‌ها همه در هوای اوست، از این رو تأسیس حوزه به دست مرحوم آقای حایری از برکات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است و تجدید و تحکیم اساس آن مرکز عظیم و گسترش چشمگیر آن به دست مرحوم آقای بروجردی نیز از برکات آن معظمه دوران است.

کانون هدایت و فیض دایم

اشاره

حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها مرکز افاضه فیوضات ربّانیه است. انوار هدایت از این کانون نور پی در پی ساطع بوده و همه جا را روشن و تابناک می‌گرداند و پیوسته امواج علم، معرفت و فضیلت از آن محور فضیلت و کمال به اطراف و اکناف جهان می‌رسد و اینک ما در این مجال گوشه‌هایی از این فیض لاینقطع و هدایت مستمر و برکتهای بی شمار را عرضه می‌کنیم.

1- تدریس و تدرّس:

یکی از پایگاه‌های اصلی برای تدریس آقایان اساتید حوزه مبارکه علمیه، محدوده حرم شریف و مسجد بالاسر و صحن مقدّس و حجرات آن است. این جریان از دیر زمان تا کنون ادامه داده و برنامه‌ای رایج و دایر بوده است، هرچند مراکز مجهزی برای تدریس - مخصوصاً به لحاظ عدم مزاحمت سروصدا آماده گردیده و در این سالها دروس بسیار مهم و پرجمعیت به آن مراکز سه گانه ⁽⁶⁰⁾ منتقل شده، لیکن درس گفتن و درس خواندن از محدوده حرم شریف منقطع نگردیده و همواره درس‌هایی برقرار است.

در سابق که مهمترین درسها در همین مرکز با قداست برگزار می‌شده است، مثلاً درس مؤسس حوزه، مرحوم آیت الله العظمی حایری اعلی الله مقامه در مسجد بالاسر و قبه العلماء بوده که بعد هم در همانجا دفن شدند.

نیز محل تدریس مرحوم آیت الله العظمی آقای سید محمد حجت کوه‌کمری رضوان الله علیه، در صحن شریف و مسجد بالاسر بوده است و هم‌اکنون عکسی موجود است که آن بزرگوار را بر کرسی تدریس در صحن مطهر و کنار ایوان ساعت، نشان می‌دهد.

مرکز درسی زعیم بزرگ اسلام، مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی، بدو تا سالیان سال در مسجد بالاسر و در تابستان، صحن شریف بوده است. عکس آن بزرگ مرد در حال تدریس، برفراز منبر درس، در کنار ایوان ساعت، موجود و در کتابهای منعکس شده است، البته در سال‌های آخر عمر شریفشان که شبستان عالی مسجد خودشان آماده شده درسشان را بدانجا منتقل کردند.

مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره بعد از ارتحال سید الطائفه آقای بروجردی قدس سره درس خارج خود را از منزل و از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام به مسجد بالاسر در زمستان و به صحن مطهر در تابستان منتقل کردند و عکس‌های متنوع، آن بزرگمرد را در کنار ایوان ساعت بر کرسی درس و در حال تدریس، نشان می‌دهد و در بعضی از این تصویرها صورت سنگ قبرهای صحن نیز که قبل از بازسازی صحن شریف بوده، پیدا است و به خوبی مشخص است.

باری، این جریان ادامه داشت تا وقتی که بر اثر ازدحام طلاب و فضلا و شاگردان و جهات دیگر، درس خود را منتقل به سالن بزرگ غربی مسجد اعظم کردند.

مرحوم آیت الله العظمی آقای مرعشی رضوان الله علیه در مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام الله علیها تدریس می‌کردند و تا پایان عمر، این برنامه را ادامه دادند و عکس‌های موجود است که ایشان را در حال تدریس در آن مکان مقدس، نشان می‌دهد.

2- مباحثه‌ها :

مواضع مختلف مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و مسجد طباطبائی - مسجد موزه - و صحن شریف و برخی از حجرات آن غالباً جایگاه مباحثه آقایان طلاب و فضلا است که هر دو نقر، سه نفر یا بیشتر در آن مواقف نورانی سرگرم بحثهای علمی و دینی و مرور و بازگو کردن و تکرار نمودن درسهایی که خوانده‌اند، می‌باشند.

3- اذان در مقاطع سه‌گانه :

از برنامه‌های نشاطانگیز حرم مطهر، پخش اذان در مقاطع سه‌گانه، یعنی طلوع فجر و مقارن زوال یعنی ظهر و دیگر اول مغرب از بلندگوهای حرم است. صدای روحبخش اذان به وسیله مؤذنان خوش آهنگ، طنین خاصی دارد، به ویژه هنگام اذان صبح که صوت اذان در سکوت و آرامش محیط و فضا، تا مسافتی دور می‌رود و مردم باایمان را به اقامه نماز دعوت می‌کند و اثر مخصوصی در دل و جان اهل ایمان دارد.

4- پخش مناجات قبل از اذان صبح :

لحظاتی قبل از طلوع فجر و اذان صبح، بلندگوهای حرم مطهر مناجاتی را پخش می‌کند که به وسیله یکی از آقایان خوش‌صدا برگزار شده است. صدای دلنواز مناجات حرم، در آن ساعت اثر معنوی ویژه‌ای دارد و روحانیت خاصی را ایجاد می‌کند و شاید مسافران و زائران کریمه اهل‌بیت، بیشتر لذت و صفناپذیر این مناجات سحرگاہی را درک کنند.

جای تأسف است که به نظر ما این برنامه روحبخش از جهت کم و کیف، کاهش یافته و وضع بسیار عالی سالیان سال قبل از ده یا بیست سال اخیر، رو به ضعف گذاشته است، آنچنان که بنده می‌فهمم وقت آن کمتر و صدای بلندگوها هم ضعیف‌تر است و گاهی در غیر حول و حوش حرم، به گوش نمی‌رسد.

5- نمازهای جماعت در مقاطع سه‌گانه:

یکی از برنامه‌های شکوهمند حرم مطهر، نمازهای جماعت متعددی است که صبح و ظهر و شب در آن مکان مقدس و اطراف و جوانب آن برگزار می‌شود.

آنچه برای خود بنده به صورت یک خاطره شیرین از دوران تجرد در ذهنم باقی مانده است، منظره نماز صبح است که اول طلوع صبح، نخست مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی رحمة‌الله علیه نماز صبح را برگزار می‌کردند. ⁽⁶¹⁾ و با فاصله‌ای اندک می‌رفتند و سپس اذان دیگری گفته می‌شد و نماز جماعت توسط مرحوم آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی قدس‌سره برگزار می‌شد و بعد از فراغت ایشان از نماز و خروجشان از مسجد بالاسر، جماعت سوم توسط مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید احمد زنجانی رضوان‌الله علیه برگزار می‌شد و در هر جماعتی عده‌ای که تازه آمده بودند شرکت می‌کردند و گاهی بعضی از مؤمنین موفق به شرکت در دو جماعت نیز می‌شدند.

راستی آن صحنه بسیار باشکوه و دیدنی بود و از روحانیت خاصی برخوردار بود، یاد آن ایام و ساعات و لحظات عطرآگین بخیر.

6- دعا :

از فیوضات عالیّه حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها مراسم مختلف در اوقات مناسب آنهاست که گروه کثیری از ساکنان محترم قم و نیز از زائران حضرت معصومه سلام الله علیها در آن مراسم روحانی و معنوی شرکت میکنند و دعاهاى مبارکه و مأثوره، مانند دعای شریف کمیل در شبهای جمعه و دعای مبارک ندبه در صبح جمعه و در مواقعی دعای شریف توسّل را میخوانند و از باشکوهترین مظاهر این برنامه، مراسم دعای عرفه امام حسین علیه السلام در عصر روز عرفه است که جمعیت عظیمی با شور فراوان در آن شرکت میکنند.

7- جشن ها :

از جمله فیوضات و برکات این مرکز نور، برپاداشتن مراسم اعیاد مذهبی و اقامه جشنها در مسجد بالاسر و احیاناً رواقها و صحنهاست. در این مراسم، جمعیت بسیار از زوّار و غیر زوّار شرکت میکنند و به شادی و سرور پرداخته، مدّاحان آل عصمت، مدیحه سرایی نموده، شعرا اشعار نغز خود را ارایه میکنند و سخنرانان مذهبی ایراد خطابه کرده و مطالب مربوط به روز خاص و جریان آن روز را ارایه مینمایند.

8- سوگواری‌ها :

در همه سوگواری‌های امامان معصوم و کلاً خاندان عصمت و طهارت علیهم السّلام، مجالس سوگواری و عزاداری برای عزیزان خدا برگزار می‌شود. در ماه محرم و صفر، مجالس عزاداری در آن روزه منوره منعقد است. نوحه‌خوانان، نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایان، مرثیه‌سرائی می‌کنند و گاهی تهیجی در مستمعین ایجاد می‌شود که صدای گریه و زاری فضا را می‌گیرد و بالاخره خطبا و وعاظ بر فراز منبر قرار گرفته، پیرامون خاندان رسالت و نبوت با مردم سخن می‌گویند و فضایل و مناقب آن معصومین پاک را برای مستمعین تبیین کرده و ذکر می‌نمایند. در بسیاری از این مراسم یا قسمتی از آنها جمعیت‌های متراکم از مجاورین و مسافرین جمع می‌شوند و آن را به صورت مطلوبی برگزار می‌نمایند.

9- زیارت مقابر علما :

زیارت قبور مبارک علمای اعلام و زعمای دینی و رجال بزرگ مذهبی که در حول و حوش قبر مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها مدفونند، از برکات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و از فیوضات این حرم شریف است. و شاید این خصوصیات در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها بیش از حرم‌های شریف امامان بزرگوار، معمول و مرسوم است، زیرا این همه علما و مجتهدین و مراجع بزرگ شیعه در حرم‌های دیگر در کنار هم، آن هم با فاصله مختصری از حرم مطهر به صورت مشخص مدفون نمی‌باشند و این خصوصیات در حرم قم می‌باشد.

و از اینرو غالباً کسانی که قبر مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را زیارت می‌کنند، بلافاصله کنار قبور علمای بزرگوار حضور یافته و فاتحه می‌خوانند و عرض ادب به آن رجال بزرگ علمی می‌کنند. بالاخره زیارت مقابر رجال بزرگ علمی و زعمای گران قدری که در اطراف و جوانب مضجع منور فاطمه معصومه سلام الله علیها مدفونند، یادآور زحمات آن بزرگواران در مقاطع خطرناک برای حفظ اصول دیانت و صیانت احکام، مقررات و مقدسات دینی است و خود، نوعی قدردانی و حق‌شناسی نسبت به خدمات بی‌دریغ آن عزیزان، تجدید عهد دائمی مردم مسلمان با آن ارواح پاک و پاکیزه است و همه این‌ها در پرتو عنایات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها می‌باشد.

10- برنامه های مستقیم

و از برنامه‌هایی که مستقیم از ناحیه مردم در حرم مطهر صحن‌ها انجام می‌شود، آمدن هیأت‌های مذهبی و دسته جات سینه‌زن و زنجیرزن است که در ایام سوگواری خصوصاً در تاسوعا و عاشورا و اربعین و بیست و هشتم ماه صفر و دیگر مناسبات مربوط به امامان و معصومین علیهما السلام این مراسم با فروغ و شکوه مخصوص برگزار می‌شود و بالاخره صحن شریف حضرت معصومه سلام الله علیها و حرم مطهر آن بانوی سرفراز کانون علم و عمل و مرکز نور و هدایت به صورت گوناگون است: تدریس، تدرّس، مباحثه، مناجات، دعا، اذان، نماز جماعت، اقامه عزا و سوگواری عزیزان خدا، مراسم جشن و سرور در اعیاد مذهبی، سخنرانی‌های سودمند مذهبی، ارشاد، وعظ و خطابه، قرائت قرآن کریم، ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام، مدیحه و مرثیه سرائی خاندان عصمت، نشر

معارف اهل بیت، آشنایی ملل مسمان جهان با یکدیگر و ده‌ها عناوین افتخارآمیز دیگر از فیوضات این کانون فیض لاینقطع و گسترده الهی است.

در کنار این برنامه‌ها مراسم دیگری می‌باشد که جنبی است و آنها نیز بالاخره بازگشت به الطاف و مرحمت‌های حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها می‌کند. مانند اطعامی که از ناحیه آستانه مقدسه می‌شود و علاقمندان خاندان علی و اولاد علی علیهم السلام بر سر سفره ضیافت بانوی عالم، سلام الله علیها می‌نشینند و بهره‌مند می‌شوند. طبعاً این برنامه هم خالی از مراسم معنوی نیست.

و مانند نذوراتی که تقدیم حرم مطهر می‌شود که ما در این باب سخنی داریم و مطالبی را ذکر خواهیم نمود.

و مانند اتفاقاتی که زائران و واداران نسبت به فقرا و ضعفا و مستمندان دارند که غالباً در خود حرم مطهر و رواق‌ها و صحن‌ها و مساجد متعلقه به نوعی صورت می‌گیرد.

11- نذورات و موقوفات:

اشاره

از جمله مظاهر برازندگی و قداست حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و موقعیت بسیار رفیع آن بانوی یگانه و پایگاه منیع او در اعماق جان مردم، موضوع نذرهایی است که برای آن مخدّره می‌شود و در طول سال و هر روز و شبی به انواع مختلف، جریان دارد.

یکی از کانالهای این نذورات و شاید مهمترین و بیشترین آنها عبارت از نذورات مالی است که به وسیله طبقات مختلف از

عالم و عامی و ثروتمند و یا مردم متوسط الحال و احیاناً ضعیفاً و کسانی که خود مشکل مالی دارند، انجام می‌شود. علاقمندان به خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و علی الخصوص فاطمه معصومه سلام الله علیها احیاناً نذورات مطلقه می‌کنند که نذرشان بدون قید و شرط است، ولی غالباً نذرهای مقید می‌نمایند؛ یعنی وجهی را مقید به رسیدن به حاجتشان - مثلاً پیدایش فرزند برای آنان یا مراجعت مسافرشان و یا پیشروی تجارت و کارشان و یا موفقیت در ازدواج و یا تحصیل، یا شفاگرفتن و درمان شدن بیمارانشان یا مرتفع شدن درد و بیماری خودشان و یا آزاد شدن گرفتاران و محبوسینشان و ده‌ها و صدها حاجت و خواسته به مناسبت زمان و مکان - نذر می‌کنند و در بسیاری از موارد به خواسته‌های خود می‌رسند و به برکت فاطمه معصومه سلام الله علیها و در پرتو الطاف بی‌دریغ آن مکرمه حاجتشان برآورده می‌شود و لذا نذر خود را هم انجام می‌دهند.

و نحوه پرداخت وجوهی که نذر حضرت معصومه سلام الله علیها می‌شود، دو گونه است: الف: مراجعه به دفتر مخصوص نذورات و صندوق ویژه آن نموده و نذر خود را ادا کرده، وجه مربوط را تحویل می‌دهند که در این مورد همراه با اخذ قبض رسید می‌باشد. ب: خود نذر کنندگان وجه منذور را به داخل ضریح مبارک می‌اندازند و می‌ریزند و گاهی اگر مثل پارچه یا فرش کوچکی باشد به بالای ضریح می‌اندازند و روی همین جهت بعد از مدتی خدام محترم و یا اشخاص دیگری پس از مراسم خلوت کردن حرم، درب ضریح را باز کرده و وجوه نذری را بیرون می‌آورند و تحت مراسم خاصی آن را به مصارف مقرر می‌رسانند.

کانال نذورات، کانال بسیار سرشار و پر درآمدی است و مقادیر زیادی مال و وجوه از همین رهگذر در هر ماه و سالی در اختیار آستانه مبارکه قرار می‌گیرد و این نذورات منحصر به خود مردم شریف قم نیست، بلکه از بلاد دیگر و حتی گاهی از بلاد بعیده و از ممالک خارج نیز این نمونه نذر ها انجام می‌شود و مبالغی را تقدیم آستانه مبارکه حضرت معصومه سلام الله علیها و حرم شریف او می‌کنند و آن را با دست خود یا به وسیله دیگران تحویل می‌دهند.

ناگفته نماند که نذورات منحصر به پول و مال نیست و شعب و رشته‌های فراوانی دارد از جمله، گاهی نذر تعمیر حرم شریف می‌شود، که در سابق این جریان زیاده بوده و گاهی نذر نماز و تلاوت قرآن و تقدیم ثواب آن به روح منور حضرت معصومه سلام الله علیها است و احياناً نذر زیارت آن معظّمه را می‌کنند و در جای خود انجام می‌دهند. چنانکه گاهی نذر اقامه عزاداری حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام یا دیگر از معصومان پاک و یا ذکر مصایب خود حضرت معصومه سلام الله علیها می‌کنند و در حرم مطهر یا رواق‌های مجاور، انجام می‌دهند.

اخیراً ورقه‌ای به دست آمد که مربوط به دوران فتحعلی شاه است و حاکی از مرسوم بودند نذر زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها در آن زمان بوده است و متن آن این است:

و بعد حاضر گردید احقر عباد و اقل السّاده خادم خدام والامقام سرکار فیض آثار، حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها و علی آبائها آلاف التحية و الثناء "سید محمد بن سید علی الرضوی" در محکمه بندگان عیّوقشان عالی جناب مقدّس القاب فضائل و فواضل اکتساب حقایق و مارف انتساب، حاوی الفروع و الاصول، جامع

المعقول و المنقول، مجتهد العصر
 والزمان، میرزائی میرزا علیرضا دام فضله
 العالی، وبه عنوان نذر بر خود واجب و
 لازم و متحتم نمود که از غره شهر رمضان
 المبارک هذالسنة و مابعدھا مادام الحیاة
 هر روزی یک زیارت، به جهت بندگان سکندر
 نشان، دارا دربان، ملایک پاسبان، آسمان
 مکان، سلطان الاعظم و خاقان الاکرم،
 السلطان العادل فتحعلی شاه، نیابتاً و دو
 زیارت که ثواب آنها عاید رضوان آشیانان
 والد و والده حضرت شاهنشاهی روحی فداه
 نماید و صیغه نذر را جاری ساخت که هرگاه
 العیاذبالله بدون عذر شرعی خلاف نذر به عمل
 آمد، مبتلا به کفّاره حنث نذر گردد.
 و این چند کلمه به رسم یادداشت قلمی و
 تحریر شد و به نظر مبارک واقفان انجمن
 حضور معدلت دستور رسیده که به علاوه
 احتیاط از گرفتاری کفّاره چنانچه تساهل و
 مسامحه نماید، مورد مؤاخذه و عقوبت حضرت
 شهرباری باشد. 7 رجب المرجّب من شهور 1247
 و در ذیل، مهر و امضائی است و بر بالای
 آن صفحه دو نفر از علما امضا و
 مهرکرده اند، یکی از آنها نوشته است: **قَدْ جَرَتِ**
الصَّيْغَةُ عِنْدِي. و دیگری چنین نگاشته است: **قَدْ تَقَوَّهَ**
بِصَيْغَةِ النَّذْرِ بِمَحْضَرِي.

موقوفات:

شدت نفوذ و قداست حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها چنان است که از دیرزمان، اموال فراوان از منقول و غیرمنقول به وسیله اشخاص خیر و باایمان بر آن حضرت وقف شده است. اراضی بسیار و خانه‌های متعدّد، مغازه‌های بیشمار، باغ، بستان‌های عدیده امروز در قم و چه بسا در جاهای دیگر است که وقف بر آن بانوی بزرگ می‌باشد و وقفنامه‌های بسیار و صورتهای وقف فراوان با مهر و امضای بسیار مهم و معتبر در دسترس است، به طوری که می‌توان به صورت کتابهای بزرگ و متعدّد در آورد و قسمتهایی از آنها در کتابهای مربوطه چاپ شده است.

محدثه آل محمد علیهم السلام

یکی از فضایل و مناقب بزرگ حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها محدثه بودن آن بانوی بزرگوار است. بضعه موسی بن جعفر علیه السلام روایاتی نقل فرموده و کلمات گرانبهای خاندان وحی را به علاقمندان منتقل کرده‌اند و از این رهگذر نیز اهل ایمان را متنعم و بهره‌مند ساخته است و این هم خود یکی از جهاتی است که مار را رهین منت بانوی جهان، حضرت معصومه سلام الله علیها قرار می‌دهد.

و ما در این مقام چهار مورد را که حضرت فاطمه معصومه در سند روایت قرار گرفته و آن حضرت ناقل روایت می‌باشد ذکر می‌کنیم و آن چهار مورد، حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث معراج و حدیث شهید بودن محبان آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است.

1 و 2- علامه بزرگ و مجاهد و مورد تأیید الهی مرحوم علامه آقای میرزا عبدالحسین امینی اعلیٰ الله مقامه به سند مفصّلی که همه سلسله سند از عامه و اهل سنت‌اند، از شخصی به نام بکر بن احمد قصری نقل کرده که او گفته است:

حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كُلْثُومُ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ وَ سَكِينَةُ ابْنَتَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّ كُلْثُومِ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ رَضِيَ عَنْهَا قَالَتْ أُنْسِيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَوْمَ غَدِيرِخُمْ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْ مَوْلَاةٍ. وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (62)

یعنی حدیث کردند برای ما دختران موسی بن جعفر، فاطمه و زینب و امّ کلثوم و آنان گفتند: فاطمه دختر امام صادق علیه السلام برای ما نقل نمود و او گفته است: که فاطمه دختر امام باقر نقل کرد که فاطمه دختر علی بن الحسین از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام و آنها از امّ کلثوم دختر فاطمه، دختر پیامبر و او از فاطمه دخت رسول الله بیان داشت که فرمود: آیا گفتار پیغمبر را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: هرکس من مولای اویم علی مولای اوست. و از یاد بردید سخن پیامبر را که فرمود: تو - یا علی - نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی علیهما السلام می‌باشی؟!!

3- علامه نامدار، مرحوم مجلسی اعلیٰ الله مقامه از کتاب مسلسلات، با ذکر سلسله سند از بکر بن احنف نقل کرده که او نیز از فاطمه دختر حضرت رضا علیه السلام نقل نموده که گفته است: حدیث کرد مرا فاطمه و زینب و امّ کلثوم، دختران موسی بن جعفر علیه السلام و آنان گفته‌اند که حدیث کرد ما را فاطمه دختر امام جعفر صادق علیه السلام و او می‌گوید: حدیث کرد مرا

فاطمه دختر محمد بن علی علیه السلام و او نقل کرده از فاطمه دختر علی بن الحسین علیه السلام و ایشان فرموده اند: حدیث کرد مرا فاطمه و سکینه دختران حسین بن علی علیه السلام از امّ کلثوم دختر علی علیه السلام، از فاطمه دختر رسول الله صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرمود:

شنیدم رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرمود: چون مرا به آسمان سیر دادند، داخل بهشت شدم. در آنجا قصری بود از درّ سفید و مجوّف و دری داشت مزین به درّ و یاقوت بود و بر آن در پرده ای بود. پس سر را بلند کردم، دیدم بر آن درب نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولیّ القوم و بر آن پرده مکتوب بود: **بَخٍّ بَخٍّ مَنْ مَثَلُ شِيعَةِ عَلِيٍّ؟** به به، چه کسی همچون شیعه علی خواهد بود؟! خواهد بود؟!!

آنگاه من داخل شدم قصری را دیدم از عقیق سرخ مجوّف و در آن از نقره مزین و زبرجد سبز بود و بر آن پرده ای بود. پرده را بالا زدم. بر آن نوشته بود: محمد رسول الله، علی وصی المصطفی: محمد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسول خداست و علی وصی پیامبر می باشد. و بر آن پرده نوشته بود. **بَشَّرَ شِيعَةَ عَلِيٍّ بِطَيِّبِ الْوِلَادَةِ؛** بشارت ده شیعه علی را به پاکی ولادت!

من داخل آن قصر شدم. ناگهان قصر دیگری از زمرد سبز مجوّف نمودار شد که من نیکوتر از آن ندیده بودم و برای آن قصر دری بود از یاقوت سرخ مزین به لؤلؤ و بر آن در، پرده ای بود. پس سرم را بالا نموده، دیدم بر آن پرده نوشته بود: شیعه علی هم الفائزون؛ شیعیان علی علیه السلام سعادت مند و رستگارند.

من گفتم: حبیبم جبرئیل! این قصر از آن کیست؟ گفت: یا محمد برای پسر عمّ و وصی

تو علی بن ابی طالب علیه السلام، مردم همه در روز قیامت عریان و پابرهنه اند، جز شیعه علی و مردم به نامهای مادرانشان خوانده میشوند، جز شیعه علی علیه السلام که به نام پدرانشان خوانده میشوند.

گفتم: حبیبم جبرئیل! این مطلب چگونه است؟ گفتم: زیرا آنان علی را دوست داشتند، پس ولادت آنان پاکیزه است و پدری معلوم و مشخص دارند، لذا به نام آنها خوانده میشوند. (63)

4- علامه محدث شیخ محمدبن محمدبن احمد داغستانی، در کتاب اللؤلؤة الثمینة فی الآثار المعنعة المرویة که در سال 1306 ه' ش در مصر چاپ شده از فاطمه بنت الحسین الرضوی نقل نموده است و او از فاطمه دختر محمد الرضوی از فاطمه دختر ابراهیم رضوی از فاطمه دختر حسن رضوی، از فاطمه دختر محمد موسوی، از فاطمه دختر حسین، از فاطمه بنت ابی هاشم حسینی، از فاطمه دختر محمدبن احمد بن موسی مبرقع، از فاطمه دختر احمد بن مبرقع، از فاطمه دختر موسی مبرقع، از فاطمه بنت امام ابی الحسن الرضا علیه السلام، از فاطمه دختر موسی بن جعفر، از فاطمه دختر جعفر بن محمد صادق، از فاطمه دختر محمدبن علی باقر، از فاطمه دختر علی بن الحسین سجّاد زین العابدین، از فاطمه دختر ابی عبد الله الحسین، از فاطمه دختر امیرالمؤمنین، از فاطمه بنت رسول الله علیه و آله و سلم فرمود: **أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا؛** (64) آگاه باشید هرکس که بر محبت و دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

و طبق نقل، این روایت را فاطمیّات خوانده‌اند؛ زیرا راویان آن جز یکی دو نفر، همه فاطمه نام می‌باشند.

باری، بر اساس مطالب این بخش، بضعه موسی، حضرت معصومه علیها السّلام بانویی عالمه و محدّثه از خاندان عصمت و طهارت محسوب می‌شوند و علاوه بر فضایل ذاتی و واسطه فیض ربوبی بودن، وساطت در رساندن اخبار و احادیث شریفه به دست شیعه نیز دارند و باید محدّثین بزرگ و اهل روایت، فخر و مباهات کنند که همچون حضرت معصومه علیها السّلام، حبیبه خدا، جزء محدّثین و راویان اخبار و ناقلان روایات می‌باشند. چنانکه پیش از او فاطمه بنت الحسین علیها السّلام و بعضی دیگر از فواطم خاندان پیامبر، افتخار بزرگ محدّثه بودن را داشتند و از همه مهم‌تر جدّه گرانقدر حضرت فاطمه معصومه علیها السّلام یعنی حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها محدّثه و اهل حدیث و روایت بودند و در این عمر کوتاه خود، مطالب و روایات بسیاری را از پدر بزرگوارش حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم روایت فرموده‌اند که در کتب مربوطه ثبت و ضبط است.

آری، شیعه افتخار دارد که در بین طبقه بانوان، زنانی با جلالت قدر و فخامت شأن، مانند حضرت زهرا و حضرت فاطمه معصومه علیهما السّلام دارد که احادیث و کلماتشان، راهگشای زندگی انسانهاست.

فاطمه معصومه سلام الله علیها شفیعه روز جزا

یکی از معتقدات شیعه و از مباحث کلامی، موضوع شفاعت است که اصل آن از قرآن کریم به خوبی استفاده می‌شود.

پیروان مکتب تشیع و دادادگان خاندان پیغمبر علیهم السلام با اتکای به آیات کریمه قرآنی و روایات شریفه، این موضوع را حتمی دانسته و بدان اعتقاد قلبی دارند.

خداوند در قرآن کریم خطاب به رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا؛ (65)

پاسی از شب را از خواب برخیز و به قرآن و نماز بگذران. این یک وظیفه اختصاصی برای توست. امید است که پروردگارت تو را به مقامی قابل ستایش برساند.

در تفسیر آیه از اهل بیت عصمت علیهم السلام آمده که مقصود از این مقام محمود، مقام شفاعت است. (66)

شفعاء يوم القيامة متعددند و در رأس همه، رسول خدا، پیامبر خاتم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشند. چنانکه علاوه بر آیه فوق روایات متعدد دلالت بر این موضوع دارد و نیز ائمه طاهرین، جزء شفعاء عند الله می‌باشند و این مقتضای آبرومندی آنان در نزد خدای تعالی و رأفت آنان نسبت به بندگان خداست و در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ...

بارخدا یا! شفاعت حسین علیه السلام را در روز ورود بر خودت روزیم فرما.

بالاخره در طبقه مردان، انبیا و اوصیا و ائمه طاهرین و برخی دیگر شفاعت می‌کنند و نیز در میان زنان و طبقه بانوان کسانی

هستند که دارای مقام والای شفاعتند و شخصیت‌های گرانقدری که به اذن الله تعالی در قیامت، شفاعت می‌کنند.

و آنچه که در اینجا مسلم است، اینست که دو معظمه دوران و افتخار بانوان جهان، دو شخصیت بی‌نظیر فاطمه نام، یکی حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا صلوات الله علیها و علی ابیها و بعلمها و بنیها و دیگری کریمه آل محمد و بضعه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام صاحب مقام شفاعتند.

آنچه که حکایت از مورد اول می‌کند، روایات بسیاری است که در ابواب معاد و قیامت و نیز در ابواب فضایل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

رسیده است و از جمله روایت جابر از حضرت باقر علیه السلام است که در یکی از فقراتش آمده است: ای جابر! والله که فاطمه شیعیان و محبان خود را التقاط می‌کند چگونه که مرغ دانه‌های خوب و سالم را از میان دانه‌های بد، جدا نموده و انتخاب می‌کند. (67)

و اما راجع به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بعضی از روایات که از خاندان پیغمبر نقل شده، صریح در این معناست. چنانکه سید عالم شهید مرحوم قاضی نورالله شوشتری رضوان الله علیه نقل فرموده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: "آگاه باشید که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حرمی است و آن مدینه است. آگاه باشید که برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است. آگاه باشید که حرم من و حرم فرزندان من، بعد از من، قم است. آگاه باشید که قم کوفه کوچکی است. آگاه باشید که برای بهشت هشت

در است که سه تای آن به سوی قم مفتوح می‌باشد."

بعد فرمودند: **تُقَبِّضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي وَاسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛** (68)

در سرزمین قم، زنی از فرزندان من که نام او فاطمه و دختر موسی بن جعفر است از دنیا خواهد رفت و شیعیان من همگی به برکت شفاعت او داخل بهشت خواهند گردید. و نیز در زیارت آن مکرمه سلام^۱ الله^۲ علیها که خود از امام علیه السلام، مأثور است می‌خوانیم: **يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ...** ای فاطمه! برای من در مورد بهشت، شفاعت کن... بنابراین، حضرت فاطمه معصومه سلام^۱ الله^۲ علیها همچون جدّه معظمه اش فاطمه زهرا سلام^۱ الله^۲ علیها از شفعاى محشر است.

آنچه در اینجا بسیار قابل توجه است این است که برحسب ظاهر روایاتی که در دو مورد، ذکر شد، نه تنها آن دو حبیبه خداوند، صاحب مقام شفاعتند، بلکه شفاعت آنان در سطحی وسیع و گسترده می‌باشد. چنانکه در روایت مربوط به حضرت معصومه سلام^۱ الله^۲ علیها کلمه **"أَجْمَعِهِمْ"** به کار رفته که کاملاً ظاهر در این است که همه شیعیان به شفاعت آن بزرگوار می‌رسند و عامّه شیعه از آن بهره‌مند و برخوردار خواهند گردید. این تعبیر، بسیار ارزشمند است، زیرا از یک سو مقام والای حضرت فاطمه بنت موسی را ابراز می‌دارد که شفاعت آن حضرت نوع خاصی از شفاعت است؛ گروهی نیست و طایفی نمی‌باشد، بلکه فراگیر و عمومی است و به کافّه شیعه خواهد رسید.

و از دیگر سو تعبیر امیدبخش و فرح‌انگیز است و نور امید در دل‌های همه شیعیان ایجاد می‌کند. شفاعت حضرت معصومه

سلامَ اللهَ علیها شعاع رحمت واسعه الهیه است که همه را زیر پروبال خود خواهد گرفت. بنابراین اگر در زیارت آن مکرمه بی‌بدیل می‌خوانیم: یا فاطمةُ اشْفَعی لی فی الجنة و درخواست شفاعت از آن خزینه رحمت الهی می‌کنیم، تقاضایی به جا و به مورد است که او صاحب شفاعت کبری و تامه است و دامنه شفاعتش آن قدر گسترده و وسیع است که به هرکسی که در زیر لوای مقدس تشیع باشد خواهد رسید.

بله! در اینجا نباید یک مطلب را از یاد برد و آن این است که در همان روایت مخصوص، می‌فرماید: "شیعیان من به شفاعت او داخل بهشت خواهند گردید" و اکنون باید همه در حال خود فرو رویم و بنگریم که آیا در زمره شیعیان امام صادق علیه السلام هستیم؟ و آیا این عنوان و واژه درباره ما صادق است؟ و آیا آن امام بزرگوار، تشیع ما را امضا می‌کند؟ اگر خدای نخواستہ این مطلب مورد تردید قرار گرفت یا این عنوان منتفی شد، حکم و اثر آن نیز در پی آن منتفی خواهد گردید. ملاک شیعه بودن را ما خود نمی‌توانیم تفسیر کنیم و به دست بدهیم، ملاک آن طبق تفسیر خاندان پیغمبر علیهم السلام باید در عمل روشن گردد و عمل ماست که معیار تشیع ما خواهد بود.

بالاخره فیض، فیضی مستعد است و اقتضای شمول آن نسبت به همه افراد شیعه، محقق است. اکنون بکوشیم که حداقل در ردیف ضعفای شیعه - از نظر فکر و عمل - باشیم تا مشمول لطف عمیم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها قرار بگیریم.

تکریم حریم قم و حضرت معصومه سلام الله علیها

قم از آغاز امر و خصوصاً از هنگام ورود حضرت فاطمه بدان سرزمین و دفن بدن مطهر

آن بانوی بزرگ در این خاک، قداستی خاص داشته و مورد احترام ویژه بوده است. چنانکه حرم مطهر، قبه سامیه، بقعه منوره و صحن شریف حضرت معصومه سلام الله علیها از احترام خاص عموم طبقات برخوردار بوده است و چنین در ذهن دارم که در طول سالیانی که در قم مشرف می‌باشم، احیاناً دیده‌ام مؤمنان پاکدلی را که برای ورود به صحن و تشرّف به حرم مطهر، از محلّ ورود خود را پابرنه کرده و برای زیارت، مشرف شده‌اند.

شهرستان قم مورد احترام طبقات و حثی سلاطین بوده است، چنانکه مسلم است که بعضی از فراریان از دستگاه‌های حکومتی در ادوار مختلف، رو به قم کرده و پناه به آن می‌آورده‌اند.

یکی از نویسندگان می‌نویسد: به پاس حرمت این سرزمین که حرم اهل بیت معصومین نامیده شده، حضانت آن مورد تأیید کلیّه سلاطین گردیده بود، تا جایی که پادشاه متعصب و مقتدر حنفی، یعنی اتابک ستم‌زبن قائم ازهم در نیمه قرن ششم، شهر قم را به عنوان مهد امنیت شناخته، حضانت آن را محترم می‌شناخت. از این روی، کمتر زمانی بود که قم مجمع وزرای مغضوب و امرای منکوب و رجال شکست خورده سیاسی نباشد. ولی در عصر صفویه، محیط بست به مرافق آستانه تخصیص یافت و عمارت ساروتقی به جای دار الشفای کنونی مرکز سکونت متحصنین گشته، در همانجا از مطبخ خیرات هم اطعام می‌شدند و از آن پس کلیّه پادشاهان ایران هم در رعایت حرمت حرم فاطمه معصومه سلام الله علیها از نظر حفظ حضانت کوشا بودند. (69)

و هم او از قول بعضی از سیّاحان خارجی نقل کرده است که این شهر را معمولاً دارالامان می‌گویند، ولی این کلمه نسبت به

عیسویان یا پیروان سایر مذاهب، صدق نمی‌کند، بلکه فقط دارالامان بزه‌کاران و جانیان است که برای فرار از مجازات به این شهر می‌آیند و در زیر دیوارهای مقبره، پناهنده می‌گردند. ⁽⁷⁰⁾ و گویا مطلبی را که این نویسنده محترم از پادشاه حنفی نقل کرده است مستند به نوشته ملک الوعّاط شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی، دانشمند بزرگ قرن ششم هجری است. او کتابی ارزنده به نام "النقض" در ردّ نوشته گمراه‌کننده بعضی از علمای عامّه، به نام "بعض فضایح الروافض" نوشته و چون آن گمراه گفته است: در هر شهری که رافضیان (شیعیان) غلبه دارند، دین و شریعت را آنجا جمال رونقی نباشد و بعد به قم و بعضی از شهرهای شیعه مثال زده است. ایشان در جواب او فصل مشبعی راجع به آثار فراوان و روشن دیانت در قم بحث کرده تا بدینجا که می‌گوید: در این تاریخ که این نقض را می‌نویسم، مثالی رسیده از قم که مُقطع قم: غازی عادل صائم بن قائم از الحرامی ضاعف الله دولته به قم فرستاده است اوّل این عبارت که اهل قم از خدای تعالی به نزدیک ما ودیعت‌اند. و ما را رعیتی مبارکند و تا قم نامزد و دیوان ما کرده‌اند هر روزه ما را منزلتی و مرتبتی پدیده آمده است و ما ایشان را به فال کرده ایم.

بعد شیخ عبدالجلیل می‌گوید: چون چنین پادشاهی حنفی متعصّب، ملحدکش در حق قم و قمیان چنین می‌نویسد، الا از سر بصیرت و حقیقت نباشد چه پادشاه از رعیت، تقیه نکند و هزل ننویسد... ⁽⁷¹⁾

هتک حریم قم و حضرت معصومه سلام الله علیها

احترام مخصوص قم و اجلال ویژه حضرت معصومه سلام الله علیها، از نظر معنوی و در نظر مردم و جوامع از بحث‌های گذشته، روشن گردید. اکنون یادآور می‌شویم که در مواردی شهر قم و یا حرم مطهر آن بانوی جهانی مورد هتک و بی‌حرمتی قرار گرفت. از مواردی که شهر قم در معرض تعدی، تجاوز و تهاجم واقع شد حادثه هولناک حمله تیمور گورکان است که طبق نقل، این شهر را به کلی ویران ساخت، هر چند در این نقل چیزی راجع به قبّه سامیه حضرت معصومه سلام الله علیها نیامده است، کما اینکه اصل جریان، نیز مورد تردید واقع شده است.

و دیگر فتنه افغانهاست که در سال 1722 ه' ق این شهر را پس از آنکه رو به آبادی گذاشته بود مورد حمله قرار داده، آن را مجدداً خراب کردند و شقاوت و بی‌رحمی نسبت به ساکنان قم از تیمور بیشتر شد، به طوری که یکی از سیاحان اروپایی که یک قرن پس از حمله افغان‌ها از این شهر عبور کرده می‌نویسد: از شهر آباد قم فقط توده خاکی بر جای مانده است. (72)

و موارد دیگری نیز در تواریخ ذکر شده و گویا رمز این حملات وحشیانه و قتل‌عام مردم قم اشتهار آنان به تشیع و پیوند دل و جان آنان با خاندان علی علیه السلام بوده است.

و اما راجع به هتک حریم مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها و شکستن احترام حرم شریف دو مورد را ذکر می‌کنیم:

1- هتک و سوء ادبی که به وسیله شخص رضاخان پهلوی صورت گرفت: بدین بیان که تحویل سال و نوروز سال 1346 شمسی که مصادف با ماه مبارک رمضان بوده، زنان و دختران فاسد او بدون ساتر و پوشش وارد آستانه مقدس شده، بی‌شرمانه در غرفه بالای ایوان آینه که در صحن بزرگ قرار دارد جای گرفته و مشغول تماشای مردم بودند و یکجا، حرمت ماه مبارک رمضان را شکستند و هم احترام مخصوص مکان مقدس و آستان ملک پاسبان بانوی اسلام را از بین بردند.

مردمان علاقمند به دین، از این ماجرا ناراحت شده و مطلب را به مرحوم شیخ محمدتقی بافقی رحمه الله علیه رساندند. او که انسانی بسیار غیرتمند بود، به آنان پیغام فرستاد که شما اگر بر غیر دین اسلامید، در این مکان شریف چه کار دارید و اگر مسلمانیید چرا بی‌حجاب و با سر و موی باز در حضور چندین هزار نفر در غرفه نشسته‌اید؟ مردم هم سر و صدا کردند.

شیطان صفتان آتش افروزی نموده، خانواده سلطنتی را مرعوب ساخته اظهار داشتند که این آخوند، مردم را تحریک کرده که شما را اذیت کنند. آنها تحت تأثیر این تحریکات واقع شده تلگراف تحریک آمیزی به دربار کردند و در پی آن تلگراف پهلوی با عده زیادی از افراد ارتش حرکت کرده به قم آمد. اطراف صحن به فرمان او محاصره شد و خود برای گرفتن آن عالم محترم وارد صحن شد و با کفش وارد ایوان حرم مطهر گردید و به تیمورتاش فرمان داد که او را احضار کند.

آن خائن با کمال بی‌ادبی با کفش به مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام الله علیها رفت و آقای بافقی که به رسم همه روزه مشغول موعظه بود را گرفته و او را بیرون کشید

و در ایوان آینه نزد آن طاغوت از خدا بی خبر آورد و او تا چشمش به این روحانی پاک افتاد، با شدت بغضی که داشت شروع به فحش و جسارت و گفتن کلمات کفرآمیز کرد و عمّامه او را به گردنش انداخت و با حربه‌ای که در دست داشت به سر و صورت او زد و با لگدوی را به زمین انداخت و لگدهای زیادی به شکم و پهلوی او زد و او پیوسته می‌گفت: یا صاحب الزّمان!

آری، این هتک بزرگ را در جلو قبر مبارک حضرت معصومه سلام الله علیها کرد و آن عالم پرهیزکار را در آن مکان مقدّس که جای امن بود، بدانگونه مورد ضرب و شتم و آزار قرار داد و آن وضع وحشت بار را در محل نزول فرشتگان آسمانی به وجود آورد.

و تازه دستور داد او را به تهران ببرند و مأموران خبیث آن روحانی محترم را با توهین فراوان و آزار بسیار به تهران بردند و در زندان شهربانی کل، زندانی کردند. شش ماه زندانی بود و بعد او را به حضرت عبدالعظیم بردند و او در آنجا به صورت اقامت اجباری، سکونت یافت تا در سال 1365 ه' ق از جهان درگذشت و جنازه شریفش را به قم حمل داده و در جوار حضرت معصومه سلام الله علیها و نزدیک مدفن مرحوم آیت الله العظمی آقای حایری دفن کردند.

نویسنده محترم شرح حال ایشان مرحوم آقای شیخ محمد رازی رحمه الله علیه دو خواب را نقل می‌کند که یکی راجع به حادثه هولناک ضرب و شتم و حبس کردن مرحوم بافقی است و دیگری راجع به آزاد شدن ایشان و چون از رؤیاهای صادقانه است هر دو را نقل می‌کنیم:

الف - یکی از سادات عظام و اخیار قم، حکایت کرد که یک شب قبل از حادثه، خواب

دیدم که در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها ایستاده و مشغول به گریه و زیارت می‌باشم. ناگاه دیدم جمعی به زنی جابره و فساق آمده، ضریح آن حضرت را برداشتند و بعد قبر مطهر حضرت معصومه را خراب و بدن او را بیرون آورده و بردند و من هر چه جزع کردم که بدن حضرت را کجا می‌برید التفاتی به من ننمودند. صبح آن روز خواب خود را برای آقای شیخ مهدی مجتهد و جمعی دیگر نقل نمودم. آنان گفتند: پیش‌آمد بزرگی خواهد شد.

اتفاقاً شب بعد آن قضیه رخ داد و آقای بافقی را به تهران بردند و خواب من تعبیر شد و دانستم که ایشان چقدر ارتباط با حضرت معصومه سلام الله علیها دارند. (73)

ب - مرحوم سید مرتضی قمی معروف به ساعت ساز گفت: چون ایام زندان آقای بافقی به طول انجامید و خبری از او نبود، من بی اندازه مضطرب بودم. تا شبی در خواب دیدم که حضرت بقیة الله صاحب الامر صلوات الله علیه از سمت قبله می‌آید، در حالی که سوار اسب نجیب عربی است و خطی بر دست گرفته و نیزه خود را حرکت می‌دهد و از شدت سرعت، گویا در فضا راه می‌پیماید و به صدای بلند ارجوزه فارسی می‌خواند و از ابیاتی که شنیدم می‌خواند این بود:

باز آمدم موسی صفت از خود ید بیضا کنم
فرعون و قومش سر به سر مستغرق دریا کنم
آمد تا رسید روی پل یا محاذی پل
رودخانه و رو را به حرم مطهر حضرت فاطمه
معصومه سلام الله علیها گردانید و با حال
گریه فرمود:

السلام علیک یا عمتی المظلومة، لعن الله قوماً هتكوا حرمتک و کسروا حصنک

یعنی سلام بر تو ای عمه مظلومه من، خدا لعنت کند کسانی که هتک حرمت تو را کرده و قلعه محکم تو را شکستند - اشاره به آن

ظالمین که با کفش، قدم جسارت در حرم او گذارده و دوست او را توهین و اذیت نمودند و پس از این سلام، مانند برق لامع، به طرف تهران رفت و من در خواب گمان می‌کردم که به شهر می‌آید، از دیدم این صحنه خوشحال از خواب بیدار شدم و به اهل خانه گفتم: ایشان از زندان خلاص شد، گفتند: تو از کجا می‌گویی؟ گفتم: خواب دیدم که امام زمان عجل الله فرجه به طرف تهران برای خلاصی او می‌رفت.

اتفاقاً روز دیگر خبر رسید که همان روز، از زندان بیرون آمده است. (74)

2- هتک حرمت و بی‌حرمتی که از سوی عمّال محمدرضا شاه پهلوی صورت گرفت و آن جریان تأسفانگیز حمله اشرار و مزدوران رژیم به مدرسه فیضیه بود. اتفاقاً آن هم دوم فروردین 1342 و مصادف با روز شهادت حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام بود. آن روز از سوی مرجع بزرگ، مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی رضوان الله علیه مجلس سوگواری در مدرسه فیضیه برقرار بود، جمعیتی بسیار عظیم در آنجا گرد آمده و جلوی منبر یعنی مابین حوض بزرگ سابق تا جلو درب کتابخانه را کماندوها و مأمورین شاه اشغال کرده بودند. در اثنای سخنرانی واعظ شهیر مرحوم آقای حاج انصاری قمی رضوان الله علیه آن جنایتکاران شروع به اخلاگری و به هم زدن نظم مجلس کردند، گاهی با صلوات‌های بی‌مورد و زمانی با سردادن شعار، ایجاد اغتشاش کردند تا بالاخره کنترل مجلس را از دست گوینده گرفتند، ایستادند و شعارهای شرک‌آلود خود را علیه علمای دین و به نفع شاه و خاندان پهلوی سردادند و بعد دیوانه‌وار به جان طلاب، علماء، محصلین و مردم مسلمان افتاده هرکس

را که به دستشان می‌افتاد محکم می‌زدند، صحنه چنان بود که قابل توصیف نیست و آنچه بنده خود دیدم به وصف نمی‌آید. و بالاخره عده زیادی را مجروح و مصدوم ساختند و آن ماجرا کشته‌ای نیز بر جای گذاشت.

قابل توجه است که مدرسه فیضیه متّصل به صحن عتیق حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است و بالاتر آنکه دری از درهای مدرسه به آن صحن مبارک باز می‌شود و اتفاقاً آن در درست محاذی با ایوان طلا و حرم مطهر و قبر منور حضرت فاطمه بنت موسی علیهما السلام است.

و بعضی از نویسندگان محترم و اهل تحقیق گفته‌اند: این مدرسه تا قرن یازدهم به نام مدرسه آستانه، موسوم بوده و تا این اواخر هم مردم قم، آن را مدرسه صحن نیز می‌گفتند. (75)

بنابراین جنایت مزبور درست پیش چشمان حضرت معصومه سلام الله علیها و در حرم امن و امان آن بانوی بهشتی به دست عمال پهلوی، صورت گرفت و حرمت آن حرم محترم را شکستند و در حریم صفیة الله، دختر موسی بن جعفر سلام الله علیها، مرتکب شتم، سب، ضرب و قتل که بزرگترین جنایات است شدند و این حادثه نفرت مردم مسلمان را از آن سفاکان بی‌رحم برانگیخت و مقدمات زوال و اضمحلال آن رژیم منحط را فراهم آورده، زمینه‌ای مساعد برای انقراض آنان گردید و صدق آن حدیث شریف ظاهر شد که فرمود: هر جبّاری که قصد سوء درباره قم کرد، خداوند او را در هم شکست و نابود گردانید.

آری، هتک مستقیم و سوء ادب آشکار به قبر منور فاطمه معصومه سلام الله علیها و شکستن حرمت مسلم آن بانوی دو سرا به وسیله پدر و پسر بی‌ایمان صورت گرفت. یکبار پدر این اقدام غیرانسانی را کرد و

بار دوم، پسر این برنامه ننگین را انجام داد و بالنتیجه این پدر و پسر ننگ هتک حرمت بانوی بهشتی و بی‌احترامی به مهبط انوار الهی و فرشتگان آسمانی را برای خود کسب کردند و علاوه بر عذاب الیم و دردناک پروردگار فضاحت و رسوایی این عمل را برای خود خریدند و به جای آن همه اجلال، احترام، بنا، تعمیر و تقدیسی که از سلاطین صفوی و قاجار نسبت به آن بانوی بهشتی صورت گرفت، این دو موجود بخت برگشته دست به چنین اقدام زشتی زدند و لعن و نفرین مردم مسلمان و دلدادگان حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها برای ابد متوجه آنان گردید و این است عاقبت ستمگرانی که به حریم قدس ناموس خدا و دختر گرانقدر حضرت موسی بن جعفر علیها السلام اهانت کنند.

بخشی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم

اشاره

برای قم و مردم قم افتخارات فراوانی است. از جمله افتخارات آنان این است که اول کسانی که برای امامان معصوم، خمس فرستاده‌اند و از جمله آن‌ها اینک بعضی از آنان مورد اکرام و احترام خاص ائمه علیهم السلام قرار گرفته، انگشتر یا خلعتی از ناحیه آن بزرگواران به آنها عطا شده است. و از جمله اینک بعضی از امامان علیهم السلام جماعت بسیاری از آنان را اکرام کرده، هدایا و تحفی به آنها عطا فرموده‌اند و به بعضی از آنان کفن داده، یا کفن بری آنها فرستاده‌اند.

به طور کلی شهرستان قم سابقه‌ای بسیار درخشان در ارتباط با علی و آل علی علیهم‌السلام دارد و در این باب، داستانها نقل شده است که از جمله آنها قضیه دعبل خزاعی است. وی اشعار جالبی راجع به اهل بیت سرود که در حدود صد و بیست بیت است و طبق نقلی، او از حضرت رضا علیه‌السلام جامه‌ای خواست که آقا پوشیده باشند تا آن را جزء کفن خود قرار دهد. حضرت رضا علیه‌السلام پیراهنی که در تن داشتند را درآورده، به او مرحمت فرمودند. مردم قم از این جریان آگاه شدند و از دعبل درخواست کردند که آن را به سی‌هزار درهم به آنان بفروشد و دعبل نپذیرفت. آنان آمدند و راهی را که او عبور می‌کرد، بستند و به زور آن جبه را از او گرفتند و به او گفتند: اگر می‌خواهی این پول را بگیر و اگر نه خودت بهتر می‌دانی. ⁽⁷⁶⁾

او گفت: به خدا سوگند که من از روی رضا و رغبت آن را به شما نخواهم داد و به صورت غصب هم که نفعی از برای شما ندارد و من شکایت شما را به حضرت رضا علیه‌السلام خواهم کرد. بالاخره با او مصالحه کردند که سی‌هزار درهم و یک آستین پیراهن از ناحیه آستر به او بدهند و بر این مطلب توافق کردند و به او دادند و او راضی گردید و دعبل آن آستین پیراهن حضرت رضا علیه‌السلام را در کفن خود قرار داد. ⁽⁷⁷⁾

و اینک به ذکر اسامی چند نفر از مفاخر و رجال بزرگ علمی و مذهبی قم از قدما و متأخرین می‌پردازیم و شرح حال مختصری از آنان را ارائه می‌دهیم.

1- زکریا بن آدم قمی

او از اصحاب حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام است و حضرت رضا علیه السلام نکاتی راجع به او فرموده‌اند که حاکی از اوج مقامات علمی و معنوی اوست. علی بن مسیب می‌گوید: "به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: مسافت من بسیار زیاد و راه من دور است و برایم فراهم نیست که هر زمان بخوام به حضور شما برسم. بنابراین از چه کسی معالم دین خود را فرا گیرم؟ فرمود: از زکریا بن آدم قمی که مورد اعتماد بر دین و دنیا است. علی بن مسیب می‌گوید: چون به وطن خود بازگشتم به حضور زکریا بن آدم رسیده و همه مسایلی که مورد نیازم بود از او پرسش کردم. (78)

محمد بن اسحاق و حسن بن محمد می‌گویند: "سه ماه بعد از درگذشت زکریا بن آدم به سوی حج رفتیم، در اثنای راه نامه حضرت رضا علیه السلام به دستمان رسید و در آن نوشته بودند: یاد جریانی کرده بودید که از قضای الهی در مورد آن مرد از دنیا رفته - زکریا - صورت گرفت. رحمت خدا بر او باد که در آن روز که به دنیا آمد و روزی که از دنیا رفت و روزی که زنده شده و مبعوث می‌گردد! پس به حقیقت که او ایام زندگی خود را گذرانید، در حالی که عارف به حق و قایل به آن و صابر بود و مشکلات را به پای حق حساب می‌کرد. به هر چه خدا و رسول واجب گردانیده بود قیام می‌نمود. رحمت خدا بر او با که درگذشت، در حالی که نقض احکام نکرد و آن را تبدیل ننموده و تغیر نداد. پس خداوند پاداش نیت او

را بدهد و مهمترین آرزوی او را به وی عطا کند." (79)

زکریّا بن آدم خود می‌گوید: "به حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم: من تصمیم دارد که از میان بستگان و خانواده‌ام بیرون روم. چه آنکه سفها و اهل‌گناه در آنها زیاد شده‌اند. حضرت فرمودند: نه این کار را مکن، زیرا بلا به سبب تو از اهل‌بیت و بستگان دفع می‌شود، آن چنان که از اهل بغداد به برکت موسی بن جعفر علیه السّلام دفع بلا می‌شد." (80)

و در نقلی آمده است که حضرت رضا علیه السّلام به زکریّا بن آدم فرمودند: "إِنَّ اللَّهَ يَنْفَعُ الْبَلَاءَ بِكَ عَنْ أَهْلِ قُمْ كَمَا يَنْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِقَبْرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ"؛ راستی که خداوند به وسیله تو از اهل قم بلا را دفع می‌کند، چنانکه از اهل بغداد با قبر موسی بن جعفر علیه السّلام بلا را دفع می‌فرماید. سالی حضرت رضا علیه السّلام از مدینه به حج رفتند که زکریّا بن آدم زمیل؛ یعنی هم‌محمل حضرت بود تا به مکه رسیدند. (81) و بالاخره از این روایات استفاده می‌شود که آن بزرگوار در اعلا درجه وثاقت و اطمینان است.

قبر شریف او در مقبره مبارک شیخان قم، نزدیکی قبر مرحوم میرزای قمی است و در زیر بقعه‌ای قرار دارد که آن بقعه، تجدید بنا شده، نمای خارجی آن را کاشیکاری کرده‌اند.

2- زکریا بن ادريس يا ابو جرير قمی

گفته شده است که او از حضرت صادق، حضرت کاظم و حضرت رضا علیه السلام روایت کرده و کتابی نیز داشته است. ⁽⁸²⁾ و از زکریا بن آدم نقل شده که گفته است: "اول شب وارد بر حضرت رضا علیه السلام شدم و تازه جریان درگذشت ابی جریر واقع شده بود. آقا راجع به او از من پرسش کردند و آنگاه بر او ترحم فرموده و طلب رحمت کردند و همچنان با من سخن گفتند و من با ایشان تا صبح شد و حضرت برخاستند و نماز صبح به جای آوردند." ⁽⁸³⁾ قبر شریف او در مقبرة الشیوخ، یعنی شیخان قم و نزدیکی قیر زکریا بن آدم و میرزای قمی است و گفته شده است که سال رحلتش سال 201، پس از رحلت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بوده است. ⁽⁸⁴⁾

3- احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری قمی

او از محدّثین اهل قم است. از حضرت جواد و حضرت هادی علیه السلام روایت کرده است و از خواص حضرت عسکری علیه السلام به شمار می‌رفته و از ایشان نیز روایت دارد. او علاوه بر اینکه از اصحاب سه امام معصومه بوده، به عنوان شیخ القمیین نیز اشتهار کرده است.

دو جریان راجع به این مرد بزرگ نقل شده که هر کدام برای بیان مقام رفیع و شأن والای او کافی است.

1- تشرّف او به حضور امام عسکری علیه السلام و دیدار امام زمان حجت بن

الحسن عَجَّلَ اللهُ تعالى فرجه الشريف به وسیله
ن بزرگوار:

شیخ صدوق نقل کرده که احمد بن اسحاق
گفته است: وارد بر امام عسکری علیه السلام
شدم و تصمیم داشتم که راجع به جانشین پس
از وفات آن حضرت از وی پرسش کنم. ابتدا
به سخن کرده و فرمودند: ای احمد بن
اسحاق! خدای تبارک و تعالی زمین را از
آغاز خلقت آدم از حجت خود بر خلق، خالی
نگذاشت و تا قیام قیامت هم خالی نخواهد
گذاشت، به برکت آن حجت بلا را از اهل
زمین دفع کرده و باران نازل می‌نماید و
برکات زمین را به وسیله او بیرون
می‌آورد.

عرض کردم: ای زاده پیامبر! پس امام و
خلیفه بعد از شما کیست؟

حضرت با سرعت برخاسته، داخل اتاق شدند
و چون بیرون آمدند، پسر بچه‌ای بر دوش
گرفته بودند که صورتش همانند ماه شب
چهارده بود و به کودکان سه ساله می‌برد.
فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر به خاطر
آن احترام و بزرگداشتی که از طرف خدا و
حجتهای او داری نبودی، من این فرزند خود
را به تو نشان نمی‌دادم. او همنام و
هم‌کنیه پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است
که زمین را پر از عدل و داد می‌کند،
آنچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمد بن اسحاق، مثل او در این امت،
مثل خضر علیه السلام و مثل ذوالقرنین است.
به خدا سوگند چنان غیبتی داشته باشد که
در آن غیبت کسی از هلاکت نجات پیدا نکند،
مگر کسی که خداوند او را بر عقیده امامت
وی ثابت گردانیده او را به دعای تعجیل
فرج موفق بدارد.

احمد بن اسحاق می‌گوید: عرض کردم: از
مولای من آیا نشانه‌ای هست که قلب من بدان
مطمئن شود؟ ناگهان آن پسر بچه به زبان

آمد و با زبان عربی فصیح گفت: اَنَا بَقِيَّةُ
 اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ
 أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ؛ (85)
 منم بقیة الله در زمین و انتقام گیرنده از
 دشمنان خدا، پس بعد از مشاهده عین، در
 پی اثر نباشد از احمد بن اسحاق!
 احمد می‌گوید: من با فرح و شادمانی از
 نزد حضرت عسکری علیه السلام بیرون آمدم.

2- شیخ صدوق قدس سره حدیث مبسوطی را نقل
 کرده که در آخر آن آمده است: احمد بن
 اسحاق در سرّ من رأی از حضرت امام حسن
 عسکری علیه السلام پارچه ای به جهت کفن خود
 خواست.

حضرت سیزده درهم به او داده و
 فرمودند: این را خرج مکن مگر برای مصارف
 خودت و آنچه را که خواستی هم به تو
 می‌رسد.

سعد بن عبدالله واری خبر می‌گوید: "چون از
 خدمت مولایمان مراجعت کردیم و به سه
 فرسخی حلوان - سر پل ذهاب - رسیدیم،
 احمد بن اسحاق تب کرد و سخت بیمار شد،
 به طوری که از او مأیوس گردیدیم و چون
 وارد حلوان شدیم در کاروانسرای منزل
 کردیم. احمد فرمود: امشب مرا تنها
 بگذارید و از اینرو هرکس به خوابگاه خود
 رفت.

نزدیک صبح در فکر افتادم، پس چشم باز
 کردم که ناگاه کافور، خادم مولایم امام
 عسکری علیه السلام را دیدم که می‌گوید:
 أَحْسَنُ اللَّهُ بِالْخَيْرِ عَزَاكُمُ وَ جَبَرَ بِالْمَحْبُوبِ
 رَزِيَّتِكُمْ؛ خداوند، سوگ و عزای شما را به
 خیر و خوبی قرار دهد و مصیبت شما را با
 آنچه که محبوب است جبران فرماید و بعد
 گفت: غسل و کفن رفیق شما، احمد، فارغ
 شد. اکنون برخیزید و او را دفن کنید،
 راستی که او عزیزترین شما در نزد

آقای‌تان - امام عسکری علیه السّلام - است،
 آنگاه از چشم ما غایب شد. " (86)
 آری، امام عسکری علیه السّلام کافور خادم
 را با کفن از سامرا به آنجا فرستاده بود
 تا او را غسل دهد و کفن کند.

4- علی بن ابراهیم قمی

او از جمله روات امامیه و معاصر با
 حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام بوده
 است. مرحوم شیخ کلینی اعلی الله مقامه در
 کتاب شریف کافی روایات بسیاری را از او
 نقل کرده و این حکایت از کمال وثوق و
 اعتماد شیخ کلینی بر آن بزرگوار می‌کند.
 آثار متعدد علمی و روایتی از آن
 بزرگوار باقی مانده و نام برده شده است.
 (87) لیکن شاید معروفترین آنها کتاب تفسیر
 اوست که در دو جلد، طبع شده و متکی بر
 روایات شریفه‌ای است که از طریق پدر
 بزرگوارش ابراهیم بن هاشم از حضرت باقر
 و حضرت صادق علیهما السّلام نقل کرده است و
 چون وسایط بین ایشان و امام معصوم
 علیه السّلام کم است، از ارزش بالایی
 برخوردار خواهد بود. ضمناً پدر او از
 اصحاب حضرت رضا علیه السّلام بوده است.
 او در قم از دنیا رفت و دارای قبّه
 شریفی است و نزدیک مقبره شیخان قرار
 دارد و محلّ زیارت اهل ایمان و علاقمندان
 به اهل بیت است.

5- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی

آن بزرگوار معروف به ابن بابویه است و از او به عنوان صدوق اول نامبرده می‌شود. رجالی بزرگ و مشهور، نجاشی راجع به او می‌گوید: شیخ القمیین در زمان خودش و متقدم و فقیه و ثقه آنان. او به عراق آمد و با حسین بن روح - وکیل ناحیه مبارکه - ملاقات کرد و مسایلی از او پرسش نمود. سپس با او به وسیله علی بن جعفر اسود، مکاتبه کرد و از او خواست که عریضه‌ای را که به حضرت صاحب علیه السلام نوشته بود، به آن حضرت برساند و در آن نامه از آقا خواسته بود که از خدا بخواهند پسری به او عطا فرماید و بعد، جواب از ناحیه مقدسه آمد که ما دعا کرده و خدا را در مورد حاجت تو خواندیم و به زودی دو پسر نیکوکار به تو عطا خواهد شد. و آنگاه دو پسر، یکی ابوجعفر، صدوق معروف و دیگری ابوعبدالله برای او متولد شدند. (88)

و همو حدود بیست کتاب را از آن بزرگوار اسم می‌برد. ولیکن از کلام فرزند برومندش صدوق معروف - بنابر آنچه که از فهرست ابن ندیم نقل شده - استفاده می‌شود که او دویست کتاب و تألیف داشته است. (89)

ولی مع الاسف آن آثار ضایع شده و چیزی از آنها دز دست نیست.

مرحوم علامه اعلی الله مقامه در مختلف فتاوای او را نقل کرده است و یکی از افاضل حوزه علمیه قم، حجت الاسلام و المسلمین مرحوم آقای شیخ عبدالرحیم بروجردی رحمه الله علیه فتاوای او را جمع آوری کرده و به ضمیمه فتاوای ابن ابی

عقیل به نام "فتاوی العلمین" چاپ و منتشر ساخته است.

فتاوی این بزرگوار از اعتبار خاصی برخوردار بوده و هست به طوری که طبق نقل فقیه طراز اول شیعه، مرحوم شهید اول اعلی الله مقامه، اصحاب به آنچه که در کتاب شرایع شیخ ابن بابویه رحمه الله علیه بود، به هنگامی که نصی را در مسأله ای نمی یافتند، تمسک کرده، فتاوی او را مانند روایت وی به حساب می آوردند و این به خاطر حسن ظنی بود که به او داشتند. (90)

در جلالت قدر آن بزرگوار همین بس که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در توقیع شریفی که برای او فرستاده در خطاب به او مرقوم فرموده اند: یا شیخی و مُعْتَمَدی و فقیهی: ای شیخ من و محل اعتماد من و فقیه من! گروهی از اهل قم می گویند: ما در سال وفات ابن بابویه در بغداد بودیم و علی بن محمد سمری - از وکلای ناحیه مقدسه - پیوسته از ما راجع به ابن بابویه سؤال می کرد و ما می گفتیم: نامه رسیده و او سالم است و کارهای خود را تدبیر می کند. گذشت تا روزی از ما همان پرسش را کرد و ما هم بدانگونه جواب دادیم. او گفت: خداوند در مورد علی بن الحسین - ابن بابویه - به شما اجر و پاداش دهد، چه آنکه او در همین ساعت قبض روح شد.

آنان می گویند: ما آن تاریخ را از نظر ماه و روز و ساعت، ثبت کردیم و بعد از هفده یا هجده روز که نامه آمد، خبر داده بودند که آن بزرگوار در همان ساعت از دنیا رفته بوده است. (91)

باری آن عالم جلیل القدر و متقدم در قم که زادگاه و پایگاه اصلی وی بوده، از دنیا رفت و دارای بقعه و بارگاهی است و

قبر شریفش زیارتگاه اهل دل و حاجتمندان
و علاقمندان است.

6- محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به صدوق

او در شهرستان قم، تولد یافت و وجود
او به برکت دعای حضرت صاحب الامر صلوات
الله علیه بود، که به درخواست پدر محترم او
از امام علیه السلام صورت گرفت.

و در شرح حالات شیخ صدوق اول، جریان
دعای امام زمان را ذکر کردیم و دنبال
همان قضیه دارد که شخصی به نام حسین بن
عبیدالله گفته است: "من شنیدم که ابوجعفر -
شیخ صدوق - میفرمود: من به دعای صاحب
الامر علیه السلام ولادت یافتم و بدین مطلب
افتخار می‌کرد." (92)

آن بزرگوار در قم، رشد یافت و از علما
و مشایخ عصر خود در قم استفاده وافر برد
و به درخواست اهل ری به آنجا مهاجرت
کرد، تاریخ مهاجرتشان به صورت مشخص ذکر
نشده است، اما طبق استظهاری که محقق
جلیل مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالرحیم
ربانی شیرازی رحمه الله علیه از مواضعی از
کتابهای عیون اخبار الرضا و خصال و
امالی - که هر سه از تألیفات شیخ صدوق
است - کرده‌اند، مهاجرت ایشان به ری بعد
از ماه رجب سال 339 ه' ق و قبل از رجب 347
ه' ق بوده است. (93)

آثار و تألیفات آن مرد بزرگ بسیار
زیاد است و ظاهراً در میان علمای امامیه
کسی مانند ایشان در کثرت تألیف نداریم.
نجاشی در حدود دو ورق اسامی کتابهای
شیخ صدوق را ذکر کرده است.

و در حالات او آمده است که در سال 355
ه' ق وارد بغداد شد. شیوخ طایفه از او

استماع حدیث و مطالب می‌کردند و حال آنکه او خود تازه سال بود. مصنفات او بسیار است و در میان قمیین کسی مانند او در حفظ حدیث و روایت و مطالب و کثرت علم دیده نشده است. ⁽⁹⁴⁾ مباحثات و مناظرات او بسیار ارزنده است و در مقام مناظره بسیار قوی و نیرومند بوده است.

بر اثر شدت اعتماد علما بر روایات و نقلهایش، اشتها به صدوق پیدا کرد و او را رییس المحدثین خوانده‌اند.

شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی در جواب یکی از علمای سنی که شیعه را متهم کرده که ایشان را درسی نباشد، می‌گوید: "... و فضل و بزرگی شیخ کبیر، ابوجعفر بابویه، رحمة الله علیه، را خرد چگونه انکار توان کرد از تصانیف و وعظ و درس و از ری تا بلاد ترکستان و ایلان، اثر علم و فضل و برکات زهد و امانت او پوشیده نیست. " ⁽⁹⁵⁾ و در جای دیگر در جواب سخن دیگری از آن منحرف می‌گوید: " و ابو جعفر بابویه، شیخی بزرگوار است و استاد همه طایفه. " ⁽⁹⁶⁾

و نیز می‌گوید: " ابوجعفر الکبیر بابویه، مصنف سیصد مجلد از اصول و فروع. " ⁽⁹⁵⁾

و بالاخره آن بزرگوار در سال 381 هجری قمری در حالی که عمر شریفش به هفتاد و چند سال رسیده بود از دنیا رفت و قبر شریفش در شهر ری نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم حسنی می‌باشد و دارای قبّه و بارگاه و حرم و صحن است و دلدادگان مکتب علی آل علی علیهم السّلام به زیارتش می‌روند و بدان تبرک می‌جویند.

7- آخوند ملا محمد طاهر قمی رضوان الله علیه

او از علمای بزرگ قم در زمان صفویه بوده است.

شیخ حر جیل عاملی او را با عناوین: عالم، محقق، مدقق، ثقة، فقیه، متکلم، محدث، جلیل‌القدر، عظیم الشان یاد کرده است. او صاحب تألیفات متعددی بوده است، از قبیل:

- 1- شرح تهذیب الحدیث
- 2- حکمة العارفين فی ردّ شبه المخالفين
- 3- الاربعين فی فضائل اميرالمؤمنين
- 4- رسالة الجمعة
- 5- الفوائد الدينية در ردّ بر حکما و صوفیه

6- حجة الاسلام و کتابهای دیگر. (98) (98)

و بنابر نقلی که کرده‌اند، میان این بزرگوار و محدث و مفسر نامی، فیض کاشانی رحمة الله علیه اختلاف در عقیده و نظر بوده و بر او خرده می‌گرفته است.

صاحب کتاب روضات، بعد از نقل این جریان می‌گوید: "گفته شده که او در آخر عمر از عقیده و روش خود برگشت و نسبت به فیض کاشانی خوشبین گردید. و بالاخره از قم به عزم کاشان بیرون رفت تا حضوراً از او اعتذار بجوید و تمام این مسافت را با قدم پیمود تا به کاشان رسید و بر در خانه او آمد و نداد در داد: یا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيئُ - نام مرحوم فیض، محسن بوده است - ای محسن و نیکوکار، آدم بدکار به در خانه تو آمده است. ملا محسن فیض بیرون آمد و با هم مصافحه و معانقه کردند و هر کدام از دیگری حلیت می‌طلبید و بعد از آن

ملا محمد طاهر بدون درنگ برگشت و فرمود:
من از آمدنم از قم بدینجا خواستم هضم
نفس و تداوه خود را و اینکه ضوان الل
بنمایم. (99)

بالاخره این بزرگوار در قم، پایگاه خود
از دنیا رفت و در نزدیکی قبر زکریابن
آدم و در بقعه او مدفون گردید.

8- شیخ غلامرضا قمی معروف به حاج آخوند

آن بزرگوار، فرزند حاج رجب علی قمی از
اهل قم بوده و اشتهار به حاج آخوند
داشته است. مرحوم آقای شیخ آقابزرگ
تهرانی از او به "عالم محقق و فقیه
متبحر از اعظم" یاد کرده است.

او از قم برای تکمیل مراتب علمی به
نجف می‌رود و دو سال درس شیخ مرتضی
انصاری را درک کرده است. بعد از آن در
درس مرحوم میرزای شیرازی شرکت نمود و در
آخر دو سال هم دورانی که میرزای شیرازی
در سامرا تشکیل حوزه داده بود، به سامرا
رفت و آنگاه به قم برگشت و مرجع امور
مردم گردید و مشغول تدریس و وعظ و اقامه
جماعت گردید، تا در شانزدهم ذی الحجه
سال 1332 هجری قمری از دنیا رفت (100) و در
ایوان آینه در صحن بزرگ اتابکی، مدفون
گردید.

البته در عصر ما علامتی برای قبر شریف
او نیست.

آن بزرگوار دارای آثار علمی متعددی
است؛ از قبیل: 1- صلاة، 2- صلاة المسافرين،
3- اجتماع امر و نهی، 4- مسأله ضدّ، 5-
کتاب قضاء، 6- قلائد الفرائد.

در میان این آثار، کتاب اخیر که حاشیه
بر فرایند استادش شیخ مرتضی انصاری است،
چاپ شده و چند سال قبل به همت نوادگان

محترمش به صورت افسست، مجدداً چاپ شد و منتشر گردید.

کتاب مزبور، حاشیه‌ای ارزشمند است که در بعضی از مواضع، به تبیین کلمات شیخ پرداخته است و از خاطرات اینجانب در ایام تحصیل و دوران جوانی در مدرسه رضویه، این است که نسخه‌ای از چاپ قدیمی این کتاب در کتابخانه آن مدرسه بود و ما هنگام اشتغال به رسایل، پیوسته بدان مراجعه می‌کردیم و قسمتی از مطالب آن را در حاشیه کتاب رسائل یادداشت کرده‌ام. قابل ذکر است که نسخه‌ای از بحث قضای آن بزرگوار در نزد یکی از فضلا بود و بنابود توسط نوادگان مرحوم آخوند چاپ شود.

مع‌الاسف آنقدر تسويف و تأخیر شد تا آن آقا از دنیا رفت و به کلی قضیه منتفی گردید. آری و فی التأخیر آفات.

9- حاج میرزا محمد ارباب

مرحوم آیت‌الله آقای حاج میرزا محمد ارباب، فرزند محمدتقی بیک ارباب در سال 1273 ه' ق در قم و در یک خانواده کشاورز تولد یافت. پس از تعلم مقدمات و سطح، به عتبات عالیات رفت. از محضر مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و مرحوم آقای آخوند خراسانی استفاده کرد و مدتی از محضر افادات مرحوم میرزای بزرگ شیرازی بهره‌مند گردید.

مرحوم علامه تهرانی او را از تلامذه میرزای شیرازی می‌شمارد و می‌گوید: "حاج میرزا محمد ارباب قمی، با آقا حسن قمی و مولا عبدالله قمی به سامرا آمد و سالهای کمی در آنجا بود، بعد با مولا عبدالله به نجف رفت و سالیانی در نجف بود. آنگاه به قم

بازگشت و امروز او در قم از مروّجین و محقّقین و مصنّفین است." (101)

آن بزرگوار دارای تألیف ارزنده‌ای است به نام اربعین حسینه یا چهل حدیث حسینی و آن کتابی است در مقتل و تحقیقات فراوانی پیرامون فضایل و مناقب و مصایب حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام و روایات وارده درباره آن حضرت دارند و تا کنون دو بار چاپ شده است و مرحوم تهرانی می‌گوید: "آن را در سال 1328 به نام متولّی باشی، سید محمد باقر حسینی، که از اولاد علی بن الحسین علیهما السّلام است، نگاشت."

از خصوصیات و مزایای آن بزرگوار این است که در بزرگداشت مقام ارجمند مرحوم آیت‌الله العظمی حایری چیزی نگذاشته است، زیرا او به هنگامی که آقای حاج شیخ عبدالکریم به قم آمده و رحل اقامت افکنده‌اند، خود از علمای برجسته، نافذ الکلمه و محترم شهر به شمار می‌رفته است، مع ذلک زعامت آن مرد بزرگ را پذیرفته و با او همکاری نموده و بسیار نسبت به وی تواضع می‌کرده است.

او هر وقت می‌خواسته به جایی برود سوار مرکب متداول آن عصر می‌شده است، گاهی که در مسیر خود به آقای حاج شیخ عبدالکریم برخورد می‌کرده، از حیوان سواری خود پیاده می‌شده و ادای احترام می‌نموده است، دوباره سوار می‌شده و به راه خود ادامه می‌داده است.

و نیز مرحوم آقای ارباب منبر نمی‌رفته‌اند، جز در مجلس روضه‌ای که از سوی مرحوم آیت‌الله العظمی حایری به مناسبت سوگواری حضرت زهرا ی اطهر سلام الله علیها در مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام الله علیها منعقد می‌شده است که استثناء در این مجلس

به احترام آقای حاج شیخ عبدالکریم، منبر می‌رفته‌اند. ⁽¹⁰²⁾

آن بزرگوار طبع لطیفی داشته و اشعار در مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السّلام می‌گفته است و از جمله اشعارشان قطعه شعر معروفی است در خطاب به حضرت ولی عصر و یادآوری مصایب کربلا که مطلع آن این است: چه خوش باشد که بعد از انتظاری به امیدی رسند امیدواران/

و این شعر در بسیاری از مجالس خوانده می‌شود و وعاظ و خطبا و گاهی مداحان، آن را با سوز مخصوص می‌خوانند و اثر خاصی در مستمعین دارد.

آن روحانی بزرگوار و موجّه در ماه جمادی الاولی سال 1341 هجری، یک سال بعد از مهاجرت مرحوم حایری به قم، در سن 68 سالگی درگذشت و در قبرستان شیخان قم که مدفن بسیاری از علمای بلندپایه است دفن گردید. رحمة الله و رضوانه علیه.

10- مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی

آن بزرگوار فرزند ملا محمد تقی قمی، از اعظم علمای بلده طیبّه قم بوده‌اند. او در سال 1281 هجری قمری در قم تولد یافت. مقدمات را در نزد علمای قم مانند شیخ محمدجواد و شیخ محمدحسن قمی فرا گرفت. مدتی نیز در تهران از محضر مرحوم حاج میرزا محمدحسن آشتیانی استفاده کرد و سپس به عتبات عالیات رفت و از درس بزرگانی مانند میرزا حسن خلیلی و حاج آقا رضا همدانی و مرحوم سید محمد کاظم یزدی و مرحوم آقای آخوند خراسانی، اعلی الله مقامهم جمیعاً بهره‌های فراوان گرفت. از عبارت علامه تهرانی استفاده می‌شود که او در دوران تحصیل در نجف در کمال

فقر و تنگدستی بوه و با این وضع ادامه تحصیل داده است تا از علمای بزرگ و برجسته گردیده و به مقام والای اجتهاد نایل شده است. او در سال 1322 ه' ق به زادگاه خود مراجعت کرد و سرگرم تدریس و تربیت نفوس و افتا و امامت جماعت گردید. او علاوه بر مراتب عالیه علمی، صاحب مقامات معنوی بالایی بوده و عمل وی در تربیت نفوس اثر بسزایی داشته است و این مطلب مسلم است که هنگام ورود مرحوم آیت الله العظمی حایری به قم او رییس مطلق و شخصیت یگانه علمی و دینی قم بوده و حداقل از رؤسا و علمای طراز اول شهر به شمار می‌رفته و با این وصف، با اخلاص عجیبی در برابر آن مرد بزرگ تواضع می‌کرده و در حمایت و پیشبرد زعامت او فروگذار نمی‌کرده است تا بالاخره ریاست و زعامت برای آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری محرز می‌گردد و علی التحقیق یکی از عوامل مهم در پیشروی مرحوم آقای حایری فداکاری کم‌نظیر آقای حاج شیخ ابوالقاسم قمی بوده است.

شگفتا! او خود مرجع تقلید بوده و چنانکه نقل شده است اکثر مردم قم و نواحی - یا حداقل گروهی از آنان - از او تقلید می‌کرده‌اند و محبوب و مقبول عموم طبقات از مردمان عادی و طبقه فضلا و علما بوده است. به طوری که نقل شده است گروهی او را بر مرحوم آیت الله العظمی حایری ترجیح می‌داده‌اند، علاوه که خود قمی الاصل و اهل این سرزمین بوده است، مع ذلک نه تنها از آمدن آیت الله العظمی حایری به قم و اقامت او باکی نداشته، بلکه ترویج می‌کرده و زمینه استقرار ایشان را فراهم می‌آورده است.

نقل شده که یکی از شاگردان آن بزرگوار پای درس ایشان مطلبی را گفت و برای اینکه بتواند مطلب خود را به ایشان برساند، گفت: حضرت آیت الله! ایشان فرمودند: آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم است.

و در نقلی خواندم که در مجلسی شرکت کردند. واعظ با تعبیر حضرت آیت الله... از ایشان تجلیل کرد. ایشان فرمودند: آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم است.

از یکی از اعظم و مراجع در گذشته نقل شده که فرمودند: روزی همچنان که پای درس آقای حاج شیخ عبدالکریم نشسته بودیم. ناگهان ایشان از منبر پائین آمدند. همه متحیر شدند که چه شد. بعد دیدیم که آقای حاج شیخ ابوالقاسم آمده اند و در درس آقای حاج شیخ به عنوان احترام از ایشان شرکت کرده اند و آقای حاج شیخ به احترام ایشان درس را قطع کرده و از منبر پائین آمده بودند.

اجازه و تصدیق اجتهادی از آن بزرگوار برای مرحوم آیت الله آقای میرزا احمد سلطانی جهرمی صادر شده که صورت آن نزد اینجانب موجود است و مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم در ذیل آن نوشته اند، آنچه مرقوم فرموده اند صحیح است، الاحقر عبدالکریم الحایری. باری، آن بزرگوار در سال 1353 هجری قمری مطابق با سال 1313 هجری شمسی دار فانی را وداع گفت و در مسجد بالاسر، نزدیکی موضعی که بعداً قبر مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم واقع شد، مدفون گردید.

11- حاج شیخ مهدی حکمی قمی

او که فرزند آخوند ملا علی اکبر حکمی است در شهرستان قم و در سال 1280 یا 1281 ه' ق تولد یافته است. مقدمات را در قم و تهران فراگرفته و سپس در سال 1310 ه' ق به سامرا رفت و در درس مرحوم میرزای بزرگ شیرازی و پس از وفات او در درس مرحوم سید محمد فشارکی، حاضر شد و استفاده کرد. سپس به نجف آمد و از درس مرحوم آقای آخوند خراسانی و مرحوم میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود، چنانکه قبلاً علوم عقیده را در تهران از مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه فراگرفته بود. بالاخره در سال 1322 ه' ق بازگشت به قم کرد و بر اثر علمیت بالا و مقامات زهد و تقوای معنوی که داشت، در نزد عموم طبقات از احترام خاصی برخوردار بود و محل وثوق و اعتماد مردم قرار داشت. در مسجد جامع قم که در قسمت پائین شهر قم واقع است، اقامه جماعت می‌نمود و عهده‌دار قضا و فصل خصومات و منازعات بین مردم بود. و از چیزهایی که راجع به ایشان معروف و مشهور است، جریان عقرب گزیدگان است که به آن بزرگوار رجوع کرده‌اند و او دعایی می‌داد یا انگشت بر موضعی که عقرب گزیده بوده می‌گذاشته و به اذن الله در اسرع وقت درد برطرف می‌شده است.

ضمناً آن مرد بزرگ در سامرا و در درس مرحوم فشارکی یا میرزای شیرازی با مرحوم آیت الله العظمی حایری اعلی الله مقامه آشنا می‌شوند و مصاحبت و صمیمیت بین آن دو بزرگوار برقرار می‌گردد.

و این خود از عوامل زمینه‌ساز برای مهاجرت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم به قم می‌شود و نقل شده که در ورود ایشان به قم، نخستین بار آقای شیخ مهدی حکمی پائین شهری، رضوان‌الله علیه بر اثر سوابق مصاحبت از حوزه سامرا ه میزبانی ایشان پرداختند و خلاصه برای اقامت آقای حاج شیخ عبدالکریم اقدام و همکاری می‌کرده است و این نکته از افتخارات خاصه است که خداوند نصیب ایشان فرموده و ان شاء الله در اجر و ثواب‌های حوزه و آثار آن شریکند. بالاخره آن بزرگوار در مسافرت تابستانی که به محلات داشته‌اند، در سال 1360 ه' ق از دنیا رفتند و جنازه شریفشان به قم حمل داده شد و ضمن تشییع باشکوهی در رواق حرم، نزدیکی قبر مرحوم آقای حایری مدفون گردید. (103)

12- حاج میرزا محمد فیض قمی

مرحوم آقای فیض، رضوان‌الله علیه فرزند آقامیرزا علی اکبر - از ادبای قم - و از احفای مرحوم ملامحسن فیض کاشانی رحمه الله علیه بوده است. وی در سال 1293 ه' ق در قم به دنیا آمد. مقدمات را در نزد علمای قم، مانند مرحوم آقامیرزا محمد ارباب خواند و مدتی در تهران اشتغال پیدا کرد و از محضر مرحوم آشتیانی و دیگران بهره‌مند گردید و در سال 1317 ه' ق به نجف مشرف گردیده، از محضر مرحوم سید محمد کاظم یزدی، صاحب عروة و مرحوم آقای آخوند خراسانی و نیز شیخ الشریعه اصفهان و محدث بزرگ، حاجی نوری استفاده کرد و در سال 1303 ه' ق به سامرا رفت و مورد توجه و عنایت میرزای دوم آقا میرزا محمدتقی شیرازی قرار گرفت. بعد به قم،

زادگاه خود مراجعت کرد و سرگرم تدریس و تربیت طلاب و افتا و امامت جماعت و ارشاد مردم گردید و نسخه‌ای از مناسک حج ایشان، در نزد اینجانب موجود است.

او در مهاجرت مرحوم آیت‌الله حایری به قم اقداماتی داشته است که شرح آن در کتاب نفیس گنجینه آثار قم، که اثر فرزند آن مرحوم نویسنده محقق آقای عباس فیض رحمة الله علیه می‌باشد، آمده است و بالاخره آن بزرگوار در 25 ماه جمادی الاولی سال 1370 هجری قمری، اول اسفند 1329 هجری شمسی دار فانی را وداع گفت و مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی اعلی‌الله مقامه بر او نماز خواند و در ایوان طلا، صحن کهنه، محاذی قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

این نکته، جالب است که فرزند ایشان نقل کرده که وفات ایشان در موقع ادای فریضه و در قنوت، در حالی اتفاق افتاد که جمله *إِلَهْنَا عَامِلُنَا بِفَضْلِكَ* را به زبان می‌راند. (104)

13- حاج آقا حسین قمی

مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبایی قمی اعلی الله مقامه فرزند مرحوم حاج سید محمود، از علمای اعلام و رجال علمی قم در اعصار اخیر است.

پدر ایشان مرحوم حاج سید محمود از تجار محترم قم بوده است. فرزندان او که همگی از صلحا و اخیار و اکثر آنها از علمای اعلام بوده اند، عبارتند از: حاج آقا احمد، حاج سید ابوالقاسم، حاج سید ابراهیم، حاج سید فخرالدین، آقای حاج آقا حسین اعلی الله مقامهم. لیکن حاج آقا حسین از همه آنان در مقامات علم و فضل برتر و بالاتر بلکه سرآمد بسیاری از علمای عصر خود بوده است.

آن بزرگوار علوم مقدماتی را در قم فراگرفته و سپس به نجف اشرف رفته، از محضر درس مرحوم آقای سید محمد کاظم یزدی در فقه و آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در اصول و آقای حاج میرزا حسین نوری در روایه و درایه بهره مند شده و سپس به سوی مرحوم میرزای دوم آقای حاج میرزا محمدتقی شیرازی شتافته و از محضر وی استفاده کرده، بیست و چند سال به تدریس و وظایف مقرره سرگرم بود و مقبول عموم و مورد توجه علما و فضلا و مردم مشهد قرار داشت و بعد علیه رضاخان و حرکات ناشایست او قیام کرد، به تهران آمد و بالاخره غائله خراسان پیش آمد و منجر به تبعید ایشان به کربلا شد. ده سال در کربلا اقامت کرد تا در سال 1363 قمری به عزم زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به ایران آمد و استقبال بسیار

گرم و باشکوهی در شهرهای مختلف از قصر شیرین تا قم و تهران از ایشان به عمل آمد و به مشهد رفته، یکماه توقف کرده به تهران برگشت و بار دیگر دنبال مطالب قبلی خود را گرفت و با کمک مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و ملت مسلمان، موفق شد که کشف حجاب اجباری را بردارد و بعد به کربلا برگشت.

درباره مقامات علم و کمال و تقوای ایشان بسیار مطلب گفته شده است که در این میان مرحوم محدث قمی اعلی الله مقامه که نمونه صدق و عدالت بوده کلامی دارد که ما به همان اکتفا می‌کنیم. او می‌گوید: "از الطافی که خداوند به برکت حضرت رضا علیه السلام درباره من - در مشهد مقدس - کرد این بود که مرا فرود آورد در منزل السید الاجل و الکف الاطل، العالم المحقق و الفاضل المدقق الورع البارع، الثقی الزکی، ثقة الاسلام، ملاذ الانام، ابی المکارم و المحاسن، حجة الاسلام و سیدنا الحاج آقا حسین قمی.

و راجع به پدر آن بزرگوار می‌فرماید: السید الحسب الجلیل، ذی الشرف الاصل، غرة ناصية العزة و الجلال و قدوة ارباب الشرف و الکمال و الواصل الی رحمة ربّه الودود، المرحوم المغفور السید محمود عطر الله مرقدہ و نور مضجعه.

بعد می‌گویند: "و از این سید سعادت مند این است که فرزندان به او عطا شد که علما و فقها و اتقیاءند."

بار دیگر به ذکر آیت الله قمی می‌پردازند و می‌گویند: "از جمله فرزندان سید محمود، سید اجل یاد شده - آقای حاج آقا حسین - است: **الذی هو من اعظم فضلائنا المتأهلین للثناء بکلّ جمیل** **عادم العدیل و فاقد الزمیل، مسلماً تحقیقه فی الاصول، بل ماهراً فی المعقول و المنقول حسین الاسم، حسن الرسم و الاخلاق جید الخلق طیب الاعراق.**

و در اینجا می‌گوید: من در قدسیّت ذات،
دومی برای او ندیدم و در ملکات و صفات
انسانی کسی را که حتی نزدیک به او باشد
نیافتم. گویا وجودش سرشته به رضا و
تسلیم است و به سوی خدا نیامده است، جز
با قلب سلیم. " (105)

باری، زعیم بزرگ شیعه، مرحوم آیت‌الله
العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی قدس
سره در نهم ذی الحجة سال 1365 هجری قمری
دارفانی را وداع گفت و بعد از وفات او
مرجعیت مرحوم حاج آقا حسین قمی رسمی و
عمومی گردید، به خصوص که از قبل مرحوم
میرزا محمدتقی شیرازی مردم مشهد را در
احتیاطات خود ارجاع به آن بزرگوار
فرموده بود و خلاصه چند نفر از اعظام
بودند که در این هنگام در مقام مرجعیت
عامه واقع شدند و دو نفر از آنان دو سید
جلیل طباطبایی والامقام و بلندپایه، هردو
حسین نام، یکی حاج آقا حسین بروجردی و
دیگری حاج آقا حسین قمی، بیشتر در معرض
قرار گرفتند؛ هرچند عده زیادی آقای
بروجردی را بالخصوص برای مرجعیّت نام
می‌بردند، ولی گروهی هم آقای قمی را مقدّم
می‌دانستند و رسماً ایشان را می‌گفته‌اند.
ولی بالاخره مرجعیّت ایشان دوامی نیافت،
زیرا حدود سه ماه و ده روز بعد از وفات
مرحوم اصفهانی، آقای قمی هم در
بیمارستان بغداد در 14 ربیع‌الاول سال 1366
هجری قمری از دنیا رفت و جنازه شریفش را
از کاظمین به نجف آوردند و در صحن مقدس
در حجره مرحوم شریعت اصفهانی مدفون
گردید.

آن بزرگوار از علمای کثیر الاولاد
بوده‌اند که مشهورترین ایشان حضرت آیت
الله حاج آقا حسن قمی، ساکن مشهد مقدس از
مراجع عالیقدر اند که یک بار در چند سال

قبل توفیق زیارتشان را در رواق حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام پیدا کردم . در پایان این بحث دو مطلب که یکی مربوط به زندگی بی‌آلایش و سراسر صداقت و یکرنگی آن بزرگوار است و دیگری مربوط به حال احتضار ایشان می‌باشد را ذکر می‌کنیم :

1- مرحوم آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره فرمودند :

روزی برای صرف ناهار از مرحوم آقای حاج آقا حسین قمی و از مرحوم آقای صدر، دعوت کرده بودیم . اتفاقاً آن روز آقای صدر روزه گرفته بودند و نیامدند . آقای حاج آقا حسین قمی آمدند و ما آش پخته بودیم و ایشان میل کردند، بعد که رفتند فرستاده مرحوم آقای صدر آمد و گفت ایشان می‌فرمایند: یک مقداری از آن آش برای من بدهید که از بس آقای حاج آقا حسین از آش منزل شما تعریف کردند، من هم میل کشیدم . سبحان الله! از این پاکی و بزرگواری و یکرنگی مرحوم آقای قمی و صفا و صمیمیت آقای صدر و دوستی این سه شخصیت علمی با هم !!

2- آن بزرگوار در آخر عمر، دچار سرطان شده و در بیمارستان بغداد بستری گردیده و از دنیا رفتند . در روزهای واپسین عمر در حالت اغما بودند، یکی از بزرگان از قول حاضران کنار بستر ایشان نقل می‌کردند که : " آن بزرگوار در ساعات آخر و در همان حالات، ناگهان فرموده بودند: مرا بنشانید . حاضران خیال کردند که این سخن از عوارض حالت بیهوشی و اغمای اوست . بار دیگر به طور جدی فرمود: مرا بنشانید که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده اند . ایشان را نشانند، در این حالت به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد و سپس خوابیده و از دنیا رفت .

14- محدث قمی

محدث بزرگوار، مرحوم آقای حاج شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه الشریف از ارکان علم حدیث و روایت در اعصار اخیر، بلکه خود رکن اصلی در این موضوع به شمار می‌رود. او در سال 1249 هجری قمری در شهرستان قم پا به دایره وجود نهاد و چون ایام کودکی را پشت سر نهاد، شروع به تحصیل علوم دینی کرد و تا سال 1316 هجری قمری همچنان در قم سرگرم اندوختن علوم اهل بیت علیهم السلام بود. در آن سال به عراق رفت و در نجف به مرحوم حاج میرزا حسین نوری اعلی الله مقامه متصل شد و شدت پیوند و رابطه بین این استاد و شاگرد پیدا شد و محدث قمی استفاده فراوان از آن بزرگوار کرد، تا در سال 1320 هجری قمری که استادش از دنیا رفت او هم به قم مراجعت کرد و سرگرم تحقیق و تألیف شد. در سال 1332 هجری قمری به مشهد مقدس رفت و در آن ارض اقدس، ساکن گردید و به کار تألیف و تصنیف و درس اخلاق و موعظه اشتغال داشت و در مدرسه میرزا جعفر که در مجاورت بقعه مبارکه است، برای طلاب درس اخلاق می‌گفت. در حالاتشان نوشته‌اند که: حدود هزار نفر در محضر شریف او حضور می‌یافتند و آن بزرگوار، نزدیک سه ساعت یکسره به افادات خود ادامه می‌داد و مستمعین با اقبال تام و توجه کامل، سخنان او را استماع می‌کردند. رسم او این بود که کتاب حدیث را با خود می‌آورد و عین عبارت مبارک روایت را با سلسله سند آن از روی کتاب می‌خواند و به شرح آن می‌پرداخت.

چند موضوع در زندگی این مرد بزرگ بسیار قابل توجه است:

1- استقامت و پشتکار او در زندگی. او چنان اهتمام به امر تألیف و تصنیف داشت که تمام عمر خود را وقف آن کرده بود و هیچ‌گاه در کار خود سستی نکرد و حتی در سفرهای خود و در بین راه‌ها هر جا اندک فرصتی پیدا می‌شد، او سرگرم کار خود می‌گردید و یکی از بزرگان گفته است: "در بیابان او را دیدم که وقتی ماشین حامل ایشان خراب شده بود و مشغول اصلاح و تعمیر آن بودند، او مشغول نوشتن بود."

2- موفقیت ایشان. او به راستی از موفق‌ترین علما و محدّثین اعصار اخیر است، زیرا در عمر شصت و پنج ساله خود علاوه بر تربیت نفوس بسیار 33 جلد کتاب ارزشمند مطبوع و چاپ شده دارد، که بعضی از آنها خود دو جلد یا سه جلد است، چنانکه کتاب گرانسنگ "سفینه البحار" دو جلد قطور است و کتاب پرارزش "الکنی و اللقب" او سه جلد می‌باشد، و 17 کتاب تمام شده دارد که چاپ نشده و 11 کتاب دارد که موفق به اتمام آنها نشده و ناتمام مانده است. ضمناً کتابهای این روحانی بزرگوار از اتقان و استحکام خاصی برخوردار است و عموم طبقات از آثار قلمی او بهره‌مند و برخوردارند.

3- اخلاص او. محدّث اعلیّ الله مقامه، به مرتبه عالی یقین و اخلاص واصل شده بود و در این موضوع، حکایت‌هایی نقل شده است، از جمله مطلبی که مرحوم دکتر شهابی در مقدمه کتاب "الفوائد الرضویه محدّث قمی" نقل کرده است، هرچند که در بعضی از چاپهای آن کتاب، مقدمه مزبور اسقاط گردیده است. در هر حال ایشان می‌گویند: "ماه رمضان فرا رسید، طلاب و مؤمنین از وی درخواست می‌کنند که در مسجد گوهرشاد اقامه نماز جماعت کنند. او هم پذیرفت و

در آن مسجد حضور می‌یافت و اقامه جماعت می‌کرد و جمعیتی انبوه در آن جماعت شرکت می‌کردند. یک روز پس از پایان نماز ظهر برمی‌خیزد و می‌گوید: "من نمی‌توانم نماز عصر بخوانم" و بیرون می‌رود و دیگر به کلی آن جماعت را ترک می‌کند و بعد که علت را از او می‌پرسند، می‌گوید: در رکوع رکعت چهارم بودم که همچنان صدای "یا الله" و "ان الله مع الصّابرين" از اقتدا کنندگان به گوشم رسید و به ذهنم آمد که جمعیت بسیاری در نماز شرکت کرده‌اند و نوعی انبساط برایم دست داد و من که اینچنین باشم، شایستگی اقامه جماعت ندارم و از این رو آن جماعت را ترک کردم.

داستان دیگری را فرزند برومند آن بزرگوار، خطیب و واعظ پاک و پرهیزگار، مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا محدث زاده رضوان الله علیه نقل کرده است و طبق آنچه در دفتر یادداشت‌هایم آمده و با یک واسطه نقل کرده‌ام این است: ایشان از پدرشان - محدث قمی - نقل کرده‌اند که مرحوم کربلایی محمدرضا - پدر محدث قمی - روزی در صحن شریف حضرت معصومه علیها السلام، پای منبر مرحوم شیخ عبدالرزاق نشسته بوده و از او احادیثی را از روی کتاب منازل الاخره می‌خوانده است که بسیار برای ایشان جالب بوده و تحت تأثیر مطالب و روایات آن کتاب که پیرامون قبر و قیامت است واقع می‌شود و نمی‌دانسته که کتاب منازل الاخره یکی از تألیفات فرزند خودش حاج شیخ عباس است و چون به خانه می‌آید و می‌بیند فرزندش محدث قمی مشغول نوشتن است به او می‌گوید: ... مثل آقا شیخ عبدالرزاق هم نشدی، چه روایت‌هایی از کتاب منازل الاخره می‌خواند! محدث قمی فرموده‌اند: من آمدم بگویم که این کتاب، نوشته و تألیف من است، ولی

دیدم که اگر بگویم اولاً شاید منافات با اخلاص داشته باشد و ثانیاً ممکن است موجب شرمندگی پدرم بشود و از اظهار این موضوع خودداری کردم!

4- او شدت احترام به کتب اخبار و نیز برای علمای اعلام قائل بوده است.

مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا فرزند آن بزرگوار نقل کرده اند که: شبی در تهران در منبر، آن حدیث را خواند که امام صادق علیه السلام شبانه غذا برای گروهی از مستمندان می‌برد که در مکانی خوابیده بودند و شخصی که همراه حضرت بوده پرسیده است که آیا اینها از دوستان شمايند؟ حضرت فرموده: اگر از مواليان ما بودند لواسيناهم بالدقة، در نمک طعام هم به آنان مساوات می‌کردیم.

و چون مرحوم مجلسی با کسر دال ضبط کرده (الدقة) من گفتم: مجلسی اشتباه کرده و این کلمه مضموم است به معنی "نمک".

مجلس تمام شد و من به منزل رفته و استراحت کردم، همان شب در عالم رؤیا دیدم پدرم را که به من فرمود: پسرک به تو چه که مجلسی اشتباه کرده؟! او در صدر علمای اسلام است، زود برو و از او عذر بخواه! من بیدار شدم و صبر کردم تا صبح فردا رسید و فقط به مادرم گفتم: من رفتم و زود حرکت کردم و به اصفهان آمدم و سر قبر علامه مجلسی رفته و از سخن خود اعتذار جست.

باری مرحوم محدث قمی در اواخر عمر، مشهد را به قصد عتبات عالیات ترک کرد و در نجف اشرف مقیم شد و در شب 23 ذی الحجة سال 1359 هجری قمری از دنیا رفت و مرحوم آیت الله العظمی آقای سید ابوالحسن

اصفهانی قدس سره بر او نماز خواند و در کنار استادش حاجی نوری دفن گردید. ⁽¹⁰⁶⁾
 قم / حوزه علمیه علی اکبر کریمی جهرمی
 پاورقی ها

- (1) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 211،
 ح 18 و کشی، محمد، اختیار معرفة الرجال، ص 333
- (2) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 212-213
- (3) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 213،
 ح 23.
- (4) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 213،
 ح 24.
- (5) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 214،
 ح 26.
- (6) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 214،
 ح 27.
- (7) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 214،
 ح 31.
- (8) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 214-215،
 ح 32.
- (9) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 215،
 ح 33.
- (10) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 215،
 ح 35.
- (11) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 216،
 ح 38.
- (12) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 216،
 ح 38.
- (13) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 216،
 ح 39.
- (14) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 216-217،
 ح 41.
- (15) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 217،
 ح 42.
- (16) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 217،
 ح 44.
- (17) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 217،
 ح 46.
- (18) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 218-219،
 ح 49.

- (19) صدوق، محمد بن علی بن الحسین، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 260، ح 21.
- (20) صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 260، ح 22.
- (21) قمی، حاج شیخ عباس، سفینه البحار، ج 2، ص 447، ماده "قَمَم".
- (22) قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج 1، ص 82.
- (23) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 217، ح 42.
- (24) سوره هود، آیه 45.
- (25) سوره هود، آیه 46.
- (26) ابن اثیر، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج 5، ص 547.
- (27) مفید، محمد، ارشاد، ج 1، ص 355.
- (28) توسی، محمد، امالی، ج 2، ص 249-251، با تلخیص.
- (29) مفید، محمد، ارشاد، ج 2، ص 244.
- (30) این جمله در زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، نیز ذکر شده است.
- (31) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: لا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَساسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ، نهج البلاغة، خطبه 2
- یعنی احادی از این امت را با آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم، مقایسه نتوان کرد و کسانی که ریزه خوار نعمت آل محمد اند، با آنان برابر نخواهند شد. آنان اساس دین و پایه‌های یقین‌اند.
- (32) به اعیان الشيعة، اثر سید محسن امین جبل عاملی، طبع بیروت، ج 8، ص 391 مراجعه شود.
- (33) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 219.
- (34) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 22، ص 373 و 380.
- (35) ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 291-292.
- (36) تمام روایت و روایات دیگری را در بحث زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها ذکر خواهیم کرد.
- (37) قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، ج 2، ص 786: واضح است که مقصود میرزای قمی از آخوند ملا محمد باقر مجلسی است و اما اینکه فرمود: سه روایت مورد اشکال است زیرا مجلسی، شش روایت را در این باب ذکر فرموده است.

- (38) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 99، ص 267،
و از این پیش در بحث روایات آن را از ج 57 نقل
کردیم.
- (39) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، طبع بیروت،
ج 99، ص 267.
- (40) ابن قولویه، کامل الزیارات، ص 324، و مرحوم
شیخ صدوق علیه الرحمة در عیون اخبار الرضا
علیه السلام، ج 2، ص 267، و در ثواب الاعمال، ص 124
به سند معتبر این روایت را نقل کرده است.
- (41) همان.
- (42) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، طبع بیروت،
ج 99، ص 265-266.
- (43) استفتاآت مخلوط.
- (44) بدین ترتیب: عبدالعظیم (بن عبدالله)، (بن
علی)، (بن الحسن)، (بن زید)، بن السبط الاکبر
الامام حسن المجتبی علیهم السلام.
- (45) یادداشت‌های مرحوم آقای حایری، ص 118.
- (46) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 219.
- (47) قمی، حاج شیخ عباس، منتهی الامال، ج 2، ص
162.
- (48) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 2، ص 70.
- (49) کاظمینی، میرزا محمد، تندیس پارسایی، ص 86
-82.
- (50) مرحومه مادر بزرگم، یعنی مادر مادرم رحمة
الله علیها، خداوند اموات همه اهل ایمان و آن مرحومه
مغفوره را در عالم آخرت با حضرت معصومه سلام الله
علیها محشور فرماید.
- (51) فاطمی، سید حسین، جامع الدرر، ج 2، ص 228.
- (52) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقص، ص 643.
- (53) قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم،
اقامة البرهان علی اصول دین الاسلام، ص 289.
- (54) قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم،
اقامة البرهان علی اصول دین الاسلام، ص 478-479.
- (55) نوری، میرزا حسین، دارالسلام فی الرؤیا و
المنام، ج 2، ص 169-171، با تلخیص.
- (56) آیت اللهی، سید محمدباقر، سرگذشت نیکان، ص
184-186.
- (57) حدیث شریف و مدرك آن در بخش اخبار و
روایات، گذشت.
- (58) قمی، حاج شیخ عباس، الفوائد الرضویة، ص
380.

- (59) سوره یوسف، آیه 93، یادداشت‌های مرحوم آیت‌الله حایری، ص 134.
- (60) این مراکز سه گانه عبارتند از: الف: مسجد اعظم، ب: مدرسه آقای گلپایگانی، ج: دار الشفا و فیضیه.
- (61) البته آن بزرگوار نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را نیز در حرم می‌خواندند و نیز مرحوم آیه‌الله العظمی اراکی نماز ظهر و عصر را در آن مکان مقدس می‌خواندند.
- (62) امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج 1، ص 197.
- (63) مجلسی 7 محمدباقر، بحارالانوار، ج 65، ص 76-77 و سفینه البحار، محدث قمی، ج 1، ماده شیع، ص 729.
- (64) گنجینه دانشمندان، مرحوم آقای رازی رحمة الله علیه، ج 1، ص 16-17.
- (65) سوره اسراء، آیه 79.
- (66) تفسیر عیاشی، ج 2، ص 314، تفسیر برهان، ج 2، ص 440، تفسیر صافی، ج 1، ص 585.
- (67) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 8، ص 52.
- (68) قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج 1، ص 83.
- (69) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 58.
- (70) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 425.
- (71) قزوینی رازی، عبدالجلیل، المنتقض، ص 167-168 و در پاورقی آمده که یا مراد به مقطع در اینجا کسی است که سلطان، منافع و عایدات قصبه‌ای یا شهری را به یکی از درباریان خود واگذار کند در مقابل اینکه او نیز پیوسته یا در موقع لزوم، عده‌ای حاضر در رکاب را تحت اختیار سلطان بگذارد.
- (72) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 424-425.
- (73) رازی، محمد شریف، مجاهد شهید آیه‌الله بافقی، ص 94.
- (74) رازی، محمد شریف، مجاهد شهید آیه‌الله بافقی، ص 101.
- (75) فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی قم، پاورقی 194.
- (76) معلوم می‌شود که آن زمان هم مثل زمان ما دوستیها گاهی با طغیانگری همراه بوده است.
- (77) امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج 2، ص 351 و در نقلی هزار دینار طلا به جای سی هزار درهم آمده است.

- (78) توسی، محمّد، اختیار المعرفة الرجال، ص 595.
- (79) توسی، محمّد، اختیار المعرفة الرجال، ص 595.
- (80) توسی، محمّد، اختیار المعرفة الرجال، ص 594.
- (81) اردبیلی، محمّد، جامع الرواة، ج 1، ص 330.
- (82) رجال کشی، ص 173.
- (83) توسی، محمّد، اختیار المعرفة الرجال، ص 616.
- (84) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 223.
- (85) صدوق، محمّد، کمال الدین، ص 384.
- (86) صدوق، محمّد، کمال الدین، ص 264-265.
- (87) کسانی که طالبند به رجال نجاشی، ص 260
مراجعه کنند.
- (88) رجال نجاشی، ص 261.
- (89) مقدّمه معانی الاخبار، به قلم مرحوم ربّانی شیرازی، ص 82-83.
- (90) محمّدبن مکی (شهید اوّل)، ذکری الشيعة، ص 4.
- (91) به کتاب غیبت شیخ طوسی، ص 257 مراجعه شود.
- (92) رجال نجاشی، ص 261.
- (93) مقدّمه معانی الاخبار، ص 18-19.
- (94) مقدّمه معانی الاخبار، ص 10.
- (95) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 51.
- (96) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 159.
- (97) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 179.
- (98) حر عاملی، محمّدبن حسن، امل الآمل، ج 2، ص 277.
- (99) موسوی خوانساری، میرزا محمّدباقر، روضات الجنّات، طبع قدیم، ص 517.
- (100) تهرانی، آقابزرگ، نقباء البشر، ج 4، ص 1657.
- (101) تهرانی، آقا بزرگ، هدیه الرازی الی الامام الشیرازی، ص 147-148.
- (102) دو مطلب اخیر را خطیب بزرگ اسلام مرحوم آقای فلسفی رحمة الله علیه در جلسه فاتحه مرحوم آقای اشراقی - نوه مرحوم آیت الله ارباب و داماد مرحوم امام - و مرحوم شهید مدنی که در فیضیه از طرف آیت الله العظمی گلپایگانی منعقد بود و در سخنرانی خود، از قول معظم له نقل کردند.
- (103) به کتاب مسلسلات، اثر آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی، ج 2، ص 343-344، گنجینه دانشمندان، آئینه دانشوران و تاریخ مذهبی قم، مراجعه شود.
- (104) به آئینه دانشوران، ص 352-353، و گنجینه آثار قم، ج 1، ص 328-337 مراجعه شود.

- (105) قمی، حاج شیخ عباس، الفوائد الرضویه، ص 3
و برای مطلب قبلی به کتابهای گنجینه آثار قم و
نیز گنجینه دانشمندان رجوع فرمایید.
- (106) به مقدمه کتاب الانوار البهیة مراجعه شود

عنايات معصوميه از زبان خادمين آستانه مقدسه

فاطمه معصومه سلام الله عليها كيست؟

نويسنده: محمد علي زيني وند
فاطمه معصومه سلام الله عليها كيست؟
نام شريف آن بزرگوار، فاطمه و القاب ايشان معصومه، ستي و فاطمه كبرى است. پدرش حضرت موسى بن جعفر و مادرش نجمه خاتون، مادر حضرت رضا است. آن حضرت در اول ذى القعدة سال 173 هـ. ق در مدينه منوره به دنيا آمدند و در سن 28 سالگى در روز دهم يا دوازدهم ربيع الثانى سال 201 هـ. ق در شهر قم از دنيا رفتند. فاطمه معصومه عليه السلام كه خود پرورش يافته مكتب ائمه طاهرين و يادگار صاحبان آيه تطهير است نمونه عاليه از طهارت و پاكي است به حدى كه خاص و عام او را به عنوان معصومه لقب داده اند. حضرت رضا عليه السلام مى فرمايند: كسى كه فاطمه معصومه را رد قم زيارت كند مثل آن است كه مرا زيارت كرده باشد. در يكي از فرازهاى زيارت دوم حضرت آمده است. **اَلسَّلَام عَلَيْكَ اَيُّهَا الطَّاهِرَةُ الْحَمِيدَةُ الْبَرَّةُ الرَّشِيدَةُ التَّقِيَّةُ النَّفِيَّةُ الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ** سلام بر تو اى پاك سرشت و پاك روش، اى ستوده نيكوكار، و اى بانوى رشد يافته و پاك و پاكيژه و شايسته و پسنديده چنانكه ملاحظه مى كنيد، در اين فراز، هشت لقب براى حضرت معصومه عليه السلام ذكر شده كه هر کدام به يكي از ابعاد ملكوتى آن حضرت اشاره مى كند و بيانگر اجتماع همه ارزشهاى كمال در وجود پربركت آن خاتون دو سراسر است. در واقع هر يك از اين اوصاف، مانند آيينه صاف، نشان دهنده ويژگى هاى

گوناگون کمال و جمال معنوی آن حضرت می باشد.

تفاوت اعجاز و کرامات

طبع انسان به گونه ای است که هیچ سخن و ادعایی را بدون دلیل و برهان نمی پذیرد. سر سخت ترین و دیر باورترین انسان ها در مقابل حجت و برهان نرم و تسلیم می شوند. انبیاء و معصومین علیه السلام به عنوان مدعیان نبوت و ارتباط با خالق جهان، از قاعده فوق مستثنی نبوده اند. آنها نیز برای اثبات ادعا و پیام خود باید براهینی را اقامه می کردند. قاطع ترین و عالی ترین برهانی که پیامبران ارا نه می کردند، معجزه بود. معجزه همانطور که از اسمش پیداست بایستی خارق العاده و بیرون از توان بشری باشد. معجزه باید برای دیگران، ناشدنی و ناممکن باشد تا بتواند صدق صاحبانش و نیز عجز مردم را از آوردن مثل آن ثابت کند. ناگفته نماند که مراد از ناشدنی و ناممکن، امکان عادی و عرفی است، نه اینکه انبیا و اولیا امری را که عقلاً ناممکن باشد، تحقق بخشند. لذا تعبیر دیگر معجزه، خرق عادت است یعنی محال عادی و نه عقلی را ممکن ساختن. معجزه، تحدی یعنی مبارزه طلبی است. معجزه مطمئن ترین استوارترین و روشن ترین دلیل صدق گفتار پیامبران استفاده می شود که هر معجزه ای، منوط به اذن خداوند است. عنایات و معجزاتی که در حرم مطهر انبیاء و اولیاء به وقوع می پیوندد، کرامت نامیده می شود. تفاوتی که میان معجزه و کرامت است، این است که در معجزه، تحدی (یعنی، دعوت به مبارزه و معارضه) و

هدایت خلق مطرح است ولی در کرامت های صادره از اولیا، تحدی در کار نیست.

شفا یافتن پای همسر خادم

آقای شریفی مسئول دفتر کفشداری حرم حضرت معصومه می گوید: یکی از کفشداران افتخاری و عزیز ما می گفتند: ماهها بود که همسرم به درد پای عجیبی دچار شده بود هر چه برای معالجه به پزشک مراجعه کردیم، نتیجه نگرفتیم. اکثر دکتراها راجع به علت درد پای ایشان، اظهار بی اطلاعی می کردند. یکی از روزها که همه درها را به روی خود بسته دیدم، سراغ روپوش خود رفتم تا برای آمدن به حرم آماده شوم. دیدم روپوشم کثیف است. به همسرم گفتم: چرا روپوش مرا نشسته ای؟ گریه اش گرفت و گفت: دیگر توان ایستادن ندارم. چندین سال است شما در خدمت حضرت معصومه علیه السلام در کفشداری خدمت می کنید. از حضرت بخواهید که درد پایم را شفا دهد. حرف همسرم، انقلابی در من به وجود آورد. از خودم سؤال کردم که چرا از اول سراغ حضرت نیامدم؟ در این حال از خودم خجالت کشیدم. به حرم رفتم. در کفشداری که بودم، چند دقیقه با خود خلوت کردم. در آن حال گریه ام گرفت با زبان عامیانه گفتم: اگر همسرم را شفا ندهی، دیگر به اینجا نمی آیم چون مجبورم در خانه بمانم و از همسرم پرستاری کنم. بعد از چهار ساعت که در کفشداری مشغول بودم، به منزل بازگشتم. ناگهان همسرم گریه کنان به استقبال آمد. خیلی تعجب کردم. مدتها بود حتی نمی توانست قدمی بردارد. تعجبم وقتی بیشتر شد که دیدم تمام منزل را تمیز و مرتب کرده است. پرسیدم: چه اتفاقی افتاده؟ گفت: بعد از اینکه شما

رفتید، ساعتی خوابیدم. در عالم خواب، خانم بزرگواری را دیدم که نزد من آمدند و دستی به پاهایم کشیدند و فرمودند: فلانی کفشدار ما دارد می آید. او شقای را شما را از ما گرفت. بلند شو و خانه را مرتب کن و لباس هایش را بشوی و به او بگو که ما از احوالات شما لحظه ای غافل نمی شویم.

قوری آب جوش

آقای محمد رضا پولادری از خادمین کفشدار حضرت معصومه نقل می کرد: در ایام ماه مبارک رمضان در کفشداری شماره هفت مشغول کار بودیم. در این کفشداری یک زیر پله وجود دارد یک سماور برقی برای تهیه افطاری در این زیر پله بود. وقتی آن را روشن کردم و آب، جوش آمد، خواستم جای را دم کنم مقداری آب جوش در قوری استیل ریختم. وقتی که قوری را روی سماور گذاشتم، ناگهان در اثر اتصال برق قوری مانند یک موشک به طرف بالا پرت شد و به زیر پله برخورد کرد و مچاله شد. با این حال هیچ آب جوشی به دست و صورت ما اصابت نکرد. فقط مقداری تفاله جای به دیوار و زیر پله چسبیده بود که من و همکارم آقای حسینی فراهانی که نظاره گر این ماجرا بودیم، آن را لطف و عنایت بی بی به خادمین خود می دانیم.

افطاری حضرت معصومه سلام ... علیها

جناب آقای شریفی مسؤل کفشداری افتخاری می گوید: یکی از کفشداران بزرگوار نقل می کرد: مدتهاست در کفشداری حضرت معصومه علیه السلام خدمت می کنم. در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان، در کفشداری شماره هشت که مخصوص خانمهاست، با تنی چند از کفشداران رسمی مشغول کار بودم. هنگام اذان مغرب، خادمین رسمی برای افطاری به مهمانسرا رفتند، و من به تنهایی مشغول کار بودم. دقایق متمادی از وقت افطاری گذشت و من هنوز افطار نکرده بودم، بغض گلویم را فشرد، با خودم گفتم: ای حضرت معصومه! خدا را خوش نمی آید که مرا تنها بگذارند و من در اینجا تشنه و گرسنه بمانم. در همین افکار بودم که ناگهان خانم بزرگواری، در حالیکه یک سینی محتوی خرمای و آب جوش در دست داشتند، از داخل رواق زنانه بیرون آمدند و گفتند: بگیر و اینها را میل کن. پس از افطار کردن، سینی را روی میز گذاشتم. در این هنگام، زائری آمد و کفش او را گرفتم. وقتی نگاه کردم دیگر از سینی و آن خانم اثری نبود. به یاد ندارم که در عمر پنجاه ساله خود چنین آب و خرمایی خورده باشم شروع کردم به اشک ریختن، و با خود می گفتم: من گدایم، گدای معصومه سلام الله علیها شرمسار از عطای معصومه سلام الله علیها داده حق در جوار او جانم شاکرم از خدای معصومه (س)

شفای کامل

ذاکر اهل بیت علیه السلام آقای قسمت شریفی نیا، که پیرمردی افتاده حال و زحمتکش است نقل می کردند: یک بار در اثر حادثه ای در حرم مطهر، پایم لغزید و به شدت ضرب دید: طوری که وقتی می نشستم، قادر به بلند شدن نبودم و موقع راه رفتن، دست به دیوار می گرفتم. حدود چهل شبانه روز خواب و خوراک من گریه و زاری بود: تا اینکه روزی به حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام مشرف شدم و در بالای سر حضرت، گریه زیادی کردم و به خانم گفتم: یا باید مرا شفا بدهی، یا مرگ مرا از خدا بخواهی. چون من در خانه تو زمین خوردم و خودت هم باید عنایتی کنی. همین که از حرم بیرون آمدم، هیچگونه ناراحتی در پایم احساس نکردم

دعوت از سوی خانمهای نقابدار

آقای بهرام قلی پور، از کفشاران حضرت معصومه سلام الله علیها نقل می کردند: من در یکی از روستاهای تبریز زندگی می کردم، شرایط زندگی برایم خیلی سخت بود. در آنجا مشغول کارگری بودم. یک شب از فرط خستگی خوابیدم، در حال خواب، چند خانم نقابدار را دیدم که به من فرمودند: ما تو را می پذیریم. ناگهان از خواب بیدار شدم، هر چه فکر کردم که تعبیر خواب من چیست، به نتیجه ای نرسیدم. بعد از مدتی تصمیم گرفتیم که برای زندگی راحت تر به شهر برویم. هرکدام از اعضای خانواده، شهری را پیشنهاد کردند، من ناخودآگاه گفتم: قم چطور است؟ بدین ترتیب و با

پذیرفتن اعضای خانواده، به قم آمدم. بدون اینکه خودمان خواسته باشیم شرایط خود به خود فراهم شد. چند روز در قم دنبال کار می گشتم، تا اینکه روزی به دفتر تو لیت مراجعه کردم، و گفتم: می خواهم در حرم مشغول به کار شوم، آیا شما مرا قبول می کنید؟ آنها هم پذیرفتند. از فردای آن روز کار در حرم را شروع کردم. بعد از مدت دو ماه خدمت افتخاری، خادم رسمی شدم و الان حدود 25 سال است که در آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله علیها کار می کنم، می دانم که یکی از خانمهای نقابدار، کسی جز حضرت معصومه سلام الله علیها نبوده است.

زیارت خانه خدا

آقای محمد جواد ابوالقاسمی از ذاکرین اهل بیت علیه السلام نقل می کردند: طی عمری که از خداوند گرفتم، حدود هفت بار به حج واجب مشرف شدم. سال 1372 شمسی، در فاطمیه اول یا دوم (دقیقاً یادم نیست) برای حج عمره ثبت نام می کردند. خیلی دوست داشتم من هم به حج، مشرف شوم: به خصوص که در هیچیک از دفعات پیشین، همسرم همراه نبود و قصد داشتم این بار او را هم با خودم همراه کنم. یکی از شبها در سال 76، از مجلس روضه در منزل دوستی به نام حاج آقا خلج، باز می گشتم. هنگامی که روی پل صفاییه رسیدم و حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام را دیدم، از همانجا خطاب به حضرت، عرض کردم: بی بی جان! وسیله سفر حج را برای من و همسرم فراهم کن. قول می دهم یک زیارت مختص شما در مدینه انجام دهم. بعد به حرم مطهر رفتم و زیارتنامه حضرت معصومه علیه السلام و

زیارت حضرت زهرا علیه السلام را خواندم و کنار ضریح، مجدداً خواسته ام را با حضرت در میان نهادم. وقتی به منزل بازگشتم، همسرم گفت: "برادرت با تو کار دارد. با منزلشان تماس بگیر." وقتی به برادرم تلفن کردم، معلوم شد شرایط ثبت نام من و همسرم و نیز دیگر برادران و خواهران و دامادهایمان از طرف پدرم فراهم شده است. پس از ثبت نام، در همان سال به اتفاق همسرم، به مدینه منوره و مکه مکرمه رهسپار شدیم. این سفر، بیشتر از تمام سفرها به من چسبید. وقتی به مدینه منوره رسیدیم همانجا از بی بی تشکر کردم.

کمک مادی حضرت

آقای اصغر خادم نقل می کردند: در جلوی درب ساحلی مسجد اعظم (در مسجد آیت ا... بروجردی) نشسته بودم. نگاهم به گنبد طلایی خانم حضرت معصومه علیه السلام بود. گفتم: خانم! عنایتی کن! خودت می دانی که دستم خیلی خالی است. در همین لحظات که غرق افکار خودم بودم، سیدی نورانی دستم را گرفت. من برخاستم و عرض ادب کردم. سید، صورت مرا بوسید و مبلغ قابل توجهی در دست من قرار داد و رفت. وقتی به خود آمدم گفتم: هنوز حرفم بی بی تمام نشده بود. که این سید را برای من حواله کردند. به دنبال سید راه افتادم. در راهرو نبودند. دو طرف خیابان ساحلی را نگاه کردم و به حرم بازگشتم: ولی اثری از ایشان نبود.

نتیجه اخراج خادم حضرت معصومه علیه السلام

آقای اصغر خادم، که از کفشداران با سابقه و در حال حاضر از نیروهای انتظامات حرم مطهر هستند، نقل می کند: تعدادی از کارکنان حرم از جمله بنده را اخراج کردند. من به مسئول ذی ربط گفتم: اگر ممکن است، از بین کارگرانی که اخراج کرده اید، آقای رضا جانلو را مجدداً به کار دعوت کنید: چون نیروی فعال و زحمتکشی است و عیالوار است. مسئول ما گفت: متأسفانه امکانش وجود ندارد. این صحبتها در ایوان اتابکی (زیر ساعت) مطرح شد. در این حال، من رو به حضرت کرده، عرض کردم (من به خاطر اینکه یکی از خادمین مظلوم و مؤمن شما به ناحق اخراج شده است، از حرم شما می روم: مگر اینکه ایشان هم به سر کار برگردند. بعد رو به مسئول مربوطه کرده، گفتم: اگر ما مقصر هستیم، حواله ما به خدا و این بی بی: و اگر شما مقصرید، حواله شما به خدا و این بی بی! طولی نکشید من و آقای رضا جانلو به سر کار برگشتیم، و آن مسئول را به واسطه مسائلی اخراج کردند.

خادم حرم

آقای بافرانی کفشدار بی بی دوعالم علیه السلام نقل می کند: زمانی که از شهر نایین به قم آمدم، شغلی نداشتم. نزد یکی از دوستان رنگ کار رفتم و به اتفاق او به گازران رفتیم. چون دست دوستم، شکسته بود و قادر به کار نبود، خودم به تنهایی تا غروب رنگ کاری کردم. در حالی که سخت

خسته بودم، وجودم را غم گرفته بود. حدود یک کیلومتر از سر کار تا ایستگاه ماشینی که قرار بود مرا به قم برساند، پیاده آمدم. در همان حال از خانم معصومه علیه السلام خواستم کاری دائمی برای من فراهم کند: تا با آن مخارج زندگی خود را تامین نمایم. هر روز نماز مغرب و عشا را پشت سر حضرت آیت ا... مرعشی نجفی (ره) می خواندم. تا اینکه یک روز یکی از دوستانم را دیدم که به من گفت: فلانی! مایلی در حرم کار کنی؟ گفتم: بله! چه کاری بهتر از خدمت به حضرت معصومه علیه السلام؟ خلاصه رفتیم به کارگزینی. گفتند: نیرو احتیاج نداریم. مایوس نشدم و به همراه دوستم، نزد مدیریت حرم رفتیم. قول داد برای من در حرم کار جور کند و قرار شد با کارگزینی هماهنگ کند. شرایط کار در حرم فراهم شد و از آن سال، به کار دائمی خدمت به زوار حضرت معصومه علیه السلام مشغول هستم.

شفای بیماری کلیه

یکی از خادمین باوفای کریمه اهل بیت علیه السلام که مایل نیست نامی از او برده شود، برای آقای شریفی مسئول دفتر کفشداری، مطلبی را نقل کرده که نوار کاست آن نزد نگارنده این سطور موجود است و تردیدی در صحت مطالب آن ندارم. ایشان نقل می کند: ناراحتی کلیوی آزارم می داد و به دکترهای متعددی رجوع کردم. بعد از عکسبرداری مشخص شد که سنگ بزرگی در کلیه ام وجود دارد که باید با عمل جراحی، یا از طریق سنگ شکن از میان برداشته شود. به دکتر متخصص کلیه گفتم: نیازی به این کار نیست. چون ما خودمان دکتر داریم! روزی برای زیارت و انجام کار به حرم

آمدم. در بالای بام اتاق انتظامات، وضو خانه ای بود. بعد از اینکه وضویم را گرفتم، در هنگام بازگشت، چشمم به گنبد حضرت افتاد، گفتم: بی بی جان! دکتر من تویی، خودت خوب می دانی که از لحاظ مادی برایم خیلی مشکل است که هزینه عمل را بپردازم. خودت عنایتی کن. از فردای آن روز، ناراحتی کلیه ام آرام گرفت و اثری از سنگ نبود. وقتی که به دکتر مراجعه کردم، عکسبرداری کردند و گفتند: سنگ دفع شده است و دیگر مشکلی ندارید.

شفای دست خادم

آقای اصغر خادم نقل می کردند: از ناحیه دست، درد شدیدی مرا رنج می داد: به طوری که در کفشداری قادر به گرفتن کفش های زائران نبودم. یکی از روزها به یکی از همکاران خادم گفتم دستم خیلی درد می کند. گفت: خجالت نمی کشی در حضور بی بی می گویی دستم درد می کند؟ در جواب گفتم: شاید ایشان نمی خواهد مرا شفا دهد! دوست خادمم گفت: اینها مثل من و شما نیستند. خیلی ناراحت شدم. مستقیماً به خدمت خانم، حضرت معصومه علیه السلام رفتم و عرض کردم: بی بی جان! دیدید همکارم به من چه گفت؟ خیلی دلم شکسته است. ساعت 11 شب بود که دیدم یکی دیگر از دوستان همکارم در حال خوردن قرص است. گفتم: چه قرصی می خوری؟ گفت: قرص اعصاب. گفتم: دست من هم خیلی درد می کند. یک قرص اعصاب به من داد و گفت: بخور! ان شاءالله خوب می شوی. من هم قرص را از ایشان گرفتم و خوردم. از آن شب تا کنون، دستم هیچگونه ناراحتی ندارد و شفا کامل حاصل شده است.

هدیه از طرف بی بی

آقای حسین سالاری از خادمین زحمتکش حرم کریمه اهل بیت علیه السلام نقل می کرد: با چند تن از خادمین از جمله آقای شریفی (مسئول دفتر کفشداری) رو بروی درب عتیق نشسته بودیم من گفتم: بی بی جان! هر روز حداقل 200 تومان به من هدیه می رسید: ولی امروز برای من حواله نکردی. به محض تمام شدن حرفم، خانم زائری مرا صدا زد. بلند شدم و پیش او رفتم. گفتم: این 200 تومان هدیه به شماست و قابل شما را ندارد. پیش دوستان برگشتم و گفتم: دوستان تومانی که گفتم و از حضرت خواستم، الحمدلله امروز هم رسید.

خادمین بهشتی

آقای سید حسین فروغی از خادمین کریمه اهل بیت علیه السلام نقل می کرد: در خواب دیدم که به من اعلام کردند حضرت معصومه علیه السلام خادمین خویش را دعوت کرده است. گفتم: از طرف تولیت یا از طرف بی بی؟ گفتند: از طرف خود بی بی! مجلس مزبور در مسجد بالاسر و در یک باغ انگور و سرسبز و با صفا و خرم برگزار بود و تمام خادمین حاضر بودن ولی من هر چه نگاه کردم، کسی را نشناختم سؤال کردم: مگر اینها خادم حضرت نیستند؟ پاسخ دادند. آری، همه شرکت کنندگان، خادم هستند و شما بهترین آنها هستید.

برکت هزار تومان

آقای علی جلالی، از خادمین حرم مطهر نقل می کند: شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان بود در کفشداری شماره دو خدمت زوار بودم. از فکر بدهکاری لحظه ای آرامش نداشتم. مبلغ بدهکاریم 950 هزار تومان بود. خیلی به بی بی التماس کردم. تا اینکه یک شب حدود ساعت ده، سیدی نورانی وارد کفشداری شد و کفشهایش را تحویل داد. در این حال به نحوی که کسی متوجه نشود. مبلغ هزار تومان به من دادند. عرض کردم: جناب حاج آقا اگر نذری دارید لطفاً داخل صندوقهای نذورات بیندازید. ولی ایشان ابراز کردند این پول را به تو داده ام. آن سید رفت. از آن تاریخ به بعد این مبلغ را برای تبرک نزد خودم نگه داشتم و از برکت آن تا الان، تمام قرض خود را داده و بیش از پنج میلیون تصمیم شده است. وقتی این جریان را برای یکی از همسایگان خود تعریف کردم، ایشان مایل بودند که هزار تومان مرا به ده هزار تومان از من بخرند. اما ایشان از یک راز بی خبر بودند. آن اینکه، آن پول عنایت بی بی به نوکران و خادمین خویش است و برای من صرفاً جنبه مادی ندارد.

حواله بی کم و زیاد

آقای حسین سالاری، خادم رسمی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیه السلام است. ایشان نقل می کردند: از بابت بدهکاری، سخت در مضیقه بودم و بدهکاران هر روز به سراغم می آمدند. تا اینکه یکی از آنها که آدم سختگیری بود یک روز مهلت داد تا پولش را حاضر کنم. و گفت: فردا غروب برای گرفتن پولم به منزلت می آیم: باید به هر نحوی شده آنرا تهیه کنی. صبح روز بعد به حرم رفتم و در مراسم خطبه شرکت کردم بعد به پای ضریح حضرت رفتم و عرض کردم بی بی جان! از هر کجا برایم حواله می کنی، من امروز 20 هزار تومان پول نیاز دارم، باید برایم فراهم کنی. بعد از اینکه حرفهایم را با حضرت زدم، به سر کارم باز گشتم. تقریباً نزدیک اذان ظهر بود که آقای عدالت، مسئول دفتر کفشداری، مرا صدا زد و گفت تلفن با شما کار دارد. وقتی گوشی را برداشتم، شنیدم که همسرم گفت: آقای به نام حامدی، مبلغ 20 هزار تومان پول آورده و به من دادند. و گفتند: نذر کرده بودم که اگر بتوانم به مکه مکرمه مشرف شوم، مبلغ 20 هزار تومان به عنوان هدیه به یکی از خادمین حضرت معصومه علیه السلام بدهم. خوشبختانه امروز نذرم ادا شد. چون شما را می شناختم، پول را به شما تقدیم می کنم. در حالی که خیلی خوشحال بودم، سریع به بالای سر حضرت و کنار ضریح مطهر رفتم و از خانم تشکر کردم که این مبلغ را بدون ریالی کم و زیاد حواله کردند. زایمان طبیعی و آسان

آقای ناصر اصغر زاده موحد، خادم کریمه اهل بیت سلام الله علیها نقل می کرد: برای من جای سؤال بود که هر وقت متوسل به حضرت معصومه علیه السلام می شدم، امداد غیبی او، من و خانواده ام را یاری می کرد. در یکی از زایمانهای همسرم، پرستارها و ماماها از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردند گویی سفارش شده از سوی کسی بودند. خلاصه با بدنی ضعیف و لاغر به صورت طبیعی زایمان کرد. به نظر می رسد حضرت معصومه علیه السلام عنایت خاصی به نوکرانش دارند.

موعد دیدار

محمد علی زینی وند - گرد آورنده این مجموعه - نقل می کند: هز ماه یکی دو بار در حرم مطهر، اقدام به غبار روبی ضریح و جمع آوری پولهای داخل آن توسط معاونت مالی تولیت حرم مطهر می کنند. مدتی بود دوستان کفشدار و خادمین افتخاری شرکت می کردند، ولی این توفیق نصیب من نمی شد. دوستان همکار بعد از جمع آوری پولها در داخل ضریح، نماز و دعا و نیایش می کردند و حتی از ضریح مطهر عکس می گرفتند. خودم را از اینکه مورد قبول بی بی نیستم، سرزنش می کردم. یک روز که در کفشداری مشغول کار بودم، اطلاع دادند که امشب ((فوق ضریح)) است. از من هم دعوت کردند تا در این مراسم شرکت کنم. برایم آن لحظه، لحظه تولد بود. خیلی خوشحال شدم. دقیقه شماری می کردم تا وقت قرار فرا برسد. ساعت یازده شب انتظار به سر آمد. بعد از بیرون رفتن زوار، به همراه دیگر برادران مشغول جمع آوری پولهای داخل ضریح شدیم. در داخل مرقد مطهر سر به روی

قبرش گذاشتم و با چشمان گنهکار خود اشک ریختم و نماز خواندم، در حالی که دلم آرام گرفته بود، گفتم: بی بی جان از اینکه مرا قابل دانستید، سپاسگزارم.

کریمه اهل بیت علیه السلام مشکل گشاست

یکی از خادمین حضرت معصومه علیه السلام نقل می کند: روزی شخصی که اهل اصفهان بود، مقداری روغن و برنج برای آشپزخانه حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام آورد. پرسیدیم: آیا تاکنون کرامتی از حضرت، دیده اید؟ گفت: آری! من مرتب در حال مسافرت در مسیر اصفهان و تهران هستم. یک بار در مسیر رفتن به اصفهان در قم توقف کردیم. راننده اتوبوس گفت: هر کس که می خواهد به حرم مشرف شود، فرصت هست. همه مسافران رفتند به غیر از من! به خودم گفتم این طور که مشکلات مرا احاطه کرده حرم رفتنم بی فایده است. بعد به خودم نهیب زدم که از هر دری نو مید شدن رواست، ولی از این خاندان، هرگز نباید ناامید شد. سراسیمه برخاستم و به سوی حرم شتافتم و به برکت بی بی، مشکلاتم حل شد. لذا برای تشکر و قدردانی امروز به آستان مقدسش شرفیاب شدم.

حیات دوباره

آقای ناصر اصغر زاده موحد، از خدام حرم مطهر می گوید: در یکی از روزها در کفشداری حرم مطهر حضرت معصومه در شیفه کاری خود مشغول کار بودم. بعد از اتمام کار که به منزل رفتم، دیدم درب منزلمان خیلی شلوغ است. پرسیدم: چه اتفاقی افتاده؟ گفتند: پسر شما از بالای پشت بام همسایه - که یک ساختمان سه طبقه بود -

به پایین افتاده است! شوکه شدم و گفتم: بچه مرده است. در کمال نا امیدی، به سرعت خودم را به بیمارستان رساندم و سراغ پزشک معالج پسرم رفتم و به او گفتم: من خادم حضرت معصومه سلام الله علیها هستم. در حق بچه ام کوتاهی نکن! به خاطر بی بی بچه ام را نجات بده. دکتر گفت: هر کاری از دستم می آمد برایش انجام دادم. او مثل یک مرده افتاده است و از دست من کاری ساخته نیست. در همان حال، رو به حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام کردم و از خانم خواستم که پسرم را نجات دهد. ناگهان! بچه چشمهایش را باز کرد و دوباره بست. او به زندگی بازگشته بود. پسرم مدتی بعد از بیمارستان مرخص شد. امروز که حدود 16 سال از آن ماجرا می گذرد پسرم صحیح و سالم است. من حیات دوباره او را از اربابم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها دارم.

محفوظ ماندن مصالح ساختمانی

یکی از خادمین و محبین اهل بیت علیه السلام به نام آقای سبحانی که کفشدار افتخاری حضرت معصومه علیه السلام هم هست، نقل می کرد: باران شدیدی می بارید و من در کفشداری در حال انجام وظیفه بودم. در آن ایام ساختمان نیمه کاره ای در اختیارم بود که هنوز سقفش را آسفالت نکرده بودم و مقادیر زیادی گچ که برای سفید کاری، به طبقه دوم برده بودم، در معرض اصابت باران بود. باخود گفتم: اگر این باران شدید ده دقیقه ادامه پیدا کند، تمام سرمایه زندگیم که از طریق قرض فراهم شده، یک ساعته خراب می شود. در همان حال، یکی از دوستان هم که از بنایی

ساختمان من اطلاع داشت، گفت: به خانه برو و مصالح خودت را از زیر باران بردار! من به حرفهای او اعتنایی نکردم و گفتم: حضرت معصومه علیه السلام خودش محافظ و نگهبان نوکران و خادمان خویش هست. بعد از پایان کار به منزل رفتم. از پسرم پرسیدم: روی گچ و سیمان را پلاستیک کشیدید تا باران خیسشان نکند؟ گفت: اینجا اصلاً باران نیامد، فقط نم مختصری روی گچ ها نشست. اینجا بود که فهمیدم حضرت هرگز لحظه ای از خادمین و نوکران خود غافل نیست.

شفا یافتن پای خادم

آقای شریفی یکی از خدمتگزاران و مسؤول دفتر کفشداری آستانه مقدسه نقل می کند: یکی از خادمین حرم حضرت، می گفت: به خاطر درد زانو، دچار مشکل بودم و درد زیادی می کشیدم. به چند دکتر مراجعه و داروهای زیادی مصرف کردم ولی اثر نکرد. یکی از روزها که به محل کارم در کفشداری شماره سیزده (بین مسجد اعظم و مسجد بالاسر) رفتم، در فرصت فراغتی که پیش آمد، شروع کردم با خانم صحبت کردن. به خانم گفتم: ای بی بی! دوست ندارم که در محضر شما نتوانم خم و راست شوم. دوست دارم در کفشداری خدمت کنم حتی اگر نیم ساعت باشد. بعد از این گفتگو، از کفشداری خارج شدم و پس از تجدید وضو دو رکعت نماز خواندم و بعد به نزدیک ضریح مطهر رفتم، سرم را گذاشتم به ضریح و اشک ریختم. حال خاصی داشتم. دوباره به کفشداری باز گشتم و پس از پایان کار، در ساعت 11 شب به منزل رفتم. وقتی به خواب رفتم، در عالم رؤیا دیدم که در حرم مطهر

هستم و خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رسیده ام. خیلی خوشحال بودم. به اتفاق رفتیم و در جایی نشستیم. ایشان دست بر پای من گذاشتند و کمی با من صحبت کردند. حس کردم که دیگر پایم درد نمی کند، صبح که برای نماز برخاستم، اثری از درد پا ندیدم. حالت‌های مختلف را امتحان کردم و دیدم اصلاً پایم درد ندارد. گریه ام گرفت. ناخودآگاه با خودم این بیت را زمزمه کردم:

از کعبه، صفای این حرم بیشتر است
هر کس که شکسته دل بود، بیشتر است/

نجات یافتن از زندان

آقای شریفی مسئول کفشداری خادمین افتخاری نقل می کردند. یکی از خادمین و محبین اهل بیت علیه السلام نقل می کرد. در سال 1371 در حال بازگشت از مأموریت، موجب بروز تصادفی شدم که به مرگ پیرزنی انجامید. چون ماه محرم الحرام بود، دادسرا مرا به پرداخت 350 هزار تومان دیه محکوم کرد و دو سال به من فرصت دادند تا وجه دیه را تهیه کنم. این مبلغ، بعد از دو سال به 950 هزار تومان افزایش یافت. چون نتوانستم این مبلغ را تهیه کنم، به یک میلیون و دویست هزار تومان افزایش یافت! هیچ چاره ای نداشتم و به هر کس مشکلم را مطرح کردم، نتیجه نگرفتم. خلاصه، چون بستگان فرد متوفی افراد سختگیری بودند، تنها مطالبه دیه می کردند و رضایت نمی دادند. مقرر شد اگر این مبلغ را پرداخت نکنم به زندان بروم. در یکی از شب‌ها مسئولین حرم مطهر اعلام کردند: امشب، موعد غباروبی حرم است. بنده هم توفیق شرکت در این مراسم

ملکوتی را یافتم و در داخل ضریح مطهر، سرم را روی قبر گذاشتم و گریه زیادی کردم. با حضرت با زبان عامیانه صحبت کردم و درد دلم را گفتم که اگر نتوانم این مبلغ را تهیه کنم باید به زندان بروم و دیگر جای من اینجا نیست و به درد شما نخواهم خورد. پس از اتمام کار به منزل رفتم. در عالم رؤیا دیدم، در حرم مطهر هستم و از طرف خانم به من برگ سبزی داده شد. گفتند: غم مخور و اندوهگین مباش! چند روز بعد از این ماجرا، مقداری اثاثیه منزل را که حدود 200 هزار تومان ارزش داشت فروختم. تا اینکه یکی از دوستان را دیدم که به من گفت: در منزل نشسته بودیم که ناگهان یاد شما پیش آمد. مشکل شما حل شد یا خیر؟ گفتم: اگر نتوانم یک میلیون تومان را تهیه کنم، باید به زندان بروم. دوستم فرد خیری را معرفی کرد و گفت: خوب است شرح حال خود را بنویسی تا برای آن فرد ببرم. من هم این کار را انجام دادم. مدتی گذشت تا اینکه به موعد دادگاه نزدیک شدیم. دقیقاً دو روز مانده به دادگاه، پستی در منزلمان را زد و گفت: یک فقره چک به اسم شما از تهران آمده است. از فرط خوشحالی در پوست خود نمی گنجیدم. وقتی چک را گرفتم، دیدم به مبلغ هشتصد هزار تومان است. بسیار متعجب شدم. دقیقاً مبلغی را که کم داشتم حواله کرده بودند. به هر حال مشکل من که هیچ کس قادر به حل آن نبود، با دست های با کفایت شفیعہ کریمہ اہلبیت علیہ السلام حضرت فاطمہ معصومہ علیہ السلام حل شد.

عنایت حضرت به خادمین کفشار

آقای حسین فراهانی از خادمین بزرگوار نقل می کردند: در کفشکاری شماره دو - درب ورودی صحن عتیق - مشغول کار بودم، که به لحاظ خستگی خوابم برد. در عالم رؤیا دیدم سه سید عَلَم به دست، وارد کفشکاری شدند. جلوی پای آنها بلند شدم و صورت یکی از آنها را بوسیدم. ناگهان از خواب بیدار شدم، با خود گفتم: این سه سید که به حرم مشرف شدند و این حقیر را مورد لطف قرار دادند، توجه و عنایت بی بی به خادمین خویش را نشان می دهد.

زیارت خانه خدا

آقای ناصر اصغر زاده موحد، خادم رسمی و از کفشداران حرم، نقل می کردند: علاقه زیادی به زیارت خانه خدا داشتم و از حضرت معصومه سلام الله علیها خواستم که شرایط حج مرا فراهم کند. مدتی گذشت. از فروش خانه پدری که به ارث بردم، در حج ثبت نام کردم و در همان سال نیز به حج مشرف شدم. این در حالی بود که خیلی ها به مدت 10 سال در نوبت بودند.

شفای لال

آقای حسین فراهانی یکی از خادمین کفشار، که سالیان زیادی است در کفشاری حضرت معصومه سلام الله علیها خدمت می کند، نقل می کردند: زنی از کشور ترکیه که قادر به تکلم نبود، وارد کفشاری شد: کفش هایش را تحویل داد و وارد حرم شد. ساعتی بعد دیدم همان زن با خوشحالی و در حالی که به لهجه ترکی صحبت می کرد می خواهد از حرم خارج شود. او شفا یافته بود.

سقوط از چهار پایه

یک شب مثل همه شب ها برای سپری کردن شیفت خود به حرم آمدم. در اواخر ساعات کار در حرم، از طرف مسئولین حرم اطلاع یافتم که برای غبار رویی در حرم بمانم. بعد از بیرون رفتن زوار، به همراه عده دیگری از خادمین، اقدام به نظافت و غبار رویی ضریح مطهر کردیم. ناگهان! یکی از خادمین که روی چهارپایه بلندی رفته بود به پایین سقوط کرد. چون کف حرم مطهر سنگ فرش است، هیچ امیدی به زنده ماندن او نداشتیم. سراسیمه برای کمک و اقدامات اولیه به طرف او رفتیم. در این حال به صحنه عجیبی برخورد کردیم. آن خادم مشغول خندیدن بود! چند لحظه بعد برخاست و کار نظافت را ادامه داد! این کرامت یکی از جلوه های عنایت حضرت معصومه سلام الله علیها به خادمان خویش است.

مقالات

بی بی هیبت خواهر حضرت معصومه در باکو

بی بی هیبت خواهر حضرت معصومه در باکو

نویسنده: حوریه عظیمی
جمهوری آذربایجان بارگاه های مقدس چند تن از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام را در خود جای داده است که هر کدام از آنها به عنوان مفاخری بر تارک این جمهوری می درخشد؛ امام زادگانی مانند: آقا میر محسن، حضرت رحیمه خاتون، حضرت حکیمه خاتون و سه تن از برادرزاده هایش و حضرت لیلا خانم.

سنگی نیز به عنوان جای پای امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام مورد زیارت شیعیان این دیار است. حضرت امام موسی کاظم علیه السلام چهار تن از دختران خویش را فاطمه نامیده است:

1. فاطمه کبری

فاطمه کبری، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که در شهر مقدس قم به خاک سپرده شده است.

2. فاطمه صغری

فاطمه صغری علیها السلام مشهور به «بی بی هیبت» و «حکیمه خاتون»، در ورودی شهر باکو مدفون است.

3. فاطمه وسطی

فاطمه وسطی در اصفهان مدفون است.

4. فاطمه اخری

فاطمه اخری در رشت مدفون است.
از میان امام زادگان آذربایجان، حضرت حکیمه خاتون نسبت به دیگر امام زادگان

از ویژگی خاصی برخوردار است. اکنون بارگاه بزرگی بر روی مزار شریف آن حضرت در دست احداث است.

شرح حال این امام زاده عظیم الشان، به خاطر ویژگیهای بارزی که دارد، در این مقاله مختصر، خواهد آمد. قبل از ورود به بحث اصلی، نکاتی چند لازم به ذکر است:

1. حضرت حکیمه خاتون دختری از نسل امام موسی کاظم علیه السلام است و در باکو به خاک سپرده شده است و این مطلب در کتابهای معتبر شیعه از جمله بحارالانوار ذکر شده است.

2. با وجود اینکه در برخی از کتابها، به وجود مبارک حضرت فاطمه بنت امام موسی کاظم علیه السلام اشاره شده است، اما به طور مفصل، در مورد ایشان کتابی بدون در دست نیست و همان طور که بعدها خواهد آمد کتابهایی که درباره ایشان و در حرم مطهرشان بود، توسط کمونیستها به جای نامعلومی برده شد و از سرنوشت آنها هیچ اطلاعی در دست نیست.

مقالاتی از آقای علی اکبر مهدی پور در شماره 36 و 30 مجله «فرهنگ کوثر» به چاپ رسیده است که مطالب جالب توجهی در مورد فرامین سلاطین صفوی درباره تولیت آستان مقدس بی بی هیبت دارد؛ اما متأسفانه منبع این اطلاعات معلوم نیست.

3. آنچه در این مقاله نوشته شده است، بیشتر مطالبی است که توسط شیعیان شیفته و متولیان حرم، سینه به سینه حفظ شده است.

روش تحقیق به این شکل است که از افرادی که مورد اطمینان و وثوق بودند و شاهد عینی برخی اتفاقات بودند، پرس و جو شده است.

چگونگی ورود حضرت بی بی هیبت به باکو

پس از شهادت امام رضا علیه السلام، حکومت ستمگر عباسی چنان عرصه را برای امام زادگان و منسوبین به آنها تنگ کرد که برخی از آن بزرگواران تصمیم به هجرت از شهر و دیار خود گرفتند، از جمله آنها حضرت حکیمه خاتون خواهر امام رضا علیه السلام بود که همراه سه تن از برادرزادگان خود از طریق بندر انزلی به سمت باکو حرکت کرد. در آن زمان، جمهوری آذربایجان از ایران جدا نشده بود و در واقع، مسافرت ایشان در محدوده ممالک اسلامی و از شهری به شهر دیگر صورت گرفت. در این مسافرت که از طریق دریای خزر صورت گرفت، متأسفانه کشتی حامل این بزرگان در دریا آسیب دید و تکه تکه شد. فردی به نام «بابا سوجد» که او نیز با کشتی مسافرت می کرد، این امام زادگان علیهم السلام را نجات داد و با کشتی خود به ساحل خزر و به یک فرسخی باکو رسانید. در باکو آنان را به «حاجی بدری» که مردی پرهیزگار و متقی و در عین حال از تجار ثروتمند آن دیار محسوب می شد، سپرد.⁽¹⁾ وی این بزرگان را نزد خود نگه داشت و اموال خود را صرف هزینه زندگی آنها کرد و خود، خادم آنان شد.

رحلت

حضرت بی بی هیبت مدتی را در شهر باکو زندگی کرد،⁽²⁾ اما مدت دقیق آن مشخص نیست. در این مدت حاجی بدری، خدمتکار آن حضرت و برادر زادگانش بود. او به خاطر اینکه درباریان بنی عباس متوجه حضور بی بی هیبت و همراهانش در باکو نشوند، اسم خود را از حاجی بدری به «هیبت» تغییر داد و شایع کرد که آن حضرت، بی بی و عمه اش است.⁽³⁾ از این زمان، فاطمه بنت امام

موسی بن جعفر علیه السلام به بی بی هیبت مشهور شد و به مرور زمان و در اثر کثرت استعمال کسره بی بی حذف شد و آن حضرت «بی بی هیبت» نامیده شد.

بی بی هیبت در باکو به عبادت و تبلیغ اسلام می پرداخت. محل عبادت وی که هم اکنون نیز موجود است، در سمت چپ جاده، در ورودی شهر باکو و رو به روی حرم فعلی، در بالای کوه و تقریباً صد متر بالاتر از سطح جاده، بین دو سنگ بزرگ بود که اکنون محل زیارت شیعیان است.

اکنون برای راحتی زائران آن مکان مقدس، از سطح جاده پله هایی درست کرده اند. دقیقاً تا محل عبادت حضرت 160 پله وجود دارد.

ایشان هنگام آسیب دیدن کشتی در دریا، به آب افتاد و از این رو، مریض شد و مدت زیادی عمر نکرد و در اثر بیماری رحلت فرمود. ابتدا، حضرت حکیمه خاتون و پس از مدتی، دیگر امام زادگان دعوت حق را لبیک گفتند که یکی از آنها در طرف چپ حضرت و دو نفر دیگر در طرف راست ایشان به خاک سپرده شده اند. در طرف چپ، دختری از برادر زادگان ایشان که ظاهراً دختر امام رضا علیه السلام است و در طرف راست، پسران یکی از برادرانش به خاک سپرده شده اند. بر روی مزار شریف این بزرگان نامی از آنها نوشته نشده و آیات قرآنی بر روی سنگ قبرشان حک شده است. تنها بر روی قبر شریف حضرت بی بی هیبت، نام حکیمه خاتون دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام به چشم می خورد.

پس از اینکه آن حضرت رحلت فرمود، در همان منزلی که در دامنه کوه محل عبادتشان واقع شده بود، به خاک سپرده شد. قبر ایشان و برادرزاده هایش به خاطر

اینکه مورد بی احترامی افراد حکومتی و مخالفان اهل بیت علیهم السلام واقع نشود، مخفی نگه داشته شد. تنها تعداد معدودی از شیعیان شیفته از جمله حاجی بدری و خانواده اش از این موضوع اطلاع داشتند و به زیارت این بزرگان می رفتند. این راز سینه به سینه می گشت. در سال 1257 م. شیروان شاه فرخ زال که تقریباً بر محدوده جمهوری آذربایجان کنونی حکومت می کرد، متوجه این مطلب شد و مسجد و حرمی بر روی مزار شریف بنا کرد و امام زادگان را مورد تجلیل قرار داد.

حرم مطهر⁽⁴⁾ محل زیارت عاشقان عترت پیامبر شد و خیلی از مردم حتی تعدادی از شاهان صفوی نیز به زیارت این حرم شریف مشرف می شدند و وجود حرم باعث رونق و ترویج اسلام می گشت.

در این مدت، کرامتهای زیادی از ایشان دیده شد که در بخش کرامتهای آن حضرت، به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد و وجود این کرامات اعتقاد مردم را قوی تر می کرد. از آن جمله، بر آورده شدن حاجت زن شاعری به نام خورشید بانو است. وی که فرزندی نداشت، به زیارت حضرت مشرف شده و نذر کرد اگر خداوند به احترام این خانم فرزندی به من عطا فرماید، مسیر این آرامگاه را برای راحتی زائران هموار خواهم کرد. پس از یک سال، خداوند به وی فرزندی عطا کرد و وی به نذر خود وفا کرد و جاده مشرف به حرم را آباد کرد.

جاده ای که به وسیله خورشید بانو ساخته شده بود، پس از وی توسط شخصی به نام حاج زین العابدین نقی اف - از ثروتمندان منطقه - عریض تر شد. زائران از گوشه و کنار برای زیارت حرم مطهر می شتافتند. شاهان صفوی متولیانی برای حرم

منصوب کردند و احکامی برای آنها صادر نمودند. برخی از شواهد نشانگر آن است که زمینهای اطراف، وقف حرم مطهر شده بود.

نکته ای که بسیار حایز اهمیت است و نباید از نظر دور داشت، سرانجام حاجی بدری و بابا سوجد است. مدتی پس از اینکه حضرت حکیمه خاتون و برادرزاده هایش رحلت کردند، حاجی بدری نیز دار فانی را وداع کرد و چون حضرت بی بی هیبت سفارش کرده بود که زائران من ابتدا حاجی بدری را زیارت کنند، او را در پایین پای حضرت به خاک سپردند. اکنون هر کسی بخواهد به زیارت بی بی برود، از روی قبر حاجی بدری - رحمة الله علیه - رد می شود.

بابا سوجد نیز که آن حضرت را به باکو آورد، وصیت کرد که پس از مرگ، مرا در جایی به خاک بسپارید که زائران حضرت پا روی سینه من بگذارند و به زیارت خانم بروند. از این رو، قبر وی نیز در محل در ورودی صحن حرم مطهر است.

حرم مطهر تا سال 1934 م. پذیرای زائران شیفته خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بود. در نهم سبتمبر 1934 م. به دستور استالین، حرم با دینامیت منفجر و با خاک یکسان شد.

حکومت کمونیستی که بی شرمی را به اوج رسانده بود، برای اینکه اثری از حرم مطهر باقی نماند، شروع به جاده کشی از روی حرم کرد و بر روی آن، طاق نصرت زد. ابتدا مصمم بودند که طاق به اندازه عرض جاده ای که مد نظر داشتند، باشد؛ ولی خاک اطراف مزار شریف حضرت خود به خود پایین تر می رفت. از این رو، مسطح کردن جاده با مشکل مواجه شد؛ به گونه ای که تصمیم خود را عوض کردند و به موازات قبر شریف، ستونی احداث کردند. ستون، درست در

بالاسر قبر مطهر بود و جاده به دو قسمت تقسیم شد: یکی از آنها برای ورود به باکو و دیگری برای خروج از آن شهر استفاده می شد. به طرف شهر باکو، در جلوی ستون وسط طاق، مجسمه استالین نصب گردید.

شیعیان که دیگر شرایط زیارت قبر شریف در وسط جاده برایشان امکان پذیر نبود، در بالای کوه، محل عبادت بی بی را زیارت می کردند که اکنون نیز به عنوان مکان مقدسی، زیارت می شود. سازندگان طاق نصرت، از آرامنه بودند. کسانی که هزینه ساخت آن را تأمین می کردند، نیز از آرامنه بودند. به همین سبب، علامت صلیب را بر روی سنگهای سیاه گرانیت که از آنها در ساخت طاق استفاده می شد، حک کردند تا مبادا به مرور زمان و برخورد ماشین و غیره به ستونهای کناره طاق، علامت صلیب از بین برود. شیعیان علی رغم میل باطنی، برای ورود و خروج از شهر باکو باید از روی مزار شریف عبور می کردند؛ زیرا محل دیگر برای ورود به شهر و یا خروج از آن وجود نداشت.

تجدید بنای حرم مطهر

پس از فروپاشی کمونیسم، مجسمه استالین پایین کشیده شد و شیعیان تصمیم به تجدید بنای حرم شریف گرفتند، ولی با مخالفت برخی از ادارات که هنوز در رأس آن افراد کمونیستی قرار داشت روبه رو شدند. در تاریخ 21 می 1994 م. در عید قربان که رئیس جمهور وقت حیدر علی اف به این قسمت شهر آمده بود، از وی خواسته شد که طاق، تخریب و حرم تجدید بنا شود. به همین منظور، بخشی از جاده را کردند و

قسمتهایی از حرم شریف که سالم مانده بود، به حیدر علی اف نشان دادند که ایشان پس از تبریک عید، موافقت خود را با تخریب طاق اعلام کرد و اظهار داشت که فرهنگ اصیل ما اینجا مدفون است. او دستور تخریب طاق را صادر کرد. اما 8 ماه طول کشید تا موافقت ادارات جلب شود. پس از طی مراحل قانونی، در طی دو روز، طاق تخریب و قبر حضرت بی بی هیبت نمایان گشت.

خوشبختانه قبرها و حتی بخشهایی از حرم قبلی، از جمله زیر زمین آن، در زیر آسفالت سالم مانده بود و تنها سنگ قبر حضرت بی بی هیبت از وسط شکاف برداشته بود. حکومت کمونیستی هنگام تخریب تنها قسمتهایی از حرم شریف که برای ایجاد جاده لازم بود، خاکبرداری کرده و بقیه آن هنوز سالم مانده بود؛ غافل از اینکه همین بقایا روزی باعث رسوایی آنها و وسیله ای برای ترویج اسلام خواهد شد. و این است مصداق آیه شریفه: «**يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**». (5)

حیدر علی اف پس از تخریب جاده، برای کلنگ زنی احداث ساختمان حرم، در مکان مقدس حضور یافت و حرم بر روی 120 پایه که محیط هر یک 60 سانتی متر و با ارتفاع 28 - 26 متر بنا گردید. وی مبلغ 700 هزار دلار برای ساخت حرم اختصاص داد. بقیه آن نیز از طریق نذورات مردم تأمین می شود. در نقشه کشی حرم سعی شد که تقریباً شبیه حرم قبلی باشد و در کنار حرم شریف، مسجدی بنا گردید که یک طرف آن مختص خانمها و طرف دیگر برای عبادت آقایان است. حرم شریف در دو طبقه است. در واقع، مزارهای شریف در طبقه پایین، داخل یک محوطه شیشه ای قرار گرفته است.

سقف و کنارهای آن محوطه شیشه ای با گچ
بری و معماری کاملاً اسلامی ساخته شده است.
در قسمت بیرونی آن، نام مبارک ائمه
معصومین علیهم السلام و در بخش درونی
نامهای مقدس حضرت زینب علیها السلام،
حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت رقیه
علیها السلام و حضرت ام کلثوم علیها
السلام نوشته شده است. در قسمت پایین
قبرها، قبر حاجی بدری - رحمة الله علیه -
در پایین پای بی بی، با سنگ گرانیت سیاه
کاملاً مشخص شده است.

بر روی دیوار حرم شریف، زیارت نامه
حضرت معصومه علیها السلام نوشته است. از
آنجا که هنوز قسمت زیر زمین حرم - که در
واقع اصلی ترین قسمت حرم است - تکمیل
نشده است، مردم باکو - جز تعداد معدودی
- از آن اطلاع چندانی ندارند. قبرهایی در
طبقه دوم، درست به موازات مزارهای شریف،
به شکل نمادین ساخته شده و مورد زیارت
قرار می گیرند، اما نمی تواند تمام
واقعیتها را منعکس کند؛ نه از شکاف مزار
شریف بی بی هببت نشانی در طبقه دوم دیده
می شود و نه محل قبر حاجی بدری در آنجا
مشخص شده است. ان شاء الله پس از تکمیل حرم
و افتتاح طبقه پایین، بسیاری از واقعیات
برای شیعیان باکو و همچنین شیعیان جهان
روشن خواهد شد.

کرامات حضرت بی بی هیبت

در انفجار حرم مطهر، شش کامیون کتاب از حرم به جای نامعلومی منتقل شد. از این رو، مشخص نیست که کرامتهای حضرت قبل از آن ثبت می شد یا نه؟ هنوز هم اقدام اساسی در این زمینه صورت نگرفته است. برخی کرامات ایشان سینه به سینه نقل شده است و مردم زیادی را برای طلب حاجت به بارگاه مقدس می کشاند.

قبلاً نیز از کرامت حضرت برای خورشید بانو سخن گفتیم. در اینجا به برخی دیگر از آن کرامات اشاره می کنیم. حاجی حکمت علیزاد، متولی حرم شریف، که مردی مؤمن و معتقد است، در این باره چنین می گوید: «هر کس که با ایمان به بی بی وارد این مکان مقدس شود، دست خالی بر نمی گردد».

از کرامت هایی که مشهور عام و خاص است، بچه دار شدن کسانی است که دکترها از مداوای آنها عاجز بوده اند.

نیز درباره فردی که تازگی به رحمت الهی پیوسته و از کارمندان اداره گاز بود، می گویند: وی تا 8 سالگی از نعمت تکلم بی بهره بود و مادرش روزی او را به حرم آورد و گفت: خداوندا! تو را به احترام این خانم، فرزندم را شفا بده! هنوز 15 دقیقه نگذشته بود که فرزندش شفا گرفت.

از دیگر کرامتهای آن حضرت این است که 13 سال قبل، پس از فروپاشی کمونیسم، عده ای از سران حکومت که هنوز به کمونیسم وفادار بودند، بیم آن داشتند که در آذربایجان، جمهوری اسلامی تشکیل شود. به همین جهت، دستور دادند به آذربایجان

حمله کنند. همین که تانکها به حرم مطهر رسیدند، خاموش شدند. بارها تانکها روشن شدند، به عقب برگشتند؛ ولی هنگام حرکت به سوی حرم، تا به روی مزار شریف می رسیدند، خاموش می شدند. به ناچار برگشتند تا شاید از مسیر دیگری وارد شهر شوند و جالب اینکه کسانی که این دستور را صادر کرده بودند، بعداً توسط افراد کمونیستی مجازات شدند.

حضرت بی بی هیبت، احیاگر اسلام در جمهوری آذربایجان

اغلب افرادی که از وجود دختر امام موسی کاظم علیه السلام مطلع می شوند، این سؤال به ذهنشان خطور می کند که چه حکمتی در این کار است که امامزاده ای از مدینه حرکت کند و سر از باکو در آورد و برخی نیز به تکذیب آن یا به جستجوی سندی برای تأیید یا رد آن می پردازند. این نحوه تفکر مختص ایرانیان نیست، بلکه برخی از مردم باکو نیز به دنبال سندی برای تحقیق در این موضوع هستند. کتاب عظیم «بحار الانوار» سندی محکم بر این ادعاست.

شاید نقش مهم و اساسی وجود مزار شریف بی بی در باکو، «احیای اسلام» پس از فروپاشی کمونیسم باشد. همین برای حرکت دختری جوان به باکو، می تواند دلیلی کافی باشد. برای روشن شدن بحث، آشنایی با فرهنگ و مذهب در آذربایجان کنونی ضروری به نظر می رسد. از مرز آستارای ایران که وارد آستارای آذربایجان می شویم، تفاوت فرهنگها به وضوح قابل مشاهده است. از ایران که دور می شویم، اسلام کمرنگ می شود. شیشه های مشروب به صورت علنی در مغازه ها به فروش می رسد و در سایه حکومت چندین ساله کمونیسم، حرمت

آن از بین رفته است. زنان جز تعداد انگشت شماری، بی حجاب در جامعه ظاهر می شوند.

علاوه بر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی نیز با وجود تعداد زیاد چاه های نفت در آنجا حاکم است. آنچه بسیار دردناک است، فقر مذهبی و مظلومیت اسلام است.

شاید بتوان گفت که تنها یک در صد زنان با روستری در جامعه حضور پیدا می کنند و در مقابل، بدحجابی در جامعه بیداد می کند؛ اما این به معنای بی اعتقادی مطلق مردم نیست؛ یعنی با تمام آنچه که در ظاهر اغلب مردم مشاهده می شود، اسلام و مظاهر آن در حرم مطهر و مساجد کاملاً نمایان است. وقتی پای درد دل زائران بی بی یا جوانانی که در مساجد در کنار هم جمع شده و به خواندن قرآن مشغول اند، می نشینی، از واقعیت بزرگ و بسیار دردناک پرده بر می دارد. زنان وقتی وارد حرم مطهر و یا مساجد و اماکن مقدس می شوند، روستری بر سر می کنند و به زیارت حضرت مشغول می شوند و مبالغی را نیز به عنوان نذری به حرم می دهند.

آنان در کلاسهای قرآنی که توسط «جمهوری اسلامی ایران» در آنجا تشکیل می شود، شرکت می کنند و قرائت قرآن را یاد می گیرند. علی رغم اینکه خطنگارش آنها لاتین است و زبانشان آذری، زبان عربی و خط آن را افراد زیادی فرا گرفته اند و خدای تعالی را بر این نعمت بزرگ شاکرند. تعداد زیادی از مردم که در ظاهر پای بند شعایر اسلامی نیستند، از ابتدای سن بلوغ، نماز خوانده و روزه گرفته اند. با چند نفر از آنها مصاحبه کردیم. آنان می گویند که ما مجبور به ترک حجاب بودیم و شرایط حاکم در جامعه از همان ابتدا ما را چنین به بار آورده است و قبح بی

حجابی را از بین برده اند. امیدواریم به خواست الهی، حجاب مردم به تدریج بهتر شود.

در گمرک آذربایجان با زنی آشنا شدیم که قصد تشریف به حرم امام رضا علیه السلام را داشت، اما به خاطر اشکالاتی که در پاسپورت وی بود، مأموران گمرک از رفتن وی ممانعت کردند. این زن که اصلاً ظاهری اسلامی نداشت، عشق امام رضا علیه السلام در التماس هایش کاملاً مشهود بود و به خود حضرت متوسل می شد تا شاید موافقت کنند و وی توفیق زیارت پیدا کند. موارد مشابه اینها فراوان دیده می شود و اعتقاد درونی مردم به اسلام چیزی بالاتر از ظاهر آنهاست.

منشأ این همه ظلم به اسلام و مسلمین را باید در چند سال قبل که کمونیسم بر اتحاد جماهیر شوروی حاکمیت داشت، جستجو کرد؛ همان زمان که در مساجد بسته شد و بعضی از آنها انبار کالا گردید و سالها کسی از تلویزیون، رادیو، مساجد و... صدای اذان را نشنید و با عالمان دینی به تندی رفتار شد و خفقان مطلق حاکم گردید و خط و زبان مسلمین به تدریج به فراموشی سپرده شد.

مردم در حصار کمونیسم به دین و احکام دینی خود دست رسی نداشتند، اما آن مقداری را که از پدران خود آموخته بودند، حفظ کردند. با این حال، عده زیادی هم تحت تأثیر شرایط حاکم، اسلام را به دست فراموشی سپردند؛ به نحوی که برخی از آنان از ساده ترین مسایل اسلام بی اطلاع هستند.

به فرموده حضرت امام خمینی(ره) «وقتی از گلدسته های مساجد جمهوریهای شوروی سابق، پس از هفتاد سال بانگ «الله اکبر» به گوش رسید، تمام طرفداران اسلام ناب محمدی

صلی الله علیه و آله را از شوق به گریه انداخت».

اکنون به یاری خداوند و با تجدید بنای حرم مطهر و بازگشایی مساجد، جوانان زیادی به سوی اسلام ناب محمدی، شتافته اند؛ جوانانی که با استواری هر چه تمام تر در این راه قدم گذاشته اند که هر انسان معتقدی اگر مدت کوتاهی با آنها هم صحبت شود، بدیهی است که از چنین ایمان محکمی به وجد می آید.

پس از فروپاشی کمونیسم، وقت اذان، از تمام مساجد و حرم مطهر صدای اذان به گوش می رسد و حتی در ابتدای افتتاح حرم، به مدت یک سال از یکی از مناره ها که به نام حیدر علی اف ساخته شد، صدای اذان از طریق شبکه رادیویی پخش می شد و از بعضی کشورها از جمله مصر پیام تبریک ارسال شد؛ اما متأسفانه پس از گذشت یک سال، از این کار ممانعت به عمل آمد.

به هر صورت، همین که از مساجد و حرم اذان پخش می شود و درسهای دینی برگزار می شود و حتی زبان عربی تدریس می شود، جای شکر دارد و همه اینها از وجود حرم مطهر و مساجد است.
پی نوشت:

(1) محلی که حضرت حکیمه خاتون و برادر زادگانش به حاجی بدری سپرده شدند و در آنجا زندگی کردند، روستای «شیخ لر» در نزدیکی شهر باکو بود، که امروزه به سبب توسعه باکو، بخشی از این شهر محسوب می شود. در بخشهای بعدی مقاله، از این روستا با عنوان باکو یاد خواهیم کرد.

(2) زمانی که بی بی هیبت در این مکان اقامت گزید، افراد زیادی در آنجا زندگی نمی کردند. بعدها چند تن از شیخها در این محل خانه ساخته و به زندگی در آنجا مشغول شدند و به همین دلیل، این مکان به نام ده شیخها یا شیخلر کندی مشهور شد.

(3) بنابر نقلی، پس از مدتی که حکیمه خاتون و فرزندان برادرانش در منزل حاجی بدری روزگار

گذرانیدند، افراد حکومتی از این قضیه با خبر شده و به منزل وی حمله کردند، اما برای اینکه آنها از ظلم بنی عباس در امان بمانند، حاجی بدری خود را هیبت و حضرت حکیمه خاتون را بی بی خود معرفی کرد و به همین جهت ایشان به «بی بی هیبت» اشتها یافت.

4) عکسهایی که از حرم - که به دست شیروان شاه فرخ زال ساخته شده - گرفته شد از زاویه های مختلف است. این عکس حرمی است که به دست کمونیستها منفجر شد و تنها همین دو عکس از آن به یادگار مانده است. 5) سوره صف: 61، آیه 8.

سبب ترک ازدواج دختران موسی بن جعفر علیه السلام

نویسنده: سید عباس رفیعی پور علویچه
آنچه مورخان ثبت کرده اند، دلالت دارد بر اینکه هیچ کدام از دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ازدواج نکردند. در این خصوص مورخان اقوال مختلفی را ثبت کرده اند.

احمد بن ابی یعقوب (معروف به ابن واضح یعقوبی) متوفای حدود 292 ه.ق. در کتاب «تاریخ یعقوبی» که قدیمی ترین کتاب تاریخی است و مؤلف این اثر یکی از مورخین پیشتاز شیعی می باشد، در این مورد چنین نقل کرده است:

«موسی [بن] جعفر وصیت کرد که دخترانش شوهر نکنند و هیچ یک از آنان شوهر نکرد، مگر «ام سلمه» که در مصر به ازدواج قاسم پسر محمد پسر جعفر پسر محمد علیه السلام درآمد و در این باره میان قاسم و خویشانش جریان سختی پیش آمد تا آنجا که قاسم قسم خورد که جامه از وی دور نکرده و جز آنکه او را به حج برد، منظوری

نداشته است». (1) بدون شک نظر یعقوبی به چند دلیل صحیح نیست:

1. چنین توصیه ای، بر خلاف این سخن حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است که فرموده است:

«الْكَاخُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (2)

2. بر خلاف سیره امامان معصوم و اهل بیت عصمت و طهارت: است؛ چرا که پیشوایان دین که خود مشوق پیروانشان به امر ازدواج بودند، امکان ندارد به چنین کاری وصیت کنند و فرزندان را از تشکیل خانواده باز دارند.

3. وصیت امام هفتم به فرزندش امام رضا علیه السلام موجود است و از گزند حوادث در امان مانده و در کتب روایی به ویژه اصول کافی - که مورد تأیید امام زمان علیه السلام می باشد - مندرج گردیده است. توضیح این وصیت در پی خواهد آمد.

4. احتمال دارد یعقوبی قسمتی از وصیت امام هفتم را که فرموده است: «لَا يُزَوِّجُ بَنَاتِي أَحَدٌ» را آورده و تقطیع کرده است.

اما مرحوم محمد بن یعقوب کلینی، متوفای 329 ه. ق. در اصول کافی وصیت کامل امام موسی بن جعفر علیهما السلام به فرزندش امام رضا علیه السلام را متذکر شده است. البته امام هفتم سه وصیت نامه کوتاه، متوسط و مفصل دارد (3) که در وصیت نامه مفصل خطاب به هشام بن حکم، نکات تربیتی، اخلاقی و اجتماعی را بیان کرده و در پایان جنود عقل و جهل را برشمرده و فقط در این وصیت نامه است که به صراحت در خصوص ازدواج دخترانش به امام هشتم اشاره کرده و آنان را به تبعیت از وی فرمان داده است.

و در وصیت نامه کوتاه، به فرزندانش وصیت می کند که اگر کسی به شما سخن

ناخوشایندی گفت و سپس عذرخواهی کرد،
عذرش را بپذیرید. (4) و در بخشی از وصیت
نامه مفصل چنین مرقوم شده است:

«.. وَ إِنِّي قَدْ أَوْصَيْتُ إِلَى عَلِيٍّ وَ بَنِيَّ بَعْدَ مَعَهُ إِنْ شَاءَ وَ أَنَسَ مِنْهُمْ رُشْدًا وَ أَحَبَّ أَنْ يُقَرَّ لَهُمْ فَذَاكَ لَهُ وَ إِنْ كَرِهَهُمْ وَ أَحَبَّ أَنْ يُخْرِجَهُمْ فَذَاكَ لَهُ وَ لَا أَمْرَ لَهُمْ مَعَهُ وَ أَوْصَيْتُ إِلَيْهِ بِصَدَقَاتِي وَ أَمْوَالِي وَ مَوَالِيَّ وَ صِيبَانِي الَّذِينَ خَلَفْتُ وَ وُلْدِي إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ الْعَبَّاسِ وَ قَاسِمٍ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ أَحْمَدَ وَ أُمِّ أَحْمَدَ وَ إِلَى عَلِيٍّ أَمْرُ نِسَائِي دُونَهُمْ، وَ ثَلَاثَ صَدَقَةٍ أَبِي وَ ثَلَاثِي يَضَعُهُ حَيْثُ يَرَى، وَ يَجْعَلُ فِيهِ مَا يَجْعَلُ ذَوَالْمَالِ فِي مَالِهِ، فَإِنْ أَحَبَّ أَنْ يَبِيعَ أَوْ يَهَبَ أَوْ يَنْحَلَ أَوْ يَتَصَدَّقَ بِهَا عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ لَهُ وَ عَلَى غَيْرِ مَنْ سَمَّيْتُ فَذَاكَ لَهُ وَ هُوَ أَنَا فِي وَصِيَّتِي فِي مَالِي وَ فِي أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِنْ يَرَى أَنْ يُقَرَّ إِخْوَتَهُ الَّذِينَ سَمَّيْتُهُمْ فِي كِتَابِي هَذَا أَقَرَّهُمْ، وَ إِنْ كَرِهَ فَلَهُ أَنْ يُخْرِجَهُمْ غَيْرَ مُتْرَبٍ عَلَيْهِ وَ لَا مَرْدُودٍ... وَ إِنْ أَرَادَ رَجُلٌ مِنْهُمْ أَنْ يُزَوِّجَ أُخْتَهُ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُزَوِّجَهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ أَمْرِهِ... وَ لَا يُزَوِّجُ بَنَاتِي أَحَدٌ مِنْ إِخْوَتِهِنَّ مِنْ أُمَّهَاتِهِنَّ وَ لَا سُلْطَانٌ وَ لَا عَمٌّ إِلَّا بِرَأْيِهِ وَ مَشُورَتِهِ. فَإِنْ فَعَلُوا غَيْرَ ذَلِكَ فَقَدْ خَالَفُوا اللَّهَ تَعَالَى وَ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ جَاهَدُوهُ فِي مُلْكِهِ وَ هُوَ أَعْرِفُ بِمَنَاجِحِ قَوْمِهِ، فَإِنْ أَرَادَ أَنْ يُزَوِّجَ زَوْجًا، وَ إِنْ أَرَادَ أَنْ يَتْرَكَ تَرَكَ» (5)

امام هفتم علیه السلام در این وصیت
نامه پس از آنکه فرزندان خود را به
پیروی از فرزندش علی بن موسی علیهما
السلام فرا می خواند، می فرماید:

«... هر کدام از آنها اگر بخواهند
خواهرشان را به ازدواج فردی در آورند،
بدون اجازه و دستور امام رضا علیه السلام
حق ندارند چنین کاری را انجام دهند؛
زیرا او به مصالح منسوبین و بستگان خود
در امر تزویج آنها آگاه تر است... و هیچ
یک از دخترانم را نباید برادران مادری،
سلاطین و یا عموهایشان شوهر دهند، مگر با
نظر و مشورت علی بن موسی الرضا علیهما
السلام اگر بدون اجازه او اقدام به چنین
کاری کنند، با خدا و رسول خدا صلی الله
علیه و آله مخالفت کرده اند و در سلطنت
خدا منازعه نموده اند؛ زیرا او [امام
رضا علیه السلام] در خصوص ازدواج آنها
داناتر است. پس هر کدام را او تزویج

کند، اطاعت کند و هر که را او تزویج نکند، اطاعت کند».

این وصیت نامه در منابع دیگر، مثل: «عیون اخبار الرضا علیه السلام» ج 1، ص 28؛ «بحارالانوار» ج 48، ص 276 و ج 49، ص 224؛ «عوامل العلوم» ج 21، ص 475 نیز آمده است که راه شبهات و شکوک را مسدود می کند.

امام کاظم علیه السلام در این وصیت نامه با قاطعیت، وصی و جانشین خود امام رضا علیه السلام را به فرزندانش معرفی می کند و او را چراغ راه آنان می داند و در این خصوص اختیار تام به امام رضا علیه السلام می دهد. حتی در امر ازدواج آنان، تبعیت از امام هشتم را لازم می داند و عموهای آنان و یا زمام داران را اجازه نمی دهد در سرنوشت فرزندانش دخالت کنند و حجت را بر آنان تمام می کند.

هم کفو

آیا این نظر صحیح است که دختران موسی بن جعفر علیهما السلام مانند حضرت زهرا علیها السلام هم کفو نداشتند؟

برخی از بزرگان و صاحب نظران بر این باورند که با توجه به اینکه دختران موسی بن جعفر علیه السلام در نهایت وجاهت و کمال بودند، معادلی از مردان برای آنان پیدا نمی شد! با استدلال به اینکه حتی اگر حضرت علی علیه السلام نبود، هم کفوی برای حضرت زهرا علیها السلام نبود.

اولاً، بحث هم کفو بودن حضرت زهرا علیها السلام با آنچه درباره فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام گفته می شود، فرق می کند؛ چرا که در عصر امام هفتم علیه السلام جوانان برومند و فرهیخته ای از

فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام و از تبار امام حسین علیه السلام بودند که شایستگی هم سنگ بودن با دختران موسی بن جعفر علیه السلام را داشتند.

ثانیاً، مورخین در کتب تاریخی خود حتی به یک مورد اشاره نکرده اند که سیره ائمه علیهم السلام بر این بوده باشد که دختران خود را به سبب نبودن هم کفو به خانه بخت نفرستاده باشند و از تزویج ممانعت کرده باشند؛ چرا که آنان مؤمنین و مؤمنات را «کفو» یکدیگر می دانستند و به پیروان و دوستان خود می فرمودند: اگر تقوا و دین جوانی را تأیید کردید، دختران خود را به همسری آنان درآورید.

ثالثاً، خفقان حاکم از ناحیه هارون الرشید، به کسی جرأت نمی داد که برای ازدواج با دختران موسی بن جعفر علیه السلام به منزل حضرت رفت و آمد کنند. شیخ عباس قمی در کتاب «منتهی الآمال» آورده است:

«چنین رسیده که رضائیه دختران خود را به شوهر نمی دادند؛ زیرا کسی را که همسر و هم کفو ایشان باشد، نمی یافتند و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را بیست و یک دختر بوده است که هیچ یک شوهر نکرده اند. و این مطلب در میان دختران ایشان عادت شده و محمد بن علی الرضا علیه السلام (امام جواد) به شهر مدینه ده ديه [روستا] وقف کرده است بر دختران و خواهران خود که شوهر نکرده اند و از ارتفاعات آن روستاها نصیب و قسط رضائیه که به قم ساکن بوده اند، از مدینه جهت ایشان می آوردند».⁽⁶⁾

مرحوم محدث قمی این مطالب را از «تاریخ قم»، تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی نقل کرده است که دارای ابهام بوده و مؤلف این کتاب مدرکی و سندی دال بر

اینکه چرا سادات رضائیه (منسوب به امام رضا علیه السلام) دختران خود را به شوهر نمی دادند، ارائه نکرده است.

برخی از اقوال مطرح درباره سبب عدم ازدواج دختران موسی بن جعفر علیه السلام نیز این بوده است که اوضاع سیاسی زمان امام کاظم علیه السلام چنان دچار خفقان بوده که افرادی که تصمیم به ازدواج با صبیّه های آن حضرت را می گرفتند، بلافاصله از ناحیه مأموران هارون الرشید مصادوم و یا مسموم می شدند و کسی جرأت نمی کرد که قدم جلو بگذارد. (7)

دلیل ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام

قبلاً اشاره شد که هیچ کدام از دختران موسی بن جعفر علیه السلام ازدواج نکرده اند. در اینجا این پرسش مطرح می شود که سنت ازدواج از مستحبات مؤکد اسلامی است و آخرین پیام آور وحی در این خصوص فرموده است:

«مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ (8) در اسلام، بنایی محبوب تر در نزد خدای عزوجل و عزیزتر از بنای ازدواج برپا نشده است.»

در عصر امام پنجم دوشیزه ای برای کسب فضیلت حاضر به تزویج نبود. به امام باقر علیه السلام خبر رسید. حضرت به او فرمود: «اگر در ترک ازدواج فضیلتی بود، حضرت زهرا علیها السلام شایسته تر از تو بود که به سبب کسب فضایل اخلاقی ازدواج نکند؛ زیرا هیچ بانویی در رسیدن به کمالات معنوی بر فاطمه علیها السلام سبقت نگرفته است.» (9)

در پاسخ به پرسش فوق باید گفت:

1. هنگامی که امام هفتم علیه السلام در قید حیات بود، اکثر مواقع در زندان بود و از آنجایی که اذن پدر در ازدواج دختر باکره شرط است، دست رسی به امام و اذن او میسر نبود.

2. در مواقعی هم که امام در زندان نبود، منزل او در حصر بود و رفت و آمد به منزل حضرت مشکل بود و شیعیان برای رسیدن به پرسشهای دینی خود به عنوان تمّار (خرما فروش) یا خیار فروش و غیره به منزل حضرت می رفتند و به دور از چشم مأموران خلیفه جواب نامه خود را دریافت می کردند؛ لذا تردد برای مردم به ویژه جوانان برای خواستگاری دختران موسی بن جعفر علیه السلام مقدور نبود.

مطلبی از آیه الله نجفی مرعشی درباره حضرت معصومه علیها السلام کتاب خطی «امالی مرعشی» تألیف آقای دیزجی زنجانی، مطلب ذیل را از آیه الله مرعشی آورده است:

«روز دوشنبه 29 جمادی الاول 1366 ه.ق. در قم منزل آقای شهاب الدین مرعشی ناهار دعوت بودم. از ایشان پرسیدم: آیا حضرت معصومه علیها السلام مزوجه بودند؟ فرمودند: نه! ایشان نه ماه یا یک سال پیش از ثامن الائمه علیه السلام وفات یافتند. پرسیدم: می گویند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام 18 دختر داشته اند که غیر مزوجه بوده اند؟ فرمود: بعضی مزوجه و بعضی غیر مزوجه بوده اند - البته نه برای ترک سنت، بلکه برای این که کفوی از فاطمی پیدا نکردند یا آنکه امکانات برای ازدواج نداشتند. شاهد اینکه روزی یکی از وزاری عباسی دستور داد برای او حلوای

نبات درست کردند و به یکی از غلامان خود گفت: این حلوا را ببر و به فلان اشخاص بده! وقتی که غلام خود را به آن اشخاص رساند، حال فجیعی را دید که از خود بی خود شد و غش کرد. پس از اینکه به هوش آمد به حضور وزیر رسیده، گفت: اگر می‌خواستید مرا بکشید، غیر از این طریق هم ممکن بود. وزیر گفت: مگر چه شده است؟ گفت: در آن محل (کنار قبر موسی بن جعفر علیه السلام) جای تاریک و خرابی بود و زن و مرد از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام با حالت پریشان و اسفبار گریه و زاری می‌کردند». (10)

اگر مزوجه بودن برخی از دختران موسی بن جعفر علیه السلام را بنا بر نظر آیه الله مرعشی بپذیریم، به دو مورد می‌توان اشاره کرد:

1. عقد محرمیت ام سلمه با پسرعمویش (قاسم بن محمد بن جعفر صادق علیه السلام) در سفر به مکه مکرمه. (11)

2. همسر سیدحسین بن محمد بن حسین بن عیسی بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب که «سیدحسین» در خسرو گرد سبزوار مدفون است و آرامگاه مشهوری دارد. (12) متأسفانه نام زوجه سیدحسین معلوم نیست که کدام یک از دختران موسی بن جعفر علیه السلام بوده است.

3. بعد از شهادت حضرت امام کاظم علیه السلام در سال 183 ه.ق. (13) در بغداد که عمر شریفش پنجاه و پنج سال بوده است، عمر حضرت معصومه علیها السلام در آن هنگام ده ساله بوده است (بنابر نقل مورخین که تاریخ تولد کریمه اهل بیت را سال 173 ه.ق. ضبط کرده اند). (14) و بعد از شهادت موسی بن جعفر علیه السلام فرزندان حضرت عزادار و تا هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه

به مرو در سال 200 ه.ق. نیز زمینه ای برای ازدواج حضرت معصومه علیها السلام فراهم نشد.

4. طبق وصیت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مبنی بر اینکه ازدواج دختران او باید با اجازه و مشورت امام رضا علیه السلام باشد. حضرت معصومه علیها السلام بنا بر تبعیت از وصیت پدر و احترام به برادر بزرگ تر و بنا به صلاح دید علی بن موسی الرضا علیه السلام تا آن هنگام که در سال 201 ه.ق. به ایران - برای دیدار ثامن الحجج علیه السلام - آمد، موفق به ازدواج نشد و بعد از هفده روز اقامت در قم، خاکیان را بدرود گفت و روحش به ملکوت اعلا پیوست.

5. مشکلات اقتصادی خانواده پر عایله موسی بن جعفر علیه السلام یکی دیگر از معضلات سر راه ازدواج فرزندان محسوب می شد که در این خصوص آیه الله مرعشی مطلب تاریخی را متذکر شده است. (15)

6. بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام در بغداد و رحلت حضرت معصومه علیها السلام در قم و شهادت امام رضا علیه السلام در مشهد، دیگر زمینه ای برای ازدواج دختران موسی بن جعفر علیه السلام فراهم نشد و همچنان لباس عزا به تن داشتند و طبق وصیت موسی بن جعفر علیه السلام، مجری وصیت، یعنی امام رضا علیه السلام نیز به شهادت رسیده بود که با اجازه او بخواهند مزوجه شوند. بنابراین دلایل و دلایل دیگری که بر ما پوشیده است، فرزندان موسی بن جعفر اعم از دختر و پسر موفق به امر ازدواج نشدند.

در پایان به این نکته اشاره می شود که مرحوم علامه نسّابه، عباس فیض در کتاب «انجم فروزان» (16) به نقل از کتاب

«انوارالمشعشعین» مطلبی را درباره هجرت حضرت معصومه علیها السلام به ایران نقل کرده است و دلایلی نیز بر رد آن آورده است که ما این مطلب را از کتاب «انوار پراکنده»⁽¹⁷⁾ چنین می خوانیم:

«چون مأمون حضرت امام رضا علیه السلام را از مدینه طیبه به مرو طلبید و ولایت عهدی خلافت را به او تفویض [نمود] و به نام وی از مردم بیعت گرفت که اصولاً برای تحکیم مبانی دوستی خویش با خاندان علوی و برای خوابانیدن فتنه و شورش و جلوگیری از قیام سادات بنی هاشم علیه خلفای عباسی بوده، می خواست که با تفویض ولایت عهدی به آن جناب، دودمان بنی هاشم را از خود خشنود گرداند، فاطمه معصومه علیها السلام را برای همسری از امام رضا علیه السلام خواستگاری نمود و این درخواست را چنان مؤکد ساخت که حضرت رضا علیه السلام ناچار خواهر خود را از مدینه به مرو طلب نمود.

زیرا مأمون می دانست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در وصیت خود تصریح فرموده است که هیچ یک از برادران و اعمام حق ندارند دختران مرا شوهر دهند و همچنین برادر ابوینی هم نسبت به خواهر خویش مگر با اجازه و مشورت فرزندان علی الرضا علیه السلام؛ زیرا او به مناکح قوم خود بصیرتر و بیناتر است و اگر بخواهد آنها را به زناشویی می دهد وگرنه نمی دهد».

از ملاحظه این مطلب می توان به مستند نبودن آن پی برد به چند دلیل:

1. هیچ کدام از مورخین از جمله: یعقوبی و مؤلف تاریخ قم که قدیمی ترین تاریخ نویسان شیعی در قرن سوم و چهارم هستند،

به خواستگاری مأمون از حضرت معصومه توسط امام رضا علیه السلام اشاره نکرده اند.

2. اگر خواستگاری مأمون را سبب ورود حضرت معصومه علیه السلام بدانیم، باید گفت عروس خلیفه را از مدینه تا مرو بدین سادگی نمی آورند و این مسافرت ساده و بدون تشریفات بر بی اساس بودن آن دلالت دارد؛ خصوصاً که مأمون از اوایل جوانی در خراسان می زیست و با خوی پادشاهی ایران بار آمده بود و در عروسی «پوران» دختر سهل والی عراقین چنان تشریفات پش پیش بینی کرد که چشم زمانه نظیرش را ندیده بود، از جمله: به رسم شادباش ضمن افشاندن سکه بر سر عروس، پسته های خندان محتوی نام املاک، خانه، اسب، شمشیر و یا جامه را نیز در جمعیت پخش کردند و منادی گفت: هر که هر پسته ای را به دست آورده، به هیأت امنای نظارت بدهد و برای دریافت اشیای ثبت شده مراجعه کند. با این توصیف چگونه مأمون رضایت می دهد که همسر آینده اش با یک خادم این راه طولانی را طی نماید؟ مؤلف کتاب «انوار پراکنده» چنین نتیجه می گیرد:

«اگر علت خواستگاری مأمون را، رضایت آل علی علیه السلام از حکومت و خلافت خود بدانیم، باید گفت: لااقل مأمون می بایست ظواهر را حفظ می نمود و عروس آینده اش را با نهایت احترام به دار الخلافه می آورد و از طرفی چگونه برادر بزرگوارش امام رضا علیه السلام ولیعهد خلافت اسلامی تنها خواهر ابوینی اش را به این سفر دعوت می کند و هیچ مقدمه ای را برای آن بانو مهیا نمی فرماید. از این جهت است که باید مجعول بودن این خبر را اقرار نمود و سبب هجرت آن حضرت را به ایران فقط زیارت برادرش دانست».⁽¹⁸⁾

آیا درگیری و کشته شدن همراهان حضرت معصومه علیها السلام در ساوه صحیح است؟
برخی از مورخین نوشته اند:

«بانوی با فضیلتی که در سراپرده عصمت و با نظارت مستقیم امام کاظم و امام رضا علیهما السلام تربیت شده، هرگز بدون همراهان واجد شرایط به مسافرت طولانی «مدینه» تا «مرو» آن هم با وسایل آن روز و ناامنی جاده ها، موافق نبود؛ لذا برادران و برادر زادگانش را همراه خود به این سفر پرخطر دعوت کرد. در این سفر پنج تن از برادران حضرت معصومه علیها السلام به نامهای فضل، جعفر، هادی، قاسم و زید و تعدادی از برادر زادگان و تنی چند از غلامان و کنیزان، آن حضرت را همراهی می کردند.

رنج سفر را با وسایل بسیار سخت آن روز هر چه بود، تحمل کردند تا به شهر (ساوه) رسیدند. مردمان شهر ساوه در زمان ما از شیعیان شیفته و موالیان پاک باخته خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام هستند؛ ولی در آن ایام از دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام بودند. از این رو، هنگامی که کاروان حضرت معصومه علیها السلام و همراهانش به ساوه رسیدند، مردم به آنها حمله ور شدند و جنگ سختی در گرفت و همه برادران و برادر زادگان حضرت به شهادت رسیدند.

هنگامی که حضرت معصومه علیها السلام آن کانون مهر و صفا، جسدهای غرقه به خون و پیکرهای قطعه قطعه شده علیها السلام 2 تن از عزیزان خود را نقش بر زمین دید، به شدت محزون گشته و در اثر مصایب جانکاه به شدت بیمار گردید».⁽¹⁹⁾
اما دلایل بی اساس بودن مطلب فوق. به قرار ذیل است:

مؤلف کتاب «تاریخ قم» که از دانشوران قرن چهارم هجری قمری است. سفر حضرت معصومه علیها السلام از مدینه تا ساوه را دقیق نوشته است و نام امام زادگانی را که در ایران و مخصوصاً در قم مدفون اند، ثبت کرده است. علامه محمدباقر مجلسی (صاحب بحارالانوار) و شیخ عباس قمی در منتهی الآمال، کتاب حسن بن محمد بن حسن قمی را برای نقل مطلب به عنوان مدرک متقن انتخاب کرده اند.

الف. اگر مطلب فوق صحیح بود، این محققین در آثارشان منعکس می کردند و می نوشتند که مرقد مطهر امام زادگان شهید در ساوه در چه قسمتی از آن شهر واقع است و به چگونگی شهادت آنان اشاره می کردند و اینکه با چه وسیله ای آنان را شهید کردند؛ لذا می توان چنین نتیجه گرفت که عدم درج روایت این حادثه در کتب معتبر تاریخی، دال بر غیر مستند بودن این مطلب است.

ب. مردم ساوه چگونه فهمیدند که کاروان در حال عبور، منتسب به موسی بن جعفر علیه السلام است و به ملاقات حضرت رضا علیه السلام می روند. درست است که در آن زمان مردم ساوه سنی شافعی بودند، ولی تا این حد به خود جرأت نمی دادند که کاروان مهاجر به سرپرستی خواهر ولایتعهد مأمون را مورد هجوم و کشتار قرار دهند و به شهادت برسانند.

ج. در صورت بروز چنین جنایتی، نه از طرف مأمون و نه از ناحیه امام رضا علیه السلام و نه از طرف شیعیان قم هیچ عکس العمل و اعتراضی نسبت به وقوع حادثه مذکور ابراز نشده است و مورخین مطلبی را ضبط نکرده اند.

د. اگر بپذیریم که سنیهای متعصب شافعی ساوه، برادران و برادر زادگان کریمه اهل

بیت علیهم السلام را به شهادت رسانده اند، پس چرا حضرت معصومه علیها السلام و خادم ایشان از مهلکه جان سالم بدر بردند؟ چرا که اگر بگوییم آنان دشمن اهل بیت علیهم السلام بودند، پس زن و مرد از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام برای آنان فرقی نمی کرد!

ه. بنابراین، از قراین می توان به دست آورد که کوثر ثانی، فاطمه معصومه علیها السلام به صورت ناشناس همراه کاروانهایی که به سوی ایران و سمت خراسان بزرگ در حرکت بودند، همراه شده و هنگامی که به شهر ساوه می رسد، بیمار می شود. سپس فاصله ساوه تا قم را می پرسد و پیکی به سوی قم می فرستد و از ورود به ساوه، بزرگ شیعیان قم را مطلع می گرداند. بلافاصله موسی بن خزرج بزرگ آل سعد اشعری که مردی متمکن و متدین بوده است، با جمعی از شیعیان شب هنگام به استقبال دخت موسی بن جعفر علیه السلام می شتابد و کریمه اهل بیت علیها السلام را با احترام و عزت فراوان از ساوه به قم می برد؛ در حالی که مهار شتر حضرت را خودش به دست گرفته و به جانب شهر قم می کشد. آن گاه به سرای خود فرود می آورد که حضرت معصومه علیها السلام هفده روز مهمان او و در قید حیات بوده است.⁽²⁰⁾

رحلت حضرت معصومه علیها السلام

در مورد رحلت حضرت معصومه علیها السلام مؤلف تاریخ قم نگاشته است:

«چون او را وفات رسید، بعد از تغسیل و تکفین و نماز، موسی بن خزرج در زمینی که او را [باغ] بابلان می گفتند، آنجا که امروز روضه مقدسه اوست، دفن کرد و بر سر تربت [او] از بوریاهای سایه ساخته بودند. تا آن گاه که زینب دختر محمد بن علی الرضا علیه السلام [دختر امام جواد اولین] قبه بر سر تربت او بنا نهاد».

دنباله تکمیل مطلب در خصوص تدفین حضرت معصومه در تاریخ قم و برخی از کتب تاریخی دیگر چنین آمده است:

چون فاطمه را وفات رسید و بعد از غسل و تکفین او را به مقبره بابلان بر کنار سردابی که از برای او ترتیب داده بودند، حاضر آوردند، آل سعد با یکدیگر خلاف کردند در باب آنکه چه فردی سزاوار آن است که در سرداب رود و فاطمه را بر زمین بنهد و دفن کند. پس از آن اتفاق کردند که خادمی پیر به نام «قادر» را حاضر گردانند تا فاطمه را در قبر نهد. فردی را دنبال او فرستادند. در میان این گفتگوی از جانب رمله (رودخانه شن زار) دو سوار آمدند، دهان بر بسته و روی بدین مردم نهادند. چون به نزدیک جنازه فاطمه رسیدند از اسب فرود آمدند و بر فاطمه نماز گزاردند و در سرداب رفتند و فاطمه را دفن کردند. پس از گور بیرون آمدند و سوار شدند و رفتند و هیچ کس را معلوم نشد که آن دو سوار که بودند. (21)

مکانی را که آستانه مقدسه کریمه اهل بیت علیهم السلام به ضمیمه مساجد اطراف حرم، مثل مسجد بالاسر، مسجد اعظم، موزه و

توابع آن قرار دارد، قبل از رحلت حضرت معصومه علیها السلام باغ ییلاقی «موسی بن خزرچ اشعری قمی» بوده که از صحابه امام رضا علیه السلام و از روات جلیل القدر بوده است. این باغ که بر ساحل رودخانه پر آب قرار داشته و دارای ساختمانهای مجلل بوده، تفرجگاه موسی بن خزرچ بوده که طول و عرض آن از یک طرف به قبرستان شیخان کنونی و از طرف دیگر به گذر خان و به رودخانه متصل دانسته اند. (22) و این در که سمت رودخانه است، بسیار کوچک و کوتاه بوده است.

در سال 50 علیها السلام ه.ق. در فوق توسط حاکم قم «ابوالحسن زید پسر احمد پسر بحر اصفهانی» فراخ و بزرگ گردید، هم در طول و هم در عرض.

عظمت حضرت معصومه علیها السلام و فضیلت شهر قم

در این خصوص مؤلف تاریخ قم مطلب ذیل را آورده است:

«روایت کرده اند که جماعتی از مردم ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و گفتند: ما از مردم و اهل ری هستیم. امام صادق علیه السلام فرمود: مرحبا به برادران من که از اهل قم هستند! آنان گفتند: ای امام ما از اهالی ری هستیم.

دوباره امام فرمود: مرحبا به برادران ما از اهل قم!

اهالی ری فکر کردند که امام متوجه معرفی آنان نشده است و مجدداً خودشان را معرفی کردند.

بار سوم امام صادق علیه السلام فرمود: مرحبا به برادران قمی ما!

امام صادق علیه السلام برای اینکه به آنها بفهماند که عظمت و مقام حضرت معصومه علیها السلام تا چه میزانی است، فرمود: خدای را حرمی است و آن مکه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله را حرمی است و آن مدینه است امیرالمؤمنین علیه السلام را حرمی است و آن کوفه است و ما را حرمی است و آن شهر قم است. بدانید که زود باشد که در شهر قم دختری از فرزندان من را به نام فاطمه دفن کنند و هر که او را زیارت کند، بهشت از برای اوست. راوی گوید: در آن زمانی که امام صادق علیه السلام این سخن را فرمود، امام کاظم علیه السلام در شکم مادرش هنوز پیدا نشده بود و مادرش بدو حامله نگشته بود». (23) پی نوشت:

- 1) ترجمه تاریخ یعقوبی» مترجم: محمد ابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی - فرهنگی (وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی)، ششم، سال 1371 ش.
- 2) بحارالانوار» ج 100، ص 220، ح 23.
- 3) تحف العقول» ص 383.
- 4) کشف الغمة» علی بن عیسی اربلی، ج 2، ص 218.
- 5) اصول کافی» ج 1، ص 317، ح 15.
- 6) منتهی الآمال» شیخ عباس قمی، انتشارات جاویدان، سوم، سال 1367 ش. ص 275.
- 7) به نقل از آیه الله العظمی نجفی مرعشی، مجموعه مقالات «گنجینه شهاب» ج اول، ص 221.
- 8) مستدرک الوسائل» ج 14، ص 152، ح 16.
- 9) وسائل الشیعة» ص 17 و 18.
- 10) گنجینه شهاب» ج 1، ص 219؛ کتاب خطی امالی مرعشی، تألیف دیزجی زنجانی، به شماره 10139 در کتابخانه آیه الله مرعشی.
- 11) تاریخ یعقوبی» ج 3، ص 151.
- 12) آرامگاه های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله» سید عبدالرزاق کمونه حسینی، مترجم عبدالعلی صاحبی، چاپ آستان قدس رضوی، سال 1371، ص 146 پاورقی.
- 13) منتهی الآمال» ص 240.

- 14) حضرت معصومه، فاطمه دوم «محمدی اشتهاردی، انتشارات علامه، 1375، ص 111.
- 15) گنجینه شهاب» ج 1، ص 219.
- 16) انجم فروزان» ص 59؛ «گنجینه آثار قم» ج 2، ص 384.
- 17) انوار پراکنده» محمد مهدی فقیه محمدی گیلانی، چاپ سازمان اوقاف قم، چاپ 1376، صص 147-148.
- 18) انوار پراکنده» ص 149.
- 19) ریاض الانساب» ص 16؛ «حیة السّنة» ص 5؛ «کریمه اهل بیت» ص 174 و 175؛ «انوار پراکنده» ص 151.
- 20) ر.ک: «تاریخ قم» ص 213.
- 21) تاریخ قم» ص 213 و 214.
- 22) کتاب «جدی فروزان» ص 89.
- 23) تاریخ قم» ص 215 - 214.

آخرین معصوم و حضرت معصومه علیهما السلام

نویسنده: محمد رضا فؤادیان
امام زمان علیه السلام عنایت ویژه ای به حضرت معصومه علیها السلام و حرم با صفای وی دارد. با تشریف فرمایی حضرت معصومه علیها السلام به قم، این منطقه از رشد و شکوفایی معنوی ویژه ای بهره مند شد و پایگاهی جهت فرهنگ سازی مهدویت فراهم گردید. در این نوشتار به پیوند معنوی آخرین معصوم (عج) با حضرت معصومه علیها السلام^(۱) اشاره می شود.
بخش اول: آخرین معصوم در زیارت نامه حضرت معصومه علیها السلام

اشاره

یکی از افتخارات شیعه، داشتن زیارت نامه هایی است که از معصومین علیهم السلام به یادگار مانده است.
زیارت نامه حضرت معصومه علیها السلام در میان این گنجینه ارزشمند، جایگاه ویژه ای دارد. زائر در این زیارت نامه، ضمن مرور عالی ترین معارف شیعه، هشت بار با مقام ولایت، رابطه مستقیم برقرار می نماید^(۲) که سه مورد آن، پیوند با امام زمان علیه السلام است. این سه مورد عبارت است از:

الف. عرض ادب و اهدای سلام

سلام در این زیارت توأم با اسرار است⁽³⁾. زائر در این زیارت نامه، با صیغه مخاطب (السلام علیک) به ساحت مقدس معصومین علیهم السلام عرض ادب می نماید؛ ولی هنگام عرض ادب به پیشگاه پیشوای دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف با صیغه غائب (السلام علی الوصی من بعده) سلام می نماید و از خداوند درخواست می کند بر آخرین خلیفه خود، صلوات⁽⁴⁾ بفرستد: «اللهم صلّ علی نورک و سراجک...».

این تغییر شیوه، برای توجه دادن زائر به امام غائب می باشد. القاب مبارکی که در این زیارت نامه آمده، حاوی نکات بسیار ارزنده ای است که از سوی امام معصوم علیه السلام صادر شده است.⁽⁵⁾ تنها در این زیارت نامه، لقب نورانی «سراج» برای حضرت مهدی علیه السلام به کار برده شده است. در هیچ دعا و زیارت نامه ای، این لقب برای آن حضرت به کار برده نشده است. در کنار نام هر یک از ائمه علیهم السلام وصفی قرار داده شده است، مانند: «الطاهر الطهر» که توصیف امام هفتم علیه السلام است؛ ولی در مورد امام یازدهم علیه السلام فقط می گوییم: دوازدهمین پیشوا، وصی و جانشین توست؛ گویا عظمت امام مهدی (عج) توصیفی برای پدر بزرگوارشان است.

لقبهای امام زمان علیه السلام در این زیارت نامه عبارت است از:

1. «نورک»: امام مهدی علیه السلام نور خداوند است. در دعاهای فراوانی، به این لقب آن حضرت اشاره شده است،

مانند: «السلام عليك يا نور الله الذي يهتدى به المهتدون»⁽⁶⁾.

2. «سراجک»: یوسف زهرا علیها السلام در این عصر، تنها چراغ راه هدایت است. او «سراج الله» است و تاریکیها را می زداید و چشمها و دلها را به خداوند متعال متوجه می نماید.

در قرآن کریم نیز آخرین پیامبر الهی صلی الله علیه و آله به «سراج» تشبیه شده است⁽⁷⁾. از تشبیه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و خاتم الاوصیاء (عج) به «سراج»، در می یابیم همان طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را به سوی خداوند متعال فرا خواند و بسان خورشید، پرتو افشانی نمود و ظلمتها را از بین برد، امام مهدی علیه السلام نیز، بسان خورشید پشت ابر⁽⁸⁾، به رهبری و هدایت مردم می پردازد⁽⁹⁾.

بگرفته آب و رنگ ز فیض حضور تو
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن
است⁽¹⁰⁾ /

3. «ولی ولیک»: حضرت مهدی علیه السلام «ولی الله الاعظم» است⁽¹¹⁾. زائران حضرت معصومه علیها السلام با زمزمه این عبارت، اعتراف به پذیرش ولایت آخرین پیشوای آسمانی می نمایند.

4. «وصی وصیک»: امام حسن عسکری علیه السلام چند لحظه پیش از شهادتش، به فرزند بزرگوارش فرمود: «ابشر یا بُنی، فانّ صاحب الزمان، و انتّ المهدی، و انتّ حجة الله علی ارضه و انتّ ولدی و وصیی؛ فرزندم، مژده باد بر تو، که صاحب الزمان هستی. تو مهدی و حجت خدا بر روی زمین، و فرزند و جانشین من هستی»⁽¹²⁾.

5. «حجتک علی خلقک»: حضرت مهدی علیه السلام «حجة الله» است. این لقب از مشهورترین

لقبهای آن حضرت است و بیشتر محدثان آن را ذکر کرده اند و در بسیاری از ادعیه به چشم می خورد⁽¹³⁾. از قید «علی خلقک» استفاده می شود که آن حضرت، بر تمام مخلوقات حجت است و زمین هیچ گاه خالی از حجت نیست و حجت خدا در این عصر، گرچه غایب است، ولی حاضر است. ای جان فدای آن که او پیدای ناپیداستی بر گرد کویش هر دلی سرگشته و شیدااستی/ غایب اگر شد از نظر دایم کجا دارد مقرر جایش درون جان ما، در گوشه دلهاست⁽¹⁴⁾/ ب. دعا برای گشایش و سرور اهل بیت علیه السلام

در دوران ظهور، بر اساس روایت نورانی امام صادق علیه السلام⁽¹⁵⁾، حرم مطهر کریمه اهل بیت علیهم السلام، حرم این خاندان است. چه زیباست که در این مکان مقدس و مطهر، زائر دست به دعا برداشته، عرضه دارد: «اسئل الله ان یزینا فیکم السرور و الفرج؛ از خداوند می خواهم که سرور و گشایش شما را ببینیم».

قطعاً روز سرور اهل بیت علیهم السلام، روز ظهور بقیة الله ارواحنا له الفداه است؛ زیرا در دولت او، «عدالت در همه جا گسترده می شود»⁽¹⁶⁾ و «هر حقی به صاحب حق باز می گردد»⁽¹⁷⁾، «همه حقوق خدا، و خاندان عصمت و طهارت استیفا می شود»⁽¹⁸⁾، «در تمام مکانها، گلبانگ توحید و شهادت به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طنین انداز می شود»⁽¹⁹⁾ و «مردم را به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و برائت از دشمنان آن حضرت فرا می خوانند».

ج. دعا برای همراهی با معصومین علیهم السلام در زمان ظهور یا رجعت

اگر انسان یک لحظه از اهل بیت علیهم السلام، عقب یا جلو بیفتد، در جاده ضلالت قدم برداشته است. در دولت کریمه امام مهدی علیه السلام اگر کسی راه ضلالت را در پیش گیرد، حسابش با دوران سایر ائمه علیهم السلام فرق می کند؛ زیرا در حکومت آن حضرت، حجت بر همگان تمام شده است؛ لذا امام مهدی علیه السلام توبه کسی را نمی پذیرد⁽²⁰⁾.

از این رو، زائر می خواهد: «و ان یجمعنا و ایاکم فی زمرة جدکم محمد صلی الله علیه و آله؛ ما و شما را در زمره جد بزرگوارتان حضرت محمد که درود خدا بر او و آتش باد، گرد آورد».

این درخواست برای روز قیامت نیست؛ زیرا بهشت و مزایای آن در بخشهای بعدی این زیارت نامه مطرح شده است، بلکه برای ظهور امام زمان (عج) است. بر اساس عقیده رجعت، معصومین علیهم السلام در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دنیا برمی گردند. همراه بودن با امام مهدی علیه السلام به منزله همراه بودن با سایر ائمه علیهم السلام و قرار گرفتن در زمره پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. بخش دوم: آخرین معصوم، حضرت معصومه علیها السلام و قم

اشاره

تمام توجهاتی که امام زمان علیه السلام به مردم قم، به ویژه علما دارد، نشأت گرفته از برکت وجود حضرت معصومه علیها السلام است.

«فقیه گرانمایه، اسوه تقوا و فضیلت، مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری (متوفای 24 جمادی الثانی 1406 ه. ق.)، فرزند آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره)، در ضمن یادداشتهای خود آورده است: از خوابهای عجیب که قراین خارجیّه دارد و راجع به حضرت معصومه علیها السلام است، این که من، نگارنده، این جریان را که اهل علم و تحقیق و دقت در این امور، زیارت حضرت معصومه علیها السلام را در قسمت بالا سر حرم انجام می دادند، نمی پسندیدم؛ برای اینکه:

اولاً، سلام به حسب اعتبار عرفی باید به طرف آن وجود مقدس باشد، نه بالای سر و رو به قبله، که بدن مطهر در طرف چپ واقع می شود و در هیچ یک از سلامها - تا آنجا که می دانم - این شکل نرسیده است.

ثانیاً، در خصوص ضریح آن حضرت، که قبر مطهر نسبت به ضریح انحراف دارد و صورت مطهر نوعاً در پشت سر واقع می شود.

شبی خواب عجیبی دیدم که سه نفر از مردمان بیابان گرد، که یکی از آن سه بزرگوار معلوم بود که امام عصر (عج) بود، در پشت سر حضرت، رو به قبله، در طرف سر مبارک ایستاده اند و زیارت می کنند - به حسب ظاهر - یعنی معلوم بود که برای زیارت ایستاده اند؛ ولی من کلمات آنها را نمی شنیدم.

بعداً من به روایت «سعد»، که سند زیارت آن وجود مبارک است، مراجعه کردم، دیدم: «عند الرأس مستقبل القبلة؛ نزد سر رو به قبله»، و عبارت «فوق الرأس» به معنای

بالا سر را ندارد، و نزد سر، رو به قبله، با توجه به عرفیت سلام، که باید روبه جانب بدن مطهر باشد، منطبق بر همان موضع است که در عالم خواب، امام (عج) و دو نفر از یاران آن بزرگوار ایستاده بودند». (21)

الف. تربیت جانشینان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی الشریف

امام صادق علیه السلام 1200 سال پیش فرمود:

«به زودی، کوفه از علم خالی شود و بساط علم از آن برچیده شود؛ آن چنان که مار در لانه اش به خود می پیچد. آن گاه علم در شهری به نام «قم» ظاهر می شود و آنجا مرکز دانش و فضیلت می گردد تا جایی که در روی زمین حتی یک نفر مستضعف و ناآگاه در دین باقی نمی ماند، حتی بانوان پرده نشین. این، در آستانه ظهور قائم ما خواهد بود که خداوند، قم و اهل قم را قائم مقام حجت قرار می دهد و گرنه زمین خالی از حجت می شود و زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می برد. در آن ایام، علم از قم به همه سرزمینهای شرق و غرب جهان سرازیر می گردد و حجت خدا بر مردم کامل می شود و دیگر در روی زمین فردی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد. سپس قائم علیه السلام ظهور می کند و موجب خشم و غضب خداوند بر مردم می شود؛ زیرا خداوند از هیچ بنده ای انتقام نمی گیرد، جز هنگامی که حجت خداوند را انکار کند» (22).

نکته حایز اهمیت اینجاست که در روزی که اسم قم در جزیره العرب ناشناخته و گم بود، صادق آل محمد صلی الله علیه و آله آینده آن را ترسیم فرمود؛ همان طور که

تشریف فرمایی حضرت معصومه علیها السلام را به شهر قم، قبل از تولد او، بلکه قبل از تولد امام هفتم علیه السلام بیان فرمود (23).

اکنون حوزه علمیه قم از حوزه علمیه هزار ساله نجف، سبقت گرفته است و صدها مجتهد عالی مقام را در دامن خود پرورش داده است.

مقصود از قائم مقامی اهل قم، مراجع تقلیدند؛ زیرا امام زمان علیه السلام، آنان را جانشین خود قرار داده است (24).

نکته ظریف دیگری که در سخنان نورانی امام صادق علیه السلام به چشم می خورد، «حجّت بودن» مردم قم است که همسو با روایات «لولا الحجة لساخت الارض باهلها» (25) و نشان گر، جانشینی حقیقی و تام قم در زمینه ابلاغ دستورها الهی است.

در روایت دیگری، صادق آل محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

«ان الله... احتج ببلدة قم على سائر البلاد و بالمؤمنين من اهلها على سائر اهل المشرق و المغرب من الجن و الانس... و سیأتی زمان تكون بلدة قم و اهلها حجة على الخلائق و ذلك في زمن غيبة قائمنا الى ظهوره، و لو لا ذلك لساخت الارض بأهلها» (26) خداوند به سبب قم، بر همه شهرهای جهان و به سبب مؤمنان آنجا بر همه مردم شرق و غرب، از جن و انس، احتجاج می نماید... و زمانی فرا می رسد که قم و اهل آن بر همه آفریده ها، حجّت هستند و آن، در زمان غیبت قائم ماست تا موعد ظهور او و اگر قم نبود، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد». ب. تربیت یاوران صاحب الزمان علیه السلام

امیرمؤمنان علیه السلام درباره سالم ترین مکان هنگام نزول فتنه ها و پدید آمدن شمشیرها فرمود: «... سالم ترین مکانها، روستای قم است». سپس فرمود: «و

تلك البلدة التي يخرج منها انصار خير الناس ابا و اما وجداً و جدّة و عمّاً و عمّة؛⁽²⁷⁾ و آن، سرزمینی است که از آن بیرون می آید یاوران بهترین مردم از جهت پدر و مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، عمو و عمه». امام جعفر صادق علیه السلام درباره مردم قم فرمود: «... و اهل قم انصارنا؛⁽²⁸⁾ و مردم قم یاوران ما هستند». نیز فرمود: «اما انهم انصار قائمنا و دعاة حقنا؛⁽²⁹⁾ آگاه باشید که اهل قم یاوران قائم ما و دعوتگران حق ما هستند».

نیز فرمود: «و اهلها منا و نحن منهم؛⁽³⁰⁾ اهل قم از ما هستند و ما نیز از آنها هستیم». امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «فاذا جاء وعد اوليها ما بعثنا عليكم عباداً لنا اولی بأس شدید فجاسوا خلال الديار و كان وعداً مفعولاً»؛⁽³¹⁾ «هنگامی که وعده نخستین آنان فرا رسد، بندگان را برانگیزیم که صاحب نیرویی سخت هستند. پس در میان شهرها بگردند، و این وعده، حتمی است»، فرمود:

«منظور از وعده نخستین، هنگام خونخواهی امام حسین علیه السلام است و منظور از بندگان صاحب نیروی سخت، قومی هستند که پیش از خروج قائم (عج) برمی خیزند و هیچ خونی را از آل محمد صلی الله علیه و آله فرو گذار نمی کنند»⁽³²⁾.

در روایت دیگری، آن حضرت سه بار فرمود: «هم و الله اهل قم»⁽³³⁾؛ به خدا سوگند، آنان اهل قم هستند».

در محضر امام کاظم علیه السلام، صحبت از قم و قمی ها و گرایش آنان به حضرت بقیة الله (عج) شد. آن حضرت بر آنان رحمت فرستاد و فرمود:

«ان للجنة ثمانية ابواب، و واحد منها لاهل قم، و هم خيار شيعتنا من بين سائر البلاد خمر الله تعالى ولايتنا في طينتهم؛⁽³⁴⁾ برای بهشت، هشت در است. یکی از آنها، از آن اهل قم

است. آنان برگزیده های شیعیان ما در میان همه سرزمینها هستند. خداوند ولایت ما را با آب و گلِ آنان آمیخته است». قم، پایگاه شیعه در عصر غیبت است. از این رو، امام حسن عسکری علیه السلام بلافاصله بعد از تولد حضرت مهدی علیه السلام به احمد بن اسحاق قمی در قم نامه می نویسد و در ضمن آن، مرقوم می فرماید: «احمد بن اسحاق! خداوند به ما پسری عطا فرمود. خواستیم شما را از این خبر مسرت بخش آگاه سازیم تا در سرور و شادی ما شریک باشید». آن گاه دستور می دهد او این راز را از مردم مخفی بدارد، ولی در میان دوستان و شیعیان خالص نشر دهد⁽³⁵⁾. و نیز آن حضرت وقتی سعد بن عبدالله قمی به محضرش شرفیاب می شود، با عنایتی ویژه، سعادت دیدار آخرین حجت الهی علیه السلام را نصیبش می کند⁽³⁶⁾.
پی نوشت:

1) بین این دو نور پاک، پیوند نسبی وجود دارد. در 199 روایت وارد شده است که امام مهدی علیه السلام پنجمین فرزند امام موسی بن جعفر علیه السلام است. ر. ک: «منتخب الاثر» ص 276 - 275. به حسب علم انساب، حضرت معصومه علیها السلام، عمّه امام زمان علیه السلام است و رهیافتی که از حرکت حضرت معصومه علیها السلام نصیب مباحث مهدویت می شود، این است که توجیه و تأویل مناسبی برای بحث زنان در حکومت امام مهدی علیه السلام است.

2) این موارد عبارت اند از:
الف. اعتقاد به ولایت امامان: «السلام علیک یا امیرالمؤمنین... و حجتک علی خلقک»؛

ب. دعا برای فرج امام زمان (عج): «اسئل الله ان یرینا فیکم السرور و الفرج»؛

ج. دعا برای همراهی با آنان: «و ان یجمعنا و یاکم فی زمره جدکم محمد صلی الله علیه و آله»؛
د. دعا برای بقای بر راه ولایت: «و ان لا یسلبنا معرفتکم»؛

ه. ابراز تقرب خداوند متعال با محبت این خاندان و اعلان برائت از دشمنان آنان: «اتقرب الى الله بحبكم و البرائة من اعدائكم»؛ و. طلب سعادت و حسن عاقبت با حفظ عقیده به ولایت: «اللهم انى اسئلك ان تخدم لى بالسعادة فلا تسلب منى ما انا فيه»؛

ز. اظهار عنایت پروردگار بر نعمت ولایت: «فلا تسلب منى ما انا فيه و لا حول و لا قوة الا بالله العظیم»؛

ح. درود و تحیت پایانی: «و صلى الله على محمد و آله اجمعين و سلم تسليمًا يا ارحم الراحمين». (3) ر. ک: «زندگانی کریمه اهل بیت علیهم السلام» ص 128.

(4) صلوات خداوند به معنای فرستادن رحمت است. برای اطلاع بیشتر به کتابهای تفسیر، ذیل آیه 56 سوره احزاب: «ان الله و ملائکته يصلون على النبى...» مراجعه شود.

(5) علامه مجلسی (ره) در «بحار الانوار» ج 102، ص 266، این زیارت نامه را از امام زمان علیه السلام نقل نموده است. برای اطلاع بیشتر از سند این زیارت نامه، ر. ک: «ماهنامه کوثر» شماره 35، ص 29.

(6) مفاتیح الجنان» ص 96، دعای روز جمعه. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: «مفاتیح الجنان» ص 273، دعای نیمه شعبان و ص 868 زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام؛ «اصول کافی» ج 1، ص 276، 277 و 299 و «نجم الثاقب» ص 123.

(7) سوره احزاب: 33، آیه 46: «و داعيا الى الله باذنه و سراجاً منيراً».

(8) از امام صادق علیه السلام پرسیدند: مردم از امام غایب چگونه نفع می برند؟ فرمود: «کما ينتضعفون بالشمس اذا استرها السحاب»؛ «بحار الانوار» ج 52، ص 92. امام زمان (عج) نیز در این باره فرمود: «و اما وجه الانتفاع بى فى غیبتى فكالانتفاع بالشمس اذا غیّبها عن الابصار السحاب»؛ «بحار الانوار» ج 52، ص 181.

(9) امام غایب (عج) مانند امام حاضر، به وظیفه پیشوایی خود که هدایت، تربیت نفوس، مدد رسانی و نگه داشتن مردم از لغزشها و صیانت دین و پیروان است، سعی فراوان دارد. ر. ک: «ره توشه یاوران مهدی» ص 111.

(10) مقام معظم رهبری (زید عزه).

(11) نجم الثاقب» ص 124.

(12) بحار الانوار» ج 52، ص 17؛ «روزگار رهایی» ج 1، ص 151.

- 13) نجم الثاقب» ص 68. در دعای توسل نیز می گویم: «یا حجة الله على خلقه».
- 14) به پای محور هستی» محمد جواد قائمی همدانی، ص 4.
- 15) ان الله حرماً و هو مكة و لرسوله حرماً و هو المدينة، و لامير المومنين حرماً و هو الكوفة، و لنا حرماً و هو قم، و ستدفن فيه امرأة من ولدى تسمى فاطمة، من زارها وجبت لها الجنة»؛ «تاریخ قم» ص 214.
- 16) بحار الانوار» ج 52، ص 322.
- 17) الارشاد» شیخ مفید، ص 343.
- 18) مدينة البلاغة» ج 1، ص 232؛ «او خواهد آمد» ص 10؛ «بحار الانوار» ج 52، ص 340.
- 19) بحار الانوار» ج 52، ص 308؛ «ینابیع المودة» ص 508؛ «او خواهد آمد» ص 9.
- 20) امام محمد باقر علیه السلام: «... لا يستتیب احداً»؛ «بحار الانوار» ج 52، ص 354. و در توقیعی از حضرت مهدی (عج) آمده است: «... فان امرنا بغتة فجائت حين لا تنفع توبة»؛ «الاحتجاج» ج 2، ص 495.
- 21) زندگانی کریمه اهل بیت علیهم السلام» ص 208 - 207. در این کتاب، ده نمونه از عنایات امام مهدی علیه السلام نسبت به حرم مطهر و مقدس عمه بزرگوارش، حضرت معصومه علیها السلام، در فصل یازدهم، ص 205، با عنوان «طلوع خورشید جهان افروز امامت از افق کریمه اهل بیت علیهم السلام» ذکر شده است.
- 22) بحار الانوار» ج 60، ص 213.
- 23) تقبض فیها امرة من ولدی و اسمها فاطمة بنت موسی...؛ «بحار الانوار» ج 60، ص 216؛ «النقض» ص 196؛ «مجالس المؤمنین» ج 1، ص 83.
- 24) امام زمان علیه السلام در توقیعی به محمد بن عثمان العمری می نویسد: «... و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله...». احتجاج، ج 2، ص 281.
- 25) غیبت» شیخ طوسی، ص 139؛ «اصول کافی» ج 1، ص 139؛ «بحار الانوار» ج 36، ص 259 و 238؛ «ینابیع المودة» ج 1، ص 74 و 75؛ «فرائد السمطین» ج 1، ص 46.
- 26) روزگار رهایی» ج 1، ص 359.
- 27) بحار الانوار» ج 60، ص 217. در روایت دیگری در وصف امام مهدی علیه السلام آمده است که او خیر

- الناس از جهت پدر و مادر و جد و جده است؛ «روزگار
 رهایی» ج 2، ص 1048.
- (28) بحار الانوار» ج 60، ص 214.
- (29) همان، ص 218.
- (30) همان، ج 60، ص 217.
- (31) سوره اسراء: 17، آیه 5.
- (32) روضه کافی» ص 175؛ «تفسیر عیاشی» ج 2، ص 281؛
- (33) بحار الانوار» ج 60، ص 217.
- (34) همان، ص 216.
- (35) کمال الدین» ج 2، ص 434.
- (36) بحار الانوار» ج 52، ص 78 - 89.

کامیاب در سایه سار خواهر آفتاب

نویسنده: محمد رضا یکتایی

چکیده

پرسشی که محور این مقاله قرار گرفته، عبارت است از:

«هدیه کریمه اهل بیت علیه السلام به دوستداران و زائران این بیت و حرم شریف چیست؟»

پاسخ را در دو بخش «آثار زیارت» و «آداب زیارت» مطرح کرده، در پایان نوشتار به نتایج زیر دست یافته ایم:

1. از آثار زیارت حضرت معصومه علیها السلام شفاعت در قیامت و ورود به بهشت است.

2. زیارت حضرت معصومه علیها السلام آن گاه مؤثر خواهد بود که در آن «هنر ترکیب، معرفت، هجرت و قصد قربت» وجود داشته باشد.

3. کسی که نمی تواند به زیارت حضرت رضا علیه السلام برود، می تواند به زیارت کریمه اهل بیت علیها السلام برود.

4. هرکس می خواهد قبر گمشده حضرت زهرا علیها السلام را زیارت کند، به قم برود و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را زیارت کند.

5. ترکیب زیارت حضرت معصومه علیها السلام و زیارت جمکران و امام زمان (عج) یعنی «نور علی نور».

کلمات کلیدی: حضرت معصومه علیها السلام، زیارت، معرفت، هجرت، قصد قربت، شفاعت و بهشت.

مقدمه

سالهای سال است که زائران عارف از راههای دور و نزدیک به زیارت حضرت معصومه علیها السلام می آیند و بر سر سفره کرامت کریمه اهل بیت علیها السلام نشسته، دست از گناه شسته و پاک پاک، چالاک و شاداب همانند یک فرشته برمی خیزند، سلامی می دهند و کلامی می گویند، اشکی می ریزند، دعایی می خوانند و با بوسه بر آن آستانه، گرسنگی روح خویش را برطرف می کنند، پیشانی بر تربت غربت آن خواهر آفتاب می ساینند، و سبکبار و سبکبال پرواز آغاز می کنند.

بخش اول: آثار زیارت

زائر به قصد «زیارت حرم» حرکت می کند و حرم یعنی خانه، مکان و فضایی محترم که هتک حرمت آن جایز نیست؛ چنان که می گوئیم مکه و حوالی آن حرم است، واژه حرم مقابل کلمه «حِلّ» است.⁽¹⁾

امام علی علیه السلام در باره حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می فرماید: «کرامت نبوت از سوی خداوند سبحان نصیب محمد صلی الله علیه و آله گردید. او را از نیکوترین خاندانها و عزیزترین دودمانها برگزید؛ از شجره ای که پیامبران را از آن آشکار نموده بود و امینان وحی خود را از آن انتخاب کرده بود. خاندان او، بهترین خاندانها، و اهل بیتش، نیکوترین اهل بیت هاست. شجره او که بهترین شجره هاست، در «حرم» روییده و در بستان مجد و شرف بالیده است».⁽²⁾

بنابراین، خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، خاندان کرم و خانه آنان، حرم و

محترم است. اینجا برای مشخص شدن جایگاه حرم کریمه اهل بیت علیها السلام، به کلامی شیرین و دلنشین از پیشوای ششمین، امام صادق علیه السلام، گوش جان می سپاریم:

«خداوند حرمی دارد و آن مکه است، و رسول خدا حرمی دارد که آن مدینه است، امیر مؤمنان حرمی دارد و آن کوفه است، ما اهل بیت نیز حرمی داریم که آن قم است. به زودی بانویی از تبار من در آنجا دفن می شود، و هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود».⁽³⁾

از سوی دیگر، هشتمین امام و رهبر، حضرت رضا علیه السلام می فرماید:

«هر کس او (حضرت معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، چنان است که مرا زیارت کرده است».⁽⁴⁾

همچنین آن حضرت فرمودند:

«هیچ یک از دوستان عارف به حقم مرا زیارت نمی کند، مگر آنکه او را روز قیامت شفاعت خواهم کرد».⁽⁵⁾

زیارت حضرت معصومه علیها السلام، زائر را از شفاعت رضوی و بهشت برین بهره مند می کند. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«هرکس او (حضرت معصومه علیها السلام) را زیارت کند، بهشت از آن اوست».⁽⁶⁾

باید توجه داشت که آثار زیارت حضرت معصومه علیها السلام منحصر به آثار اخروی نیست، بلکه آثار دنیوی نیز دارد؛ زیرا «دنیای زیبا»، زمینه ساز «آخرت زیبا» می شود.

این دو فراز را با یکدیگر ترکیب کرده و نتیجه را بررسی کنیم:

1. فراز اول: زیارت خواهر آفتاب، یعنی زیارت خود آفتاب.

شمس الشَّموس و انیس النَّفوس، امام رضا علیه السلام می فرماید:

«هرکس معصومه را در قم زیارت کند، همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد».⁽⁷⁾

2. فراز دوم: خاک پای زائر امام رضا علیه السلام، توتیای گرانبها. مرحوم آخوند ملاعلی همدانی در باره استاد بزرگوار، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی فرمود:

«مرحوم حاج شیخ عبدالکریم (اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: چشم درد شدیدی به من عارض شد، به حدی که توان مطالعه و نوشتن را از من سلب نمود. مطالعه و نگارش را کنار گذاشتم و به معالجه و درمان پرداختم، ولی این ناراحتی همچنان ادامه داشت تا آنکه فصل تعطیلی رسید و با قطار عازم زیارت و عتبه بوسی ثامن الحجج حضرت امام رضا علیه السلام شدم و در نیتم بود که از خداوند متعال توسط آن بزرگوار شفای درد چشم را مسألت نمایم. اتفاقاً با جمعی از زائرین دهات آذربایجان که با شور و شوق فراوانی عازم زیارت بودند، در قطار هم کوپه شدم. بی آنکه زبان همدیگر را بدانیم، در بین راه یک مرتبه به نظرم رسید که خوش قلب تر و پاک تر و خالص تر از این زائران کسی را پیدا نخواهم کرد که عازم زیارت آقا باشند. اینان یک سال با تمام زحمات طاقت فرسا کار می کنند و بیل می زنند و شخم می کنند و اندک درآمدی را که پیدا می کنند، گرانبها تر و ماندنی تر از زیارت آقا ثامن الحجج علیه السلام چیزی برای خود نمی دانند و دسترنج حلال خود را صرف زیارت می نمایند. چه بهتر از غبار خاک پای اینان استشفای نمایم. به همان نیت ذره ای از زیر کفش یکی از این زائرین را به چشم کشیدم؛ بی آنکه او خود توجه

داشته باشد. خداوند متعال از عنایت ثامن الحجج علیه السلام از همان لحظه درد چشم را از من برطرف نمود و تا آخر عمر هم نیاز به عینک پیدا ننمودم».

آقای آخوند فرمودند: «مرحوم حاج شیخ تا اواخر عمر می توانستند از فاصله دور به مطالعه کتاب بپردازند، بی آنکه نیازی به عینک داشته باشند».⁽⁸⁾

از آنچه تاکنون درباره زیارت آفتاب و خواهر آفتاب نوشته ایم، می توانیم یک نتیجه کلی درباره زیارت بگیریم: «زیارت یعنی مسافرت از بهشت زمین به سوی بهشت برین».

خیلی به جاست که بخش آثار زیارت را با کلامی زیبا و گویا از امام جواد علیه السلام متبرک نماییم:

«هرکس قبر عمه ام (حضرت معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، بهشت از آن او خواهد بود».⁽⁹⁾

بخش دوم: آداب زیارت

هدیه کریمه اهل بیت علیها السلام به زائران عبارت است از: سعادت دنیوی و سعادت اخروی؛ یعنی رسیدن به آرامش روان، شفاعت بزرگواران و بهشت جاودان. این همه نتایج دل پسند برای زائر حاصل نمی شود، مگر آنکه زائر به آداب زیارت آگاه شود و بدان عمل کند. در این نوشتار، به سه شرط نه چندان دشوار برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام، به اختصار اشاره می شود:

الف. معرفت

آن گاه حرکت، سرچشمه برکت خواهد شد که سرشار از معرفت باشد، امام علی علیه السلام می فرماید:

«ای کمیل، هیچ حرکتی نیست، جز آنکه تو در آن به شناخت و معرفت نیازمندی».⁽¹⁰⁾

حرکت یا مسافرت برای زیارت نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«ای سعد! ما در شهر شما آرامگاهی داریم. سعد می گوید: فدایت شوم آرامگاه دختر موسی بن جعفر علیه السلام را می فرمایی؟ آن حضرت فرمود:

«نَعَمْ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»⁽¹¹⁾ آری، هرکس با معرفت به مقام او، زیارتش کند بهشت از آن اوست».

بنابراین، زائر حضرت معصومه علیها السلام باید اهل «معرفت» باشد و الا از شفاعت و بهشت خبری نیست!

زندگانی بسیار کوتاه حضرت معصومه علیها السلام با خاطرات تلخ و شیرین بسیار توأم است که برای شناخت و معرفت به مقام و منزلت آن بانوی بزرگوار، به برخی از آنها اشاره می کنیم.

رابطه خواهر و برادر در فرهنگ برتر فراوان اند خواهران و برادرانی که با تمام وجود همدیگر را دوست دارند و در تمام عمر رشته محبت و مودتشان هرگز گسسته نشده و عشق و علاقه متقابلشان نقل مجالس و زبانزد خاص و عام است. در این میان، افراد نمونه ای پیدا می شوند که کانون مهر و وفا هستند و محبت و مودت زاید الوصف آنان به هم در طول قرون و اعصار، کم نظیر است. بارزترین نمونه این افراد، امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام هستند که همگان با نکات برجسته ای از عشق و علاقه متقابل این برادر و خواهر آشنا هستند و خاطرات تلخ و شیرین این خواهر و برادر را در طول زندگی، به ویژه در سفر کربلا، کم و بیش می دانند.

دومین نمونه بارز، خورشید فروزان امامت، حضرت امام رضا علیه السلام و

خواهر گرامی اش، ماه تابان برج عصمت،
حضرت معصومه علیها السلام هستند.

1. ولادت

مدت 25 سال، حضرت رضا علیه السلام تنها
فرزند نجمه خاتون بود؛ زیرا از نجمه
خاتون فقط دو فرزند در تاریخ ثبت شده
است: امام هشتم علیه السلام و حضرت
معصومه علیها السلام.
ولادت با سعادت امام هشتم در یازدهم
ذیقعه سال 148 هجری و میلاد مسعود حضرت
معصومه علیها السلام در اول ذیقعه 173
هجری بود.

بی گمان، شیرین ترین خاطره امام هشتم
از ماه ذیقعه، در آغاز آن بود که هلال
«معصومه» از برج «نجمه» در افق امامت
درخشیدن گرفت و کانون زندگی امام هشتم
را با انوار درخشانش پر فروغ تر ساخت.

2. شخصیت علمی و فقهی

حضرت معصومه علیها السلام ماه تابانی
بود که پرتو افشانی را از خورشید فروزان
امامت آموخته و از دریای بیکران علوم
رضوی کسب فیض می نمود.

حضرت معصومه علیها السلام در سنین
کودکی به مقامی رسید که به راحتی می
توانست به پرسشهای فقهی و عقیدتی پاسخ
مناسب بگوید و پاسخهایش مورد پذیرش و
شگفت پدر بزرگوارش قرار بگیرد.

روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند
و چند پرسش در نامه ای نوشته، به خاندان
امامت بردند.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سفر
بود و امام رضا علیه السلام نیز در مدینه
نبود. هنگامی که آن گروه از مدینه قصد

عزیمت داشتند، از اینکه خدمت امام علیه السلام نرسیده بودند و با دست خالی به وطن خود برمی گشتند، بسیار اندوهگین بودند. حضرت معصومه علیها السلام که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، از مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شد و لذا پاسخ پرسشهای آنان را نوشت و به ایشان عنایت کرد.

شیعیان، مدینه را با سرور و شادی ترک کردند. آنان در بیرون مدینه، با امام کاظم علیه السلام مواجه شدند. هنگامی که داستان خود را گفتند و دستخط حضرت معصومه علیها السلام را ارائه دادند، امام کاظم علیه السلام شادی و ابتهاج خود را با این جمله بیان فرمودند: «فداها ابوها؛ پدرش فدایش».

3. پدری مهربان در زندان

در سالهای سخت و جانکاه 183 - 179 هجری که پدر بزرگوار حضرت معصومه علیها السلام در زندان هارون به سر می برد، این شفیعه روز محشر، در دفاع از حریم ولایت و پاسداری از خط امامت، نقش بسیار مؤثری ایفا نمود.

4. دختر در سوگ پدر

بیش از ده بهار از عمر شریفش نگذشته بود که پدر بزرگوارش با زهر جفا در زندان به شهادت رسید و دریایی از غم و اندوه بر قلب شریفش فرو ریخت. تنها مایه تسلی او، برادر بزرگوارش، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بود که بعد از پدر، حجت خدا، دادرس امت و فریاد رس

مردم مستضعف بود. او نیز در اوج خفقان، با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می کرد. یورشهای بی رحمانه ای که توسط دژخیمان رژیم انجام می شد، دل نازنین حضرت معصومه علیها السلام را می آزرده؛ ولی دیدار برادر این غمها را از دل او می زدود و صفا به کانون زندگی اش می بخشید. جانشین ناشایسته هارون، «مأمون» نیز راه پدر را در پیش گرفت و وجود اقدس امام هشتم را از کانون خانواده جدا نمود و به اجبار - ولی ظاهراً به صورت محترمانه - به خراسان جلب کرد و به اقامت اجباری در خراسان وادار نمود. مأمون دغل باز با نیرنگ فراوان و توسل به زور و تزویر، امام رضا علیه السلام را به پذیرش ولایتعهدی مجبور نمود. امام رضا علیه السلام که با ترفندهای مأمون آشنا بود و می دانست که او برای رسیدن به اهداف خود این موضوع را مطرح نموده، با اکراه تمام و اعلام شرایطی چند، ولایتعهدی را پذیرفت و در روز هفتم رمضان سال 201 هجری، رسماً به عنوان ولیعهد معرفی گردید.

5. خواهر در فراق برادر

حضرت معصومه علیها السلام حدود یکسال فراق برادر را تحمل کرد، ولی طاقتش طاق شد و کاسه صبرش لبریز گردید؛ لذا به اشتیاق دیدار برادر عزیز، مدینه را به قصد «مرو» ترک کرد.

6. نامه امام رضا علیه السلام به حضرت معصومه علیها السلام

حضرت امام رضا علیه السلام نامه ای به حضرت معصومه علیها السلام نوشت و آن را توسط یکی از غلامانش به مدینه منوره ارسال کرد.

امام هشتم به غلام دستور داد در هیچ منزلی توقف نکند تا در اندک زمان ممکن آن نامه را به مدینه برساند. آن گاه نشانی خانه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را برای او بیان فرمود تا از کسی آدرس نپرسد.

غلام، خود را به مدینه رسانید و نامه را به خدمت حضرت معصومه علیها السلام تسلیم نمود. حضرت معصومه علیها السلام به مجرد رسیدن نامه امام هشتم، خود را آماده سفر نمود.

7. همراهان حضرت معصومه علیها السلام و عزیمت به ایران

بانوی با فضیلتی که در سرا پرده عصمت، در تحت نظارت مستقیم امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام تربیت شده، هرگز بدون همراهان واجد شرایط به مسافرت دور و دراز «مدینه» تا «مرو» - آن هم با وسایل آن روز و نا امنی جاده ها - تن نمی داد.

لذا از برادران و برادر زادگان، هرکدام را که آماده سفر به ایران بودند، گرد آورد و به این سفر پرمخاطره به خاطر دیدار برادر اقدام نمود.

در این سفر، پنج تن از برادران حضرت معصومه علیها السلام به نامهای: فضل،

جعفر، هادی، قاسم و زید، و تعدادی از برادر زادگان، و تنی چند از غلامان و کنیزان، آن حضرت را همراهی می کردند. آنان رنج سفر را تحمل کردند تا به شهر «ساوه» رسیدند. مردم ساوه در آن ایام از دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام بودند. از این رو، هنگامی که مرکب حضرت معصومه علیها السلام و همراهانش به ساوه رسید، مردم ساوه به دستور مأمون به آنان حمله ور شدند و جنگ سختی درگرفت و همه برادران و برادر زادگان حضرت معصومه علیها السلام به شهادت رسیدند.

هنگامی که حضرت معصومه علیها السلام جسد های غرقه به خون و پیکرهای قطعه قطعه شده 23 تن از عزیزان خویش را نقش بر زمین دید، به شدت اندوهگین شد و به احتمال قوی، به دستور مأمون و توسط مأموران امنیتی در ساوه، به زهر جفا مسموم گردید؛ زیرا مأمون به همه حکام و امرای بلاد که در مسیر کاروانهای سادات بودند و قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام را داشتند، دستور داده بود که آنان را دستگیر کنند یا به قتل برسانند.

8. عزیمت به سوی قم

اهالی قم که از روز نخست با محبت خاندان عصمت و طهارت خو گرفته بودند و اسلام را با ولایت امیرمؤمنان علیه السلام پذیرفته بودند و هرگز در برابر غاصبان حکومت علوی خضوع نکرده بودند، هنگامی که از این فاجعه دلخراش آگاه شدند، به ساوه رفتند و حضرت معصومه علیها السلام را با احترام تمام به قم آوردند.

حضرت معصومه علیها السلام روز بیست و سوم ربیع الاول 201 هجری، در میان

استقبال پرشور مردم قم وارد این سرزمین شدند. «موسی بن خزرج» زمام ناقه را به دوش می کشید و عده فراوانی، پیاده و سواره، گرداگرد کجاوه و شمع وجود حضرت معصومه علیها السلام پروانه وار در حرکت بودند تا در محلی که امروز «میدان میر» نامیده می شود، ناقه حامل آن حضرت زانو به زمین زد، و این افتخار بزرگ نصیب موسی بن خزرج شد که 17 روز میزبان کریمه اهل بیت علیها السلام باشد. بانوان با فضیلت قم دسته دسته به دیدار حضرت معصومه علیها السلام شتافته، او را در سوگ عزیزان از دست رفته تسلیت می دادند. خانه موسی بن خزرج به احترام اقامت 17 روزه آن حضرت، به صورت مدرسه درآمد و سالیان بعد، به «مدرسه سنیّه» (مدرسه خانم) موسوم گردید. محراب عبادت آن حضرت نیز در رو به روی درب ورودی مدرسه، تا امروز محافظت شده، و در طول تاریخ به عنوان «بیت النور» شهرت یافته و همواره زیارتگاه خاص و عام بوده است.

9. شهادت جانسوز خواهر آفتاب

حضرت معصومه علیها السلام 17 روز در خانه موسی بن خزرج به عبادت مشغول بود و سرانجام روز دهم ربیع الثانی سال 201 هجری پیش از آنکه دیدگانش با دیدار برادر روشن شود، در دیار غربت و در میان اندوه فراوان رحلت نمود و شیعیان قم را در ماتم خود به سوگ نشانید.

10. مراسم تشییع پیکر مطهر دختر موسی بن جعفر علیهم السلام

مردم قم با تجلیل فراوان، پیکر پاکش را تشییع کردند و در محل فعلی حرم که آن روز در بیرون شهر بود و به موسی بن خزرج تعلق داشت، با احترام هرچه تمام تر، مهیای دفن نمودند.

هنگامی که قبر مهیا شد؛ درمورد اینکه چه کسی پیکر پاک آن حضرت را وارد قبر کند، به بحث و مشورت پرداختند.

همه درمورد پیر مرد پرهیزگاری به نام «قادر» به اتفاق نظر رسیدند. کسی را به دنبالش فرستادند تا او را برای انجام این مهم فراخواند.

پیش از آنکه «قادر» بیاید، خداوند قادر و متعال با قدرت بیکرانیش دو تن سواره که نقاب بر چهره داشتند، از جانب ریگزار (محل رودخانه فعلی) نمودار ساخت که به سرعت نزدیک آمدند و به تجهیز آن بانوی مظلومه و معصومه پرداختند.

یکی وارد قبر شد و دیگری جسد پاک و مطهر آن حضرت را برداشته، به دست او داد تا در دل خاک نهان سازد.

آن دو بزرگوار پس از پایان مراسم دفن، بدون اینکه با احدی سخن بگویند، بر اسبهای خود سوار شده، از محل دور شدند.

کسانی که با سیره ائمه علیهم السلام آشنایی دارند، تردیدی ندارند که آن دو نفر وجود مقدس امام هشتم و نوردیده اش جواد الائمه علیهما السلام بوده اند که برای شرکت در مراسم کفن و دفن حضرت معصومه علیها السلام، به اعجاز امامت، از خراسان و مدینه، با طی الارض به این سرزمین تشریف فرما شده بودند.

11. چرا حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرد؟

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره دخترانش این گونه وصیت فرمود:

«هیچ یک از دخترانم را نباید برادران مادری، سلاطین و یا عموهایشان شوهر دهند، مگر با نظر و مشورت حضرت رضا علیه السلام، اگر بدون اجازه او به چنین کاری اقدام کنند، با خدا و رسول خدا مخالفت ورزیده اند و در سلطنت خدا منازعه نموده اند؛ زیرا او به مصالح قومش در امر ازدواج آگاه تر است. پس هرکسی را او بخواهد تزویج می کند و هرکسی را او نخواهد تزویج نمی کند».⁽¹²⁾

مسلم است که دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ازدواج نکردند. شاید دلیل ازدواج نکردن حضرت معصومه علیها السلام این باشد که برای ایشان همسری هم شأن و به اصطلاح «کفو» نبود. اگر مردی معصوم باشد، می تواند با زنان غیر معصوم ازدواج کند؛ ولی اگر زنی معصوم باشد، نمی تواند با مرد غیر معصوم ازدواج کند؛ زیرا اطاعت شوهر بر زن واجب است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر خدای تبارک و تعالی امیرالمؤمنین علیه السلام را برای فاطمه علیها السلام نمی آفرید، در روی زمین، از آدم گرفته تا هر بشری، بعد از او همسری برای او نبود».⁽¹³⁾

با توجه به عصمت حضرت معصومه علیها السلام، به جرأت می توان گفت که برای آن حضرت همسری هم سنگ و هم شأن نبود تا با او ازدواج کند.

درباره دیگر خواهران حضرت، احتمالاً خفقان شدید حکومت مانع ازدواج شد؛ زیرا خفقان و اختناق در عصر هارون الرشید به

جایی رسیده بود که کسی جرأت نداشت به خانه امام کاظم علیه السلام آمد و شد کند و ارتباط داشته باشد.

در چنین فضای پلیسی، طبیعی بود که اقدام به خواستگاری از دختران موسی بن جعفر علیه السلام جرم بزرگی به حساب آید. (14)

12. زیارت نامه حضرت معصومه علیها السلام

اشاره

حضرت رضا علیه السلام به سعد اشعری قمی فرمود:

«ای سعد! از ما نزد شما قبری وجود دارد». سعد گفت: «قربانت گردم، آیا مقصود شما قبر دختر موسی بن جعفر علیه السلام است؟»

امام رضا علیه السلام فرمود: «آری، کسی که با معرفت به مقام او، زیارتش کند، بهشت از آن اوست».

سپس حضرت امام رضا علیه السلام چگونگی زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام را برای سعد چنین بیان کرد:

«وقتی کنار قبرش رفتی، نزد بالای سر آن حضرت، رو به قبله بایست و 34 بار الله اکبر و 33 بار سبحان الله و 33 بار الحمد لله گفته، آن گاه بگو: أَلَسْلَامُ عَلَى أَدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ...».

اینجا فقط به یک فراز از این زیارت نامه زیبا اشاره و اکتفا می کنیم:

«يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ: (15)» ای فاطمه! درمورد بهشت از من شفاعت کن؛ که تو را نزد خداوند مقام رفیعی است».

ب. هجرت

هجر و هجران آن است که انسان از دیگری جدا شود، خواه با بدن یا زبان و یا قلب باشد. مهاجرت به معنای متارکه غیر است و در عرف، هجرت از محلی به محل دیگر است و در عرف قرآن، هجرت از دار کفر است به دار ایمان؛ مثل هجرت از مکه به مدینه که در اوایل اسلام اتفاق افتاد.⁽¹⁶⁾

در قرآن کریم، درباره هجرت و مهاجرین این چنین می خوانیم:

«آنکه در راه خدا مهاجرت کند، در روی زمین برخورداری های بسیار و گشایشها خواهد یافت. و هرکس از خانه خویش بیرون آید تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آن گاه مرگ او را دریابد، مزدش برعهده خداست، و خدا آمرزنده و مهربان است».⁽¹⁷⁾

بنابراین آیه شریفه، مهاجران در هر صورت به پیروزی بزرگی نایل می گردند، چه بتوانند خود را به مقصد برسانند و از آزادی و حریت در انجام وظایف بهره گیرند، و چه نتوانند و جان خود را در این راه از دست بدهند. با اینکه تمام پاداشهای نیکوکاران برخداست، ولی در اینجا، به خصوص، تصریح به این موضوع شده است: «فقد وقع اجره علی الله»؛ «پاداش او بر خدا لازم شده است» که نهایت عظمت و اهمیت پاداش مهاجران را روشن می سازد.

جالب این است که هجرت - آن هم نه برای حفظ خود، بلکه برای حفظ آیین اسلام - مبدأ تاریخ مسلمانان شده است، و زیربنای همه حوادث سیاسی، تبلیغی و اجتماعی ما را تشکیل می دهد. این نکته نیز کاملاً روشن است که «هجرت» حکم مخصوص به زمان پیامبر نیست، بلکه در هر عصر و زمان و مکانی اگر همان شرایط پیش آید، مسلمانان موظف به انجام هجرت هستند.

هجرت از نظر اسلام، تنها هجرت مکانی و خارجی نیست، بلکه باید قبل از این تغییر مکان، «هجرتی از درون» آغاز شود و آن هجرت و دوری از چیزهایی است که منافات با اصالت و افتخارات انسانی دارد تا در سایه آن برای هجرت خارجی و مکانی آماده شود.

روح هجرت، فرار از «تاریکی و ظلمت» به «نور و نورانیت»، و از کفر به ایمان، و از گناه و نافرمانی به اطاعت فرمان خداست؛ لذا در احادیث می خوانیم:

مهاجرانی که جسمشان هجرت کرده، اما در درون و روح خود هجرتی نداشته اند، در صف مهاجران نیستند. به عکس، آنان که نیازی به هجرت مکانی نداشته، ولی دست به هجرت در درون وجود خود زده اند، در زمره مهاجران اند. (18)

مهاجر حقیقی، امام علی علیه السلام می فرماید:

«بعضی می گویند: مهاجرت کرده ایم، در حالی که مهاجرت واقعی نکرده اند. مهاجران واقعی آنان هستند که از گناهان هجرت می کنند و مرتکب آن نمی شوند». (19)

بنابراین، زائر خواهر آفتاب، باید مهاجر الی الله باشد؛ یعنی از گناهان هجرت کرده، دوان دوان و شتابان به سوی آستان و درگاه حضرت سبحان طی طریق کند.

حضرت معصومه علیها السلام مهاجر الی الله بود که از مدینه به سوی خراسان هجرت نمود.

او «هجرت مکانی» و «هجرت نهانی» را به زائران نورانی آموزش داده است.

امام علی علیه السلام کلامی زیبا درباره هجرت دارد:

«هجرت از ضلالت به هدایت، همان گونه که واجب بود، بازهم واجب است. خداوند را به

مردم روی زمین نیازی نیست؛ چه آنان که ایمان خویش پنهان دارند و چه آنان که آشکار کنند. نام مهاجر بر کسی ننهند، مگر آنکه حجت خدای بر روی زمین را بشناسد. پس هرکه او را شناخت و به او اقرار آورد، مهاجر است». (20)

امام علی علیه السلام شناخت و اقرار نسبت به امام زمان علیه السلام را معیار هجرت می داند، و بسیار شگفت انگیز است که زیارت حضرت معصومه علیها السلام با زیارت مسجد جمکران و عرض ادب به قلب عالم امکان، حضرت صاحب الزمان علیه السلام طبق مرسوم با هم صورت می گیرد و مقارن هستند و این یعنی: «نُورٌ عَلَى نُورٍ». ج. قصد قربت

زیارت حضرت معصومه علیها السلام باید زلال و بی ملال باشد و زائر را به علم و کمال برساند. مهم ترین معیار و ملاک برای زیارت یا عبادت، «اخلاص» است. امام علی علیه السلام می فرماید: «الْإِخْلَاصُ مَلَائِكَةُ الْعِبَادَةِ». (21) بنابراین، ملاک قبولی زیارت، اخلاص است و زائر باید بسیار تلاش کند که زیارتش خالصانه و صادقانه باشد.

در حرم کریمه اهل بیت علیها السلام باید اسمای الهی را در نظر گرفت و به قصد قربت زیارت را به پایان برد. شاید ذکر «یا کریم» با آن حرم شریف مناسبت بیش تری داشته باشد که کرم و کرامت به معنای «سَخاوت»، «شرافت»، «نفاست» و «عزّت» است. (22)

حضرت معصومه علیها السلام را از آن جهت «کریمه» نامیده اند که مظهر اسم «کریم» است؛ یعنی او و حرمش نیز «سَخاوتمند»، «شرافت مند»، «نفیس» و «عزیز» است. زائر او هم با ذکر «یا کریم» از کرامت کریمه اهل بیت علیها السلام بهره مند شده،

کامیاب در سایه سار خواهر آفتاب، به
پرستش، نیایش و آرامش دست یابد.
نتیجه

1. از آثار زیارت حضرت معصومه علیها
السلام، شفاعت در قیامت و ورود به بهشت
است.

2. زیارت حضرت معصومه علیها السلام آن
گاه مؤثر خواهد بود که در آن «هنر ترکیب
معرفت، هجرت و قصد قربت» وجود داشته
باشد.

3. افرادی که نمی توانند به زیارت حضرت
رضا علیه السلام بروند، اگر حضرت معصومه
علیها السلام را در قم زیارت کنند، به
همان ثواب نایل می شوند؛ زیرا امام رضا
علیه السلام فرمود:

«هرکس نتواند به زیارت من بیاید،
برادرم را در ری (امام زاده حمزه) یا
خواهرم (حضرت معصومه علیها السلام) را در
قم زیارت کند که همان ثواب زیارت مرا در
می یابد». (23)

4. هرکس می خواهد قبر گمشده حضرت زهرا
علیها السلام را زیارت کند، به قم بیاید
و کریمه اهل بیت علیها السلام را زیارت
نماید.

علامه سیّد محمود مرعشی رحمه الله در نجف
اشرف، چهل شب ختم مجربی می گیرد که از
محل دفن حضرت زهرا علیها السلام مطلع
شود. امام باقر علیه السلام در عالم رؤیا
به ایشان می فرمایند: «عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ أَهْلِ
الْبَيْتِ». (24)

5. هرکس «نور علی نور» را می خواهد،
زیارت حضرت معصومه علیها السلام را با
زیارت جمکران ترکیب نماید.

منابع

1. مفردات نهج البلاغة، سید علی اکبر قریشی، ج 1.
2. نهج البلاغة، ترجمه عبدالحمید آیتی.
3. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج 48 و 102.
4. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص 334.
5. زندگانی کریمه اهل بیت(ع)، علی اکبر مهدی پور، نشر حاذق، 1380.
6. فقهای نامدار شیعه، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، دفتر نشر نوید اسلام، قم، چاپ سوم، 1376.
7. سفینه البحار، محدث قمی، ج 2.
8. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج 2.
9. حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم، محمد محمدی اشتهاردی، انتشارات علامه، 1375.
10. قاموس قرآن، سید علی اکبر قریشی، ج 7.
11. تفسیر نمونه، ج 4.
12. غررالحکم، ترجمه محمدعلی انصاری، ج 1. پی نوشت:
- 1 (1) «مفردات نهج البلاغة» سید علی اکبر قریشی، ج 1، ص 267.
- 2 (2) «نهج البلاغة» ترجمه عبدالحمید آیتی، خطبه 93، ص 208.
- 3 (3) «بحارالانوار» محمد باقر مجلسی، ج 48، ص 317.
- 4 (4) «کامل الزیارات» ابن قولویه، ص 334.
- 5 (5) «بحارالانوار» ج 102، ص 37.
- 6 (6) زندگانی کریمه اهل بیت علیها السلام» علی اکبر مهدی پور، نشر حاذق، 1380، ص 90.
- 7 (7) همان، ص 103.
- 8 (8) فقهای نامدار شیعه» عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، دفتر نشر نوید اسلام، قم، چاپ سوم، 1376، ص 506.
- 9 (9) «بحارالانوار» ج 102، ص 265.
- 10 (10) همان، ج 77، ص 26.
- 11 (11) «سفینه البحار» شیخ عباس قمی، ج 2، ص 376.
- 12 (12) «اصول کافی» محمد بن یعقوب کلینی، ج 2، ص 98.
- 13 (13) همان، ص 360.
- 14 (14) مطالبی که در بخش معرفت و آشنایی با حضرت معصومه علیها السلام مطرح شد، از کتاب ارزشمند «زندگانی کریمه اهل بیت علیها السلام» اثر آقای

- علی اکبر مهدی پور، تلخیص - با مختصری دخل و تصرف
- انتخاب شده است.
- (15) حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم» محمد
محمدی اشتهاردی، انتشارات علامه 1375، ص 141 (به
نقل از «بحارالانوار» ج 102، ص 266).
- (16) «قاموس قرآن» سید علی اکبر قریشی، ج 7، ص
138 و 139.
- (17) سوره نساء: 4، آیه 100.
- (18) «تفسیر نمونه» ج 4، ص 93 - 90.
- (19) «سفینة البحار» ج 2، ص 697.
- (20) «نهج البلاغة» ترجمه عبدالمحمد آیتی، خطبه
231، ص 554.
- (21) «غررالحکم» ترجمه محمد علی انصاری، ج 1، ص
30.
- (22) «قاموس قرآن» سید علی اکبر قریشی، ج 6، ص
103.
- (23) «زندگانی کریمه اهل بیت علیها السلام» ص 104.
- (24) «حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم» ص 138
و 139.

علل مهاجرت سادات به قم

سادات طالبیه عنوانی است که بر تمام فرزندان علی علیه السلام و برادران او جعفر و عقیل اطلاق می شود. مهاجرت اینان به ایران و شرق جهان اسلام علل گوناگونی داشت که مهم ترین آن ها عبارتند از:

1- سیاست سرکوب علویان در دوران بنی امیه و بنی عباس سبب پراکندگی و فرار افراد این خاندان به نقاطی دور از مرکز خلافت و گاه صعب العبور می شد.

2- ولایتعهدی امام رضا علیه السلام و هجرت او به خراسان از دیگر عوامل مهم مهاجرت سادات به این مناطق بود. هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در همین راستا بود. ساداتی دیگر نیز همراه خود امام رضا علیه السلام در این سفر او را همراهی کردند. (1)

3- مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام؛ پس از دفن دختر امام کاظم علیه السلام در قم، این شهر مورد توجه بیشتر علویان و سادات قرار گرفت و شمار زیادی از فرزندان امامان علیهم السلام و سادات علوی به این شهر آمدند. (2)

4 - شیوه زندگی سادات و زهد و عبادات آنان؛ ابن اسفندیار می نویسد: بهر وقت ساداتی را که به نواحی ایشان نشسته بودند، می دیدند زهد و علم و ورع ایشان را اعتقاد می کردند و می گفتند: آنچه سیرت مسلمانی است با سادات است. (3)

5- حمایت خاندان اشعری از ساداتی که به قم پناه می آوردند.

6- تشکیل حکومت سادات زیدی مذهب در ری و طبرستان. طبیعی است همسویی مذهبی ری با قم ایجاب کند تا سادات با اعتماد و پشتیبانی بیشتری که حاصل شده بود به مهاجرت به قم ترغیب شوند.

نقش سادات در گسترش تشیع

تاریخ دقیق مهاجرت سادات طالبیه معلوم نیست؛ ولی به نظر می رسد آغاز این هجرت در اواخر قرن دوم و به خصوص پس از ولایتعهدی امام رضا علیه السلام و هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم بوده است.

به یقین مهاجرت سادات علوی و امام زادگان به قم و مناطق اطراف آن، از عوامل مهم گسترش تشیع و گرایش مردم به اهل بیت علیهم السلام بوده است. مهاجرت اینان بیشتر به سبب رهبری یا شرکت در قیام های ضد دستگاه عباسی و در نهایت فرار از دستگیری و قتل و زندان بوده است. این سادات در این مناطق جز عقاید شیعه، سنت نبوی و علوی، نقل فضایل آباء و اجداد طاهرين شان و نیز ظلم ها و ستم های امویان و عباسیان، تبلیغ نمی کردند. در میان این سادات دانسته نشده است که از آنان کسی به عقاید و مکتب خلفا و اهل سنت گرایش داشته باشد. تاریخ سیاسی - فرهنگی این مناطق نشان داده است که قبور آنان و امام زادگان همیشه مورد احترام و پناهگاه شیعیان بوده و نقش مهمی در گسترش تشیع و گرایش مردم به اهل بیت علیهم السلام داشته است.

فهرست اسامی سادات قم

سادات مهاجر برخی حسنی و حسینی علیهم السلام و برخی دیگر از فرزندان جعفر بن ابی طالب و عقیل و محمد بن حنفیه بودند که از مناطق مختلف به ویژه از کوفه و بغداد به قم مهاجرت می کردند. اینان پیوسته میان شهرهای این منطقه رفت و آمد داشتند: گاه از ری به قم و بالعکس و گاه از قم به کاشان و طبرستان و نواحی این شهرها می رفتند. از این رو اینک مزار بسیاری از آنان در این شهرها پراکنده است که در نزد مردم به امام زاده ها معروفند. فهرست اسامی این سادات به قرار ذیل است.

الف. سادات علوی

سادات حنفی
علی بن احمد (باهر) بن محمد (عوید) بن
علی بن عبدالله بن جعفر (الثانی) بن عبدالله
بن جعفر بن محمد بن حنفیه.⁽⁴⁾
سادات عُمَری

اینان فرزندان عمر اطرف⁽⁵⁾ بن علی علیه السلام هستند. ابن طباطبا بدون هیچگونه توضیحی تنها از سه نفر به نامهای محمد، علی و یعقوب از فرزندان جعفر بن محمد بن جعفر بن محمد بن عمر اطرف نام برده است.⁽⁶⁾

سادات حسنی

محمد بن عبدالله (اشتر) بن محمد (نفس زکیه) بن عبدالله (محض) بن حسن بن حسن بن علی علیهم السلام.⁽⁷⁾

فرزندان اذرع (اذرع) محمد بن علی (باغر) بن عبیدالله بن عبدالله بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن علی علیهم السلام.⁽⁸⁾ احمد بن عیسی بن احمد (کرکوره) بن محمد بن جعفر بن عبدالرحمن الشجری بن القاسم بن الحسن بن زید بن حسن بن علی علیهم السلام.⁽⁹⁾ از فرزندان او طاهر به قم آمد و با دختر حسن بن حماد اشعری ازدواج کرد و دارای 4 پسر به نام های محمد، محسن، علی و احمد شد. برخی از فرزندان قاسم بن حمزة بن احمد بن عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمن الشجری.⁽¹⁰⁾ از اسامی این سادات در قم اطلاعی به دست نیامد.

سادات حسینی

فرزندان امام سجاد علیه السلام: سادات زیدی؛ اینان فرزندان زید بن علی علیه السلام بودند، از جمله حمزة بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید معروف به علوی قزوینی.⁽¹¹⁾

سادات شجری؛ اینان از نسل عُمر اشرف فرزند امام سجاد علیه السلام بودند که به قم مهاجرت کردند و به سادات شجری معروف شدند.⁽¹²⁾ سبب این شهرت آن بود که آنان از نواده های عمر شجری بن علی اصغر بن عمر اشرف بودند. احمد بن علی بن محمد شجری بن عمر شجری⁽¹³⁾ و ابو عبدالله عمری⁽¹⁴⁾ از این سادات هستند.

سادات حمزه؛ این سادات فرزندان حمزة بن احمد (الدَّخَّ)⁽¹⁵⁾ بن محمد بن اسماعیل بن محمد (ارقط) بن عبدالله (باهر) فرزند امام سجاد علیه السلام هستند.⁽¹⁶⁾ حمزه پس از شهادت حسن بن زید (بنیانگذار دولت علویان طبرستان) از طبرستان به قم آمد و به قمی معروف شد.⁽¹⁷⁾ حمزه در مقبره بابلان نزدیک قبر فاطمه معصومه دفن شد⁽¹⁸⁾ و از

آن رو که نواده عبدالله باهر بود، به اشتباه به او حمزه بهادر گفتند⁽¹⁹⁾ و فرزندان او به سادات حمزه مشهور شدند. ابوجعفر محمد بن حمزه⁽²⁰⁾ دفن شده در مقبره بابلان کنار پدر و جد بزرگوارش⁽²¹⁾ و تنها بازمانده اش پسری به نام ابوالحسن علی⁽²²⁾ از سادات حمزه بودند. هم چنین محمد بن ابی القاسم علی بن محمد بن حمزه، معروف به سلطان محمد شریف،⁽²³⁾ و حمزه بن عبدالله بن الحسین (کوکبی) بن حمزه⁽²⁴⁾ از این دسته از سادات بودند. سادات افطسی؛ اینان فرزندان حسن (افطس) بن علی بن زین العابدین علیه السلام بودند. عبدالله (اصغر) بن عباس بن عبدالله بن حسن و فرزندان او: عباس، حسین، محمد، علی و جعفر⁽²⁵⁾ فرزندان افطس بودند. از فرزندان ابوالفضل محمد بن حسین بن حسن بن حسین بن حسن افطس⁽²⁶⁾ نیز نام برده شده که انتساب آنان به وی، ثابت نیست.⁽²⁷⁾ سامی برخی آنان عبارت است از: حسین، احمد، زید و علی.⁽²⁸⁾

فرزندان امام صادق علیه السلام

ساداتی که از نسل امام صادق علیه السلام در قم و نواحی آن ساکن شدند از این قرارند.

سادات اسماعیلی؛ مانند ابوالحسن حسین بن حسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن صادق علیه السلام.⁽²⁹⁾

سادات عزیزیه و محسنیه؛ این سادات که از نسل محمد دیباج فرزند امام صادق علیه السلام بودند عبارتند از:

حسین بن علی بن محمد دیباج که ابوطاهر احمد، علی، عبدالله و جعفر از بازماندگان وی در قم بودند.⁽³⁰⁾ فرزندان علی و عبدالله نیز در قم سکونت داشتند.⁽³¹⁾

حسن بن علی بن محمد دیباج⁽³²⁾ نیز با پسرانی به نام های محمد، علی، عبدالله و محسن در قم بود؛⁽³³⁾ اما از گزارش عبیدلی برمی آید که حسن بن علی و فرزندان او در کوفه و بغداد ساکن بودند.⁽³⁴⁾

سادات عَریضه؛ اینان فرزندان علی بن جعفر الصادق علیه السلام هستند.⁽³⁵⁾ سادات عریضه برخی در ری و برخی در قم بودند. آنان که در قم ساکن بودند عبارتند از: حسین بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر. وی به همراه پسرش علی از مدینه به قم آمد.⁽³⁶⁾ علی فرزندی داشت، از جمله حسین بن علی بن حسین بن عیسی.⁽³⁷⁾

احمد بن قاسم بن احمد (شعرانی) بن محمد بن علی عریضی از سادات عریضه بود که در قم درگذشت و در قبرستان مالون⁽³⁸⁾ دفن و مزارش زیارتگاه شد. سید امام المرشد بالله گوید که احمد بن قاسم فرزندی نداشت.⁽³⁹⁾

حسین بن احمد بن حسین بن احمد (شعرانی) بن علی عریضی⁽⁴⁰⁾ و علی بن علی بن حسن بن علی بن عیسی (نقیب) بن محمد بن علی عریضی از این سادات بودند. علی فرزندی به نام های موسی، جعفر، علی، فاطمه، حمدونه، جعفر، حسین، محمد و عبدالله داشت. موسی و عبدالله در مدینه بودند و محمد به دست قبیله طی کشته شد.⁽⁴¹⁾

احمد بن حمزة بن محمد بن احمد بن حسین بن احمد (شعرانی) بن علی عریضی نیز از سادات عریضی بوده است.⁽⁴²⁾

فرزندان امام کاظم علیه السلام

سادات موسوی؛ تعداد آنان در قم بسیار است. اولین آنان حضرت معصومه علیها السلام بود که پس از ورود امام رضا علیه السلام در سال 201 به مرو، بدان سو آمد. آل سعد خزرجی از ورود آن حضرت به ساوه خبردار شده، اتفاق کردند تا از او بخواهند به قم تشریف آورد. موسی بن خزرج شبانه نزد ایشان رفت و زمام شتر او را گرفت تا در سرای خود در قم فرود آورد. آن حضرت 17 روز بعد، درگذشت و موسی او را در زمینی که در بابلان داشت، دفن کرد. (43)

اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی علیه السلام یکی دیگر از سادات موسوی است که به درخواست مردم قم به آن شهر آمد و مورد احترام بسیار قرار گرفت. (44) به دنبال وی محمد بن حسن بن ابراهیم بن موسی علیه السلام به آبه آمد و نقابت سادات آبه را بر عهده گرفت. جد آنان موسی بن ابراهیم در سال 200 در یمن قیام کرده مردم را به دعوت خود فرا خوانده بود. (45)

فرزندان امام رضا علیه السلام

موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام.

سادات برقعی؛ از معروف ترین سادات رضوی در قم و مشهد هستند که نسب شان به احمد بن محمد بن احمد بن موسی (مُبرِّقَع) (46) فرزند امام جواد علیه السلام می رسد. (47)

موسی مبرقع نخستین کس از فرزندان امام محمد جواد علیه السلام بود که در سال 256 به قم آمد. به گفته محمد بن حسن قمی، مردم قم از وی خواستند به کاشان برود. چون به کاشان رسید، احمد بن عبدالعزیز بن دلف عَجلی او را بسیار احترام کرد و اموال زیادی در اختیارش گذاشت. حسین بن علی بن آدم و یکی دیگر از رؤسای عرب به قم آمدند و با آگاهی از این موضوع، مردم قم را سرزنش کرده بزرگانی از عرب قم را به کاشان فرستادند. آنان او را پس از عذرخواهی، با احترام تمام به قم باز گرداندند. پس از مدتی بُرَیْهه دخترش و سه تن از دختران امام جواد علیه السلام به نام های زینب، ام محمد و میمونه از کوفه به قم آمدند. تمامی آنان در مقبره بابلان کنار قبر حضرت معصومه علیها السلام مدفونند. (48) موسی مبرقع در سال 296 در قم درگذشت و در محله ای معروف به موسویان (بقعه کوچک در چهل اختران) دفن شد. (49)

محمد فرزند موسی مبرقع در 22 ربیع الآخر 296 از دنیا رفت و در خانه اش که اینک به مشهد (بقعه بزرگ در چهل اختران) معروف است، دفن شد. (50) محمد فرزند احمد بن موسی مبرقع نیز در سال 315 درگذشت و کنار عمویش محمد بن موسی مبرقع دفن شد. احمد فرزند محمد بن احمد نیز در 47

سالگی سال 358 درگذشت و کنار قبر موسی مبرقع دفن شد. شهر قم در روز وفات احمد یک پارچه در غم و اندوه فرو رفت.⁽⁵¹⁾ وی چهار دختر و چهار پسر به نام های محمد،⁽⁵²⁾ موسی، علی،⁽⁵³⁾ و حسن داشت.

ب. سادات طالبی

از میان فرزندان جعفر تنها از حسین بن احمد بن حمزة بن قاسم بن عبیدالله بن جعفر نام برده اند.⁽⁵⁴⁾ محمد بن حسن قمی از فرزندان عقیل بدون اشاره به نام کسی گفته است یکی از فرزندان عقیل در سال 319 به قم آمد.⁽⁵⁵⁾

بخش دوم: نقبای قم و ری

مناطق شیعه نشین از قرن دوم به بعد در مرکز ایران شامل قم کاشان و ری و ساوه و برخی دیگر از نقاط اطراف این حوزه بود. تشیع قم و ری در قرن ششم تا هشتم ارتباط سیاسی و مذهبی و فرهنگی خاصی میان این دو منطقه پدید آورده بود. از همین رو افزون بر برخی از سادات که قم، یا ری، یا کاشان و شهرهای اطراف را داشتند اما برخی از نقبا، به دلیل جلالت شأن و عظمتی که داشتند افزون بر نقابت قم نقابت ری و شهرهای اطراف و بلکه نقابت عراق عجم را بر عهده داشتند که از غالباً از آنان به نقبای ری و قم یاد می شود. بدین مناسبت در باره تاریخچه مذهبی ری به طور اختصار در ذیل اشاره می شود.

پی نوشت:

- (1) تاریخ قم، ص 224.
- (2) تاریخ مذهبی قم، ص 106.
- (3) ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج 1، ص 229.
- (4) ابن طباطبای، مهاجران آل ابی طالب، ص 339؛ عبیدلی، تهذیب الانساب، ص 268.

- (5) او را به دلیل این که تنها از طرف پدر یعنی امام علی علیه السلام سیادت و فضیلت می برد به «اطرف» نامیدند. ابن فندق، لباب الانساب، ج 1، ص 227.
- (6) مهاجران آل ابی طالب، ص 339.
- (7) مهاجران آل ابی طالب، ص 333؛ نیز نک: مجدالدین عمری، المجدی، ص 39.
- (8) تاریخ قم، ص 208.
- (9) تاریخ قم، ص 208 - 210؛ مهاجران آل ابی طالب، ص 335.
- (10) تهذیب الانساب، ص 131؛ مهاجران آل ابی طالب، ص 335.
- (11) زنجانی، الجامع فی الرجال، ص 689.
- (12) شجره منسوب به دهی نزدیک مدینه به نام شجره است. سمعانی، الانساب، ج 3، ص 404.
- (13) تاریخ قم، ص 232.
- (14) تاریخ قم، ص 238.
- (15) به معنای نیک رو.
- (16) مهاجران آل ابی طالب، ص 338؛ ابن عنبه، عمدة الطالب، ص 200.
- (17) قمی، منتهی الآمال، ج 2، ص 102.
- (18) منتهی الآمال، ج 2، ص 102.
- (19) سید کیا، گیلانی، سراج الانساب، ص 95.
- (20) مهاجران آل ابی طالب، ص 337؛ منتهی الآمال، ج 2، ص 102.
- (21) همان.
- (22) مهاجران آل ابی طالب، ص 338. مرحوم محدث قمی کنیه علی را ابوالقاسم بیان داشته است. نک: منتهی الآمال، ج 2، ص 102.
- (23) منتهی الآمال، ج 1، ص 102 - 103. وی در محله ای به همین نام مدفون است؛ همان.
- (24) تاریخ قم، ص 227 - 228.
- (25) تاریخ قم، ص 228 - 229؛ مهاجران آل ابی طالب، ص 338.
- (26) مهاجران آل ابی طالب، ص 338؛ تهذیب الانساب، ص 262 - 263.
- (27) مهاجران آل ابی طالب، ص 338.
- (28) تهذیب الانساب، ص 264.
- (29) به گفته قمی، احمد بن اسحاق اشعری وکیل امام حسن عسکری علیه السلام ابوالحسن را به سبب شرابخواری تحویل نمی گرفت و چون پس از مدتی برای حج به مکه و از آن جا به قصد زیارت امام عسکری

- علیه السلام به سامرا رفت، اما امام علیه السلام او را نپذیرفت. احمد از این موضوع بسیار نگران شد و نمی دانست چه عملی از او سر زده که امام این چنین با او رفتار می کند. نک: تاریخ قم، ص 211 - 212.
- (30) مهاجران آل ابی طالب، ص 337.
- (31) تهذیب الانساب، ص 181.
- (32) تاریخ قم، ص 222.
- (33) همان.
- (34) تهذیب الانساب، ص 183.
- (35) تاریخ قم، ص 224. عریض دهی در یک فرسخی مدینه است و آن ملک امام باقر علیه السلام بوده است. بنابر وصیت امام صادق علیه السلام این ملک به پسرش علی که در هنگام وفات پدر دو سال بیش نداشت داده شد و فرزندان علی در آن ده ساکن شدند از این رو به عریضیه خوانده شدند. تاریخ قم، ص 224.
- (36) علی تنها پسر حسین بن عیسی بوده است. مادر وی زینب دختر حسین بن حسن بن حسین بن حسن افطس می باشد. مهاجران آل ابی طالب، ص 336.
- (37) تاریخ قم، ص 224.
- (38) قبرستان مالون در جنوب غربی شهر قم است. بنابر نوشته تاریخ قم، ص 23 مالون نام یکی از هفت قلعه ای بوده است که اکنون در بیرون دروازه قلعه و در اطراف بقعه احمد بن قاسم قرار دارد. این مکان امروز به محله «دروازه قلعه» معروف است.
- تاریخ مذهبی قم، ص 100.
- (39) مهاجران آل ابی طالب، ص 337.
- (40) تاریخ قم، ص 225؛ مهاجران آل ابی طالب، ص 337.
- (41) مهاجران آل ابی طالب، ص 336 - 337.
- (42) همان، ص 337.
- (43) تاریخ قم؛ ص 213.
- (44) تاریخ قم، ص 221.
- (45) همان، ص 222.
- (46) چون پیوسته بر روی خود برقع گذاشته بود او را مُبْرِقَع می گفتند. منتهی الآمال، ج 2، ص 618.
- (47) سراج الانساب، ص 75. محدث نوری در باره موسی مبرقع و شرح حال فرزندان او کتابی به نام «البدر المشعشع فی احوال ذریة موسی المبرقع» دارد. آغابزرگ تهرانی، الذریعه، ج 3، ص 68. این کتاب به همت حاج شیخ محمد بن مولی اسماعیل کجوری تهرانی واعظ معروف به سلطان المتکلمین (م. 1353) به فارسی ترجمه شده است. الذریعه، ج 4، ص 166.

- (48) تاریخ قم، ص 215 - 216؛ لباب الانساب، ج 2، ص 586.
- (49) منتهی الآمال، ج 2، ص 619، زرکلی، الاعلام، ج 7، ص 327.
- (50) مهاجران آل ابی طالب، ص 335.
- (51) تاریخ قم، ص 219.
- (52) از قم به خراسان رفت. تاریخ قم، ص 220.
- (53) از قم به خراسان رفت. تاریخ قم، ص 220.
- (54) تاریخ قم، ص 238.
- (55) همان.

فهرست مطالب

زندگینامه	2
سرچشمه دانش	2
مقام علمی حضرت معصومه (س)	4
فضیلت زیارت	4
برگزیدن شهر قم	5
زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از منظر	
روایات	6
زیارت مأثور درباره حضرت معصومه (ع)	6
امام رضا علیه السلام و لقب «معصومه»	7
کریمه اهل بیت	7
القاب حضرت معصومه (س)	8
شفاعت حضرت معصومه (س)	8
سرّ قداست قم	9
محبت و مباحات حضرت معصومه سلام الله علیها	
به امام هشتم	10
سرآمد بانوان	10
فضیلت بی نظیر	11
بوی وصال	12
شعر	12
غروب غمگین	13
زیارت آداب زیارت	13
متن زیارتنامه	15
نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام	
الله علیها	18
1- تولد و دوران کودکی	18
2- آغاز رنجها و شهادت پدر	20
3- سفر برادر به مرو	23
4- هجرت خواهر امام علیه السلام از مدینه	
به سوی مرو	28

- 5- کاروان زائران امام هشتم علیه السلام در ساوه 31
- 6- بیماری و وفات دختر امام کاظم (ع) .. 32
- 7- مراسم خاکسپاری 34
- 8- مزار شریف حضرت معصومه سلام الله علیها از گذشته تا کنون 35
- 9- پاداش زیارت حضرت فاطمه معصومه (س) . 36
- 3- امام جواد علیه السلام : هر کس عمه مرا در قم زیارت کند بهشت از آن اوست⁽⁴⁾ 37
- بانوی ملکوت پیش گفتار 37
- اخبار و روایات 39
- قم حرم اهل بیت 48
- شهر قم و نام افتخار آفرین آن 49
- مزایا و خصوصیات و عناوین شهر قم 51
- مزایای مردم قم 56
- چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه سلام الله علیها 62
2. حضرت فاطمه زهرا دخت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم 63
3. فاطمه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام 64
5. فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام 65
- درخشش حضرت معصومه سلام الله علیها 69
- شباهت حضرت معصومه به حضرت زینب علیهما السلام 74
- وفات کریمه اهل بیت علیهم السلام 76
- زیارت حضرت معصومه علیها السلام 81
- حضرت ولی عصر و زیارت حضرت معصومه علیهما السلام 86
- موقعیت و محبوبیت حضرت معصومه سلام الله علیها 90
- تواضع بزرگان در آستانه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها 94

اهتمام شیعه به زیارت حضرت فاطمه معصومه	
سلام الله علیها	95
کرامات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها .	99
آثار توسل به حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها	106
حل مشکلات علمی	109
برکات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها .	113
کانون هدایت و فیض دایم	119
2- مباحثه ها:	121
3- اذان در مقاطع سه گانه:	121
4- پخش مناجات قبل از اذان صبح:	121
5- نمازهای جماعت در مقاطع سه گانه: ...	122
6- دعا:	123
7- جشن ها:	123
8- سوگواری ها:	124
9- زیارت مقابر علما:	124
10- برنامه های مستقیم	125
11- نذورات و موقوفات:	126
موقوفات:	130
محدثه آل محمد علیهم السلام	130
فاطمه معصومه سلام الله علیها شفیعه روز جزا	
135	
هتک حریم قم و حضرت معصومه سلام الله علیها	
141	
بخشی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم	
1- زکریا بن آدم قمی	147
2- زکریا بن ادريس یا ابو جریر قمی ...	149
3- احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری	
قمی	151
4- علی بن ابراهیم قمی	151
5- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی	
155	

6-	محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی،	
معروف به صدوق.....	157	
7-	آخوند ملا محمد طاهر قمی رضوان الله علیه	
.....	159	
8-	شیخ غلامرضا قمی معروف به حاج آخوند	160
9-	حاج میرزا محمد ارباب.....	161
10-	مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی.....	163
11-	حاج شیخ مهدی حکمی قمی.....	166
12-	حاج میرزا محمد فیض قمی.....	167
13-	حاج آقا حسین قمی.....	169
14-	محدث قمی.....	173
عنایات معصومیه از زبان خادمین آستانه		
مقدسه.....	183	
تفاوت اعجاز و کرامات.....	184	
شفا یافتن پای همسر خادم.....	185	
قوری آب جو ش.....	186	
افطاری حضرت معصومه سلام... علیها...	187	
شفای کامل.....	188	
دعوت از سوی خانمهای نقابدار.....	188	
زیارت خانه خدا.....	189	
کمک مادی حضرت.....	190	
نتیجه اخراج خادم حضرت معصومه علیه السلام		
.....	191	
خادم حرم.....	191	
شفای بیماری کلیه.....	192	
شفای دست خادم.....	193	
هدیه از طرف بی بی.....	194	
خادمین بهشتی.....	194	
برکت هزار تومان.....	195	
حواله بی کم و زیاد.....	196	
موعد دیدار.....	197	
کریمه اهل بیت علیه السلام مشکل گشاست..	198	
حیات دوباره.....	198	
محفوظ ماندن مصالح ساختمانی.....	199	

200	شفا یافتن پای خادم
201	نجات یافتن از زندان
203	عنایت حضرت به خادمین کفشدار
203	زیارت خانه خدا
204	شفای لال
204	سقوط از چهار پایه
205	مقالات
211	تجدید بنای حرم مطهر
214	کرامات حضرت بی بی هیبت
	حضرت بی بی هیبت، احیاگر اسلام در جمهوری
215	آذربایجان
	سبب ترک ازدواج دختران موسی بن جعفر علیه
219	السلام
222	هم کفو
	دلیل ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام
224	
233	رحلت حضرت معصومه علیها السلام
	عظمت حضرت معصومه علیها السلام و فضیلت
234	شهر قم
	آخرین معصوم و حضرت معصومه علیهما السلام
237	
238	الف. عرض ادب و اهدای سلام
	ج. دعا برای همراهی با معصومین علیهم
241	السلام در زمان ظهور یا رجعت
	الف. تربیت جانشینان حضرت ولی عصر عجل الله
243	تعالی الشریف
250	کامیاب در سایه سار خواهر آفتاب
251	مقدمه
251	بخش اول: آثار زیارت
254	بخش دوم: آداب زیارت
256	1. ولادت

256	2. شخصیت علمی و فقهی
257	3. پدری مهربان در زندان
257	4. دختر در سوگ پدر
258	5. خواهر در فراق برادر
259	6. نامه امام رضا علیه السلام به حضرت معصومه علیها السلام
259	7. همراهان حضرت معصومه علیها السلام و عزیمت به ایران
260	8. عزیمت به سوی قم
261	9. شهادت جانسوز خواهر آفتاب
262	10. مراسم تشییع پیکر مطهر دختر موسی بن جعفر علیهم السلام
263	11. چرا حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرد؟
264	12. زیارت نامه حضرت معصومه علیها السلام
265	ب. هجرت
266	مهاجر حقیقی، امام علی علیه السلام می فرماید:
271	علل مهاجرت سادات به قم
272	نقش سادات در گسترش تشیع
273	فهرست اسامی سادات قم
273	الف. سادات علوی
273	سادات حسنی
275	فرزندان امام صادق علیه السلام
277	فرزندان امام کاظم علیه السلام
278	فرزندان امام رضا علیه السلام
279	بخش دوم: نقبای قم و ری
283	فهرست مطالب